تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان



جلد ۱۶

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم ----- ۹
مشخصات کتاب ----- ۹
یادآوری ----- ۹
درآمد ----- ۱۰
بخش اول: سوره‌ی عنکبوت ----- ۱۰
اشاره ----- ۱۰
اول: سیمای سوره‌ی عنکبوت ----- ۱۰
اشاره ----- ۱۱
شمارگان ----- ۱۱
نزول ----- ۱۱
فضایل ----- ۱۱
اهداف ----- ۱۱
مطالب ----- ۱۱
دوم: محتوای سوره‌ی عنکبوت ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
ماجرای نوح (ع) ----- ۱۷
ماجرای ابراهیم (ع) و دلایل شرک ستیزی او ----- ۱۷
ماجرای لوط ----- ۲۲
ماجرای شعیب ----- ۲۵
ماجرای عاد و ثمود ----- ۲۶
مثال جالب عنکبوت ----- ۲۷
تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه ----- ۲۹

دنیا بازیچه است و آخرت حیات حقیقی ----- ۳۷
بخش دوم: سوره‌ی روم ----- ۳۹
اشاره ----- ۳۹
اول: سیمای سوره‌ی روم ----- ۳۹
اشاره ----- ۳۹
شمارگان ----- ۳۹
نزول ----- ۳۹
فضایل ----- ۳۹
اهداف ----- ۳۹
مطالب ----- ۴۰
دوم: محتوای سوره‌ی روم ----- ۴۰
اشاره ----- ۴۰
رستاخیز ----- ۴۴
نشانه های خدا ----- ۴۵
فطرت چیست؟ ----- ۴۹
قوانین الهی ----- ۵۳
نشانه های خدا در چرخه آب در طبیعت ----- ۵۶
بخش سوم: سوره‌ی لقمان ----- ۶۰
اشاره ----- ۶۰
اول: سیمای سوره‌ی لقمان ----- ۶۰
اشاره ----- ۶۰
شمارگان ----- ۶۰
نزول ----- ۶۰
فضایل ----- ۶۰

اهداف ----- ۶۰
مطالب ----- ۶۱
دوم: محتوای سوره‌ی لقمان ----- ۶۱
عظمت و حکمت قرآن ----- ۶۱
ویژگی های نیکوکاران ----- ۶۲
اعجازهای علمی قرآن ----- ۶۶
حکمت های لقمان ----- ۶۷
تسخیر موجودات برای انسان ----- ۷۴
سه صفت خدا (مالک- توانگر- ستوده) ----- ۷۶
دنیا و شیطان عوامل فریب و غفلت ----- ۷۹
بخش چهارم: سوره‌ی سجده ----- ۸۲
اشاره ----- ۸۲
اول: سیمای سوره‌ی سجده ----- ۸۲
اشاره ----- ۸۲
شمارگان ----- ۸۲
نزول ----- ۸۲
فضایل ----- ۸۲
اهداف ----- ۸۳
مطالب ----- ۸۳
دوم: محتوای سوره‌ی سجده ----- ۸۳
قرآن حقیقی تردید ناپذیر ----- ۸۳
مراحل شش گانه آفرینش جهان ----- ۸۴
مراحل آفرینش انسان ----- ۸۵
رستاخیز ----- ۸۶

نشانه های مومنان حقیقی ----- ۸۸
مقایسه مومنان و نافرمانبرداران ----- ۸۹
نشانه های خدا ----- ۹۲
بخش پنجم: سوره‌ی احزاب ----- ۹۳
اشاره ----- ۹۳
اول: سیمای سوره‌ی احزاب ----- ۹۳
اشاره ----- ۹۳
شمارگان ----- ۹۳
نزول ----- ۹۳
فضایل ----- ۹۳
اهداف ----- ۹۳
مطالب ----- ۹۴
دوم: محتوای سوره‌ی احزاب ----- ۹۴
معیارهای پیرو اطاعت ----- ۹۴
مبارزه قرآن با فرهنگ جاهلیت ----- ۹۵
قوانین خاص ----- ۹۷
ماجرای جنگ احزاب ----- ۹۹
خانواده پیامبر (ص) ----- ۱۰۷
آیه تطهیر ----- ۱۰۹
صفات ارزشمند و همگون زن و مرد ----- ۱۱۱
پیامبر (ص) و رسالت ها و قوانین ----- ۱۱۲
رستاخیز ----- ۱۲۶
منابع ----- ۱۲۹
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۳۴

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم

مشخصات کتاب

سرشناسه:رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳- مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۵۲۰۰۰ ریال:ج.۱۶ یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم۱۳۸۸ . یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۱۶.سوره‌های عنکبوت ،روم ،لقمان،سجده و احزاب.- عنوان روی جلد :تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیهٔاللّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیهٔاللّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹ بسم اللّه الرحمن الرحیم وصلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰ قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۱» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۲» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۳» نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱ این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی، نصرت اللَّه نیکزاد و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲ قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی، جواد و اکبر رحمتی، محمد رضایی، اکبر جعفری و یداللَّه رضانژاد سپاس‌گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۲۱/ ۹/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی عنکبوت

اشاره

یادآوری توحید و رستاخیز آزمایش همگانی مردم درس ناخوانده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله دلیل حقّانیت او داستان عبرت آموز برخی پیامبران و اقوام تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵

اول: سیمای سوره‌ی عنکبوت

اشاره

سیمای سوره‌ی عنکبوت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز

شمارگان

سوره‌ی عنکبوت دارای ۶۹ آیه، ۱۹۸۱ کلمه و ۴۱۹۵ حرف است.

نزول

سوره‌ی عنکبوت که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده «۱»، هشتاد و چهارمین سوره در ترتیب نزول (بعد از سوره‌ی روم و قبل از سوره‌ی مطففین) است و زمان نزول آن نزدیک به زمان هجرت بوده است. این سوره در چینش کنونی قرآن بیست و نهمین سوره است. نام‌ها: تنها نام این سوره عنکبوت است، که از آیه‌ی ۴۱ این سوره گرفته شده است و در آن جا خانه‌ی عنکبوت را سست‌ترین خانه‌ها معرفی کرده‌است.

فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که به خدا سوگند یاد کرد: هرکس سوره‌ی عنکبوت و روم را در ماه رمضان تلاوت کند، از اهل بهشت است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶ تذکر: البته این پاداش‌های تلاوت سوره‌ها برای کسی است که آن‌ها را بخواند و به مضامین آنها عمل کند که در این صورت اهل بهشت خواهد بود. ویژگی‌ها: این سوره نیز از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه (الم) شروع می‌شود و نام عنکبوت درقرآن فقط دو بار آمده است که در آیه‌ی ۴۱ این سوره قرار دارد.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و نشانه‌های خدا در جهان آفرینش؛ ۲. یادآوری به قیامت؛ ۳. یادآوری سنت الهی امتحان.

مطالب

مطالب عمده‌ای که در سوره‌ی عنکبوت به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: الف) عقاید ۱. یادآوری توحید و بطلان شرک (در آیات ۶۵- ۶۱)؛ ۲. امتحان ایمان مردم به خدا با بلاها و مشکلات (در آیات ۲- ۶)؛ ۳. توجه به قیامت (در آیات ۵۳- ۵۴)؛ ۴. اشاره‌ای به دلایل حقانیّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جمله این که پیامبر خط نمی‌نوشت (در آیه‌ی ۴۸). ب) اخلاق ۱. به مسلمانان دستور می‌دهد که با اهل کتاب به صورت نیکویی بحث تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷ نمایید (در آیه‌ی ۴۶)؛ ۲. سفارش درمورد نیکو رفتار نمودن با پدر و مادر (در آیه‌ی ۸)؛ ۳. دنیا بازیچه است و حیات واقعی از آنِ آخرت است (در آیه‌ی ۶۴). ج) احکام ۱. دستور به جا آوردن نماز و این که نماز سبب منع فحشا و منکر می‌شود (در آیه‌ی ۴۵)؛ ۲. اگر پدر و مادر انسان را به شرک دعوت کنند، حق اطاعت آنها را ندارد (در آیه‌ی ۸). د) داستان‌ها ۱. اشاره‌ای به داستان نوح علیه السلام (در آیات ۱۴- ۱۵)؛ ۲. اشاره‌ای به داستان ابراهیم علیه السلام (در آیات ۱۶- ۳۱)؛ ۳. اشاره‌ای به داستان لوط علیه السلام (در آیات ۲۶- ۳۰ و ۳۲- ۳۵)؛

۴. اشاره‌ای به داستان شعیب علیه السلام (در آیات ۳۶– ۳۸)؛ ۵. اشاره‌ای به داستان موسی علیه السلام (در آیه‌ی ۳۹)؛ ۶. اشاره‌ای به اسحاق و یعقوب علیهما السلام (در آیه‌ی ۲۷)؛ ۷. اشاره‌ای به قوم عاد و ثمود (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۸. اشاره‌ای به قارون و هامان و فرعون (در آیه‌ی ۳۹). ه) مطالب فرعی ۱. دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مؤمنان با یادآوری مشکلات پیامبران گذشته؛ ۲. یادآوری عظمت قرآن (در آیه‌ی ۵۱)؛ ۳. اشاره‌ای به لجاجت مخالفان؛ ۴. تذکراتی درباره‌ی منافقان (در آیات ۱۰– ۱۱)؛ ۵. دعوت بـه مسافرت در زمین (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۶. همگانی بودن مرگ (در آیه‌ی ۵۷)؛ ۷. اشاره‌ای به فطرت خداجوی بشر (در آیه‌ی ۶۵). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹

دوم: محتوای سوره‌ی عنکبوت

اشاره

آیه‌ی اول سوره‌ی عنکبوت حروف مُقطعه است: ۱. الف، لام، میم الف، لام، میم نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حروف مقطعه‌ی قرآن، در آغاز سوره‌های بقره، آل عمران و بسیاری از سوره‌های دیگر آمده است که ما مطالبی در این مورد ذیل همان آیات بیان کردیم. ۲. حروف مقطعه یا اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا نشان دهنده‌ی آن است که قرآن با تمام عظمت و اعجازش از همین حروف معمولی ساخته شده است. حروفی که در دسترس همه‌ی افراد بشر است ولی باز هم کسی نمی‌تواند از این حروف کتابی همانند قرآن تألیف کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر درمورد حروف الفبا و رابطه‌ی آن با قرآن تفکر کنید، به عظمت قرآن پی می‌برید. «۲» ۲. قرآن از حروف معمولی عربی ساخته شده است (اگر می‌توانید همانند آن بیاورید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰ قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره‌ی عنکبوت به قانون عمومی آزمایش ایمان انسان‌ها و هدف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲ و ۳. أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لا يُفْتَنُونَ* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الكَاذِبِينَ آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم.» رها می‌شوند، در حالی که آنان آزمایش نمی‌شوند؟!* و به یقین، کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، و حتماً، خدا کسانی را که راست گفته‌اند معلوم می‌دارد (و شناخته می‌شوند،) و البتّه دروغ‌گویان را (نیز) معلوم می‌دارد. شأن نزول: حکایت شده که عمار یاسر و جمعی از مسلمانانِ نخستین تحت شکنجه و آزار مشرکان واقع شدند و این آیه درمورد پای‌مردی و امتحان ایمان آنان نازل شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون عمومی امتحان الهی برای همه‌ی افراد بشر اشاره شده است؛ یعنی همه‌ی انسان‌هایی که ادعای ایمان می‌کنند امتحان می‌شوند تا حقیقت ادعای آنان و ارزش و نیّت درونی آنها روشن شود. ۲. در این آیات، هدف آزمایش، علم خدا به درستی و نادرستی ادعای ایمان انسان‌ها معرفی شده است، در حالی که خدا از همه چیز آگاه است؛ پس منظور از این علم چیست؟ مقصود از علم خدا در این جا تحقق عینی و خارجی مسائل است؛ یعنی خدا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱ می‌خواهد عملاً معلوم دارد که چه کسانی در ادعای ایمان خود راست‌گو و چه کسانی دروغ‌گو هستند و هنگامی که مقاصد و نیات درونی و صفات باطنی افراد، در خارج متحقق شد و به صورت عمل ظاهر شد، حجّت بر او تمام می‌شود و این مطلب زمینه‌ساز کیفر و پاداش انسان می‌شود. از تعبیر این آیات و مطالب پیشین استفاده می‌شود که هدف آزمایش الهی، پرورش و شکوفایی استعدادهای انسان است؛ یعنی جهان همچون دانشگاهی است که انسان‌ها در آن تعلیم می‌بینند و مرتب امتحان می‌شوند و برخی درجات عالی را طیّ می‌کنند و برخی مردود می‌شوند. غم نیست زخم خورده‌ی راه خدای را دردی خوش بود که حبیبش کند دوا (سعدی) به عبارت دیگر، در طیّ این آزمایش‌ها استعداد های انسان‌ها شکوفا شده، در خارج تحقق می‌یابد و ایمان خالص افراد ظاهر می‌شود. «۱» خاصان حق، همیشه بلیّت کشیده‌اند هم بیش‌تر عنایت و هم بیش‌تر عنا (سعدی) ۴. آزمایش ایمان انسان‌ها به

صورت‌های گوناگون انجام می‌شود: - گاهی افراد در فشار و محرومیت قرار می گیرند تا میزان صبر و تقوای آنان امتحان شود. - گاهی افراد در ناز و نعمت غرق می‌شوند تا میزان شکرگزاری آنان آزمایش شود. - گاهی افراد در محیطهای آلوده قرار می گیرند تا میزان پاکی آنان امتحان شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲ - و گاهی افراد گرفتار مصیبت‌ها و جنگ‌ها و حکومت‌های خودکامه می‌شوند تا میزان استقامت آنان آزمایش شود. آری؛ آزمایش الهی چهره‌های گوناگون دارد و هرکس به صورتی امتحان می شود تا ارزش ایمان او روشن شود. ۵. در احادیث اسلامی از امام علی علیه السلام روایت شده که این آیه را قرائت کردند و فرمودند: آزمایش همان دین است و مردم آزمایش می‌شوند همان طور که طلا آزمایش می‌شود و مردم خالص می‌شوند همان طور که طلا خالص می‌شود. «۱» و در برخی احادیث نیز این آیه بر فتنه‌ها و آزمایش‌های مردم بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تطبیق شده است که البتّه این گونه احادیث از باب بیان مصداق‌های آیه است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزمایش ایمان مردم، یک قانون عمومی الهی است. ۲. هدف آزمایش انسان‌ها، روشن ساختن درستی و نادرستی ادعاهای افراد در عمل است. ۳. آزمایش، یکی از راه‌های تشخیص صحت ادعاهای افراد است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳ امتحان و علل و وسایل آن امتحان سنت و قانون حتمی الهی است که همه‌ی افراد را فرا می گیرد. الف) چرا خدا انسان‌ها را امتحان می کند؟ ۱. برای جداسازی افراد پاک از ناپاک (آل‌عمران، ۱۷۹)؛ ۲. برای معلوم کردن مؤمنان و مجاهدان و شکیبایان (آل‌عمران، ۱۲۸-۱۴۲)؛ ۳. برای خالص کردن مؤمنان و نیت‌های آنان (آل‌عمران، ۱۴۱ و ۱۵۴)؛ ۴. تا روشن شود که کیفیت عمل نیکوی چه کسانی بالاتر است (ملک، ۳؛ هود، ۷ و کهف، ۷)؛ ۵. «بلا برای ستمکار ادب است و برای مؤمن امتحان و برای پیامبران درجه است.» «۱» ۶. «هر گاه خدا بنده‌ای را دوست دارد او را گرفتار بلا (و امتحان) می کند.» «۲» (امام باقر و امام صادق علیه السلام). یادآوری: خدا بندگان محبوب خود را گرفتار بلا و امتحان می کند تا در مشکلات رشد یابند و بندگان بد را امتحان می کند تا حجت بر آنان تمام شود یا بیدار شوند. ب) با چه وسایلی امتحان می‌شویم؟ ۱. با نیکی‌ها امتحان می‌شوید (انبیاء، ۳۵). ۲. با بدی‌ها امتحان می‌شوید (همان). ۳. با ترس امتحان می‌شوید (بقره، ۱۵۵). ۴. با گرسنگی امتحان می‌شوید (همان). ۵. با زیان‌های اقتصادی امتحان می‌شوید (همان). ۶. سختی‌ها و زیان‌های روحی و جسمی وسیله‌ی امتحان است (بقره، ۲۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴ ۷. «هیچ تنگی و گشادگی (در امور) نیست مگر این که در آن منت و امتحان است.» «۱» (امام صادق علیه السلام). ج) فواید امتحان و بلا: ۱. امتحان و بلا- موجب تذکر و یادآوری است (اعراف، ۱۳۰). ۲. «هیچ بلا- و امتحانی نیست مگر آن که نعمتی الهی بر آن احاطه کرده است.» «۲» (امام حسن عسکری علیه السلام). ۳. بلا و امتحان زمینه‌ساز توبه و تذکر و بازگشت (به سوی خدا) است (توبه، ۱۲۶). ۴. «چهل شب بر مؤمن نمی گذرد مگر این که چیزی بر او عارض می‌شود که ناراحتش می کند و او را متذکر (و بیدار) می‌سازد.» «۳» (امام صادق علیه السلام). ۵. «بلاء و امتحان‌های سخت موجب می‌شود که بندگان مؤمن دوستدار ملاقات خدا شوند و بر دنیا تکیه نکنند.» «۴» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). د) در برابر مشکلات و امتحانات چه کنیم؟ ۱. شکیبایی پیشه سازید و استقامت کنید (بقره، ۱۵۵). ۲. جمله‌ی: «انّا للّهوانّا الیه راجعون؛ ما از خداییم و فقط به سوی او می‌رویم» را بگویید (بقره، ۱۵۶). ۳. استغفار کنید: «هر گاه خدا بخواهد به بنده‌ای نیکی کند پس وقتی گناه کرد او را گرفتار ناراحتی می کند و استغفار را به یاد او می‌آورد.» (امام صادق علیه السلام) «۵». ۴. «در هنگام هر (مشکل و بلای) شدیدی بگو: «لا حول ولا قوة الّا باللّه العلی العظیم» که تو را کفایت کند.» (امام علی علیه السلام). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵ قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی عنکبوت به پندارگرایی بدکاران و تلاش منفی آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۴. أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئَاتِ أَنْ یَسْبِقُونَا سَاءَ مَا یَحْكُمُونَ بلکه آیا کسانی که [کارهای بد می کنند پنداشتند که برما پیشی می گیرند؟! چه بد داوری می کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بدکاران گمان نکنند که دست خدا به آنها نمی‌رسد و از چنگال آزمایش الهی فرار کرده‌اند، بلکه همین کارها آزمایش آنان است و براساس همین کارها کیفر و پاداش داده می‌شوند. ۲. برخی مفسران این آیه را اشاره به مشرکان و کافران دانسته‌اند و برخی

اشاره به مؤمنان گناهکار، «۱» ولی آیه مطلق است و مانعی نـدارد که اشاره به همه‌ی بـدکاران باشـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدکاران گرفتار پندارگرایی هستند. ۲. بـدکاران تلاش بیهوده نکننـد که نمی‌توانند از حوزه‌ی قدرت الهی خارج شوند. *** قرآن کریم در آیات پنجم و شـشم سوره‌ی عنکبوت به لزوم تلاش مثبت انسان‌ها و فوایـد آن برای خودشان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵ و ۶. مَنْ کَانَ یَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِیعُ العَلِیمُ* وَمَنْ تفسیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۶ جَاهَدَ فَإِنَّمَا یُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إنَّ اللَّهَ لَغَنِیٌّ عَنِ العَالَمِینَ هرکس به ملاقات خـدا امید دارد، پس (آماده شود، چرا) که سـرآمد (معین شده از طرف) خدا آمدنی است؛ و او شنوا [و] داناست.* و هرکس کوشش کند، پس تنها برای خودش کوشیده است؛ [چرا] که مسلماً، خدا از جهانیان بی‌نیاز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «لِقاءَ اللَّه» همان ملاقات شـهودی و باطنی خداست که در قیامت پرده‌ها و حجاب‌های مادی از مقابل چشم دل انسـان کنـار می‌رود و حـالت روحـانی شـهود برای انسان حاصل می‌گردد و حقایق برایش آشـکار می‌شود. «۱» ۲. فرصت برای تلاش انسان کوتاه است و مرگ انسان‌ها و ملاقات با خـدا در رسـتاخیز به زودی فراخواهد رسـید؛ پس هرکس ایمان آورده و امیدوار است باید فرصت را غنیمت بشمرد و کارهای شایسته انجام دهد و برای خود ذخیره سازد. ۳. در این آیات بیان شده که خدا توانگر است و نیازی به کارها و گفتارهای نیک انسان‌ها وعبادت و اطاعت بنـدگان ندارد؛ پس اگر کسـی در این رابطه تلاش کند، فقط به نفع خود اوست، چراکه عبادت و اطاعت عامل رشد و سعادت خود انسان است و حتی اگر جامعه هم از کارهای نیک انسان بهره می‌برند در مرحله‌ی ثانوی است. ۴. «جاهَد» در اصل به معنای جهادکردن و در این آیه به معنای هرگونه تلاش در راه خداست و لزوماً به معنای جهاد مسلحانه نیست، بلکه شامل هرکوششی برای مبارزه با نفس، حفظ ایمان، تقوا و انجام کارهای نیک و مبارزه با مشکلات و تحمّل سختی‌هاست. ۵. از این آیه و آیات مشابه استفاده می‌شود که اگر خدا شما را به سوی ایمان و عمل شایسته فرا می‌خوانـد، نهایت لطف اوست، چون سود این اعمال به خود شـما می‌رسد نه به او. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امید به لقای خدا عامل تلاش و حرکت انسان است. ۲. فرصت تلاش برای شما کوتاه است و اجل در راه است (پس عجله کنید). ۳. هرکس تلاش کند به نفع خود کرده‌است. ۴. اگر سود خویش را می‌طلبید (در راه خدا) جهاد و کوشش کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سـوره‌ی عنکبـوت به نتایـج ایمـان و عمـل انسـان در بخشـش گناهـان و پـاداش نیکـوی الهی اشـاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۷. وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِیَنَّهُمْ أحْسَنَ الَّذِی کَانُوا یَعْمَلُونَ و کسانی که ایمان آورده و [کارهـای شایسـته انجـام دادنـد، قطعاً، بـدی‌هایشان را از آنان می‌زداییم؛ و مسـلماً، آنان را طبق بهترین چیزی که انجام می‌دادنـد، پـاداش می‌دهیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه موارد و مصادیق جهاد و تلاش سودمنـد انسان را بیان می‌کنـد که عقیده‌ی صـحیح و کردار شایسـته است؛ عقیـده‌ای مبتنی بر ایمـان و همراه بـا اعمال شایسـته که انسان را به سـعادت می‌رسانـد و سود آن به خود انسان می‌رسد. ۲. یکی از ثمرات ایمـان وعمـل شایسـته آن است که خـدا بـدی‌های انسـان را می‌پوشانـد، که این تعبیر کنـایه از بخشـش گناهان است. ۳. خدا با مؤمنان شایسته‌کردار براساس لطف خود رفتار می‌کند و اگر برخی اعمال خوب و عالی دارند، همه‌ی اعمال آنها را براساس کارهای عالی پاداش می‌دهـد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا با لطف و بخشش نسبت به مؤمنان شایسته‌کردار رفتار می‌کند. ۲. مؤمن شوید و کار شایسـته انجام دهید، تا گناهان شما بخشیده شود و پاداش نیکوتر دریـافت کنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتم سوره‌ی عنکبوت بـا سـفارش در مورد نیکی به پـدر و مـادر مرز اطاعت از آنان را روشن می‌کند و می‌فرماید: ۸. وَوَصَّیْنَا الإ نْسَانَ بِوَالِدَیْهِ حُسْناً وَإنْ جَاهَدَاکَ لِتُشْرِکَ بِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُمَا إلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَـا نَبِّؤُکُمْ بِمَـِا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ و به انسـان سـفارش کردیم که به پـدر و مادرش نیکی کنـد؛ و اگر آن دو تلاش کننـد برای این‌که [تو] چیزی را که بدان هیچ دانشـی نداری، همتای من قراردهی، پس از آن دو اطاعت نکن. بازگشت شـما فقط به سوی من است و شـما را به آنچه انجام می‌دادیـد خبر می‌دهم. شأن نزول: روایت شـده که یکی از افراد در مکه مسـلمان شد و مادرش از اسـلام آوردن او ناراحت گردیـد و تهدید به اعتصاب غذا کرد، تا از اسـلام بازگردد. این آیه بدین مناسـبت فرود آمد و مرز اطاعت از پدر و مادر را

روشن ساخت، که در مورد دستور به شرک نباید از آنها اطاعت کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیه در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی لقمان آمده است و مضمون تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹ کلّی آیه آن است که اگر پدر و مادر کسی مشرک بودند، نباید در شرک از آنان پیروی کرد، ولی این مطلب نباید موجب بدرفتاری با پدر و مادرش شود. ۲. در این آیه در مورد نیکی به پدر و مادر نه فقط به مؤمنان، بلکه به کل انسان‌ها سفارش شده است؛ یعنی هر انسانی باید در برابر پدر و مادرش حق‌شناس و سپاس‌گزار باشد و با نیکی کردن به آنها گوشه‌ای از زحماتشان را جبران کند. ۳. در این آیه وظیفه‌ی انسان را درهنگام تضاد پیوندهای عاطفی با پیوندهای الهی بیان کرده است؛ یعنی اگر پیوند خویشاوندی انسان با پدر و مادر عامل قطع پیوند او با خدا و روی آوردن او به شرک می‌گردد، پیوند الهی مقدم است و انسان نباید دستور پدر و مادر را بردستور خدا مقدم بدارد و دست از توحید بردارد. ۴. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که اطاعت از مخلوق در نافرمانی خالق روا نیست. «۱» ۵. در این آیه از شرک به عنوان چیزی یاد شده که هیچ دانشی برای آن نیست و این مطلب اشاره به آن است که اصولًا شرک منطقی نیست و دلیلی برآن وجود ندارد و انسان نباید از چیزی که علم بدان ندارد پیروی کند. البته در مورد شرک دلیل بربطلان آن نیزداریم. ۶. در اصول عقاید همچون مسأله‌ی توحید و شرک، انسان باید تابع علم و دلیل باشد و نباید حتی از پدر و مادر دراین مورد تقلید کورکورانه کند. ۷. در پایان این آیه می‌فرماید: «بازگشت شما به سوی من است.» و این تهدیدی است برای مشرکانی که راه شرک را می‌پویند و فرزندان خود را نیز به شرک فرامی‌خوانند و نیز می‌تواند تهدیدی برای فرزندان آنها باشد که تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰ مراقب اعمال و عقاید خود باشید که اگر از شرک پدر و مادر اطاعت کردید، یا با آنان بد رفتاری نمودید، بازگشت شما به سوی خداست و خدا شما را از کارهایتان آگاه می‌کند و طبق آن مجازات می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیکی به پدر و مادرِ مشرک نیز لازم است. ۲. فرمان غیر خدا را بر خدا مقدم مدارید. ۳. مطالب بدون دلیل، همچون شرک را نپذیرید. ۴. فرجام شما به سوی خداست، پس مراقب اعمال خودتان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی عنکبوت به یکی دیگر از نتایج ایمان و عمل صالح اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. وَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِی الصَّالِحِینَ و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً، آنان را در [زمره‌ی شایستگان وارد خواهیم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی هفتم همین سوره، دو نتیجه‌ی ایمان و کردار شایسته بیان شد که نخست پوشاندن و بخشش گناهان بود و دوم پاداش براساس بهترین اعمال افراد. واینک در این آیه سومین نتیجه‌ی ایمان و کردار شایسته را داخل شدن در زُمره‌ی صالحان و شایستگان معرفی کرده است. ۲. ایمان و عمل شایسته به روح انسان رنگ می‌دهد و او را در ردیف صالحان قرار می‌دهد؛ یعنی انسان به مرحله‌ای می‌رسد که همنشین و همراه شایستگان درگاه الهی می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱ ۳. اگر انسان همنشین و همراه شایستگان باشد، یک ارزش و امتیاز برای او به شمار می‌آید؛ چراکه کمال همنشین در انسان اثر می‌کند و مجالست با شایستگان انسان را به سوی صفات عالی و شایسته سوق می‌دهد و تأثیرات روانی و اجتماعی برای انسان به همراه دارد و به شخصیت او ارزش بیش‌تری می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمن شایسته‌کردار شوید تا مورد عنایت خدا قرار گیرید و هم‌ردیف شایستگان شوید. ۲. همنشینی با شایستگان یک امتیاز و ارزش است. *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی عنکبوت شخصیت متزلزل و دوگانه‌ی منافقان را به تصویر می‌کشد و با یادآوری علم الهی به حالات افراد می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا اوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ کَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ لَیَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ أَوَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِی صُدُورِ الْعَالَمِینَ* وَلَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَلَیَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِینَ و برخی از مردم کسانی هستند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم.» و [لی هنگامی که در [راه خدا آزار می‌شوند، فتنه [گری مردم را همچون عذاب الهی قرار می‌دهند؛ و اگر از سوی پروردگارت یاری (و پیروزی) فرا رسد، حتماً می‌گویند: «البته ما با شما بودیم.» و آیا خدا به آنچه در سینه‌های جهانیان است داناتر نیست؟!* و مسلماً، خدا کسانی را که ایمان آوردند معلوم می‌دارد (و می‌شناسد)؛ و حتماً، منافقان را (نیز) معلوم می‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد

شانزدهم، ص: ۴۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان شخصیتی دوگانه دارند و از آن‌جا که ایمان واقعی و ثابت ندارند، در پیروزی‌ها و کام‌یابی‌ها خود را شریک مؤمنان می‌دانند، اما در هنگام مشکلات و فتنه‌ها عقب گرد می‌کنند و دست از ایمان بر می‌دارند. ۲. بنا بر قول مشهور، سوره‌ی عنکبوت در مکه نازل شده است «۱» ولی در همان محیط از منافقان سخن می‌گوید. این نشان می‌دهد که خط نفاق از مکه شروع شده و در مدینه ادامه یافته و شدّت گرفته است، به طوری که منافقان در مدینه به صورت گروهی منسجم و توطئه‌گر درآمدند. ۳. برخی مفسران برآن‌اند که منافقان دو گروه هستند: الف) کسانی که اصولًا در باطن خویش ایمان ندارند. ب) کسانی که ایمان سستی دارند و در شرایط عادی و در هنگام پیروزی اظهار ایمان می‌کنند، ولی در هنگام مشکلات و در شرایط سخت عقیده‌ی خود را عوض می‌کنند. و آیه‌ی فوق از گروه دوّم سخن می‌گوید. «۲» ۴. در این آیه به پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه اشاره شده است. این پیروزی اشاره به چه مطلبی است؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که اولًا، در این آیه مطلب به صورت شرطی بیان شده که «اگر خدا در آینده به تو پیروزی بدهد.» و این مطلب دلیل بر تحقق آن در مکه نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۳ و ثانیاً، مسلمانان در مکه پیروزی‌های غیر نظامی داشتند؛ هم‌چون پیروزی تبلیغاتی و پیشرفت اسلام در میان مردم. «۱» ۵. در این آیه از آزارهای مردم با عنوان «فتنه» یاد شده است، ولی از مجازات الهی با عنوان عذاب یاد شده است. این اختلاف تعبیر اشاره به آن است که آزارهای مردم در حقیقت عذاب نیست، بلکه وسیله‌ی آزمایش و تکامل انسان و جزئی از برنامه‌ی کلی امتحان الهی است؛ پس نباید این آزارها عذاب الهی به شمار آید و بهانه‌ای برای دست برداشتن از ایمان شود. «۲» ۶. عذاب الهی معمولًا کیفر عملکرد افراد کافر و ناسپاس است، در حالی که فتنه‌ها و مشکلات و آزمایش‌ها برای مؤمنان است و نیز عذاب الهی هنگامی که فرود آید، راه فراری از آن نیست، در حالی که انسان می‌تواند در برابر مشکلات و فتنه‌ها مقاومت کند و بر آنها پیروز شود و از امتحان الهی سربلند بیرون آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان دو چهره‌اند (آنها را به خوبی بشناسید). ۲. نشانه‌ی منافق آن است که در پیروزی‌ها شریک شماست، اما در مشکلات همراه شما نیست (پس آنها را بشناسید و مواظب باشید). ۳. مرز فتنه‌های مردم و آزمایش‌ها، از عذاب الهی جداست. ۴. خدا از حالات درونی و ایمان واقعی افراد آگاه‌است (پس دست از نفاق بردارید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی عنکبوت به توطئه‌ی کافران برای فریب مؤمنان و به دو قانون در مورد خطاها و گناهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ و کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و باید خطاهای شما را بر دوش کشیم.» و [لی آنان هیچ چیزی از خطاهایشان را بر دوش نخواهند گرفت؛ [چرا] که آنان مسلماً دروغ‌گو هستند.* و قطعاً، بارسنگین (گناهان) آنها را، و بار سنگین (گناهان دیگران) را، با بار سنگین (گناهان) شان بردوش می‌کشند؛ و مسلماً، روز رستاخیز از آنچه (برخدا به دروغ) می بستند، بازپرسی خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به وسوسه‌گرانی اشاره می‌کند که در هنگام تحریک دیگران به کار خلاف می‌گویند: اگر گناهی دارد به گردن ما! در حالی که هیچ کس نمی‌تواند بار گناه دیگری را به دوش کشد. ۲. در این آیه به دو قانون و سنّت الهی در مورد گناه اشاره شده است. الف) هر کس بار گناه خود را به دوش می‌کشد و هیچ کس نمی‌تواند گناه دیگری را به عهده گیرد؛ زیرا خدا عادل است و کسی را به خاطر جرم دیگران مجازات نمی‌کند. ب) اگر کسی در راه گمراه کردن دیگران و تشویق به گناه تلاش کند، در گناه دیگران شریک است و بار آن به عهده‌ی اوست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۵ ۳. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس روش بدی را پایه‌گذاری کند، گناه آن روش و گناه کسانی که بدان عمل می‌کنند به عهده‌ی اوست، بدون آن که از گناه آن عمل (در مورد عمل کنندگان) چیزی کاسته شود. «۱» ۴. در این آیه بیان شده که روز رستاخیز از کافران در مورد دروغ‌هایی که بسته بودند پرسش می‌شود، مقصود از این دروغ‌ها چیست؟ پاسخ آن است که مقصود یا دروغی است که به خدا می‌بستند (و بت‌پرستی

را به خـدا نسبت می‌دادنـد) و یا این که کفر را بـدون گناه جلوه‌دادند و این دروغ محض بود و یا ظاهر سـخنان آنان این بود که هر کس می‌توانـد گناه دیگری را به دوش گیرد و این هم دروغ بود. و یا این که واقعاً در رسـتاخیز از آنان خواسـته می‌شود که گناهان دیگران را به دوش گیرند و آنان سر باز می‌زنند و دروغشان آشکار می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب سخنان و وعده‌های توخالی کافران را نخوریـد (که آنان درپی گمراه ساختن شـما هستند). ۲. هرکس مسئول اعمـال خویش است و بـار گناه خود را به دوش می‌کشد. ۳. گمراه کننـدگان، علاوه برگنـاه خود، بـار گناه دیگران را نیز به دوش می‌کشـند. ۴. روز رسـتاخیز روز پاسخ‌گویی در مـورد نسبت‌هایی است کـه می‌دهیـد (پس مراقب سـخنان خـود باشـید و برای آن روز آمـاده شویـد). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۶

ماجرای نوح (ع)

قرآن کریم در آیـات چهـاردم و پـانزدهم سوره‌ی عنکبوت به رسـالت نوح علیه السـلام و نـابودی عـبرت آموز سـتمکاران و نجـات مؤمنان قوم او اشاره کرده، می‌فرمایـد: ۱۴ و ۱۵. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَی قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّاخَمْسِینَ عَاماً فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ* فَأَنجَیْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِینَةِ وَجَعَلْنَاهَا آیَةً لِلْعَالَمِینَ و به یقین، نوح را به سوی قومش فرسـتادیم و در [میان آنان هزار سال، جز پنجاه سال، درنگ کرد؛ و (سـرانجام) سـیلاب آنان را فراگرفت، در حالی که آنان ستمکار بودند.* و او و همراهان کشتی را نجـات دادیم؛ و آن را نشـانه‌ای (عبرت‌آموز) برای جهانیـان قرار دادیم. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. این آیـات نوعی دل‌داری به پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و یاران اوست که در شـرایط سـخت مکه تحت فشار بودند؛ یعنی این آیات با بیان سـرگذشت نوح علیه السـلام و مشـکلات او درهـدایت مردم و فرجـام مؤمنـان و کافران قوم او، به مسـلمانان دل‌داری می‌دهـد که سـرانجام مؤمنان نجات می‌یابند و کافران هلاک می‌شوند. ۲. سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در سوره‌های هود و شعراء به طور مفصل بیان شده است. این پیامبر الهی ۹۵۰ سال در میان قوم خود درنگ کرد و آنان را به سوی توحید فراخواند، ولی جز گروه اندکی (حدود هشـتاد نفر) ایمان نیاوردنـد و در پایان، عذاب الهی به صورت سـیلابی عظیم برقوم نوح فرسـتاده شد و همه‌ی کافران هلاک شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۷ ۳. برخی مفسران برآن‌اند که ۹۵۰ سال مدت تبلیغ نوح بود و مدت عمر او بیش از این بود. «۱» البته عمر انسان در اعصار گذشته طولانی‌تر از حال بود، ولی عمر نوح علیه السلام فوق‌العاده و اعجازگونه بود. «۲» ۴. تعبیر به هزار سال به جز پنجـاه سـال، به جـای تعبیر نهصـد و پنجـاه سـال، برای اشـاره به عظمت این زمان طولانی است که واژه‌ی «هزار» آن را بیش‌تر جلوه می‌دهد. ۵. قوم نوح تا لحظه‌ی نزول عذاب به سـتمکاری خود ادامه دادند و در حالی سـیلاب آنان را فراگرفت که به شـرک و ستم مشغول بودند. «۳» ۶. مـا جرای قوم نوح و هلاـکت کـافران و کشتی عجیب و معجزه‌آسـای او که عامـل نجات مؤمنان شـد، همگی نشانه‌ای عبرت‌آموز برای جهانیان بود «۴» تا از سـرنوشت این قوم درس عبرت بیاموزند و راه شرک و ستم نپویند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سـتمکاری عامل نزول عـذاب الهی و هلاکت است. ۲. از سـرگذشت قوم نوح و فرجام کافران و مؤمنان درس عبرت بگیریـد. ۳. صبر و تلاش طولانی نوح الگویی برای رهبران الهی و مبلغان دینی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۸

ماجرای ابراهیم (ع) و دلایل شرک ستیزی او

قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی عنکبوت به سـرنوشت ابراهیم و دعوت توحیـدی او اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۶. وَإِبْرَاهِیمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ و (یاد کن) ابراهیم را هنگامی که به قومش گفت: «خـدا را پرسـتش کنیـد و خودتان را از [عـذاب او حفظ کنیـد، که این برای شـما بهتر است، اگر بدانیـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگذشت ابراهیم علیه السـلام در سوره هـای متعـددی از قرآن هم‌چون سوره‌ی بقره، آل عمران، انعام، توبه، هود، انبیاء، مریم، حـج، ابراهیم و حجر آمـده

است و در این سوره نیز از آیه‌ی شانزدهم تا بیست و هفتم به سرگذشت این پیامبر توحیدی اشاره شده است. تا رهبران الهی و مردم از سرگذشت او اطلاع یابند و الگوی زندگی و مبارزات آنان گردد. ۲. در این آیه به دو رکن اساسی از برنامه‌های اعتقادی و عملی ابراهیم علیه السلام اشاره شده است که از اصول اساسی دعوت همه‌ی پیامبران است. این دو اصل عبارت‌اند از: دعوت به توحید و دعوت به تقوا. ۳. توحید ابعاد گوناگونی دارد که در این آیه به توحید در پرستش اشاره شده است؛ زیرا بت پرستان قوم ابراهیم علیه السلام در این مطلب گرفتار انحراف شده و به دامن شرک افتاده بودند. ۴. در این آیه اشاره شده که اگر شما آگاه باشید، متوجه می‌شوید که توحید و تقوا برای شما نیکوتراست؛ چون شما را از انحرافات عقیدتی و آلودگی‌های شرک و گناه نجات می‌دهد و سعادت دنیا و آخرتتان را تأمین می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و تقوا را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهید، که این‌ها برای شما بهتر است. ۲. آگاهی، زیرساخت هدایت جامعه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی عنکبوت به استدلال‌های ابراهیم علیه السلام برای نفی شرک و بت پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَاناً وَتَخْلُقُونَ إِفْكاً إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقاً فَا بْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (شما) تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستند، می‌پرستید و فقط دروغی بزرگ می‌سازید؛ در واقع کسانی را که جز خدا پرستش می‌کنید، برای شما مالک هیچ روزی‌ای نیستند؛ پس روزی را نزد خدا بجویید و وی را پرستش کنید و او را سپاس گویید؛ که فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام با استدلال‌ها و بیان‌های مختلف مردم را از بت‌پرستی منع می‌کرد و بطلان شرک را برای آنان روشن می‌ساخت. آری؛ یکی از خدمات پیامبران الهی به بشریت، مبارزه با خرافه‌ی بت‌پرستی بود. ۲. «اوثان» دراصل به معنای سنگ‌هایی است که می‌تراشیدند و عبادت می‌کردند. «۱» ابراهیم علیه السلام با این تعبیر اشاره می‌کند که شما چگونه سنگ‌های بی‌جانی را که خودتان می‌تراشید، سزاوار پرستش می‌دانید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۰ ۳. «افْک» به معنای چیزی است که از صورت حقیقی خود دگرگون شده باشد و به دروغ های بزرگ نیز افک می‌گویند. مشرکان دروغ بزرگی ساخته و بافته بودند. آنان با ساختن و تراشیدن بت‌ها و شریک خدا قرار دادن آنها، بزرگ‌ترین تهمت و دروغ را بر خدا می‌بستند. «۱» ۴. در این آیه اشاره شده که یکی از انگیزه‌های پرستش، حسّ سپاس گزاری در برابر نعمت‌دهنده است و از آن جاکه خدا نعمت دهنده‌ی حقیقی است، پس سپاس گزاری و پرستش نیز مخصوص اوست. «۲» ۵. در پایانِ آیه، رستاخیز و بازگشت همگان به سوی خدا یادآوری شده است؛ این ممکن است نوعی تهدید برای مشرکان باشد که پس از اثبات بطلان شرک بازهم با لجاجت به بت‌پرستی ادامه می‌دهند. و یا استدلال دیگری برای بطلان بت‌پرستی است که اشاره می‌کند اگر شما سعادت اخروی را می‌طلبید، بدانید که از دست بت‌ها کاری ساخته نیست و بازگشت شما فقط به سوی خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بت پرستی نوعی دروغ‌آفرینی است. ۲. کسی را بپرستید و سپاس گزاری کنید که فرجام شما به سوی او و رزق شما به دست اوست. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی عنکبوت با یادآوری وظیفه‌ی پیامبران و مخالفت‌های مردم می‌فرماید: ۱۸. وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ امَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّاالبَلاغُ المُبِينُ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۱ و اگر (مرا) تکذیب کنید، پس به تحقیق امت‌های پیش از شما (نیز پیامبران را) تکذیب کردند؛ و بر فرستاده [ی خدا وظیفه‌ای جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو دیدگاه دارند: الف) این آیه ادامه‌ی سخنان ابراهیم علیه السلام با ملت خویش است. ب) این سخن خطاب به مشرکان مکه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۱» البته سیاق آیات و ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات قبل و بعد، مؤید دیدگاه اول است. «۲» ۲. این آیه به رهبران الهی دل‌داری می‌دهد که شیوه‌ی مردم درطول تاریخ یکسان بوده است و همیشه گروهی موافق و گروهی مخالف تعالیم پیامبران بوده‌اند، پس نباید از این مسأله نگران و ناراحت باشید. ۳. وظیفه‌ی فرستادگان خدا فقط ابلاغ آشکار و روشنگر آموزه‌های دینی است؛ البته مقصود آن نیست که پیامبران وظیفه‌های فردی و اجتماعی دیگری هم‌چون امر به معروف و نهی از منکر و یا تشکیل حکومت و مانند آن

ندارنـد، بلکه حصـر در این آیه نسبی است؛ یعنی وظیفه‌ی آنان نسبت به مشـرکانِ تکـذیب‌گر فقط ابلاغ روشن تعالیم الهی است و وظیفه ندارنـد که با آنان بجنگنـد و یا آنان را مجبور به پـذیرش توحیـد نماینـد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران و مبلغـان الهی از مخالفت دیگران نگران نباشـند که این شـیوه‌ی تاریخی مشـرکان است. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی پیام‌رسـانی و روشـنگری است. *** قرآن کریم در آیـات نوزدهم و بیسـتم سوره‌ی عنکبوت با سـفارش به جهان‌گردی، انسان‌ها را متوجه آغاز و انجام آفرینش می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۹ و ۲۰. أوَ لَمْ یَرَوْا کَیْفَ یُبْدِئُ اللَّهُ الخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُ إنَّ ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ* قُلْ سِیرُوا فِی الأرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ بَدَأ الخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ یُنشِئُ النَّشْأةَ الآخِرَةَ إنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغـاز می‌کنـد، سپس آن را بـاز می‌گردانـد؟! [چرا] که آن (کـار) بر خـدا آسان است.* بگو: «در زمین گردش کنیـد و بنگریـد که چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرد؛ سپس خدا پدیده‌ی آخرت را پدید می آورد؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. آیـات نوزدهم تـا بیست و سوم سوره‌ی عنکبوت به صورت جملات معترضه‌ای در میـان داسـتان سرگذشـت ابراهیم علیه السلام است؛ یعنی قرآن گاهی داسـتان را رهامی کند و نتیجه‌گیری‌هایی را بیان می‌کند، تا فایده‌ی تربیتی داشته باشد. ۲. ایـن آیــات امکـان معـاد را از طریـق مشاهــده و اطلاـع از قــدرت بی‌کران الهی اثبـات می‌کنــد. آری؛ اگر انسـان از طریـق علم کیهان‌شناسـی به عجایب آغاز خلقت جهان و از طریق علم زمین‌شناسـی و فسیل‌شناسی به کیفیت آغاز خلقت زمین و موجودات پی ببرد، متوجه برخی از اسـرار حیات می‌شود و به قدرت لا یزال الهی در آفرینش موجودات و نیز قدرت او بر اعاده‌ی آنها در رستاخیز آگاه می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۳ ۳. مقصود از «رؤیت» در این جا، یا مشاهـده‌ی علمی است؛ یعنی اطلاع یافتن انسـان از چگونگی آغـاز آفرینش و قـدرت خـدا برای اعـاده‌ی آن در رسـتاخیز، زیرا قـدرت بر خلق چیزی، دلیـل برقـدرت بر خلق دوبـاره و یـا خلق نظـایر آن است. و یـا منظور، مشاهـده‌ی بـا چشم است؛ یعنی انسـان با چشم زنـده شـدن زمین‌های مرده و روییـدن گیاهان و مراحل خلقت کودکان را می‌بینـد و به قـدرت خدا بر زنده کردن مردگان در معاد آگاه می‌شود. «۱» البته مانعی ندارد که مقصود از رؤیت هر دو معنا باشد. ۴. وقتی کسی قادر باشد یک بار چیزی را بیافریند، آفرینش مجدد آن برای او آسان‌تر است. البته تعـابیر ساده و مشـکل در کارهای بشـری معنا دارد و گرنه در برابر قـدرت بی‌انتهای الهی همه چیز آسان است. ۵. قرآن کریم بارها انسان‌ها را به گردشـگری و سیر و سفر دعوت کرده است؛ «۲» چرا که انسان در جهانگردی می‌توانـد آثار گذشـتگان و نشانه های قدرت خدا را مشاهده کند و بر علم و معرفت خویش بیفزاید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در آغاز خلقت، به فرجام آن پی ببرید. ۲. قدرت خدا نامحدود و معاد برای او آسان است. ۳. به جهانگردی هدفمند بپردازید. ۴. هدف گردشگری و سیر و سفر را شناخت بهتر توحیـد و معـاد قرار دهیـد. *** تفسیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۵۴ قرآن کریـم در آیـات بیسـت و یکـم و بیسـت و دوم سوره‌ی عنکبوت به قدرت خدا برای رحمت و عذاب انسان‌ها و ناتوانی آنها در برابر آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. یُعَذِّبُ مَنْ یَشَاءُ وَیَرْحَمُ مَنْ یَشَاءُ وَإلَیْهِ تُقْلَبُونَ* وَمَا أ نْتُمْ بِمُعْجِزِینَ فِی الأرْضِ وَلا فِی السَّمَاءِ وَ مَا لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَلا نَصِیرٍ هرکس را بخواهـد (و مسـتحق بدانـد)، مجازات می‌کند و هرکس را بخواهد (و شایسـته بداند)، رحم می‌کند؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید.* و شما عاجز کننده (ی خدا) در زمین و در آسمان نیستید، و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیـات مقصود از عـذاب و رحمت، مجازات و پاداش دنیوی یا اخروی و یا هر دو است. «۱» ۲. در این آیه فرمود هرکس را خـدا بخواهـد عـذاب یا رحمت می‌کنـد؛ البته اراده‌ی خـدا همراه با حکمت و عـدل است و کسـی را بدون دلیل مجازات نمی‌کنـد، بلکه هر کس را شایسته و مستحق پاداش یا مجازات ببیند، همان طور با او رفتار می‌کند. ۳. در این آیات اشاره شـده که انسان به سوی خـدا «دگرگون و منقلب» می‌شود. این نکته اشاره به آن است که انسان در قیامت از صورت خاک بی‌جان به صورت موجود زنده‌ای منقلب می‌شود، یا این که انسان در رستاخیز کاملًا دگرگون و زیرورو می‌شود و اسرار درونش آشکار می‌گردد. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۵۵ ۴. بـا ایـن که رحمت خـدا بر غضب او پیشـی گرفته است، چرا در این آیه، اول از عـذاب

سخن گفته، سپس از رحمت او یاد کرده است؟ در پاسخ باید گفت: مقصود این آیه تهدید مخالفان است و در مقام تهدید عذاب را اول بیان می کنند، و گرنه رحمت الهی بر غضب او مقدم است. ۵. مخالفان نمی‌توانند از گستره‌ی قدرت الهی فرار کنند و او را از تعقیب خود عاجز سازند؛ چون همه‌ی آسمان‌ها و زمین قلمرو حکومت اوست «۱» و نمی‌توانند از قلمرو قدرت او خارج شوند و نیز در درون کشور او هم نمی‌توانند بر کسی تکیه کنند و در برابر خدا بایستند. پس همه‌ی راه‌های برونی و درونی فرار بسته است. ۶. «ولیّ» به معنای سرپرست و «نصیر» به معنای یاور است. برخی از مفسران در مورد تفاوت این دو واژه گفته‌اند که ولیّ اشاره به سرپرستی است که بدون درخواست به انسان کمک می کند و نصیر اشاره به یاوری است که بعد از درخواست کمک، به یاری انسان می‌شتابد. ۷. تعبیر «ولا ـ فی السّماء»، یا اشاره به معبودان پنداری مشرکان، همچون فرشتگان است و یا تأکید و مبالغه است براین که اگر بر فرض می‌توانستید به آسمان بروید باز هم نمی‌توانستید از قدرت خدا خارج شوید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا در مورد عذاب و رحمت محدود نیست. ۲. فرار از تحت حکومت خدا ممکن نیست. ۳. بازگشت شما به سوی خدای قدرتمند است که هیچ یاوری و راه تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۶ فراری به سوی غیر او ندارید (پس مراقب عقاید و اعمال خود باشید). ۴. در اندیشه‌ی امدادگیری از غیر خدا و راه گریز از قدرت او نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی عنکبوت به ناامیدی و کیفر کافران اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۳. وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ اوْلَئِکَ یَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِی وَاوْلَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ و کسانی که نشانه‌های خدا و ملاقات او را منکر شدند، آنان از رحمت من ناامیدند؛ و آنان برایشان عذاب دردناکی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «آیات خدا» دراین آیه، یا نشانه‌های عظمت پروردگار در نظام آفرینش (یعنی آیات تکوینی) است، همان طور که منظور از «لِقاء» معاد است و در نتیجه، آیه اشاره به توحید و معاد دارد و یا مقصود آیات تشریعی است که خدا بر پیامبرش وحی کرده است که در این صورت آیه اشاره به توحید، نبوت و معاد دارد. البته ممکن است آیه به هردو معنا اشاره داشته باشد. «۱» ۲. انکار توحید و معاد، عامل یأس و ناامیدی از رحمت الهی است و کافران نباید هیچ امیدی به رحمت خدا در رستاخیز داشته باشند، بلکه عذاب دردناک در انتظار آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید و معاد را انکار نکنید که گرفتار یأس و محرومیت از رحمت الهی می‌شوید. ۲. کفر زمینه‌ساز عذاب اخروی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۷ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی عنکبوت به پاسخ غیرمنطقی و تهدیدآمیز مشرکان به ابراهیم و نجات عبرت آموز او اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۴. فَمَا کَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّاأنْ قَالُوا ا قْتُلُوهُ أوْ حَرِّقُوهُ فَأنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ و [لی پاسخ قوم او [: ابراهیم جز این نبود که گفتند: «او را بکشید؛ یا وی را بسوزانید.» وخدا او را از آتش نجات داد. قطعاً، در آن (ماجرا) نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. با این که ابراهیم علیه السلام استدلال‌های متعددی برای اثبات توحید و نفی شرک آورد، مشرکان پاسخ منطقی برای او نیاوردند و اصولًا پاسخی نداشتند؛ از این رو به سراغ تهدید و روش‌های غیر منطقی رفتند. ۲. گروهی از مشرکان طرفدار اعدام معمولی ابراهیم علیه السلام بودند ولی گروهی دیگر سوزندان او را پیشنهاد می کردند که بدترین نوع اعدام است. ۳. ماجرای در آتش انداختن ابراهیم علیه السلام و سردشدن آتش به فرمان خدا و نجات ابراهیم در آیات ۶۸- ۷۱ سوره‌ی انبیاء بیان شد. ۴. در این آیه بیان شده که در ماجرای ابراهیم علیه السلام نشانه‌های عبرت‌آموزی برای مؤمنان است؛ چون: از طرفی به صورت معجزه‌آسایی آتش در جسم ابراهیم علیه السلام تأثیر نکرد و از طرف دیگر ستمکاران بسیار نتوانستند بر یک پیامبر تنها، پیروز شوند و دیگر این که مکتب توحیدی ابراهیم در طول تاریخ باقی ماند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین، پاسخ منطقی در برابر رهبران الهی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۸ ۲. مخالفان رهبران الهی، خشونت طلب‌اند. ۳. خدا دوستان خود را در چنگال دشمنان تنها نمی گذارد و آنان را نجات می‌دهد. ۴. از سرگذشت ابراهیم درس عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی عنکبوت به سخنان ابراهیم علیه السلام در مورد برخی اهداف بت پرستان و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۵. وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أوْثَاناً مَوَدَّةَ بَیْنِکُمْ فِی

الحَیَاةِ الدُّنْیَا ثُمَّ یَوْمَ القِیَامَةِ یَکْفُرُ بَعْضُکُمْ بِبَعْضٍ وَیَلْعَنُ بَعْضُکُمْ بَعْضاً وَمَأْوَاکُمُ النَّارُ وَمَا لَکُمْ مِنْ نَاصِرِینَ (ابراهیم) گفت: «شما تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستند، (به پرستش) گرفته‌اید، تا مایه‌ی دوستی بین شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس در روز رستاخیز برخی از شما برخی را انکار می‌کند و برخی از شما برخی را لعنت می‌کند؛ و مقصد شما آتش است و هیچ یاوری برای شما نخواهد بود!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام پس از آن که از آتش نجات یافت، باز هم از مبارزه در راه هدف توحیدی خود دست برنداشت و به افشاگری در مورد بت‌پرستان و هشدار به آنان پرداخت. ۲. در این آیه اشاره شده که بت‌ها مایه‌ی دوستی مشرکان می‌شدند. این مطلب به خاطر آن بود که بت‌ها رمز وحدت گروه‌ها و قبیله‌های بت‌پرست و نیز مایه‌ی پیوند آنان با گذشتگان و سران آنها بودند؛ چراکه آنان مردم را به پیروی از بت‌ها فرامی‌خواندند. ۳. در روز رستاخیز تمام پیوندهای کافران گسسته می‌شود و هر یک گناه را به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۵۹ گردن دیگری می‌اندازد و سخنان و عقاید هم‌دیگر را انکار می‌کنند و حتی هم‌دیگر را لعنت می‌کنند، چون باعث گمراهی و عذاب یک‌دیگر شده‌اند. «۱» آری؛ شرک و بت‌پرستی که مایه‌ی دوستی مشرکان در دنیا بود، مایه‌ی تفرقه و برخورد آنان در رستاخیز می‌شود. ۴. از برخی احادیث استفاده می‌شود که مؤمنان در رستاخیز برای یک‌دیگر طلب آمرزش و شفاعت می‌کنند، در حالی که مشرکان به لعنت یک‌دیگر مشغول می‌شوند. آری؛ پیوند محبت مؤمنان که براساس توحید و تقوا پایه‌گذاری شده است، در رستاخیز رنگ جاودانی به خود می‌گیرد و محکم‌تر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، در دنیا محور دوستی مشرکان و در رستاخیز محور دشمنی آنان است. ۲. فرجام مشرکان، تنهایی و آتش است. ۳. رهبران و مبلغان الهی دست از مبارزه با شرک برندارند و به افشاگری و هشدارگری بپردازند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی عنکبوت به پیامد قیام ابراهیم علیه السلام و ایمان لوط به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّی مُهَاجِرٌ إِلَی رَبِّی إِنَّهُ هُوَ العَزِیزُ الحَکِیمُ و لوط به او [: ابراهیم ایمان آورد و گفت: «در واقع، من هجرت کننده به سوی پروردگارم هستم، که تنها او شکست ناپذیر [و] فرزانه است.» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حضرت لوط علیه السلام پیامبری الهی بود که هم‌زمان با ابراهیم علیه السلام زندگی می‌کرد و او را پسر خواهر «۱» ابراهیم یا پسرخاله‌ی او «۲» دانسته‌اند. هر چند افراد معدودی در سرزمین بابل به ابراهیم ایمان آوردند، از آن جا که ایمان لوط مهم بود، خدا آن را به صورت جداگانه و برجسته‌ای مطرح کرده است. ۲. در مورد گوینده‌ی جمله‌ی «من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم.» در بین مفسران دو دیدگاه وجود دارد: گروهی گوینده‌ی آن را ابراهیم علیه السلام دانند و شواهد تاریخی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند، «۳» ولی برخی احتمال داده‌اند که گوینده‌ی سخن لوط باشد و ظاهر آیه نیز موافق این دیدگاه است. ۳. حضرت ابراهیم علیه السلام پس از مبارزات فراوان و نجات از خطرآتش نمرودیان، تصمیم گرفت که از منطقه‌ی بابل مهاجرت کند تا درمنطقه ای آزاد به دعوت الهی خود ادامه دهد؛ از این رو از بابل به سرزمین شام مسافرت کرد و در این هجرت لوط و همسرش ساره را به همراه برد. ۴. ابراهیم علیه السلام گفت: من به سوی پروردگارم هجرت می‌کنم، در حالی که به سوی سرزمین شام رفت، این به خاطر آن بود که هجرت او در دین وراه رضای پروردگار بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقصود هجرت پروردگار است. ۲. رهبران و مبلغان الهی به ایمان آوردن افراد برجسته توجه کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۱ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی عنکبوت به مواهب پنج‌گانه‌ی الهی به ابراهیم علیه السلام در دنیا و آخرت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِی ذُرِّیَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالکِتَابَ وآ تَیْنَاهُ أَجْرَهُ فِی الدُّ نْیَا وَإِنَّهُ فِی الآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوّت و کتاب [الهی را در نسلش قرار دادیم و در دنیا پاداشش را به وی دادیم و قطعاً، او در آخرت از شایستگان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا به ابراهیم علیه السلام فرزندی هم‌چون اسحاق و نوه‌ای هم‌چون یعقوب و نسلی پاک عطا کرد تا خط توحیدی او را ادامه دهند و کتاب‌های آسمانی را در نسل او قرار داد و جریان نبوت در نسل او تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ادامه یافت و این‌ها از مواهب بزرگ خدا به ابراهیم علیه السلام بود. ۲. مقصود از پاداش دنیوی ابراهیم علیه السلام، همان

نـام نیـک و اموال فراوان و اسـتجابت دعـای او دربـاره‌ی مکه و مراسم پرشـکوه حـج ابراهیمی بود که هر سال یاد و راه ابراهیم علیه السلام را در دنیا زنـده می‌سازد و تـداوم می‌بخشد. ۳. قرآن یکی از بزرگ‌تریـن افتخـارات ابراهیم علیه السلام را این گـونه معرفی می‌کنـد که او از شایسـتگان درگـاه الهی شـد. و این درخواست ابراهیم علیه السلام و دیگر پیـامبران الهی بود. «۱» آری؛ شایستگی اعتقـادی، عملی و اخلاقی یکی از افتخـارات انسـان هـای بزرگ است کـه در آخرت نیز جلوه‌گر می‌شـود. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرزند و نسل خوب از مواهب الهی است. ۲. خدا پاداش مبارزان مهاجر را در دنیا و آخرت عطا می‌کند. ۳. بکوشید در رستاخیز از جمله‌ی شایستگان باشید. ***

ماجرای لوط

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتـم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت قوم لوط و هم جنس‌گرایی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. وَلُوطاً إذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إنَّکُمْ لَتَأ تُونَ الفَاحِشَـةَ مَا سَبَقَکُمْ بِهَا مِنْ أحَدٍ مِنَ العَالَمِینَ و (یادکن) لوط را هنگامی که به قومش گفت: «قطعاً، شما [عمل زشت (- ی) را مرتکب می‌شویـد که هیـچ یک از جهانیان در آن (کار) برشـما پیشـی نگرفته است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سرگـذشت قوم لوط در سوره‌ی اعراف آیات ۸۰- ۸۴ و در سوره‌ی هود آیـات ۷۴- ۸۳ آمـده و مشابه مطالب آیه‌ی فوق در آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی اعراف آمـده است. این تأکیـد و تکرار سـرگذشت قوم لوط به خـاطر آن است که خطر هم‌جنس‌بـازی بزرگ و مـداوم است. ۲. حضرت «لوط» خویشاوند ابراهیم علیه السلام «۱» بود که به او ایمان آورد و همراه ایشان هجرت کرد و ابراهیم علیه السلام پیامبر بزرگ خـدا، لوط را به منطقه‌ای ثروتمنـد از شامات فرسـتاد که در آن‌جا فحشا رواج داشت و در احادیث آمـده است که قوم لـوط مردمی بخیـل بودنـد و بـه همین جهت بـا هم‌جنس‌گرایی تفسـیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۶۳ مهمانـان خـویش را اذیت می‌کردنـد تا از آنان بترسـند «۱» (یعنی ریشه‌ی انحراف آنـان بُخـل و دنیـادوستی بـود) ودر برخی دیگر از احـادیث آمـده است که هم‌جنس‌گرایی توسط شیطان به آنان آموزش داده شـد «۲» و آنان چنان به این عمل زشت علاقه‌منـد شـده بودند که حتی پیشـنهاد ازدواج با دختران لوط را نمی پذیرفتنـد. «۳» ماجرای قوم لوط در سوره‌های اعراف، هود، حجر، شـعراء، انبیاء و نمل آمـده است. ۳. هم‌جنس‌گرایی عملی زشت و ننگین است که توسط قوم لوط تأسیس شـد؛ یعنی در ملت‌های پیشـین سابقه نداشت و این زشتی آن را چنـدین برابر می‌کنـد؛ چون که قوم لوط پایه‌گـذار یک روش غلط شدنـد و زمینه‌ی گناه دیگران را فراهم ساختنـد. «۴» ۴. بخش مهمی از تبلیغات حضـرت لوط، مبارزه با فحشا و منکرات جنسـی بود؛ چرا که مهم‌ترین مشـکل جامعه‌ی او هم‌جنس‌گرایی بود. «۵» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. منادیـان دین، بـا اعمـال زشتی هم‌چون هم‌جنس‌گرایی مخالف هسـتند. ۲. با زشتی‌های نوپدیـد، مبارزه کنیـد. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۴ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی عنکبوت به انحرافات قوم لوط و پاسخ غیر منطقی آنان به لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. أئِنَّکُمْ لَتَأ تُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِیلَ وَتَأ تُونَ فِی نَادِیکُمُ المُنکَرَ فَمَا کَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إلَّاأنْ قَالُوا ا ئْتِنَا بِعَـذَابِ اللَّهِ إنْ کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ آیـا واقعـاً، شـما به سـراغ مردان می‌رویـد و راه (تـداوم نسـل انسان) را قطع می‌کنیـد و در محفلتان [کار] ناپسـند انجام می‌دهیـد؟!» و پاسـخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر از راست‌گویانی، عذاب خدا را برای ما بیاور.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل گناه قوم لوط به صورت سربسـته و مبهم تحت عنوان «فحشاء» بیان شد و اینک در این آیه به صورت صـریح از گناه هم‌جنس‌گرایی نام می‌برد و آنان را بر این عمل سـرزنش می‌کنـد. این یکی از فنون بلاغت اسـت که قرآن رعایت کرده است که در بیان مسائل مهم ابتـدا مطلب به صورت سربسـته و مبهم و بعـد به صورت واضـح بیان می‌شود، تا مخاطب به تدریج آماده شود و به اهمیت گناه خویش پی ببرد. «۱» ۲. هم‌جنس‌گرایی دارای آثار و عواقب شومی است که برخی از آنهـا عبارت‌انـد از: الف) زیان‌های بهـداشتی که هم‌جنس‌گرایی برای هر دو طرف دارد؛ «۲» ب) از بین بردن هـدف اصـلی آمیزش جنسی که همان ادامه‌ی نسل است؛ ج) متزلزل شدن نظام خانواده. به عبارت دیگر در ازدواج طبیعی انسان ثمراتی است که در لواط

نیست؛ مثل دوستی و محبت، ادامه‌ی نسل انسان، تشکیل نظام خانواده، رعایت مسائل غریزی و طبیعی و دینی. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۵ اما متأسفانه در جهان کنونی در برخی از کشورهای مدعی ترقی و پیشرفت هم‌جنس گرایی به صورت قانونی درآمده است. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام در مورد فلسفه‌ی تحریم هم‌جنس گرایی آمده است: هم‌جنس گرایی، علاقه‌ی خانوادگی میان زن و شوهر را کم و نسل را قطع می‌کند و آمیزش جنسی طبیعی را از بین می‌برد و فسادهای زیادی دارد. «۱» ۴. مقصود از «قَطْع سَبیل» در این آیه قطع کردن راه مسافران یا سرقت اموال آنان و یا قطع کردن راه تکثیر نسل انسان است، که معنای اخیر با سیاق آیه و روایات سازگارتر است، چون یکی از خطرهای هم‌جنس‌بازی قطع نسل آدمی است. «۲» ۵. مقصود از «نادی» در این آیه مجالس عمومی است که گاهی مرکز تفریح است و از آن جا که مردم در آن جا هم‌دیگر را ندا می‌دهند، به آن مجالس نادی گفته می‌شود. قوم لوط در این مجالس کارهای ناپسند می‌کردند؛ قمار می‌کردند و فحش می‌دادند و در حضور جمع بدن خود را برهنه می‌ساختند «۳» و سنگ‌ریزه به هم پرتاب می‌کردند و یک‌دیگر را مسخره می‌نمودند. «۴» ۶. حضرت لوط قوم خویش را تهدید کرده بود که اگر دست از اعمال زشت برندارید گرفتار عذاب الهی می‌شوید و اکنون که آنان در برابر سخنان منطقی لوط پاسخی نداشتند، جاهلانه از او درخواست کردند که عذاب الهی را بیاورد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به خطر قطع نسل در هم‌جنس‌بازی توجه کنید (و به سراغ این راه انحرافی نروید). ۲. در مجالس عمومی و تفریحی، کارهای ناپسند نکنید. ۳. هم‌جنس گرایان اهل منطق و استدلال نیستند و خواستار عذاب الهی‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی عنکبوت به دعای لوط اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. قَالَ رَبِّ انصُرْنِی عَلَی القَوْمِ المُفْسِدِینَ (لوط) گفت: «پروردگارا! مرا برگروه فسادگر پیروزگردان.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند قوم لوط از روی جهل و ریشخند تقاضای نزول عذاب الهی کردند، ولی لوط پیامبر باز هم تقاضای عذاب نکرد و فقط از خدا خواست که او را در برابر این قوم فسادگر یاری رساند و پیروز گرداند. هر چند این دعای لوط، همراه با تقاضای قبلی قوم لوط در مورد نزول عذاب، نتیجه‌ای جز مجازات آنان نداشت. ۲. در این آیه بر فسادگری قوم لوط تأکید شده است و از این تعبیر استفاده می‌شود که هم‌جنس‌بازی فساد و تباهی در پی دارد؛ چرا که اخلاق انسان‌ها را فاسد می‌سازد و جامعه را به آلودگی و ستمکاری سوق می‌دهد و نسل آینده‌ی انسان را تباه می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر مردم لجاجت کردند و راه‌های هدایت را به روی خود بستند رهبران و مبلغان دینی، از خدا کمک بجویند. ۲. هم‌جنس‌بازی نوعی فسادگری و تبهکاری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۷ قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی عنکبوت به گفت‌وگوی ابراهیم علیه السلام با فرشتگان در مورد عذاب قوم لوط و نجات مؤمنان آن قوم اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِیمَ بِالبُشْرَی قَالُوا إِنَّا مُهْلِکُو أهْلِ هَذِهِ القَرْیَهِٔ إِنَّ أهْلَهَا کَانُوا ظَالِمِینَ* قَالَ إِنَّ فِیهَا لُوطاً قَالُوا نَحْنُ أعْلَمُ بِمَنْ فِیهَا لَنُنَجِّیَنَّهُ وَأهْلَهُ إِلَّاامْرَأتَهُ کَانَتْ مِنَ الغَابِرِینَ و هنگامی که فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: «در واقع، ما مردم این آبادی (لوط) را هلاک می‌کنیم، [چرا] که مردمش ستمکار هستند.»* (ابراهیم) گفت: «به یقین، لوط در این (آبادی) است.» (فرشتگان) گفتند: «ما به کسانی که در آن (جا) هستند داناتریم؛ قطعاً، او و خاندانش را نجات می‌دهیم؛ جز زنش که از بازماندگان (در آبادی) بود.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشابه این آیات در سوره‌ی هود ضمن آیات ۶۹- ۷۷ آمده است و داستان فرشتگان الهی را بیان کرده که خدمت ابراهیم علیه السلام رسیدند و مژده‌ی تولد اسحاق را به او دادند و بیان کردند که ما برای عذاب قوم لوط آمده‌ایم و ابراهیم علیه السلام در مورد قوم لوط با آنان سخن گفت و یادآور شد که لوط پیامبر در میان آن قوم است، اما فرشتگان خبر دادند که ما لوط و خانواده‌اش را از عذاب نجات می‌دهیم. ۲. شهر قوم لوط نزدیک سرزمین ابراهیم علیه السلام بود و لوط پیامبر در آن زمان تابع رسالت ابراهیم علیه السلام بود و فرشتگانِ اخبار غیبی عذاب قوم لوط را نخست برای ابراهیم بیان کردند و سپس به سراغ خود لوط رفتند. ۳. قوم لوط ستمکار بودند؛ زیرا آنان با هم جنس‌بازی به خویشتن ستم می‌کردند، همان طورکه به دیگران و مسافران ظلم می‌کردند؛ و همین ستمکاری آنان عامل هلاکت آنها شد. تفسیر قرآن مهر جلد

شانزدهم، ص: ۶۸ ۴. در شهر قوم لوط، جز یک خانواده، مؤمن نبودند و آن هم خانواده‌ی لوط پیامبر بود، ولی در همین خانواده نیز، همسر لوط منحرف شده بود و از این رو گرفتار عذاب شد. «۱» البتّه این احتمال هست که افراد دیگری نیز ایمان آورده و قبل از عذاب از آن شهر هجرت کردند و یا جزئی از اهل لوط شدند. ۵. چرا ابراهیم علیه السلام به فرشتگان تذکر داد که لوط در میان قوم خویش است؟ شاید این مطلب برای یادآوری و اطمینان‌آفرینی بود؛ یعنی ابراهیم می‌خواست مطمئن شود که لوط نجات می‌یابد و فرشتگان نیز این اطمینان را دادند. «۲» و شاید ابراهیم می‌خواست به وسیله‌ی وجود لوط، دلیلی برای رفع عذاب از شهر قوم لوط فراهم کند، ولی فرشتگان بیان کردند که عذاب آنان قطعی است و خانواده‌ی لوط هم نجات می‌یابند. «۳» ۶. «غابِر» به کسی گفته می‌شود که همراهانش بروند و او باقی بماند و از آن جا که خانواده‌ی لوط از شهر رفتند و همسر او در شهر باقی ماند، به او غابر گفته شد. «۴» ۷. «اهل» به معنای خویشاوندان نزدیک است. پیروان لوط و مؤمنان به او، همگی از خویشاوندان او و در نتیجه، یک گروه بودند. «۵» ۸. از آیات دیگر قرآن «۶» استفاده می‌شود که همسر لوط، در آغاز منحرف نبود، ولی بعد راه خیانت را در پیش گرفت و اسرار لوط را برای دشمنان او بازگو می‌کرد و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۶۹ کافران گناهکار را دوست داشت و از این رو همراه آنان گرفتار عذاب شد. «۱» ۹. نکته‌ی عجیبی که از این آیه و آیات سوره‌ی تحریم استفاده می‌شود آن است که در خانه‌ی پیامبر بودن سبب نجات انسان نمی‌شود. زن لوط در خانه‌ی مقدسی بود و دچار عذاب شد، ولی زن فرعون که در کاخ فساد و طغیان بود، با ایمان آوردن به راه موسی نجات یافت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاری عامل نابودی ملت‌ها و شهرهاست. ۲. خویشاوندی با شخصیت های الهی مانع عذاب گناهکاران نمی‌شود. ۳. پیوند با خدا عامل نجات است، نه پیوند خویشاوندی با پیامبران. ۴. دوستان خدا از میان عذاب نجات می‌یابند و منحرفان باقی می‌مانند. ۵. در هنگام مجازات، مراقب بی‌گناهان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی عنکبوت به برخورد فرشتگان با لوط پیامبر و دلداری دادن به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳. وَلَمَّا أنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطاً سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعاً وَقَالُوا لا تَخَفْ وَلا تَحْزَنْ إنَّا مُنَجُّوكَ وَأهْلَكَ إلَّاامْرَأتَكَ كَانَتْ مِنَ الغَابِرِينَ و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، به‌خاطر (آمدن) آنان ناراحت شد و به جهت آنان، دستِ (قدرتش از حمایت کوتاه گشت و دل) تنگ شد و (فرشتگان) گفتند: «نترس و اندوهگین مباش! [چرا] که ما تو و خاندانت را نجات می‌دهیم، جز زنت که از بازماندگان (در آبادی) است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. داستان برخورد لوط با فرشتگان در آیات ۷۷- ۸۱ سوره‌ی هود به طور مفصل بیان شده است. هم‌جنس‌بازان شهر به سوی خانه‌ی لوط هجوم بردند و قصد تعرّض به فرشتگان را داشتند؛ چرا که آنان به صورت جوانانی خوش‌سیما مهمان لوط شده بودند و هر قدر لوط تلاش کرد آنان را از این کار باز دارد موفق نشد. ۲. در احادیث روایت شده که لوط در مزرعه‌ی خود کار می‌کرد که ناگهان فرشتگان الهی را به صورت جوانانی زیبا دید که به سراغ او می‌آیند و مایل‌اند مهمان او باشند. او که مردی مهمان نواز بود، از حضور این جوانان زیبا در شهری که گرفتار انحراف جنسی بودند، ناراحت شد و مشکلات و آبروریزی را پیش‌بینی کرد. «۱» ۳. لوط از دیدن فرشتگان ناراحت و بد حال شد؛ «۲» چون قوم خود را می‌شناخت و می‌دانست که چه پیش خواهد آمد. آری؛ او از این مهمان‌های ناخوانده دلش گرفت و ناراحت شد. «۳» ۴. فرشتگان الهی وقتی ناراحتی لوط را دیدند، خود را معرفی کردند و به او دل‌داری دادند و گفتند ما برای عذاب این قوم و نجات تو آمده‌ایم، پس نترس و اندوهگین نباش که آنان نه تنها به ما دست‌رسی پیدا نمی‌کنند، که به تو و خانواده‌ات نیز آزاری نمی‌رسد ولی همه‌ی هم‌جنس‌گرایان هلاک می‌شوند. ۵. «خَوف» (ترس) در مورد حوادث ناگوار احتمالی، اما «حُزن» (اندوه) در مورد حوادث ناگوار قطعی به کار می‌رود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۱ به عبارت دیگر، خوف مربوط به حوادث خطرناک آینده و حزن مربوط به حوادث دردناک گذشته است. «۱» آری؛ ترس و اندوه لوط به خاطر حوادث خطرناکی بود که در مورد میهمانان خود به خاطر انحراف جنسی قومش پیش‌بینی می‌کرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت به مهمانان خود احساس مسئولیت داشته باشید و در مورد خطرهایی که آنان را تهدید می‌کند بیمناک و اندوهگین شوید. ۲. برای دوستان خدا،

ترس و انـدوهی نیست؛ چراکـه خـدا مؤمنـان را نجـات می‌دهـد. *** قرآن کریم در آیـات سـی و چهـارم و سـی و پنجم سـوره‌ی عنکبوت به عـذاب عبرت‌آموز قوط لوط اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۴ و ۳۵. إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَـٰذِهِ الْقَرْيَـةِ رِجْزاً مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُـقُونَ* وَلَقَـد تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ در حقیقت، ما بر مردم این آبادی به خاطر آن‌که نافرمانی می‌کردند، (عذابی) اضـطراب‌آور از آسـمان فرو می‌فرستیم.»* و بـه یقین، از این (آبـادی) نشـانه‌ی (عـبرت‌آموزِ) روشـنی، برای گروهی که خردورزی می‌کننـد، برجای گذاشتیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «قَریه» در این آیه همـان شـهر «سَـدُوم» و آبادی‌های اطراف آن است که قوم لوط در آنها زنـدگی می‌کردند. ۲. «رِجْز» در اصـل به معنای اضـطراب است و به هر چیزی که موجب اضـطراب شود، هم‌چون بلاهای سـخت، طاعون، برف و تگرگ شدیـد، وسوسه‌ی شـیطان و عـذاب الهی گفته می‌شود. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۲ و در این جا مقصود عـذاب قوم لوط است که طبق آیات دیگر قرآن نخست زلزله‌ای شدیـد شـهرهای آنان را زیرورو کرد، سپس بارانی از سـنگ متراکم بر سرآنان باریـد و نابود و مدفون شدند. «۱» ۳. در این آیه علت عـذاب قوم لوط را فسق و نافرمـانی آنـان بیـان کرده است و تعبیر قرآن نشـان می‌دهـد که نافرمـانی آنـان مستمر بوده است «۲» و آنـان اهـل بازگشت و توبه نبودنـد تا بخشیده شوند. ۴. ویرانه‌های شـهر قوم لوط (یعنی شـهر سَـدُوم)، نشانه‌ی روشـنی برای خردمندان است. آری؛ این ویرانه‌ها در مسیر کاروان‌های مردم حجاز قرار داشت و صبح و شام از کنار آنها می‌گذشـتند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فسق و نافرمانی عامل هلاکت ملت‌هاست. ۲. فرجام هم‌جنس‌گرایانِ فاسق عذاب‌آلود است. ۳. خردمندان از سرنوشت قوم لوط عبرت بگیرند. ***

ماجرای شعیب

قرآن کریم در آیات سی و ششم و سی و هفتم سوره‌ی عنکبوت به اصول دعوت شعیب پیامبر و مخالفت قوم او و عذاب آنان اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۳۶ و ۳۷. وَإِلَى مَـدْيَنَ أَخَـاهُمْ شُـعَيْباً فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُـدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِـدِينَ* فَكَـذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۳ فَأَصْـبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ و به سوی (مردم) «مَـدْيَن»، برادرشان شُعیب را (فرسـتادیم)؛ و گفت: «ای قوم [من ! خـدا را پرسـتش کنیـد و به روز بـاز پسـین امیـدوار باشـید، و در زمین تبهکارانه فساد نَکنیـد.»* پس او را تکـذیب کردنـد و (درنتیجه) زلزله آنـان را فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پای درآمدنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مَدْین» نام شـهر و قبیله‌ی شـعیب پیامبر علیه السـلام بود، که در شـرق خلیج عقبه قرار داشت. مردم این شهر که از فرزندان اسماعیل بودند، با لبنان، مصر و فلسطین تجارت داشتند. «۱» امروز این شهر را «مَعان» می‌خوانند. آنان توحید را رها کردند و گرفتار شرک و بت‌پرستی شدند و برای رونق بازار خویش دست به کم‌فروشـی و تقلّب زدند و خدا شـعیب پیامبر را به سوی آنان فرسـتاد تا آنان را هدایت کند. ۲. تعبیر «اخاهُم» در مورد شـعیب یا اشاره به آن است که او از مردم قبیله‌ی «مَدْین» بود و یا آن که او رفتاری برادرانه و خیرخواهـانه بـا مردم داشت. ۳. «تَعثَوْا» بـه معنـای فسـادکردن اسـت و واژه‌ی «مُفسـدین» بر آن تأکیـد می‌کنـد. ۴. فسـاد در جـامعه شکل‌های گوناگونی دارد؛ گاهی در کم فروشـی، گاهی در تغییر میزان‌ها و مقیاس‌های اجتماعی و گاهی از طریق عیب گذاشتن بر اموال و اشـخاص و یـا تجـاوز به آبرو، ناموس و جان مردم است. ۵. شـعیب سه اصل اساسـی را برای دعوت خود مطرح کرد: الف) توحید در عبادت؛ ب) امید به رستاخیز؛ ج) جلوگیری از فساد (یعنی پاکی جامعه). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۴ ۶. ایمان و امیـد به معـاد، عامـل کنـترل درونی و دایمی انسـان است، به طـوری که آدمی همـواره مراقب اعمـال خویش است و نفس خود را تربیت کنـد تـا به پاداش‌هـای اخروی نایـل شود و از دوزخ نجات یابـد. ۷. در آیـه‌ی ۹۴ سوره‌ی هود، عامـل هلاکت قوم شـعیب را «صیحه»، و در این جا، زلزله‌ی شدیـد معرفی کرده است. شایـد صـدای آسـمانی شدید همراه با زلزله‌ای مهیب شـهر مدین را ویران ساخته باشد. ۸. عذاب قوم شـعیب آن‌قدر شدید بوده که مردم بر زانو نشسـتند و در همان حال هلاک شدند «۱» و زلزله و صیحه‌ی ناگهانی به آنان فرصت فرار نداد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی برادرگونه با مردم برخورد کنند. ۲. توحید، معاد

و نفی فساد از اصول دعوت پیامبران الهی است. ۳. فرجام مخالفت با پیامبران، عذاب است. ***

ماجرای عاد و ثمود

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت عبرت آموز قوم عاد و ثمود و عامل انحراف آنان اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۸. وَعَاداً وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ و (قوم) عاد و ثَمُود را (نیز هلاک کردیم)؛ و به یقین، (این) از خانه‌های (ویران شده‌ی) آنان برای شما آشکار شده است؛ و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست و آنان را از راه (خدا) بازداشت، در حالی که آنان بینا بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ماجرای قوم عاد و پیامبرشان هود در آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی اعراف و آیات ۵۰ به بعد سوره‌ی هود و برخی سوره‌های دیگر قرآن بیان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۵ و ماجرای قوم ثمود و پیامبرشان صالح در آیه‌ی ۷۳ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی هود و آیه‌ی ۲۱ به بعد سوره‌ی احقاف و برخی سوره‌های دیگر قرآن بیان شد. و در این جا فقط اشاره‌ای به این سرگذشت های عبرت‌آموز شده است. ۲. در این آیه اشاره شده که پس از سرکشی قوم عاد و ثمود و هلاکت آنان، ویرانه‌های شهرهایشان در منظر شماست، چون مردم مکه هر سال برای تجارت به سوی شام می‌رفتند و از کنار سرزمین حِجْر که در شمال جزیرهٔ العرب است می گذشتند و ویرانه‌ی شهر قوم ثمود را می‌دیدند. و نیز هنگام مسافرت به یمن از کنار احقاف که در جنوب جزیرهٔ العرب بود، می گذشتند و ویرانه‌های شهر قوم عاد را می‌دیدند. ۳. مقصود از بینا بودن اقوام عاد و ثمود چیست؟ برخی مفسران این تعبیر را به معنای داشتن عقل و درک کافی و برخی به معنای دارا بودن فطرت سالم و برخی به معنای راه‌نمایی پیامبران دانسته‌اند. ولی مانعی ندارد که مقصود آیه هر سه مطلب باشد؛ یعنی قوم عاد و ثمود با آن که فطرت و وجدان بیدار و عقل کافی و پیامبرانی هم‌چون هود و صالح علیهما السلام داشتند و جاهل قاصر نبودند، باز هم لجاجت کردند و به دنبال وسوسه‌های شیطان رفتند. ۴. یکی از روش‌های شیطان آن است که کارهای زشت را درنظر گناهکاران زیبا جلوه می‌دهد؛ یعنی ارزش‌ها را دگرگون می‌سازد و معیارهای حق و باطل و زشت و زیبا را درنظر افراد تغییر می‌دهد و آنان را از راه خدا باز می‌دارد و گمراه می‌سازد. ۵. در جهان کنونی نیز شیطان و شیطان صفتان با تبلیغات وسیع خود برخی اقوام را فریب می‌دهند، به طوری که بزرگ‌ترین جنایت‌ها وظلم‌ها را با نام‌های زیبا به بشریت روا می‌دارند؛ کودکان فلسطینی را در وطن خودشان به خاک و خون می کشند و نام آن را مبارزه با تروریسم می گذارند و حقوق ملت‌های جهان سوم را پای‌مال می کنند و نام آن را دفاع از آزادی، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۶ دموکراسی و حقوق بشر می گذارند. آری؛ شیطان‌صفتان جهان تلاش می کنند که زشتی‌ها را زیبا جلوه دهند، ولی ملت‌ها بیدار شده‌اند و با چشم خرد و فطرت و با راه‌نمایی راهبران الهی جنایات آنها را می‌شناسند و افشا می کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به آثار باستانی قوم عاد و ثمود بنگرید و از سرنوشت عذاب‌آلود آنان عبرت بگیرید. ۲. مراقب فریبکاری شیطان و تأثیر او در تغییر دیدتان باشید. ۳. از چشم بینا (عقل و فطرت و نبوّت) استفاده کنید و به کج‌راهه نروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی عنکبوت به سرگذشت عبرت‌آموز موسی با سه مستکبر بزرگ اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۹. وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ و قارون و فرعون و هامان را (نیز هلاک کردیم)؛ و به یقین، موسی با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان آمد؛ و در زمین تکبر ورزیدند، و [لی پیشی گیرنده (بر ما) نبودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قارون مظهر ثروت‌اندوزی و غرور و غفلت بود که در برابر موسی علیه السلام ایستاد و با ثروت خویش فخرفروشی کرد و در پایان هلاک گردید. شرح ماجرای قارون در آیات ۷۶- ۸۱ سوره‌ی قصص گذشت. ۲. فرعون از بزرگ‌ترین مستکبران جهان بود که در برابر موسی گردن‌کشی کرد و در نهایت غرق شد. شرح ماجرای فرعون در سوره‌های متعددی از قرآن از جمله بقره، اعراف، یونس، هود، اسراء، طه، شعراء و قصص بیان شد و در سوره‌ی غافر نیز خواهد آمد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۷ ۳. هامان، وزیر

و فرمانده نظامی فرعون بود که الگوی کسانی است که همکار و یاور ستمکاران می‌شوند و بر نیروی نظامی خویش تکیه می‌کنند. آری؛ سرانجام او نیز غرق شد. شرح ماجرای هامان در آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی قصص گذشت و در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی غافر خواهد آمد. ۴. مقصود از عبارت «این سرکشان برخدا پیشی نگرفتند.» آن است که آنان نتوانستند اراده‌ی خود را برخدا تحمیل کنند و مسیر تاریخ را به نفع خویش تغییر دهند و نور حق موسی را خاموش سازند، بلکه آنان پس از سرکشی نتوانستند از قلمرو حکومت الهی فرار کنند و از عذاب او رهایی یابند و هرگاه خدا اراده کرد هلاک شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت موسی و مستکبران جهان درس عبرت بگیرید. ۲. مستکبران ثروتمند و قدرتمند جهان نیز نتوانستند برخدا پیشی بگیرند (پس شما هم نمی‌توانید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی عنکبوت به نقش ظلم در هلاکت اقوام سرکش اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. فَکُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَیْهِ حَاصِباً وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّیْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا کَانَ اللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَلَکِنْ کَانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ و هرکدام [از آنان را به خاطر پیامد (گناه) ش گرفتار (عذاب) کردیم؛ پس، از آنان کسی بود که بر او طوفان شن فرستادیم؛ و از آنان کسی بود که بانگ (مرگبار) او را فروگرفت؛ و از آنان کسی بود که او را در زمین فرو بردیم؛ و از آنان کسی بود که (او را) غرق کردیم؛ وخدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به عذاب های اقوام و افرادی اشاره کرده که در آیات قبل از آنان نام برده شد، تا درس عبرتی برای آیندگان باشد. آری؛ قوم عاد با طوفان شن نابود شدند؛ طوفانی که هفت شب و هشت روز ادامه داشت و خانه‌های آنان را درهم کوبید و همه را هلاک ساخت. «۱» قوم ثمود با بانگ (: صیحه) آسمانی که نتیجه‌ی صاعقه است و همراه با زمین لرزه‌ای شدید، نابود شدند. «۲» قارون ثروتمند نیز در زمین فرو رفت. «۳» و فرعون و هامان در دریا غرق شدند و آبی که مایه‌ی حیات است عامل مرگ آنان شد. ۲. در این آیه تأکید شده که عامل نابودی این اقوام و افراد سرکش همان گناهکاری و ستمکاری آنان بود. آنها با شرک ورزیدن، به خود ستم کردند و با سرکشی، بر مردم ستم کردند و برخی از آنان با ثروت‌اندوزی، بر مردم ستم اقتصادی روا داشتند. ۳. در این آیه بیان شده که خدا حتی بر مستکبران عالم ستم نمی‌کند. آری؛ خدا عادل است و نیازمند چیزی نیست، تا برکسی ستم کند و قدرت و اموال و جان او را بگیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب، عکس العملِ گناه و ستم انسان است. ۲. خدا ستمکاران را به شیوه‌های مختلفی مجازات می‌کند. ۳. خدا برکسی ستم نمی‌کند و ستمکاری انسان‌ها از ناحیه‌ی خود آنهاست. ۴. گناه و ستم نکنید تا گرفتار عذاب نشوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۷۹

مثال جالب عنکبوت

قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سوره‌ی عنکبوت با مثالی جالب، سستی تکیه‌گاه مشرکان را آشکار می‌سازد و با اشاره به علم و حکمت الهی می‌فرماید: ۴۱ و ۴۲. مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیَاءَ کَمَثَلِ العَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً وَإِنَّ أَوْهَنَ البُیُوتِ لَبَیْتُ العَنْکَبُوتِ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ* إِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَیْءٍ وَهُوَ العَزِیزُ الحَکِیمُ مثال کسانی که غیر از خدا سرپرستانی گزیده‌اند، همچون مثال عنکبوت است که (خانواده و) خانه‌ای برگزیده، در حالی که قطعاً، سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است، اگر (برفرض) می‌دانستند.* در حقیقت، خدا آن چیزی را که غیر از او می‌خوانند (و می پرستند) می‌داند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه مثالی جالب از عنکبوت می‌زند، در مورد این مثال دو تفسیر شده است: الف) مقصود خانه‌ی عنکبوت است که بسیار سست است، به طوری که با اشاره‌ی دست انسان پاره می‌شود، پس دوستی و سرپرستی غیرالهی نیز این گونه است. «۱» ب) مقصود خانواده‌ی عنکبوت است؛ چرا که در برخی انواع عنکبوت‌ها، بعد از ازدواج و کام‌گیری، عنکبوت ماده، عنکبوت نر را می‌کشد و یا این که صبر می‌کند تا بچه‌ها متولد شوند و پدر را به قتل برسانند؛ از این رو می‌توان گفت سست‌ترین خانواده‌ها، خانواده‌ی عنکبوت است که بدون طلاق از هم فرو می‌پاشد و در این آیه دوستی‌های

غیرالهی به دوستی خانواده‌ی عنکبوت تشبیه شده که کم‌دوام است و منتهی به دشمنی می‌گردد و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۰ دوستان غیرالهی پس از بهره‌کشی از افراد، آنها را نابود می‌کنند. «۱» ۲. بنابر تفسیر اول، در این آیه سستی کار و تکیه‌گاه مشرکان به سستیِ خانه‌ی عنکبوت تشبیه شده است. خانه‌ای که از تارهای نازک ساخته شده و در برابر هر حادثه‌ای متزلزل می‌شود. خانه‌ای که با نسیم بادی یا بارش بارانی نابود می‌شود. آری، سرپرستان و تکیه‌گاه‌های مشرکان، هم‌چون خانه‌های عنکبوت سست و متزلزل هستند. چرا که آن تاج و تخت فرعونیان و گنج قارون و شوکت اقوامی هم‌چون عاد و ثمود (در برابر عذاب الهی) کوچک‌ترین مقاومتی نکردند و هم‌چون تارهای عنکبوت در هم فرو ریختند. حال، کسانی که این مستکبران و بت‌ها را سرپرست خود قرار می‌دهند، به چه تکیه‌گاه سست و ناپایداری اعتماد کرده‌اند؟! ۳. عنکبوت‌ها از مایع لزجی که در زیر شکم آنان تولید می‌شود، به وسیله‌ی چنگال‌های خود تارهای نازکی می‌تنند و این مایع وقتی در معرض هوا قرار گیرد، سخت می‌شود، به طوری که اگر مقداری از آن به اندازه‌ی یک طناب جمع شود، هم‌چون آهن محکم می‌گردد؛ از این رو طرف‌داران تفسیر دوم آیه گفته‌اند که این تارها هر چند به ظاهر سست‌اند، اما در واقع محکم‌اند، پس آیه به سستی خانواده‌ی عنکبوت اشاره دارد نه خانه‌ی او. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۱ البته مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره کرده باشد. «۱» ۴. در این جا از معبودان مشرکان با واژه‌ی «اولیاء» یاد شده است، شاید این تعبیر اشاره به بت‌ها و پیشوایان مستکبر است که برخی از آنان هم‌چون فرعون ادعای پروردگاری داشتند. ۵. مشرکان ناآگاه‌اند و نمی‌دانند که تکیه‌گاه‌ها و معبودان آنان تا چه اندازه سست هستند و همین جهل آنهاست که آنان را به گمراهی کشانده است. «۲» ۶. عنکبوت خود خانه یا خانواده‌ی خویش را انتخاب می‌کند و مشرکان نیز با اختیار خود سرپرستی معبودان و مستکبران را می‌پذیرند و به بیراهه می‌روند. ۷. در این آیات به سه صفت علم، حکمت و عزّت الهی اشاره شده است؛ یعنی خدا از شرک مخفی و بهانه‌های مشرکان هم آگاه است که می‌گویند: ما این بت‌ها را سمبل می‌دانیم و آنها را برای خودشان نمی‌پرستیم، بلکه سود و زیان ما در دست آنهاست. «۳» ولی در همان حال که عزیز و شکست‌ناپذیر است به مشرکان مهلت می‌دهد، تا شاید هدایت گردند و یا حجّت بر آنان تمام شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در زندگی تکیه‌گاه‌های سست انتخاب نکنید. ۲. هر سرپرستی غیر از خدا، ناپایدار است. ۳. از جهان حیوانات برای امور تربیتی الهام بگیرید و مثال بزنید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۲ ۴. خدا از شرک مشرکان آگاه است، ولی بر اساس حکمت و عزّت عمل می‌کند. *** قرآن کریم در آیات چهل و سوم و چهل و چهارم سوره‌ی عنکبوت به فایده‌ی مثال‌های قرآن و هدف‌داری آفرینش جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳ و ۴۴. وَتِلْکَ الأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّاالعَالِمُونَ* خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ بِالحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِکَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ و آن، مثال‌هایی است که آنها را برای مردم می‌زنیم؛ و جز دانایان آنها را درک نمی‌کنند.* خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ قطعاً، در آن نشانه‌ای (آموزنده) برای مومنان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مخالفان اسلام اشکال می‌کردند که چگونه خدایی که آفریدگار آسمان‌ها و زمین است، به حشره‌ی کوچکی هم‌چون عنکبوت مثال می زند، این آیه به آنان پاسخ داد و اشاره کرد که این مثال‌ها برای تفکّر و عبرت‌آموزی است. «۱» ۲. مثال‌های حکمت‌آمیز قرآن برای افراد خردمند معنادار است؛ چون آنان در مورد این مثال‌ها تفکر و آنها را درک می‌کنند. آری؛ اهمیت مثال به بزرگی و کوچکی مورد مثال نیست، بلکه در انطباق آن بر مقصود و ظرافت‌های آن است. ۳. در احادیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ی چهل و سوم این سوره را قرائت می‌کرد و می‌فرمود: دانشمند کسی است که از خدا اندیشه کند و به فرمان او عمل نماید و از خشم او بپرهیزد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۳ ۴. در این آیات به هدف‌داری جهان اشاره شده است؛ یعنی خدا در آفرینش آسمان و زمین و یا حتی حشره‌ای مثل عنکبوت هدفی را دنبال کرده است و اگر به این امور مثال می‌زند، کار باطل و بیهوده نمی‌کند، بلکه این مثال‌ها هم برای بیان حق است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مثال‌های قرآن تفکر کنید. ۲. فهم مثال‌های قرآن نیازمند دانش و تعقّل است. ۳. جهان آفرینش هدف حقّی دارد. ۴. مؤمنان در هدف‌داری جهان، نشانه (ی خداشناسی) را ببینند. ***

تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی عنکبوت به نقش اجتماعی نماز در نفی آلودگی‌ها و عظمت یاد خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵. اتْلُ مَا اوحِیَ إِلَیْکَ مِنَ الکِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلاةَ إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهَی عَنِ الفَحْشَاءِ وَالمُنْکَرِ وَلَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ وَاللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ آنچه از کتاب (: قرآن) به سوی تو وحی شده، بخوان [و پیروی کن،] و نماز را برپا دار؛ [چرا] که نماز از [کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد؛ والبتّه یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خدا آنچه را با زیرکی انجام می‌دهید می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «تلاوت» به معنای خواندن و پیروی کردن است؛ بنابراین در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله (و همه‌ی رهروان او) دستور می‌دهد که قرآن را بخوانید و برنامه‌ی زندگی خود قرار دهید و از اندرزها و دستورات آن پیروی کنید تا جان شما نورانی و آگاه شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۴ ۲. در این آیه به سه فایده‌ی مهم نماز اشاره شده است: الف) نماز مانع کارهای زشت می‌شود و آنها را ممنوع می‌سازد. ب) نماز مانع کارهای ناپسند می‌شود و آنها را ممنوع می‌سازد. ج) یکی از برکات نماز یاد خداست که آن بزرگ‌تر و والاتراست. ۳. انسانی که پنج بار در شبانه روز نماز می‌گذارد و در برابر خدا سجده می‌کند و به یاد نعمت‌های او می‌افتد و از او کمک می‌جوید، به همان اندازه‌ای که این نماز در روح او اثر می‌گذارد و به همان اندازه‌ای که کمال می‌یابد و از روح عبادت برخوردار می‌شود، این نماز او را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد. یعنی نماز به صورت تکوینی و تشریعی انسان را از کارهای زشت منع می‌کند، اما این ممنوعیت درجاتی دارد و هر نمازی مرتبه‌ای از فحشا و منکر را دور می‌سازد و نمازگزار را مرحله به مرحله پاک می‌سازد. «۱» باد خشم و باد شهوت، باد آز برد او را که نبود اهل نماز (مولوی) ۴. در حدیثی روایت شده که جوانی از انصار، نمازهای خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جماعت می‌گزارد، اما کارهای زشت انجام می‌داد. مردم این مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش دادند و حضرت فرمود: نماز او روزی او را از کار زشت باز می‌دارد. و پس از مدت کوتاهی (پیش‌بینی پیامبر صلی الله علیه و آله تحقق یافت و آن جوان توبه کرد) و دست از کارهای زشت برداشت. «۲» ۵. در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هرکس نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز ندارد، هیچ چیز جز دوری خدا بر او افزوده نشده است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۵ و در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرکس دوست دارد ببیند آیا نمازش مورد قبول (خدا) قرار گرفته است یا نه، ببیند که آیا این نماز او را از زشتی‌ها و منکرات باز داشته است یا نه؟ و به قدری که او را باز داشته است، نمازش قبول شده است. «۱» ۶. یکی از بزرگ‌ترین برکات و فلسفه‌های نماز یاد خداست که سرچشمه‌ی هر نیکی و سعادتی است و قرآن یاد خدا را مایه‌ی آرامش دل‌ها معرفی کرده «۲» و دستور داده که نماز را برای یاد خدا بر پادارید. «۳» آری؛ روح نماز و هر عبادتی ذکر و یاد خداست. ۷. نماز فواید و ثمرات زیادی در زندگی بشر دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: الف) انسان را به یاد خدا می‌اندازد؛ ب) عامل شست‌وشوی انسان از گناهان است؛ ج) سدّی در برابر گناهان است؛ د) غفلت‌ها را می‌زداید؛ ه) حالت خودبینی و تکبر را رفع می‌کند؛ و) وسیله‌ی پرورش فضایل اخلاقی و تکامل معنوی است؛ ز) عامل پاکی لباس، بدن و زندگی انسان از نجاسات و امور حرام است؛ ح) به سایر اعمال انسان ارزش می‌دهد و اگر قبول شود بقیه‌ی اعمال نیز قبول می‌شوند «۴»؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۶ ط) انضباط و نظم را در زندگی انسان تقویت می‌کند. ۸. در برخی از احادیث و سخنان مفسران اشاره شده که مقصود از ذکر اللَّه در این آیه، ما اهل بیت علیهم السلام هستند «۱» و یا این که منظور یاد خدا به وسیله‌ی رحمت است (در برابر نماز که یاد خدا به وسیله‌ی اطاعت است «۲»). البته روشن است که این تفسیرها و روایات اشاره به بطن آیه است؛ زیرا هرکس به یاد اهل بیت علیهم السلام باشد، به یاد راه آنان و به یاد خدا می‌افتد. ۹. «ذکر اللَّه» و یاد خدا که انسان را به کمال و سعادت می‌رساند گاهی در الفاظ و گاهی درقلب و گاهی در عمل ظاهر می‌شود و همه‌ی آنها مراتب و اقسام ذکرند و انسان را به یاد خدا و دستورات او می‌اندازند و از گناه و نافرمانی باز

می‌دارند. ۱۰. چه ذکری بگوییم؟ امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: بالجمله برای زنده نمودن دل، ذکر خدا، خصوص اسم مبارک «یا حیّ و یا قیّوم» با حضور قلب مناسب است ... از حضرت زین‌العابدین و سید الساجدین علی بن الحسین علیه السلام منقول است که سنگ خشن زبری را ملاحظه فرمود، سر مبارک را بر آن نهاد و سجده نمود و گریه کرد و هزار مرتبه گفت: «لا اله الّا اللّه حقاً حقاً، لا الا الّه اللّه تعبداً ورقاً، لا اللّه الّا اللّه ایماناً و تصدیقاً.» «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با تلاوت قرآن آموزش ببینید و با برگزاری نماز پرورش یابید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۷ ۲. برپایی نماز از عوامل پاکی انسان و جامعه است. ۳. یاد خدا، والاترین ثمره‌ی نماز است. ۴. خدا از کارهای زیرکانه‌ی شما آگاه است (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی عنکبوت به روش گفتمان سازنده‌ی بین ادیان و اصول زیربنایی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَلا تُجَادِلُوا أَهْلَ الکِتَابِ إِلَّابِالَّتِي هِيَ أحْسَنُ إِلَّاالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي ا نْزِلَ إِلَيْنَا وَا نْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ و با اهل کتاب جز به آن (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است مناظره نکنید، مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند؛ و بگویید: «به آنچه به سوی ما فرو فرستاده شده و به سوی شما فرود آمده، ایمان آورده‌ایم و معبود ما و معبود شما یگانه است و ما تنها به فرمان او هستیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «مُجادله» در اصل از ماده‌ی جدال و به معنای تابیدن طناب و محکم کردن آن است و گاهی به معنای کشتی گرفتن هم می‌آید و هنگامی که دو نفر با یک‌دیگر بحث و مجادله می‌کنند، در حقیقت هر کدام می‌خواهد عقیده‌ی دیگری را در هم بپیچد «۱» و ادعای خود را محکم سازد و از این رو در بحث با دیگری کشتی می‌گیرد. ۲. «جِدال احسن» به معنای مباحثه و گفتمان صحیح و سازنده است که شامل روش صحیح درکاربرد الفاظ، محتوای سخن، آهنگ گفتار و حرکات دیگر می‌شود؛ یعنی در گفت‌وگوی با دیگران از توهین، خشونت، فریاد، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۸ برتری‌جویی، اظهار کبر و غرور، عدم احترام به افکار دیگران و تحقیر آنان بپرهیزید و به صورت صمیمی و مؤدبانه و مستدل بحث کنید؛ «۱» که این یکی از روش‌های قانع ساختن و نفوذ در دیگران است. ۳. در احادیث اسلامی تأکید شده است که از جدال و مِراء پرهیزید و از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هیچ گروهی پس از هدایت گمراه نشدند، مگر این‌که از راه جدال (و بحث‌های برتری‌جویانه و تحقیرآمیز و خشونت‌بار) وارد شدند. «۲» و در حدیث دیگری از سلیمان پیامبر علیه السلام حکایت شده که به فرزندش گفت: پسرم! از جدال بپرهیز؛ زیرا نه تنها سودی در آن نیست، بلکه آتش دشمنی را در میان برادران شعله‌ور می‌سازد. «۳» ۴. مقصود از «مِراء» بحث‌هایی است که روح حقیقت‌جویی در آنها نباشد بلکه هدف اظهار فضل و برتری‌طلبی و به کرسی نشاندن سخن خویش است و برخی دانشمندان مِراء را اعم از جدال دانسته‌اند؛ چون جدال نوعاً در مسائل علمی به کار می‌رود. ۵. در این آیه اشاره شده که یک گروه از اهل کتاب استثنا هستند که نمی‌توان با آنان مجادله‌ی احسن و گفت‌وگوی سازنده داشت. آنها افرادی از اهل کتاب‌اند که اهل ستمکاری هستند و آیات الهی را کتمان می‌کنند و دستورات الهی را زیر پا می‌گذارند و خرافات و مطالب شرک‌آمیز را در ادیان الهی وارد می‌کنند و یا در برابر اسلام به توطئه و زور و خشونت متوسّل می‌شوند. با این گونه افراد نمی‌توان گفت‌وگوی سازنده داشت؛ چراکه آن را حمل برضعف مسلمانان می‌کنند؛ پس باید در برابر آنان از روش‌های متناسب با تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۸۹ توطئه‌های آنان استفاده کرد. ۶. در این آیه سه اصل مشترک و اساسی برای گفتمان بین ادیان بیان شده است؛ اصولی که الهیون جهان را به وحدت و توحید فرا می‌خواند. این سه اصل عبارت‌اند از: ایمان به وحی الهی، معبود واحد وتسلیم در برابر او. ۷. در حقیقت، این آیه که به مسلمانان دستور می‌دهد این سه اصل مشترک را با اهل کتاب مطرح کنید، یکی از نمونه‌های مجادله‌ی احسن و گفتمان سازنده را به مسلمانان آموزش می‌دهد که در برخورد با مخالفان چگونه سخن بگویید که ذهن‌ها به هم نزدیک شود و آتش دشمنی شعله‌ور نشود و زمینه‌ی هدایت دیگران فراهم گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به گفتمان سازنده بین ادیان بپردازید. ۲. زیربنای گفت‌وگوی بین ادیان، اصول سه‌گانه‌ی مشترک، ایمان به وحی، توحید و تسلیم در برابر خدا باشد. ۳. با روش نیکو و سازنده با اهل کتاب بحث و گفت‌وگو کنید. ۴. با ستمکاران اهل کتاب، مدارا نکنید. *** قرآن کریم در

آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی عنکبوت به واکنش‌های متفاوت در برابر قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. وَکَذَلِکَ أ نْزَلْنَا إِلَیْکَ الکِتَابَ فَالَّذِینَ آ تَیْنَاهُمُ الکِتَابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَمَا یَجْحَدُ بِآیَاتِنَا إِلَّاالکَافِرُونَ و این گونه، کتاب (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، و کسانی که کتاب (الهی) به آنان داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند؛ و برخی از آن (مشرک) ها کسانی هستند که بدان ایمان می‌آورند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه نزول قرآن شبیه نزول کتاب‌های آسمانی پیشین شمرده شده است. این تشبیه ممکن است در مورد اصل نزول وحی و یا در مورد محتوای آنها و اصول سه‌گانه‌ی مشترکی باشد که در آیه‌ی قبل بیان شد؛ یعنی قرآن نیز هم‌چون کتاب‌های آسمانی قبلی به ایمان به وحی، توحید و تسلیم در برابر خدا سفارش می‌کند. «۱» البته سیاق آیات با تفسیر دوم سازگار است، ولی مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. ۲. در این آیه بیان شده که مردم در برابر قرآن سه گروه شدند: الف) گروهی از اهل کتاب بدان ایمان آوردند؛ یعنی برخی یهودیان و مسیحیان که نشانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اصول محتوای قرآن را با بشارت‌های کتاب‌های خود هماهنگ دیدند بدان ایمان آوردند. ب) گروهی از مشرکان عرب نیز به حقانیّت قرآن پی‌برده و بدان ایمان آورده بودند. ج) گروهی از اهل کتاب و مشرکان کافر ماندند و لجاجت کردند و به قرآن ایمان نیاوردند. ۳. «جَحْد» آن است که انسان در قلبش به چیزی اقرار داشته باشد ولی آن را به زبان انکار کند. «۲» این تعبیر نشان می‌دهد که کافران در دل به حقانیّت قرآن و اعجاز آن پی برده بودند، ولی در ظاهر به خاطر تعصّب و تقلید یا برای حفظ منافع خود آن را انکار می‌کردند. ۴. «کافر» در اصل به معنای پوشاندن است و در این جا شاید اشاره به آن است که اهل کتاب و مشرکان که قبلًا نیز کافر بودند، پس از آن که آگاهانه قرآن را انکار کردند و حق را پوشاندند، کافر حقیقی و لغوی شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن نیز بر اساس اصول مشترک ادیان الهی فرود آمده است. ۲. آیات قرآن را انکار نکنید که جز کافران حق‌پوش، آنها را انکار نمی‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی عنکبوت با اشاره به درس ناخواندگی و خط ننوشتن پیامبر صلی الله علیه و آله به ردّ شبهات مخالفان در مورد قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: ۴۸. وَمَا کُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ کِتَابٍ وَلا تَخُطُّهُ بِیَمِینِکَ إِذاً لارْتَابَ المُبْطِلُونَ و پیش از این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی [و پیروی نمی‌کردی و با دست راستت آن را نمی‌نوشتی؛ در صورتی که (اگر می‌خواندی و می‌نوشتی) حتماً، باطل‌گرایان شک می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک اشکال احتمالی پاسخ داده شده است؛ یعنی اشاره کرده که اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، قبل از بعثت خواننده‌ی کتاب‌ها و نویسنده بود، ممکن بود کسی شک کند و بگوید شاید او مطالب قرآن را درکتاب‌های دیگر خوانده و نسخه‌برداری کرده است. ولی با توجه به امّی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و این که او هیچ‌گاه کتابی ننوشته و درس نخوانده بود، این اشکال احتمالی دفع می‌شود. ۲. در حقیقت درس‌ناخواندگی و خط ننوشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و امّی بودن او دلیل حقانیّت و اصالت وحی قرآن و اعجاز آن و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. آری؛ چگونه ممکن است فردی درس ناخوانده کتابی با معارف بلند بیاورد که هیچ کس نتواند مثل آن را بیاورد. این دلیل آن است که وی به منبع وحی الهی متصل بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۲ ۳. باسواد بودن یک ارزش است، اما در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بی‌سواد بودن یک نشانه است؛ چرا که بدین وسیله حقانیّت او و کتابش ثابت می‌شود. ۴. ادعای امّی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله در محیط مکه توسط قرآن مطرح شد و بارها بر آن تأکید شد، ولی هیچ کس از مخالفان آن را انکار نکرد؛ چرا که در آن محیط، حدود ۱۷ نفر باسواد بودند که مردم همه را به نام می‌شناختند و پیامبر اسلام جزء آنان نبود. «۱» ۵. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سفری تجاری به شام داشت که در آن سفر فرصت درس خواندن نبود و در مکه نیز چنین تعلیماتی نداشت. تنها حکایت شده که ایشان در جریان صلح حُدیبیّه قلم به دست گرفت. «۲» این خبر تاریخی نیز واحد است و بر فرض آن که صحیح باشد، اثبات می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نبوّت قادر برنوشتن بوده است، اما قبل از نبوّت را ثابت نمی‌کند و این مشکلی را ایجاد نمی‌کند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. «نگار من

که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد.» ۲. حقانیت قرآن و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را در سوابق و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله ببینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی عنکبوت به جایگاه واقعی قرآن و نقش ستمکاران در انکار آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۹. بَلْ هُوَ آیَاتٌ بَیِّنَاتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ اوتُوا العِلْمَ وَمَا یَجْحَدُ بِآیَاتِنَا إِلَّاالظَّالِمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۳ بلکه آن (قرآن) آیات روشنی است که در سینه‌های کسانی است که به آنان دانش داده شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «آیات بیّنات» به معنی نشانه‌های روشن است. این تعبیر اشاره به آن است که نشانه‌های حقانیّت قرآن در خود آن است؛ یعنی محتوا و الفاظ آن اعجازآمیز و دلیل صدق آن است. ۲. در این آیه اشاره شده که طرف‌داران قرآن کسانی هستند که بهره‌ای از دانش دارند و یکی از راه‌های شناخت هر مکتب، بررسی شخصیت طرف‌داران آن است. اگر وفاداران به یک مکتب افرادی ممتاز و دانشمندان با اخلاص، هم‌چون علی علیه السلام، سلمان و عمار باشند، همین مطلب دلیل حقانیّت آن مکتب است. ۳. در احادیث اسلامی روایت شده که مقصود از دانشمندان در این آیه ائمه علیهم السلام هستند؛ «۱» البته این گونه احادیث بیان مصداق روشن و کامل آیه است که مرحله‌ی کامل علوم قرآن نزد آنان است، ولی دیگران نیز بر اساس استعداد و ظرفیت و دانش خود از قرآن بهره می‌برند. ۴. در این آیه بیان شده که منکران آیات قرآن، جز ستمکاران نیستند. آری؛ کسانی که آیات روشن الهی را منکر می‌شوند، در حقیقت خود و جامعه را از نور هدایت محروم می‌کنند و این محرومیت ستم به خویش و جامعه است؛ به عبارت دیگر، وقتی کسی راه ستم را در پیش گیرد، با قرآن مخالفت می‌کند، چرا که قرآن مخالف ستمکاری است. ۵. در آیه‌ی چهل و هفتم بیان شد که کافران منکر آیات الهی می‌شوند و در این جا بیان شد که ظالمان منکر آیات الهی می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۴ این دو تعبیر به دو جنبه‌ی عقیدتی و عملی انکار اشاره دارد؛ یعنی گاهی افراد به خاطر پیش‌داوری‌های نادرست و تقلید از نیاکان، راه کفر و انکار را می‌پیمایند و گاهی راه ستم به خویش و جامعه را برگزیده‌اند و قرآن را مخالف این روش عملی خود می‌بینند و آن را انکار می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرکس می‌خواهد قرآن در دلش جای گیرد اهل دانش شود. ۲. ستمکاری، باعث انکار آیات قرآن می‌شود. *** قرآن کریم در آیات پنجاهم تا پنجاه و دوم سوره‌ی عنکبوت به معجزه‌خواهی بهانه‌جویانه‌ی مشرکان پاسخ داده و با یادآوری ویژگی‌های قرآن و داوری خدا و زیانکاری کافران می‌فرماید: ۵۰- ۵۲. وَقَالُوا لَوْلا اُ نْزِلَ عَلَیْهِ آیَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الآیَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَ نَا نَذِیرٌ مُبِینٌ* أَوَ لَمْ یَکْفِهِمْ أَ نَّا أَ نْزَلْنَا عَلَیْکَ الکِتَابَ یُتْلَی عَلَیْهِمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَرَحْمَةً وَذِکْرَی لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ* قُلْ کَفَی بِاللَّهِ بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ شَهِیداً یَعْلَمُ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَالَّذِینَ آمَنُوا بِالبَاطِلِ وَکَفَرُوا بِاللَّهِ اوْلَئِکَ هُمُ الخَاسِرُونَ و گفتند: «چرا نشانه های (اعجاز آمیز) از سوی پروردگارش بر او فرو فرستاده نشده؟!» بگو: «نشانه‌های (اعجاز آمیز) تنها نزد خداست و من فقط هشدارگری روشنگرم.»* و آیا برای آنان کافی نبود که ما کتاب (: قرآن) را بر تو فروفرستادیم، در حالی که بر آنان خوانده می‌شود؟! قطعاً، در این، رحمت و یادمانی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.* بگو: «گواهی خدا بین من و بین شما کافی است؛ در حالی که آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آورده و به خدا کفر ورزیدند، تنها آنان زیانکارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در دسترس بشر است، همین قرآن است و با وجود قرآن که همگان را به مبارزه طلبیده است، دیگر نیازی نبود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معجزه‌ای بیاورد، هرچند از پیامبر صلی الله علیه و آله معجزات دیگری نیز حکایت شده است. ۲. کافران مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله با وجود اطلاع از قرآن و عاجز بودن در برابر آن، باز هم بهانه‌جویی می‌کردند و معجزه های جدید می‌طلبیدند. گاهی قصری از طلا می‌خواستند و گاهی نهرها و چشمه های آب و گاهی صعود به آسمان «۱» و معجزات را به صورت چیزهای بی‌ارزش و دل‌خواه در می‌آوردند. ۳. در این آیات دو پاسخ به بهانه‌جویی مشرکان می‌دهد: الف) معجزه به دل‌خواه پیامبر نیست که در هر زمان و هر مکان بخواهید پیدا شود، بلکه معجزات به دست خداست و او برای هدایت افراد حقیقت‌جو معجزه می‌فرستد، نه برای

هوس‌های افراد بهانه‌جو. دوم آن که اگر شما واقعاً حق‌جو هستید و معجزه می‌خواهید، قرآن معجزه‌ی جاویدان پیامبر صلی الله علیه و آله است، به آن بنگرید تا ایمان آورید؛ معجزه‌ای که بزرگ‌تر از معجزات دیگر و متناسب با شرایط زمان و مکان و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام است. ۴. در این آیات بیان شده که وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر در هشدارگری و روشنگری است؛ البته این آیه در صدد پاسخ‌گویی به بهانه‌جویی کافران است و این حصر نسبی است و گرنه پیامبر صلی الله علیه و آله وظایف دیگری نیز داشته است. ۵. این آیات به دو ویژگی قرآن؛ یعنی رحمت و ذکر بودن قرآن اشاره کرده است. آری؛ قرآن هم یک معجزه‌ی یادآوری کننده است که مایه‌ی تذکر انسان‌هاست و هم رحمت‌آفرین است و برنامه‌ها و محتوای آن انسان‌ساز و مایه‌ی رحمت برای بشریت است. بر خلاف معجزات دیگر که فقط مایه‌ی تذکّر بود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۶ ۶. قرآن مایه‌ی رحمت و تذکّر گروهی است که حقیقت را باور دارند و خواهان نور الهی و رحمت او هستند. آری؛ کسانی که به آیات حق ایمان آورده‌اند، می‌توانند از تذکرات و رحمت قرآن استفاده‌کنند. ۷. در این آیات بیان شده که خدا گواه بین پیامبر صلی الله علیه و آله و مخالفان است: الف) این گواهی خدا ممکن است به صورت علمی باشد؛ یعنی خدا که از همه‌ی امور در جهان آگاه است، شاهد کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله و مخالفان او نیز هست. ب) یا مقصود گواهی عملی است؛ یعنی دادن معجزه‌ی قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله، بهترین گواهی دادن خدا به نبوت اوست. ج) یا منظور گواهی قولی خداست که در آیات متعدد قرآن به رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گواهی داده است. «۱» د) و یا مقصود گواهی خدا در کتاب های آسمانی دیگر است. البتّه منافاتی بین این چهار تفسیر نیست و ممکن است همه‌ی آنها مقصود آیه باشند. «۲» و در هر صورت گواهی کسی که از همه چیزِ آسمان‌ها و زمین آگاه است، بهترین و کامل‌ترین گواهی است. ۸. در این آیات بیان شده که کافران زیانکار واقعی هستند؛ چون آنان تمام استعدادها و سرمایه‌های وجودی خود را وقف بت‌ها و معبودان دروغین کرده و هیچ گونه تکامل و رشدی پیدا نکرده‌اند و در رستاخیز نیز گرفتار عذاب الهی می‌شوند؛ یعنی آنان کاملًا ورشکست شده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام بهانه‌جو هستند. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی هشدارگری و روشنگری و پاسخ‌گویی به بهانه‌های مخالفان است. ۳. قرآن معجزه‌ای است که راه هرگونه بهانه‌جویی و معجزه‌خواهی را برمخالفان می‌بندد. ۴. حق‌باوران از تذکرات و رحمت قرآن استفاده کنند. ۵. از گواهی خدای آگاه برهمه چیز، پرواکنید (و دست از بهانه‌جویی بردارید). ۶. باطل‌گرایی و کفر، از عوامل زیانکاری هستند. *** قرآن کریم درآیات پنجاه و سوم تا پنجاه و پنجم سوره‌ی عنکبوت به بهانه‌جویی دیگر کافران در مورد عذاب خواهی پاسخ می‌دهد و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۵۳- ۵۵. وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالعَذَابِ وَلَوْلا أَجَلٌ مُسَمّىً لَجَاءَهُمُ العَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لا يَشْعُرُونَ* يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالكَافِرِينَ* يَوْمَ يَغْشَاهُمُ العَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و اگر سرآمد معیّنی نبود، حتماً، عذاب به سراغ آنان می‌آمد؛ و قطعاً، (عذاب) به طور ناگهانی به سراغشان می‌آید، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند.* و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و قطعاً، جهنّم برکافران احاطه دارد!* در روزی که عذاب (الهی) آنان را از فرازشان و از زیر پاهایشان می‌پوشاند! و (خدا به آنان) می‌گوید: «بچشید آنچه را انجام می‌دادید!» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به بهانه‌جویی مشرکان و عذاب‌خواهی آنان و عجله در این کار اشاره می‌کند. عذابی که توسط پیامبران الهی و در آیات قرآن به مشرکان لجوج وعده داده شده بود. ۲. در این آیات بیان شده که وعده‌ی عذاب مهلت و زمان مشخصی دارد، ولی مردم از آن اطلاع ندارند؛ شاید همین الآن به طور ناگهانی بیاید. ۳. تعیین زمان معین برای عذاب و مهلت دادن به کافران برای آن است که شاید آنان بیدار شوند و اگر لجاجت کردند حجّت برآنان تمام شود. ۴. عدم اعلام زمان عذاب برای آن است که گناهکاران و کافران جسورتر نشوند؛ چون اگر زمان عذاب اعلام شود، این افراد تا آخرین فرصت به گناه و کفر و شرک ادامه می‌دهند و سپس توبه می‌کنند؛ پس فلسفه‌ی تربیتی عذاب‌های الهی اقتضا می‌کند که

زمان آن سرّی باشد، تا وحشتی درمیان کافران و گناهکاران ایجاد کند و عامل بازدارنده از گناه باشد. ۵. در این آیات بیان شده که عذاب جهنّم بر کافران احاطه دارد. این مطلب ممکن است اشاره به عذاب‌های دنیوی، همچون آلودگی‌ها، جهنّم سوزان جنگ‌ها و هوس‌ها و بیدادگری‌ها و یا اشاره به دوزخ آخرت باشد که در باطن دنیا موجود است و یا اشاره به دوزخ قیامت که خواهد آمد. «۱» ۶. در این آیات اشاره به دو جهت بالا و پایین شده است که عذاب از این دو سو به کافران هجوم می‌آورد، ولی روشن است که عذاب از همه جهت افراد را فرا می‌گیرد و عدم بیان جهات دیگر به خاطر وضوح آن است. «۲» ۷. خدا به کافران می‌گوید: «آنچه را همواره عمل می‌کردید بچشید.» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۹۹ این جمله نوعی عذاب روانی کافران و اشاره به تجسّم اعمال نیز هست که اعمال انسان‌ها در رستاخیز به صورت عذاب دردناکی درمی‌آید که کافران آن را می‌چشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به بهانه‌جویی‌های مخالفان پاسخ گویید. ۲. عذاب الهی زمان مشخصی دارد و هر لحظه ممکن است آن زمان فرا رسد (پس مراقب رفتار و گفتار خویش باشید). ۳. فرجام عذاب‌آلودی در انتظار کافران است. *** خدای متعال در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی عنکبوت با یادآوری وسعت زمین، بندگان خود را به هجرت و عبادت فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۵۶. یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِی وَاسِعَةٌ فَإِیَّایَ فَاعْبُدُونِ ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! در واقع، زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مؤمنان مکه تحت فشار مشرکان بودند و توانایی انجام وظایف اسلامی خود را نداشتند. این آیه نازل شد و به آنان دستور داد که هجرت کنند تا بتوانند وظایف و عبادات خود را انجام دهند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه یک قانون کلی و عمومی برای همه‌ی مردم تحت فشارّ در طول تاریخ بیان شده است و آن این که هرگاه مؤمنان در یک سرزمین تحت تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۰ فشار دشمنان دین قرار گرفتند و نتوانستند وظایف دینی خود را انجام دهند، لازم است که در زمین پهناور خدا هجرت کنند و به جایی بروند که آزادی نسبی داشته باشند و بتوانند وظایف و عبادات خود را به انجام برسانند. ۲. براساس برخی آیات قرآن، هدف اساسی خلقت، پرستش و عبادت خداست «۱» و در این آیه نیز عبادت خدا هدف هجرت قرار گرفته است «۲» و اگر در مکان یا زمانی این هدف اساسی به خطر افتاد و قابل اجرا نبود، لازم است که انسان از آن مکان هجرت کند و به جایی برود که بتواند به هدف آفرینش و کمال خویش دست یابد و در این راه، مفاهیم اعتباری، همچون قبیله، وطن و قومیت نباید مانع هجرت و عبادت او شود. «۳» ۳. مقصود از عبادتی که هدف خلقت است، تنها نماز و روزه نیست، بلکه عبادت شامل همه‌ی جلوه‌های پرستش و اطاعت خدا در زمینه‌ی گفتار، کردار و افکار می‌شود. ۴. تعبیر «عِبادی» (بندگان من) تعبیری محبت‌آمیز از طرف خداست و مقصود از آن انسان‌های مؤمن هستند که مقامی والا نزد خدا دارند. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگاه در منطقه ای نتوانستید به هدف آفرینش و کمال عبادی دست یابید، هجرت کنید (تا آزاد شوید). ۲. اصل در زندگی و سکونت و هجرت، عبادت خداست. ۳. مؤمنان تحت فشار، مورد لطف خاص خدا هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی عنکبوت به قانون حتمی مرگ و فرجام انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷. کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَیْنَا تُرْجَعُونَ هر شخصی چشنده‌ی مرگ است؛ سپس فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن جا که ممکن بود برخی افراد برای هجرت از سرزمین کفر، بهانه‌تراشی کنند و خطر مرگ را مطرح کنند، در این آیه به قانون مرگ همگانی اشاره کرد که جهان جای ماندن نیست و کسی عمر جاودانی ندارد و همه خواهند مرد، پس چه بهتر که آزاد و دین‌دار بمیرید، نه در حال اسارت مشرکان و تحت فشارهای عقیدتی و دور از کمال عبادی. ۲. در این آیه فرجام انسان‌ها بیان شده که همه به سوی خدا باز می‌گردند؛ البتّه برخی به سوی قهر و عذاب الهی می‌روند و برخی به سوی لطف و بهشت او روان می‌شوند. ۳. در اندیشه‌ی مرگ باش که بی‌خبر می‌آید: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: پس ای عزیز! بدان که یک سفر پر خطر لازمی در پیش است که عُدّه و عِدّه‌ی آن و زاد [و] راحله‌ی آن، علم و عمل نافع است و وقت سفر معلوم نیست چه وقت است. ممکن است وقت خیلی تنگ باشد و فرصت از دست برود. انسان نمی‌داند چه وقت کوس رحیل

(و زنگ حرکت) می‌زنند که باید ناچار کوچ کند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ کسی را گریزی از مرگ نیست. ۲. راهی جز بازگشت به سوی خدا ندارید (پس کاری کنید که در درگاه او سرافراز باشید). *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره‌ی عنکبوت به ویژگی‌های مؤمنان و پاداش نیک آنان در بهشت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الجَنَّةِ غُرَفاً تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ العَامِلِينَ* الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، حتماً، آنان را در جایگاه‌های (بلندی) از بهشت جای می‌دهیم که نهرها از زیر [درختان]- ش روان است، در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ پاداش اهل عمل چه نیکوست!* (همان) کسانی که شکیبایی کردند و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «غُرفه» به معنای ساختمان بلند است که براطراف خود اشراف دارد. امتیاز غرفه‌های بهشتی آن است که نهرهای آب از زیر آنها روان است و در همان حال جاودانی‌اند؛ یعنی همچون قصرها و باغ‌های دنیایی نیستند که پس از مدتی فرسایش می‌یابند و از بین می‌روند. ۲. در آیات پیشین سوره‌ی عنکبوت سرنوشت عذاب‌آلود کافران بیان شد که آتش از پا تا سر آنان را فراگرفته بود و اینک در این آیات سرنوشت مؤمنان در بهشت بیان شده است. این همان روش مقایسه و مقابله است که قرآن سرنوشت این دوگروه را در برابر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۳ هم ترسیم می‌کند، تا مخاطبان قرآن با مقایسه‌ی آنان راه بهتر را انتخاب کنند. ۳. در این آیات چند ویژگی برای بهشتیان بیان شده است: الف) ایمان دارند؛ ب) کردار شایسته دارند؛ ج) اهل عمل هستند؛ د) در مشکلات صبر و شکیبایی دارند؛ ه) بر پروردگارشان توکّل می‌کنند. ۴. «صبر» معنای وسیعی دارد که شامل استقامت در برابر مشکلات هجرت و شکیبایی در برابر هوای نفس و گناهان و صبر در انجام عبادت و اطاعت خدا می‌شود. آری؛ صبر و استقامت رمز پیروزی مؤمنان در برابر دشمنان است. ۵. در این آیات بیان شده که مؤمنان بهشتی جز بر خدا بر کسی دیگر تکیه و توکّل نمی‌کنند. آنان بر اموال، بستگان، دوستان و حاکمان زمان توکّل نمی‌کنند؛ چون همه‌ی نیروها را وسایلی فانی می‌دانند، پس تنها نیروی حقیقی و باقی خدای بزرگ است که باید بر او توکّل کرد. «۱» آری؛ گَرَم تو دوستی از دشمنان ندارم باک. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مؤمنان شایسته‌کردار، بهشتی جاودان و زیباست. ۲. بهشت، بهای عمل است. ۳. مؤمنان بهشتی را از کردار شایسته و صبر و توکّل آنان بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۴ قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی عنکبوت به روزی‌رسانی خدا برای موجودات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَکَأَ یِّن مِنْ دَابَّةٍ لا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِ یَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ و چه بسیار جنبنده‌ای که روزیِ خود را حمل نمی کند؛ خدا آنها و شما را «روزی» می‌دهد؛ و او شنوا [و] داناست. شأن نزول: داستان نزول این آیه را این گونه حکایت کرده‌اند که گروهی از مؤمنان تحت فشار مشرکان بودند، ولی هجرت نمی‌کردند و می‌گفتند اگر ما به مدینه هجرت کنیم، در آن جا، خانه و زمینی نداریم و چه کسی به ما آب و غذا می‌دهد! این آیه در این مورد نازل و به آنان یادآور شد که غصه‌ی روزی را نخورید که روزی همه‌ی جنبدگان به دست خداست. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به میلیون‌ها حیوان، همچون پرندگان اشاره شده که غذای خود را ذخیره نمی‌کنند و هر روز غذای جدید می‌خواهند، ولی خدا با وسایل و عوامل طبیعی که فراهم ساخته است، همه‌ی آنان را غذا می‌دهد. ۲. حال که خدا روزی همه‌ی موجودات و انسان‌ها را می‌رساند، نباید انسان به خاطر ترس از قطع روزی، تن به ذلّت و اسارت دهد و در سرزمین کفر و شرک تحت فشار ظلم بماند و خود را از رشد و کمال محروم سازد، بلکه باید هجرت کند و غم روزی نخورد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدای آگاه، عهده دار رزق همگان است، پس غم روزی را نخورید. ۲. اندیشه‌ی غذا، مسیر زندگی معنوی شما را تعیین نکند. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی عنکبوت به آفرینشگری خدا و اعتراف مشرکان بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَلَئِنْ سَأَ لْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَ نَّا يُؤْفَكُونَ و اگر از آن (مشرک) ها بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و (منافع) خورشید و ماه را مُسخَّر کرده است؟» حتماً می گویند: «خدا» پس چگونه (از حق) بازگردانده

می‌شونـد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات ۲۵ سوره‌ی لقمـان، ۳۸ سـوره‌ی زمر و ۹ و ۸۷ سوره‌ی زخرف مشـابه آیه‌ی فوق هسـتند که معمولًا در مورد کافرانی که است شـرک در عبادت داشـتند؛ یعنی خـدا را به عنوان خالق جهان می‌شـناختند و توحیـد در خالقیّت را قبول داشتند، اما به پرستش بت‌ها هم می‌پرداختند و آنان را مایه‌ی نزدیکی به خدا و شفیع خود می‌دانستند. ۲. «یُؤفَکُون» در اصل به معنـای بازگردانـدن چیزی از صـورت واقعی آن اسـت و از ایـن رو به دروغ و بـاد مخـالف نیز گفته می‌شـود. این واژه در این جـا با صیغه‌ی مجهول آمـده که اشاره به آن است که گویی مشـرکان خود اراده ندارند و آنان را از حق باز می‌گردانند و به طرف شـرک منحرف می‌سازند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۶ ۳. مقصود از تسخیر خورشید و ماه، نظامی است که خدا برای آنان قرار داده و منـافع آنها را در خـدمت بشـر در آورده اسـت. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. اگر آفریـدگارجهان خـداست، پس درپی (پرستش) غیر او نباشید. ۲. مخالفان نیز توحیـد درخالقیت را قبول دارنـد ولی منحرف شده‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شـصت و دوم سوره‌ی عنکبوت به کم و زیـاد شـدن رزق مردم و حسابگری آگاهانه‌ی خـدا در این زمینه اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۶۲. اللَّهُ یَبْسُـطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْـدِرُ لَهُ إنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْ‌ءٍ عَلِیمٌ خـدا روزی را برای هرکس از بنـدگانش که بخواهـد (و شایسـته بداند) گسترده می‌سازد و (یا) برایش تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون این آیه در آیات متعددی از قرآن تکرار شده است «۲» و این نشان دهنـده‌ی اهمیت موضوع است، همان طور که مردم نیز به رزق و کم و زیاد شـدن آن اهمیت می‌دهند. ۲. کلیـد رزق شـما و مقـدار آن براسـاس اراده‌ی الهی تنظیم می‌شود. در این جا توجه به چنـد نکته لازم است: الف) اراده‌ی خـدا براساس حکمت و مصـلحت است و هرگونه که به صـلاح تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۱۰۷ افراد باشـد رزق آنـان را کم یـا زیاد می‌کنـد. ب) خـدا برخی مردم را به وسـیله‌ی کمبود رزق آزمایش می‌کنـد، تا ببینـد چه کسـی صبر می‌کنـد و با تلاش بیش‌تر بر خدا توکّل می‌کند و چه کسـی انفاق می‌نماید و چه کسـی ناسپاسـی می‌کند، البتّه گاهی هم کم شدن رزق در اثر گناهـان یـا برای جلـوگیری از سرکشـی افراد اسـت. ج) خـواست و اراده‌ی خـدا، علـل و اسـباب تکـوینی جهـان را نفی نمی‌کند، یعنی کم و زیاد شدن رزق انسان تابع شرایط زندگی و تلاش انسان یا تنبلی اوست. ۳. معمولًا از واژه‌ی «رزق»، رزق مادی و غـذا فهمیـده می‌شود ولی معنـای وسـیعی دارد که شامـل رزق مادی، معنوی و علمی می‌شود. ۴. در احادیث اسـلامی از اهل بیت علیهم السـلام روایت شـده که تأکیـد کرده‌اند از سـستی و کسالت و پرخوابی و بی‌کاری دست بکشـید و به دنبال تأمین معاش خود برویـد، که خدا از بنده‌ی بی‌کار در خشم است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزق شـما به دست خداست (پس بر او توکّل کنید و از او رزق وسیع بخواهید). ۲. خـدا آگاهانه (و براساس مصـلحت و حکمت) رزق شـما را کم یا زیاد می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوّم سوره‌ی عنکبوت به توحیـد در ربوبیّت و اعتراف مشـرکان بـدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْیَا بِهِ الأَرْضَ مِنْ بَعْـدِ مَوْتِهَا لَیَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الحَمْـدُ لِلَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ و اگر از آن (مشـرک) ها بپرسـی: «چه کسـی از آسـمان آبی فرو فرسـتاد و بـا آن زمین را، پس از مردنش، زنـده نمود؟» حتماً می‌گوینـد: «خـدا» بگو: «سـتایش مخصوص خـداست.» بلکه بیش‌ترشـان خرد نمی‌ورزنـد. تفسیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۱۰۸ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در ایـن آیه و آیـات پیشـین به چند صـفت الهی اشاره شده است که با هم پیوند دارند. الف) خالقیت خدا که سرچشمه‌ی روزی‌هاست؛ ب) رازقیّت خدا کـه زمینه‌سـاز پرورش موجـودات اسـت؛ ج) ربـوبیّت خـدا و پرورش موجـودات. ۲. مشـرکان خـدا را خـالق جهـان و مـدبّر و ربّ می‌دانسـتند و به این حقایق اعتراف می‌کردند، ولی اکثر آنان در این امور تفکر نمی‌کردند، تا متوجه شوند که اگر خدا خالق و ربّ جهان است، پس بت‌ها هیـچ تأثیری در سـرنوشت انسان ندارند و شایسـته‌ی پرسـتش نیسـتند و این گفتار و عقیده‌ی آنان با هم‌دیگر ناسازگـار بود. ۳. اگر خـدا مـدبّر و پرورش دهنـده‌ی هسـتی اسـت، پس سـتایش مخصـوص اوسـت؛ زیرا آب کـه مـایه‌ی حیـات و سرچشـمه‌ی ارزاق اسـت از نـاحیه‌ی اوست و معبودهـای دیگر در این امـور سـهمی ندارنـد؛ پس حمـد و شـکر نیز از آن خـداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از طبیعت شناسی به خداشناسی برسید. ۲. آب مایه‌ی حیات طبیعت زمین است. ۳. اکثر مخالفان اسلام از خرد

خود استفاده نمی‌کنند. ۴. کسی را ستایش کنید که مدبّر جهان است. ***

دنیا بازیچه است و آخرت حیات حقیقی

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی عنکبوت به زندگی بازیگرانه و زندگی حقیقی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴. وَمَا هَـٰذِهِ الحَیَاةُ الدُّنْیَا إِلَّالَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الآخِرَةَ لَهِیَ الحَیَوَانُ لَوْ کَانُوا یَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۰۹ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست؛ و قطعاً، سرای آخرت فقط زندگی (حقیقی) است، اگر (برفرض) می‌دانستند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «لَهْو» به معنای سرگرمی و کارهایی است که انسان را به خود مشغول می‌دارد و از مسائل اصولی زندگی منحرف می‌کند و دنیا نیز این‌گونه است. ۲. «لعب» به معنای کارهایی است که نوعی نظم و هدف خیالی دارد و انسان را به بازی می‌گیرد. در بازی، یکی وزیر، یکی فرمانده‌ی لشکر و یکی دزد می‌شود، ولی در پایان بازی روشن می‌شود که همه‌ی نقش‌ها خیالی بوده است. آری؛ زندگی دنیایی (بدون لحاظ آخرت) بازی و خیالی بیش نیست و انسان‌ها بازیگران صحنه‌های خیالی آن هستند، ولی وقتی مرگ فرارسد، همه از خواب بیدار می‌شوند و متوجه می‌گردند که به دنبال مقامات خیالی و سراب‌ها بوده‌اند و پس از گذشت یک نسل همه چیز آن نسل فراموش می‌شود و خیالات و بازیگری نسل جدید شروع می‌شود. ۳. حیات حقیقی که فنا و رنج و ناراحتی و ترس وتضاد در آن نیست و انسان‌ها به دنبال خیالات و بازیگری نیستند، همان زندگی اخروی است. ۴. این آیه در صدد مقایسه‌ی زندگی دنیا و آخرت است و مقام بلند زندگی اخروی را روشن می‌سازد، ولی این به معنای نفی ارزش‌های زندگی دنیا نیست، بلکه این آیه هشداری است به انسان‌ها که سرگرم بازیچه‌های دنیا و اسیر آنها نشوید بلکه امیر دنیا باشید و دنیا را مزرعه‌ی آخرت قرار دهید. ۵. در این آیه بیان شده که برخی افراد تفاوت دنیا و آخرت را درک نمی‌کنند و زندگی حقیقی را از بازی تشخیص نمی‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زندگی حقیقی و مجازی را بشناسید (و به دنبال حیات حقیقی باشید). ۲. دنیا سرگرمی و بازیچه است (فریب آن را نخورید). *** قرآن کریم در آیات شصت و پنجم و شصت و ششم سوره‌ی عنکبوت به توحید فطری و نقش مشکلات در شکوفایی آن و ناسپاسی انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۵ و ۶۶. فَإِذَا رَکِبُوا فِی الفُلْکِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَی البَرِّ إِذَا هُمْ یُشْرِکُونَ* لِیَکْفُرُوا بِمَا آتَیْنَاهُمْ وَلِیَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ و هنگامی که بر کشتی سوار شوند، خدا را، درحالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به سوی خشکی نجات دهد، به ناگاه آنان شرک می ورزند؛* تا آنچه را به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند؛ و تا (چند روزی از دنیا) بهره گیرند؛ و [لی در آینده خواهند دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید فطری انسان‌ها اشاره شده است؛ یعنی نور توحیدی که در اعماق جان انسان‌ها نهفته است و در هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات و خطرها شکوفاتر می‌شود؛ چراکه در این هنگام پرده‌های تعصب و غفلت کنار می‌رود و دست انسان از همه جا کوتاه می‌گردد و بی‌اختیار و خالصانه به سراغ ماورای طبیعت می‌رود و نور توحید فطری ظاهر می‌شود. این حالت برای انسان‌های مذهبی و غیر مذهبی در شرایط سخت و به ویژه سفرهای دریایی و هوایی پیدا می‌شود و همین همگانی بودن، نشانه‌ی فطری بودن آن است. ۲. در آیات قرآن به طور مکرر اشاره شده که انسان در هنگام آسودگی ناسپاسی می‌کند و در هنگام بروز مشکلات سخت به طرف خدا می‌رود و پس از رفع مشکلات بازهم ناسپاس می‌شود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۱ آری؛ در هنگام آسودگی و فراوانی نعمت، پرده‌های غفلت و غرور و آلودگی‌های گناهان مانع دیدن نور خدا می‌شود و انسان به خاطر لذت های زودگذر آیات الهی را انکار می‌کند و خود را گرفتار عذاب می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را در هنگام مشکلات بشناسید. ۲. نور توحید فطری در دل همه‌ی انسان‌ها، حتی مشرکان، وجود دارد. ۳. مشکلات غفلت‌زاست و رفاه‌زدگی انسان زمینه‌ساز ناسپاسی اوست. ۴. اگر در مشکلات خدا را با اخلاص می‌خوانید، پس از رفع مشکلات خدا را فراموش نکنید. ۵. مشرکان رفاه‌طلب از فرجام خویش خوف‌ناک باشند. *** قرآن کریم

در آیات شصت و هفتم و شصت و هشتم سوره‌ی عنکبوت به نعمت حرم امن مکه و ناسپاسی مشرکان و ظلم و تکذیب آنان اشاره می کند و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۶۷ و ۶۸. أوَ لَمْ یَرَوْا أ نَّا جَعَلْنَا حَرَماً آمِناً وَیُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أفَبِالبَاطِلِ یُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَهِٔ اللَّهِ یَکْفُرُونَ* وَمَنْ أظْلَمُ مِمَّنِ ا فْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِباً أوْ کَذَّبَ بِالحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أ لَیسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْویً لِلْکَافِرِینَ و آیا نظر نکرده‌اند که ما (مکه را) حرم امنی قرار دادیم، در حالی که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدنـد؟! پس آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را انکار می کنند؟!* و چه کسـی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا حق را، هنگامی که به سراغش آمد، دروغ انگاشته است؟! آیا در جهنّم جایگاهی برای کافران نیست؟! تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به یکی از نعمت‌های بزرگ خـدا بر بشـریت، یعنی نعمت حرم امن مکه اشـاره شـده است. در حالی که جهان پر از ناامنی است، خدا مکه را جزیره‌ی امن برای همگـان قرارداده، به طـوری که حتی حیوانـات نیز در آن جـا در امان‌انـد و کسـی حـق تعرّض به آنـان را ندارد. البتّه این حرم امن آثار و فواید زیادی برای بشـریت دارد که بیش‌ترین فایده‌ی آن برای مردم مکه است. ۲. مشرکان با این که از نعمت الهی حرم امن مکه اسـتفاده می کننـد، باز هم کفر می‌ورزنـد و ناسپاسی می کنند و این ناسپاسـی و کفر از مشـرکان ساکن مکـه زشت‌تراست. ۳. مشـرکان بر خـدا دروغ می‌بندنـد؛ زیرا آنـان برای خـدا شـریک معرفی می کننـد و آن را برنامه‌ی الهی معرفی می‌نمایند. ۴. مشـرکان با این تهمت‌ها بر خود و دیگران سـتم روا می‌دارند؛ زیرا شـرک ظلم برخویشـتن و سـتمی بر جامعه‌ی انسانی است. آری؛ شرک ریشه‌ی بسیاری از انحرافات و مفاسد اجتماعی، هواپرستی و دنیاپرستی است. ۵. مشرکان حق را تکذیب کردند؛ زیرا دلایل آشکار توحید را نپذیرفتند و آیات قرآن را انکار کردند. ۶. در پـانزده مورد از آیات قرآن، گروهی به عنوان «ظالم‌ترین مردم» معرفی شده‌انـد. دقت در این موارد نشـان می‌دهـد که این تعبیر درمورد مسائـل متنوعی مطرح شـده که معمولًا به شـرک بـاز می گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر نعمت حرم امن مکه را بدانید و ناسپاسی نکنید. ۲. باطل‌گرایان از نعمت امنیت حرم استفاده می کننـد و ناسپاسـی می کنند (شـما این گونه نباشـید). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۳ ۳. دروغ برخـدا و تکـذیب حق از بزرگ‌ترین ستم‌هاست (پس شما این گونه عمل نکنید). ۴. فرجام کافران عذاب‌آلود است (پس مراقب باشند). *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی عنکبوت به نتایـج تلاش و نیکوکاری اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۶۹. وَالَّذِینَ جَاهَدُوا فِینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإنَّ اللَّهَ لَمَعَ المُحْسِنِینَ و کسانی که در (راه) ما تلاش کنند، قطعاً، به راه‌های خود رهنمونشان خواهیم کرد؛ و مسلماً، خدا با نیکوکاران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «جَهاد» به معنای کوشـش است و در این‌جا شامل هر نوع تلاش در راه خدا می‌شود، که شامل موارد زیر است: الف) جهاد نظامی و مبارزه با دشـمنان اسـلام؛ ب) جهاد فرهنگی و تلاش در راه اعتلای علمی و فرهنگی مسلمانان؛ ج) جهاد بـا نفس و مبـارزه بـا هوس‌هـای سـرکش درون؛ د) جهـاد سازنـدگی و تلاش در راه پیش‌رفت‌های فنی و ساختن زنـدگی بهتر برای مسلمانان و امدادهای مادی به آنان. ۲. مقصود از راه‌های خدا، مسیرهای مختلفی است که به سوی خدا منتهی می‌شود هم‌چون مسیر دانش، تزکیـه‌ی نفس، مقـاومت در برابر دشـمنان و ... که در نهـایت انسـان را به هـدایت نایـل می‌سـازد. ۳. در ایـن آیـه پیروزی و موفقیت را متوقف بر دو شـرط اساسـی کرده است: تلاش و اخلاص. یعنی، اگر انسان تنبلی و سستی کند ره به جایی نمی‌برد، همان طور که اگر تلاش کنـد ولی اخلاص در کارنباشـد و برای خـدا عمل نکنـد، هدایت الهی تفسیـر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۴ شامـل حـال او نمی‌شـود و همیـن دو مطلـب رمز موفقیت‌هـا و ناکامی‌هـای مسـلمانان در طـول تاریـخ اسـلام بـوده اسـت. ۴. خـدا با نیکوکاران است؛ این‌ها از خدا دور نیستند و همیشه با خدایند؛ از این رو نیکوکاران از مجاهدان نیز برترند؛ زیرا مجاهدان برای خود در راه خـدا تلاش می کننـد و نیکوکاران برای دیگران نیز تلاش می کنند و ایثارگرند. ۵. در احادیث از امام باقر علیه السـلام روایت شده که مقصود این آیه آل محمد و پیروان آنها هسـتند «۱» و در حدیث دیگری از امام علی علیه السـلام روایت شده که مقصود از مُحسن (: نیکوکار) ایشان هستند. «۲» البتّه روشن است که این گونه احادیث مصـداق کامل و روشن آیه را بیان می کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرکت از شما هدایت از ما. ۲. راه‌های متعددی به سوی خدا وجود دارد. ۳. بدون تلاش و اخلاص، ره به جایی نمی‌برید.

۴. خدا حامی نیکوکاران ایثارگر است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۵

بخش دوم: سوره‌ی روم

اشاره

نشانه‌های الهی در جهان و توحید فطری ثواب و عقاب‌های رستاخیر ارتباط حالات مردم با رویدادهای زندگی ارتباط گذشته و آینده‌ی بشر پیش‌گویی اعجازآمیز درباره‌ی جنگ ایران و روم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۷

اول: سیمای سوره‌ی روم

اشاره

سیمای سوره‌ی روم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

شمارگان

سوره‌ی روم که درمکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرودآمده، دارای ۶۰ آیه، ۸۱۹ واژه و ۳۵۳۴ حرف است.

نزول

این سوره هشتاد و سومین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی انشقاق و قبل از سوره‌ی عنکبوت) و در سالی که ایرانیان بر رومیان پیروز شدند فرو فرستاده شد. این سوره در چینش کنونی قرآن سی‌امین سوره به شمار می‌آید. نام: تنها نام این سوره «رُوم» است که به مناسبت آیه‌ی دوم آن نام‌گذاری شده است. این آیه بیانگر شکست روم و پیش‌بینی پیروزی رومیان در آینده‌ی نزدیک است.

فضایل

در مورد فضیلت خواندن این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده است که سوره‌ی روم و عنکبوت نزد خدا موقعیّت مهمی دارند و هرکس آنها را در شب بیست و سوم ماه رمضان بخواند، اهل بهشت خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۱۸ تذکر: روشن است که موقعیت این سوره‌ها در نزد پروردگار به خاطر محتوای آنهاست و آن گاه کسی اهل بهشت می‌شود که این سوره‌ها را بخواند و به محتوای آنها عمل نماید. ویژگی: این سوره از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه‌ی «الم» آغاز می‌شود و با آن که مکی است، داستان‌های پیامبران در آن نیامده است.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید فطری و شناخت خدا از طریق نشانه‌های او در جهان؛ ۲. یادآوری قیامت و عذاب و ثواب آن؛ ۳. کشف ارتباط استوار، میان حالات مردم و روی‌دادهای زندگی و نیز ارتباط گذشته‌ی بشریت با وضع موجود و آینده‌ی او و قوانین هستی.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در این سوره به چشم می‌خورنـد عبارت‌انـداز: الف) عقایـد: ۱. بیان دلایل آفاقی و انفسی برای شـناخت خدا و تـذکر عظمت آیات خـدا (در آیات ۱۹- ۲۷)؛ ۲. یـادآوری فطرت توحیـدی انسان (در آیه‌ی ۳۰)؛ ۳. یادآوری قیامت و سرنوشـت مشـرکان و مؤمنـان (در آیـات ۱۱- ۱۶)؛ ۴. اعجـاز قرآن در پیش‌گـویی پیروزی روم بر ایران (در آیـات ۲- ۴). ب) اخلاـق: ۱. یادآوری حقّ خویشاونـدان (ذِی القُربی و نیکی به آنها (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۲. تکـذیب و کفر، عاقبت گناهکاران (در آیه‌ی ۱۰)؛ تفسیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۱۱۹ ۳. دسـتور به تقوا و پارسـایی (در آیه‌ی ۳۱)؛ ۴. دعـوت به صـبر (در آیه‌ی ۶۰). ج) احکـام: ۱. نکوهش رباخواری (در آیه‌ی ۳۹)؛ ۲. تذکری درباره‌ی مالکیت؛ ۳. نوید نیکی برای پرداخت کنندگان زکات انفاق (در آیه‌ی ۳۸)؛ ۴. دعوت به نماز (در آیه‌ی ۳۱). د) داسـتان: پیروزی ایرانیان بر رومیان و پیش‌بینی شـکست ایران در آینده‌ی نزدیک (در آیات ۲- ۴). ه) مطالب فرعی: ۱. خلقت انسان از خاک (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۲. یادآوری نظام زوجیّت و آفرینش همسران و رابطه‌ی دوستی آنها با یک‌دیگر (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۳. تبیین حالاـت افراد بی‌ایمـان و گناهکار و ظهور فساد در زمین بر اثر گناهان (در آیه ۴۱)؛ ۴. دعوت به مسافرت در زمین (در آیات ۹ و ۴۲)؛ ۵. تذکر چگونگی تشکیل ابر و باران که نکاتی علمی در بردارد (در آیه‌ی ۴۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۱

دوم: محتوای سوره‌ی روم

اشاره

خدای متعال سوره‌ی روم را با حروف مقطعه آغاز می‌کند و می‌فرمایـد: ۱. الم الف، لام، میم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیست و نه سوره از قرآن با حروف مقطعه آغاز می‌شونـد و سوره‌ی روم یکی از آنهاست. در مورد معنای این حروف و دیـدگاه‌های مفسـران در اول سوره‌ی بقره و آل عمران و ... سـخن گفتیم و به این نتیجه رسـیدیم که این حروف اشـاره دارد که قرآن با آن عظمت و اعجازش از همین حروف معمولی سـاخته شـده است، ولی بـا این حـال کسـی نمی‌توانـد مثـل آن را از حروف الفبـا تـألیف کنـد. ۲. معمولًا در سوره‌هـایی که حروف مقطعه وجـود دارد بلاـ فاصـله از عظمت قرآن سـخن گفته شـده است. در این سـوره نیز پس از حروف «الم» پیش‌گویی اعجازآمیز قرآن در مورد شکست و پیروزی رومیان بیان شده است، که اشاره به عظمت قرآن دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به حروف الفبـا که قرآن از آنها ساخته شـده است بنگریـد و به عظمت قرآن پی ببریـد. ۲. اگر می‌توانیـد، از حروف الفبا، کتابی به عظمت قرآن تألیف کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۲ قرآن کریم در آیات دوم تا چهارم سوره‌ی روم با اشاره به شکست رومیـان از ایرانیان، پیروزی رومیان را پیش‌گویی می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲- ۴. غُلِبَتِ الرُّومُ* فِی أَدْنَی الأَـرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَـیَغْلِبُونَ* فِی بِضْعِ سِـنِینَ لِلَّهِ الأَـمْرُ مِنْ قَبْـلُ وَمِنْ بَعْـدُ وَیَوْمَئِـذٍ یَفْرَحُ المُؤْمِنُونَ. (سـپاه) روم در نزدیک‌ترین سـرزمین شکسـت خورد؛* و [لی آنان بعد از شکستشان در [ظرف چند سال به زودی پیروز خواهند شد.* کار [ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آنِ خـداست؛ و در آن روز، مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شونـد. شأن نزول: حکایت شـده که در هنگام حضور پیامبر صـلی الله علیه و آله در مکه، جنگی میان ایرانیان و رومیان (که دو ابرقـدرت آن عصـر بودند) واقع شد و در این نبرد ایرانیان پیروز شدنـد. آیات فوق فرود آمـد و به صورت اعجازآمیزی پیش‌گویی کرد که در آینـده‌ای نزدیک رومیان پیروز می‌شوند؛ و پس از چند سال این واقعه به وقوع پیوست و بار دیگر حقّانیّت پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن اثبات شد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از جهـات اعجـاز قرآن همـان پیش‌گویی‌هـای تـاریخی و اخبـار غیـبی آن است کـه آیـه‌ی فـوق را از ایـن مـوارد شمرده‌اند، «۲» چرا که قرآن با تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۳ تأکیدات متعدد به طور قاطع پیش‌گویی می‌کند که رومیان

پس از شکست خود به زودی پیروز می‌شوند و حتی حدود سال‌های آن را پیش‌بینی می‌کند که این پیش گویی پس از چند سال به وقوع پیوست. پیش‌بینی پیروزی قدرت‌های بزرگ، آن هم در عرض چند سال کوتاه و پس از شکستی سنگین، کاری دشوار است و با علم عادی ممکن نیست و حتی کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در این موارد با احتیاط سخن می‌گویند. ۲. دولت ایران و روم درعصر پیامبر صلی الله علیه و آله دو ابرقدرت بزرگ جهان به شمار می‌آمدند. در آن زمان پادشاه ایران «خسرو پرویز» و پادشاه روم «هرقل» بود و جنگی ۲۴ ساله بین آنان در گرفت. نخست سپاه ایرانیان به سرداری «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند و به سختی آنان را شکست دادند به طوری که منطقه‌ی شامات، مصر و آسیای صغیر را تصرف کردند. این شکست در حدود سال ۶۱۶ میلادی (یعنی حدود سال ششم یا هفتم هجری) رخ داد «۱» سپس پادشاه روم درسال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و ظرف شش سال ایران را شکست داد. «۲» بنابراین، شکست ایرانیان در حدود سال‌های اول تا ششم هجری بود و صلح حدیبیه نیز در سال ششم هجری واقع شد. ۳. محل درگیری سپاه ایران و روم و مکان شکست رومیان، در شمال جزیرهٔ العرب در سرزمین شام، نزدیک محل سکونت مردمان مکه بوده است. البتّه برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان نزدیک‌ترین تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۴ نقطه‌ی مرزی ایران و روم بوده که شکست رومیان در آن نقطه اهمیت بیش‌تری داشته است؛ چرا که اگر کشوری در نقطه‌ی مرزی و محل قوّت خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران شکست نخواهد بود. «۱» در این صورت پیش‌گویی پیروزی رومیان اهمیت بیش‌تری می‌یابد. برخی از محققان نیز این بخش از آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند؛ چرا که محققان علم جغرافیا دریافته‌اند که گودترین و پایین‌ترین منطقه‌ی روی زمین «بحر المیت» (منطقه‌ای نزدیک فلسطین) است که جنگ ایران و روم در آن واقع شد و قرآن با تعبیر «ادنی الارض» (پایین‌ترین و پست‌ترین سرزمین) «۲» به آن اشاره کرده است. «۳» ۴. «بِضْع» به معنای زمانی حدود سه تا نه سال است. «۴» پیش‌بینی قرآن به صورت حدودی است؛ چرا که جنگ‌های آن عصر چندین سال طول می‌کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شد که چه کسی شکست خورده است. ۵. در این آیات بیان شده که مؤمنان در هنگام پیروزی رومیان خوشحال خواهند بود. این خود پیش‌گویی دیگری در این آیات است؛ چرا که در هنگام پیروزی رومیان، صلح حدیبیه واقع شد که پیروزی بزرگی برای مسلمانان بود و آنان به خاطر آن شادمان بودند. البتّه این احتمال نیز هست که شادی مسلمانان که در آیه بدان اشاره شد به خاطر تحقّق پیش‌گویی قرآن و اثبات حقانیّت آن بوده باشد. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن کتابی الهی است؛ چون اخبار اعجازآمیز غیبی دارد. ۲. به پیروزی و شکست ابرقدرت‌ها دل نبندید که همه‌ی کارها به دست خداست. ۳. مؤمنان نسبت به حوادث سیاسی جهان حساس باشند و در پیروزی‌ها شادمانی کنند. *** قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی روم به امدادهای الهی در پیروزی‌ها و وعده‌های تخلّف ناپذیر او و ناآگاهی اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. بِنَصْرِ اللَّهِ یَنصُرُ مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ العَزِیزُ الرَّحِیمُ* وَعْدَ اللَّهِ لا یُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ. (خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است.* (این) وعده‌ی خداست؛ خدا از وعده‌اش تخلّف نمی‌ورزد؛ و لیکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین پیش‌گویی قرآن در مورد شادمانی مؤمنان در هنگام پیروزی رومیان بیان شد و گفتیم که شاید شادمانی مسلمانان در اثر پیروزی در صلح حُدیبیه بوده باشد که همزمان با شکست رومیان در سال ششم هجری واقع شده بود. در این آیه اشاره شده که این امر نصرت و یاری الهی برای مسلمانان بود. آری؛ خدا در هنگام صلح حدیبیه به یاری مسلمانان آمد و وحشتی در قلب مشرکان مکه قرارداد به طوری که دست از ستیز برداشتند و صلح نامه‌ای را امضاکردند که پیروزی بزرگی برای مسلمانان به شمار می‌آمد. آری؛ پیروزی رومیان بر ایرانیان و تحقق پیش‌گویی قرآن و اثبات تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۶ حقانیّت آن هشداری به مشرکان بود و وحشتی در دل آنان ایجاد کرد، به طوری که با پدیده‌ی اسلام کنار آمدند و صلح نامه را امضا کردند. «۱» و این امدادِ دیگری از جانب خدا بود که مسلمانان را شادمان کرد. ۲. پیروزی مسلمانان در صلح حدیبیه و

شادمانی آنان وعده‌ی الهی بود. همان طور که در اول سوره‌ی فتح، این صلح را فتحی بزرگ برای مسلمانان برشمرد که خدا مسلمانان را در آن جا یاری نمود. «۲» ۳. تخلّف از وعده، یا به خاطر ناتوانی و یا به سبب جهل است ولی خدا عالم و قدرتمند است پس هیچ گاه از وعده‌اش تخلّف نمی‌کند، بلکه تخلّف وعده در مورد او محال است. ۴. در این آیه بیان شده که اکثر مردم از این حتمی بودن وعده‌ی الهی آگاهی ندارند؛ چون خدا و صفات او را به خوبی نشناخته‌اند. البتّه روشن است که مقصود از این اکثریت همان مشرکان هستند که به وعده‌های نصرت الهی به مسلمانان ایمان نداشتند و ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروزی به دست خداست. ۲. از یاری الهی شادمان باشید. ۳. پیروزی مؤمنان وعده‌ی الهی است. ۴. مردم ناآگاه وعده‌های الهی را جدّی نمی‌گیرند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی روم به ظاهربینان غفلت‌پیشه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. يَعْلَمُونَ ظَاهِراً مِنَ الحَيَاةِ الدُّ نْيَا وَهُمْ عَنِ الآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ. (زیرا آنان) ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند، درحالی که آنان خود از آخرت غافل‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جهان ظاهر و باطنی دارد. ظاهر دنیا همین لذت‌های زودگذر سرگرمی‌ها و بازیچه‌هاست که عامل غرور و غفلت می‌شود و باطن دنیا علل و عوامل پشت پرده‌ی آن و مقاصد عالی الهی و هدف حقّ آفرینش است و هر حادثه‌ی آن معنادار و نشانه‌ای از خداست. ۲. تفاوت ظاهر و باطن دنیا هر چند واقعی است، درک آن بستگی به بینش انسان دارد. برخی افراد بینش مادی دارند و جهان را مجموعه‌ای از حوادث کور و بی‌هدف می‌شمارند اما افرادی که بینش توحیدی دارند جهان را مجموعه‌ای هدف‌دار و آفریده‌ی پروردگار می‌دانند که آزمایشگاه انسان‌هاست و هر حادثه و پدیده‌ی آن کتابی پر محتوا و اسرارآمیز است که در مجموعه‌ی هستی معنادار می‌شود و درس توحید می‌دهد و همه‌ی مجموعه جهان مرحله‌ای از هستی انسان است که به طرف جهانی دیگر در حرکت است و معاد ایستگاه نهایی آن است. ۳. تفاوت دید انسان‌های ظاهربین و مؤمنان ژرف‌نگر، در داوری آنان مؤثر است به گونه‌ای که انسان ظاهربین شهادت در راه خدا را نابودی ولی انسان باطن‌نگر آن را سعادت می‌بیند. انسان ظاهربین انفاق و بخشش در راه خدا را زیان، ولی انسان باطن‌نگر آن را ذخیره‌ای پرسود می‌بیند. همین اختلاف دید در مورد رباخواری، حرام‌خواری و گناهان دیگر و حوادث جهان، هم‌چون سیل و زلزله نیز پیدا می‌شود. یکی آنها را وسیله‌ی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۸ آزمایش می‌داند که لازم است در برابر آنها صبر کند و از آنها درس عبرت بیاموزد و برای آینده برنامه‌ریزی بهتری کند و دیگری حوادث تلخ را غیرقابل تحمّل می‌شمارد و ناسپاسی می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به باطن جهان و حوادث آن توجه کنید و در دنیا ظاهرنگر نباشید. ۲. از فرجام هستی و جهان آخرت غافل نشوید. ۳. کسانی که از ژرف اندیشی به دورند، از فرجام جهان غافل می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی روم افراد را به خاطر عدم تفکر در حقانیّت و فرجام آفرینش توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ۸. أوَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالأرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إلَّا بِالحَقِّ وَأجَلٍ مُسَمّىً وَإنَّ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ و آیا در (درون) خودشان فکر نکرده‌اند که خدا آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حق و سرآمدی معیّن نیافریده است؟! و [لی قطعاً، بسیاری از مردم ملاقات پروردگارشان را منکرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه مردم را به تفکر فرا می‌خواند و کافران ظاهربین را به خاطر عدم تفکّر سرزنش می‌کند. آری؛ قرآن کریم بر خردورزی انسان تأکید می‌کند و ریشه‌ی انحرافات عقیدتی انسان‌ها نیز در عدم تفکر نهفته است. ۲. اگر انسان تفکر کند متوجه می‌شود که اولًا، آفرینش جهان هدف‌دار وحق است، چراکه خدا حکیم است و کار بیهوده و بی‌هدف نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۲۹ ثانیاً، این دنیا پایان معیّنی دارد و روزی نظام کنونی آسمان‌ها و زمین درهم می‌ریزد و جهان مادی به فرجام خویش می‌رسد. بنابراین، حتماً معاد و جهانی دیگر درپی این جهان وجود دارد وگرنه هدف‌دار بودن جهان کنونی بی‌معنا می‌شود. ۳. بسیاری از مردم معاد را انکار می‌کنند و کفر می‌ورزند؛ چرا که آنان اهل خردورزی و تفکر در نظام آسمان‌ها و زمین نیستند تا به حقانیّت معاد پی‌ببرند. ۴. «بِالحَق» یا به معنای آن است که آفرینش هدف حقّی دارد ویا آن که آفرینش با حق و قانون و نظم همراه است. «۱» ۵. «فی انْفُسهم» یا بدان معناست که انسان در اسرار درون خویش تفکر کند و یا آن که در درون جان و از طریق

عقل بیندیشد و به حقانیّت و هدف‌داری آفرینش پی‌ببرد. البتّه معنای دوم با ظاهر آیه سازگارتراست. «۲» ۶. یکی از راه‌های ژرف‌اندیشی و باطن‌نگری به جهان و عبور از ظاهر آن، اندیشیدن در نظام هستی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در نظام هستی تفکر کنید (تا به هدف‌داری جهان و معاد پی‌ببرید). ۲. خردمندان به فرجام هستی و هدف‌داری آن پی‌خواهند برد. ۳. نابخردان معاد را انکار می‌کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۰ قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی روم مردم را به گردشگری هدفمند در زمین و عبرت‌آموزی از سرنوشت ستمکاران قدرتمند فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۹. أوَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الأرْضِ فَیَنظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَانُوا أشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأثَارُوا الأرْضَ وَعَمَرُوهَا أکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالبَیِّنَاتِ فَمَا کَانَ اللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَلَکِنْ کَانُوا أنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ. و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند که چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که از آنان نیرومندتر بودند و زمین را شخم زدند و بیش‌تر از آنچه (اینان) آبادش کردند، آن را آباد ساختند و فرستادگانشان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند (ولی ایمان نیاوردند و عذاب شدند)؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به اقوامی هم‌چون فرعونیان و قوم عاد اشاره شده که پیش از مشرکان مکه زندگی می‌کردند. آنان افرادی نیرومند بودند که زمین را آباد کردند و پیشرفت آنها بیش از مشرکان صدر اسلام بوده است ولی با این همه، قدرت و پیشرفت آنان مانع عذاب الهی نشد پس چگونه مشرکان می‌توانند از مجازات الهی بگریزند. ۲. مقصود از زیر و روکردن زمین، شخم زدن آن برای کشاورزی یا کندن نهرها و ایجاد شالوده‌ی ساختمان‌های بزرگ است که مایه‌ی آبادی زمین می‌شود. ۳. معیار پیشرفت و قدرت در اعصار مختلف، متفاوت است. در صدر اسلام کشاورزی و ساختمان‌های بلند نشانه‌ی قدرت و پیشرفت بود که مشرکان مکه در این مورد پیشرفت چندانی نداشتند. ۴. قرآن کریم در این آیه و در آیات متعددی مردم را به گردشگری هدفمند برای دیدن آثار ستمکاران تاریخ و عبرت‌آموزی از آنان فرا می‌خواند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۱ ۵. یکی از راه‌های بیداری و ژرف‌اندیشی و باطن‌نگری به جهان و عبور از ظاهر آن، گردشگریِ هدفمند است. ۶. خدا ستم نمی‌کند بلکه این کافران هستند که با شرک ورزیدن به خود ستم می‌کنند، همان طور که به مردم ستم روا می‌دارند وخدا نیز مجازات این ستمکاری‌ها را به آنان می‌چشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهانگردی هدفمند داشته باشید. ۲. به سرنوشت عذاب‌آلود سرکشان قدرتمند تاریخ بنگرید و عبرت بیاموزید. ۳. اگر پیشرفت مادی جامعه با پیشرفت معنوی هماهنگ نباشد، جامعه به سقوط می‌گراید. ۴. ستمکاران خود به نفس خود ستم می‌کنند و خود کرده را تدبیر نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی روم به فرجام بدکاران و مخالفت و ریشخند آنان نسبت به آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. ثُمَّ کَانَ عَاقِبَةَ الَّذِینَ أسَاؤُوا السُّوءَی أنْ کَذَّبُوا بِآیَاتِ اللَّهِ وَکَانُوا بِهَا یَسْتَهْزِؤُونَ سپس فرجام کسانی که [کارهای بد انجام دادند، بدتر شد، (چرا) که آیات خدا را دروغ انگاشتند و آنها را ریشخند می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بدکاری و گناهکاری هم‌چون بیماری سختی است که هر روز در وجود انسان پیشرفت می‌کند تا سراسر روح او را تسخیر کند و او را به انحراف کامل بکشاند. ۲. این آیه هشداری است به گناهکاران که گناه از نقطه‌ی کوچکی شروع می‌شود اما به نقطه‌ی بزرگی ختم می‌شود که همان تکذیب و ریشخند آیات الهی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۲ ۳. تکذیب آیات الهی و ریشخند کردن آنها خود نوعی گناه و بدکاری است که انسان را به سوی گناه بیش‌تر و کفر و دوزخ سوق می‌دهد؛ «۱» چرا که این گونه افراد با موضع‌گیری در برابر آیات الهی و ریشخند آنها راه تفکّر و درک حقیقت را به روی خود می‌بندند و به گمراهی کشانده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب باشید که کارهای بد از نقطه‌ی کوچکی آغاز می‌شود ولی به نقطه‌ی خطرناکی ختم می‌گردد. ۲. بدکاری زمینه‌ساز موضع گیری در برابر آیات الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی روم به آغازگر و فرجام‌گر جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱. اللَّهُ یَبْدَأُ الخَلْقَ ثُمَّ یُعِیدُهُ ثُمَّ إلَیْهِ تُرْجَعُونَ خدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، سپس فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران برآن‌اند که این آیه استدلالی کوتاه و پرمعنا برای مسأله‌ی معاد است؛ همان کسی که قدرت بر آفرینش

نخستین داشت، قـدرت برمعاد هم دارد و قانون عـدالت و حکمت خـدا ایجاب می‌کند که این آفرینش مجدد تحقق یابد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۳ ۲. مقصود از رجوع به سوی خدا یا آن است که همه‌ی شـما به سوی دادگاه عدل الهی می‌روید تـا مورد محاسبه قرارگیریـد و به پـاداش و کیفر خود برسـید؛ بلکه مومنانی که در خط تکامل الهی قرار گرفته‌انـد، در مسـیر تکامل خویش به سوی بی‌نهایت و به سوی ذات پاک الهی پیش روند. و یا منظور آن است که همه‌ی شما به سوی خدا می‌روید، اما نیکان به سوی صـفات مهر الهی و آلودگان به سوی صـفات قهر الهی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آغازگر و پایان دهنده‌ی جهان را بشناسـید که او خدای یگانه است. ۲. بازگشتگاهی جز درگاه الهی ندارید. ***

رستاخیز

قرآن کریم در آیات دوازدهم و سـیزدهم سوره‌ی روم، ناامیدی و تنهایی مشرکان را در رستاخیز به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ* وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ و روزی که ساعت (: قیامت) برپا می‌شود، خلافکاران از ناامیـدی انـدوهگین می‌شوند؛* و از شـریکانشان (: بت ها) شـفاعتگرانی برای آنان نیست، و (مشـرکان) شریکانشـان را منکرنـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. «يُبْلِسُ» دراصـل به معنـای انـدوهی است که از شـدّت ناامیـدی دست می‌دهـد؛ یعنی هنگامی که رسـتاخیز به پا می‌شود، مجرمان، ایمان و عمل شایسته و یاور و شفیع ندارند و امکان بازگشت به دنیا و جبران نیز نیست از این رو غمگین می‌شوند و ناامید می‌گردند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۴ ۲. مشرکان، بت‌ها و معبودان دروغین را شفیعان خود در رسـتاخیز می‌دانستند «۱» و اکنون در رسـتاخیز می‌بیننـد که آنها هیچ تأثیر و شـفاعتی ندارند از این رو از آنها ناامید شـده و بیزاری می‌جویند ولی دیگر دیر شده است و اینک معبودان نیز عبادت آنان را تکذیب می‌کنند و دشـمن مشـرکان می‌شوند. «۲» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. رسـتاخیز روز ناامیـدی، اندوه و تنهایی مشـرکان است. ۲. در رسـتاخیز از معبودان غیر خـدا، کاری ساخته نیست (پس به آنهـا دل نبندیـد). *** قرآن کریم در آیـات چهـاردهم تـا شـانزدهم سوره‌ی روم به جـدا شـدن مؤمنان و کافران در رستاخیز و فرجام هر گروه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴- ۱۶. وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ* فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُون* وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الآخِرَةِ فَاوْلَئِكَ فِي العَذَابِ مُحْضَرُونَ و روزی که ساعت (: قیامت) برپا می‌شود، در آن روز (مردم) پراکنـده می‌شونـد؛* و امّا کسانی که ایمان آوردنـد و (کارهای) شایسـته انجام دادند، پس آنان در بوسـتانی (بهشتی) سرخوشـند.* و امّـا کسـانی که کفر ورزیدنـد و آیـات ما و ملاقات آخرت را دروغ انگاشـتند؛ پس، آنان احضار شدگان در عذاب‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مؤمنان در بهشت آن‌قدر خوشـحال هستند که شادی درونی آنان در چهره‌هایشان نمایان می‌شود. «۳» آری؛ هر اندیشه که می‌پوشی درون خلوت سینه نشان و رنگ اندیشه ز دل پیداست بر سیما ۲. «رُوضَة» به معنای محلی است که آب و درخت فراوان دارد و به باغ‌هـای خرّم و سـرسبز روضه گوینـد و در این جـا اشـاره به باغ‌هـای بزرگ «۱» و پرنعمت بهشت است. ۳. کـافران را به اجبـار در دوزخ حاضـر می‌کننـد تـا مجازات شونـد؛ برخلاف بهشتیان که با میل خود به سوی بهشـت می‌روند. ۴. شـرط ورود به بهشت ایمـان و عمـل شایسـته است، امـا برای ورود به دوزخ بی‌ایمـانی و کفر کـافی است و نیاز به عمل مطـابق کفر نیست؛ چراکه کفر بزرگ‌ترین گناه است. ۵. چرا رسـتاخیز «ساعت» نامیده شده است؟ پاسخ است که «ساعة» دراصل به معنـای «جزئی از زمـان و لحظه‌ای زودگـذر» است و از آن جـا که وقـوع رسـتاخیز و مردن همگـانی و زنـده شـدن آنـان به صـورت ناگهانی و برق آسا است و حساب مردم به سـرعت رسـیدگی می‌شود به آن ساعت گفته‌اند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز جدایی‌هاست. ۲. فرجام مؤمنان بهشت و شادمانی است. ۳. اگر سـعادت و بهشت می‌خواهید، مؤمن و شایسته‌کردار شوید. ۴. فرجام کافران عذاب اجباری است. *** تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۶ قرآن کریم در آیات هفدهم و هیجدهم سوره‌ی روم به تسبیح و ستایش خدا در اوقات چهارگانه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ* وَلَهُ الحَمْدُ

فِی السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَعَشِیّاً وَحِینَ تُظْهِرُونَ و خدا منزّه است، هنگامی که به شب درآیید و هنگامی که به بامداد درآیید. * و ستایش درآسمان‌ها و زمین مخصوص اوست؛ و (منزّه است) عصرگاهان و هنگامی که به نیمروز درآیید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به تسبیح و پاک داشت خدا درچهار وقت صبح، ظهر، عصرگاهان و شامگاهان اشاره شده است. یادآوری این چهار وقت ممکن است اشاره به اوقات پنج گانه‌ی نماز باشد- که به نماز مغرب و عشا یک جا اشاره شده است- و یا کنایه از دوام تسبیح الهی باشد که نمازهای پنج گانه از مصداق‌های آن است. «۱» ۲. تعبیرات این آیات در مورد حمد و تسبیح الهی، ممکن است امری باشد؛ یعنی در این اوقات خدا را ستایش کنید و منزّه بدارید و یا به معنای ایجاد حمد و تسبیح از طرف خدا باشد که ذات پاک خود را ستایش و تنزیه می‌کند. ۳. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که هر کس در صبح آیات هفدهم تا نوزدهم سوره‌ی روم را بخواند، هرچه در روز از دست او رفته، جبران می‌شود و هرکس در آغاز شب بخواند، هرچه درشب از دست او رفته جبران خواهد شد. «۲» البتّه روشن است که این پاداش‌ها وقتی به خواننده‌ی این آیات می‌رسد که بر طبق مضمون آنها عمل کند و مفاد آنها را در وجود خود پیاده نماید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هر مکان حمد خدا و در هر زمان تسبیح او را بگویید. «۱» ۲. تسبیح الهی در زمان‌های خاصی، بیش‌تر مورد توجه است. «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی روم با بیان مثالی و ملموس، معاد را به تصویر می‌کشد و می‌فرماید: ۱۹. یُخْرِجُ الحَیَّ مِنْ المَیِّتِ وَیُخْرِجُ المَیِّتَ مِنْ الحَیِّ وَیُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَکَذَلِکَ تُخْرَجُونَ زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند؛ و این‌گونه (از گورها) بیرون آورده می‌شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، با مثال‌های ملموس، مسأله‌ی معاد و زنده شدن انسان‌ها پس از مرگ به تصویر کشیده شده است؛ یعنی با ذکر مثال‌هایی از زنده شدن طبیعت بعد از مرگش و مردن زندگان، نشان می‌دهد که زنده شدن انسان‌ها در رستاخیز چیز عجیبی نیست، بلکه مشابه صحنه‌هایی است که هرروز و هرسال در برابر چشم ما تکرار می‌شود. ۲. مقصود از خارج کردن زندگان از دل مردگان، همان زمین‌ها و طبیعت است که در فصل زمستان مرده است و در بهار زنده می‌شود و گل‌ها از آن می‌روید و می‌شکفد و می‌خندد. آری؛ این صحنه‌ی رستاخیز طبیعت است. البتّه نمونه‌ی دیگر این حیات‌بخشی را در پیدایش موجودات اولیه‌ی زمینی و نیز جذب مواد مرده‌ی طبیعت به بدن موجودات زنده و ساخته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۸ شدن سلول‌ها و نوزادان تازه می‌بینیم. ۳. مقصود از خارج ساختن مردگان از دل زندگان، همان مردن انسان‌ها و حیوانات و گیاهان است که به جسدهای بی‌جان تبدیل می‌شوند. آری؛ در طبیعت به طور مداوم زندگی از دل مرگ و مرگ ازدل زندگی پدید می‌آید و این نشانه‌ی قدرت خدا بر رستاخیزی دیگر است. ۴. در احادیث اسلامی روایت شده که مقصود از این آیه تولد مؤمن از کافر و کافر از مؤمن است. «۱» و در حدیث دیگری آمده است که مقصود (آیه) زنده شدن زمین به وسیله‌ی باران نیست، بلکه خدا مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را احیا می‌کنند و زمین با احیای عدالت زنده می‌شود و اجرای عدالت در زمین از چهل روز باران سودمندتر است. «۲» البتّه این‌گونه احادیث اشاره به بطن آیه است؛ یعنی مرگ و حیات معنای وسیعی دارد که شامل حیات مادی (همچون زنده شدن طبیعت) و حیات معنوی (همچون زنده شدن عقیده‌ی انسان و ایمان آوردن او و زنده شدن اجتماع با عدالت) می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظام طبیعت در حال مرگ و زندگی مداوم است. ۲. از مرگ و حیات طبیعت، معادشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۳۹

نشانه های خدا

قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در آفرینش و نقش ازدواج در بهداشت روانی انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. وَمِنْ آیَاتِهِ أنْ خَلَقَکُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إذَا أ نْتُمْ بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ* وَمِنْ آیَاتِهِ أنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أنفُسِکُمْ أزْوَاجاً لِتَسْکُنُوا إلَیْهَا وَجَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ و از نشانه‌های او، این است که شما را از خاک

آفرید، سپس به ناگاه شما بشری شدید که گسترش می‌یابید.* و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید؛ و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یازده آیه در قرآن کریم با جمله‌ی «از نشانه‌های خدا این است که ...» شروع می‌شوند که هفت آیه‌ی آن در سوره‌ی روم است «۱». در این آیات نشانه‌های خدا در جهان درون و برون انسان بیان شده و درس توحید می‌آموزد. ۲. مقصود از آفرینش انسان از خاک، یا آفرینش نخستین آدم و یا آفرینش همه‌ی انسان‌هاست که بدن آنان از مواد غذایی تشکیل شده که مستقیم یا غیر مستقیم از خاک به وجود می‌آید. البتّه ظاهر آیه در این‌جا با تفسیر دوم سازگارتراست. ۳. آفرینش انسان با این همه عجایب جسمی و روحی و انتشار سریع او در سطح قاره‌ها و مناطق مختلف زمین، از نشانه‌های قدرت و حکمت الهی است. ۴. این آیه یکی از نشانه‌های خدا را آفرینش همسران از جنس انسان بیان کرده است؛ چراکه همسرانِ هم‌جنس عواطف و دردها و نیازهای تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۰ هم‌دیگر را درک می‌کنند و با تکمیل نیازها و هم‌دردی و همکاری، محیطی آرام و تکامل‌بخش به وجود می‌آورند. آری؛ به جنس خود کند هر جنس آهنگ ندارد هیچ کس از جنس خود ننگ ۵. این آیه هدف ازدواج را آرامش بیان کرده است. آری؛ همسر خوب مایه‌ی آرامش روحی، جسمی و روانی انسان است. هر انسان بدون همسر موجودی ناقص است ولی با همراهی و همکاری و دوستی با همسر وجود خود را کامل می‌کند و تعادل روحی و روانی در او ایجاد می‌شود و احساس مسئولیت و شخصیت بیش‌تری می‌کند. شاید از همین روست که انسان‌های مجرد کم‌تر احساس مسئولیت می‌کنند و گاهی در اثر طولانی شدن دوران تجرّد به بیماری‌های روانی و عدم تعادل روحی گرفتار می‌شوند و زندگی ناآرامی پیدا می‌کنند. ۶. همسر موجب آرامش است و بهداشت روانی انسان را تأمین می‌کند. زندگی مشترک زن و شوهر آن گاه موفق است که آرامش در فضای خانه حکم‌فرما باشد؛ آرامشی که عامل رشد و تعالی همسران و فرزندان آنهاست؛ اما اگر محیط خانه فضای جنگ اعصاب باشد و زن و شوهر سوهان روح هم‌دیگر شوند، در حقیقت به هدف ازدواج دست پیدا نکرده و به بیراهه رفته‌اند. ۷. تفاوت مودّت و رحمت در چیست؟ پاسخ آن است که «مودّت» به معنای دوستی‌ای است که عامل پیوند و ارتباط زن و شوهر می‌شود، ولی رحمت نوعی ایثارگری است که کودکان در پرتو آن پرورش می‌یابند و مرد و زن کهن‌سال به یک‌دیگر خدمت می‌کنند. ۸. در این آیه به دوستی و رحمت بین زن و شوهر اشاره شده است، اما ممکن است مقصود آیه دوستی و رحمت همه‌ی انسان‌ها باشد که زن و شوهر از مصادیق بارز آنها هستند؛ یعنی دوستی و رحمت عامل پیوند و ارتباط همه‌ی افراد جامعه و خانواده است که کمبود آنها مایه‌ی اضطراب‌ها، جدایی‌ها و ناراحتی‌هاست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش و پراکندگی انسان‌ها اندیشه کنید، تا خداشناس‌تر شوید. ۲. در آفرینش همسران خود اندیشه کنید تا خدا را بهتر بشناسید. ۳. هدفِ ازدواج آرامش خانواده و تأمین بهداشت روانی همسر است (پس زن و شوهر برای رسیدن به این هدف تلاش کنند). ۴. دوستی و رحمت موهبتی الهی است که عامل پیوند شماست. ۵. خرد ورزی کنید تا نشانه‌های خدا را درک کنید. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در آفرینش جهان و تفاوت زبان ها، رنگ‌ها، خواب و معاش انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلافُ أَ لْسِنَتِكُمْ وَأَ لْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ* وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌هایتان و رنگ‌های شماست. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است.* و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است؛ و جست‌وجوی (معاش) شما از بخشش اوست؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که گوش شنوا دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آفرینش آسمان‌ها با آن عظمت و کهکشان‌ها و ستارگان و سیارات بی‌شمار نشانه‌ای از عظمت پروردگار است که هر روز با اختراع تلسکوب‌ها و وسایل جدید گوشه‌ای از عظمت آن کشف می‌شود. ۲. زمین گسترده با منابع و حیوانات و گیاهانی که در آن وجود دارند، همگی نشانه‌ای از قدرت آفرینشگری خدایند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم،

ص: ۱۴۲ ۳. در مورد تفاوت‌های زبان‌ها و رنگ‌ها دو تفسیر شده است: یکی آن که مقصود آهنگ‌های مختلف صداها و رنگ پوست و چهره‌ی انسان‌هاست که عامل شناسایی بهتر افراد است که اگر این تفاوت‌ها نبود، زندگی اجتماعی بشر بسیار دشوار و مبهم می‌گردید و دوست و دشمن شناخته نمی‌شدند و همه‌ی افراد هم‌چون افراد دوقلو شبیه یک‌دیگر می‌شدند. و یا منظور از اختلاف زبان‌ها همان تفاوت لغت‌های عربی، فارسی، انگلیسی و غیره و منظور ازتفاوت رنگ‌ها همان اختلاف نژادهاست. البتّه ممکن است آیه به همه‌ی این تفاوت‌ها اشاره داشته باشد «۱» که هرکدام نشانه‌ای از علم و حکمت و قدرت آفریدگار جهان است. ۴. خواب یکی از موهبت‌های الهی و نشانه‌های حکمت خداست و خواب انسان در نیم روز و شبانگاه عامل استراحت و تجدید قوا و شادابی مجدد انسان می‌شود. در خواب بیش‌تر دستگاه‌های بدن تعطیل یا کم‌کار می‌شود و آرامش می‌یابد و این استراحت منظم باعث می‌شود که جسم و روح انسان زود پژمرده و خسته نشود و راز سلامت و طول عمر انسان همین است. ۵. خواب زمینه‌ساز فعالیت بیش‌تر انسان برای تأمین زندگی است که همین انگیزه و نیروی تلاشگری انسان خود یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست. ۶. در پایان آیه‌ی اول نشانه‌های الهی را مخصوص دانشمندان و در پایان آیه‌ی دوم نشانه‌ها را مخصوص افرادی معرفی می‌کند که گوش شنوا دارند؛ یعنی اگر اهل دانش هستید نشانه‌ی خدا را بادقت متوجه می‌شوید و اگر اهل دانش نیستید حداقل به حقایق گفته شده گوش دهید تا خداشناس شوید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش جهان و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها بیندیشید تا خداشناس شوید. ۲. به خواب و تلاش انسان بنگرید وخداشناس شوید. ۳. برای درک نشانه‌های خدا، یا دانشمند شوید یا به سخنان (عالمانه) گوش دهید. *** قرآن کریم در آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی روم به‌نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان و رستاخیز زمین و انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۴ و ۲۵. وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَطَمَعاً وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ* وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ و از نشانه‌های او این است که برق را برای ترس و امید به شما می‌نمایاند و از آسمان آبی فرو می‌فرستد و زمین را پس از مردنش، به وسیله‌ی آن زنده می‌گرداند؛ قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خرد می‌ورزند. * و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپاست؛ سپس هنگامی که شما را با یک بار خواندن، از زمین فراخواند، ناگهان شما (از گورها) بیرون می‌آیید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه «برق» آسمان را نشانه‌ای از خدا معرفی کرد، برقی که امیدبخش و مژده‌آور نزول باران، ولی در همان حال ترسناک است چرا که گاهی صاعقه‌های خطرناک همه چیز را در مسیر خود می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۴ ۲. در این آیات به نزول باران و حیات‌بخش بودن آن اشاره شده است؛ بارانی که عامل زنده شدن خاک‌های مرده و سرسبز شدن زمین و رویش گیاهان و گل‌ها است. اگر کسی در این امور بیندیشد نشانه‌های قدرت و حکمت الهی را مشاهده می‌کند و متوجه می‌شود که برنامه‌ای حساب شده در کار است. ۳. در این آیات به نظام آسمان و زمین و گردش منظم و حساب شده‌ی آنها براساس نیروی جاذبه و دافعه اشاره شده که خود نشانه‌ای از تدبیر الهی در سامان بخشیدن به جهان است. ۴. تعبیر «بامره» در این آیه به نهایت قدرت پروردگار در نظام بخشیدن به جهان اشاره دارد که یک فرمان او برای این کار کافی است. ۵. به کار بردن واژه‌ی «قیام» برای برپایی آسمان‌ها و زمین اشاره‌ی لطیفی به تسلّط کامل بر اطراف دارد؛ یعنی همان طور که انسان در حالت ایستاده برامور خود مسلّط است و می‌تواند فعالیت‌های خود را به خوبی انجام دهد، جهان نیز برپا شده است. ۶. در این آیات به نشانه‌های متعددی از قدرت و حکمت خدا و در پایان به مسأله‌ی معاد اشاره شده است؛ یعنی همان طور که خدا می‌تواند زمین مرده را با آب باران زنده‌کند، می‌تواند انسان‌های مرده را زنده گرداند و از دل زمین خارج سازد و برای این کار یک دعوت و فراخوان او کافی است. ۷. برخی مفسران این جمله‌ی آیه را که می‌فرماید: «هنگامی که شما را از زمین فرا می‌خواند ناگهان شما خارج می‌شوید.»، نشانه‌ی روشنی برای معاد جسمانی دانسته‌اند. «۱» ۸. در شش آیه‌ی گذشته دوازده نشانه‌ی خدا بیان شد که همگی یک دوره درس خداشناسی است و در این آیات

بیان شده که متفکران، عالمان، شنوایان و عاقلان این نشانه‌ها را درک می‌کنند و از آنها بهره می‌برند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد (رعد و) برق و نزول باران و زنده شدن زمین تعقّل کنید تا نشانه‌های خدا را دریابید. ۲. ترس و امیدِ برق هر دو نشانه‌ی (قدرت و حکمت) خداست. ۳. به نظام بی‌کران آسمانی توجه کنید تا نشانه‌های قدرت خدا را دریابید. ۴. از خداشناسی به معادشناسی برسید. *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی روم، صفات خدا و امکان معاد را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ* وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ المَثَلُ الأَعْلَى فِي السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط از آن اوست؛ [و] همه برای او [فروتن و] فرمان‌پذیرند.* و او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می‌گرداند؛ و آن بر او آسان‌تر است؛ و مثال والاتر در آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به توحید در مالکیت اشاره شده است؛ یعنی مالکیت حقیقی و تکوینی جهان فقط از آن خداست و دیگران همه تسلیم او و قوانین تکوینی نظام آفرینش در جهان هستند. ۲. هیچ شریکی برای مالکیت خدا در جهان وجود ندارد؛ نه معبودهای پنداری مالک چیزی هستند و نه مالکیت اعتباری افراد مانع مالکیت حقیقی و تکوینی خداست. ۳. «قانِتُون» به معنای اطاعت همراه با فروتنی است. البتّه گاهی اطاعت و فروتنی تکوینی و وجودی است و گاهی تشریعی و قانونی، که در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۶ این جا قسم اول مراد است. ۴. در این آیات مسأله‌ی امکان معاد اثبات شده است؛ یعنی می‌فرماید: خدایی که جهان را آفرید، اعاده و بازگرداندن آن برایش آسان‌تر است؛ چراکه در آغاز اصلًا چیزی نبود تا خدا آن را ابداع کند، ولی در اعاده مواد اصلی موجود است، ولی پراکنده شده، که جمع‌آوری می‌گردد. ۵. آسان و سخت بودن امور، نسبی و برای ماست، و گرنه در برابر قدرت بی‌انتهای الهی، چیز سختی وجود ندارد. ۶. هر وصف و مثال و کمالی که در جهان وجود دارد و محدود است، به صورت نامحدود وکامل‌تر در نزد خدا وجود دارد؛ بنابراین، منبع اصلی و عالی علم و قدرت افراد، نزد خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا مالک حقیقی جهان است. ۲. خدا دارای عالی‌ترین صفات است. ۳. معاد برای خالق هستی ممکن و سهل است؛ چرا که اعاده‌ی کار، از اصل آن آسان‌تر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی روم با مثالی جالب برای مالکیت مطلق، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۲۸. ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (خدا) مَثَلی از خودتان، برای شما زد: آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم، از آنچه (از بردگان) که شما مالک شده‌اید، هیچ شریکی برای شما وجود دارد که شما در آن (روزی) یکسان باشید؛ [و] همان‌طور که شما از خودتان ترس دارید از آنان ترس داشته باشید؟! این‌گونه آیات را برای گروهی که خردورزی می‌کنند شرح می‌دهیم. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه مثالی از جهان برده‌داری بیان شده تا مالکیت حقیقی و مجازی و نفی شرک را روشن سازد. هنگامی که انسان‌ها در مورد بردگان خود که ملک مجازی و اعتباری آنان هستند، شریک بودنشان در اموال را نمی‌پذیرند، چگونه در مورد خدا که مالک حقیقی و تکوینی همه‌ی جهانیان است، شریک قایل می‌شوند و برخی از مخلوقات او، همچون مسیح و فرشتگان را معبود و شریک خدا می‌دانند! در حالی که ذات و وجود این مخلوقات متعلّق به خداست و هرگز از بندگی او خارج نمی‌شوند. ۲. برخی مفسران این آیه را ناظر به سخنان شرک‌آمیز مشرکان در هنگام گفتن «لَبیک» حج می‌دانند که شریکانی مملوک برای خدا قایل می‌شدند. «۱» البتّه مانعی ندارد که این آیه ناظر به این عادت غلط هم باشد، ولی این مطلب مفهوم آیه را محدود نمی‌سازد. «۲» ۳. قرآن در این آیه با ذکر مثالی از زندگی برده‌داری عرب‌های جاهلیت، برای نفی عقاید آنان، همچون شرک، استدلال کرده است. البتّه این مثال به معنای ترویج برده‌داری نیست و منافاتی با آن ندارد که اسلام با برده داری با برنامه‌ای منظم مبارزه کرد، به طوری که پس از مدّتی برده‌داری از جوامع اسلامی ریشه‌کن شد. ۴. جمله‌ی «آنچه به شما روزی دادیم.» به این مطلب اشاره دارد که شما حتی مالک حقیقی غذا و اموال خودتان

نیستید و آنها نیز از آنِ خدایند، ولی با این حال حاضر نیستید در اموال مجازی خود، بردگان را شریک سازید؛ پس چگونه برای خدا شریک قایل می‌شوید! تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۸ ۵. در مورد جمله‌ی اخیر آیه دو تفسیر شده است: الف) شما خود را در اموال شریک و مساوی با بردگان نمی‌دانید، به طوری که از تصرّفات آنان بیم داشته باشید، همان طور که از تصرفات افراد آزاد بیم دارید. ب) این معبودان قدرتی ندارند که شما از آنها بترسید به اندازه ترسی که از هم‌دیگر دارید، تا چه رسد که بیش‌تر بترسید. «۱» البتّه تفسیر اول با ظاهر آیه و پرسش بودن مطلب سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مثال‌های ملموس مطالب عقیدتی را برای مردم تشریح کنید تا در آنها اندیشه کنند. ۲. همگان مملوک خدایند و هرچه دارند از خداست پس نمی‌توانند شریک خدا باشند. ۳. اهل خرد بیش‌تر می‌توانند از آیات الهی استفاده کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی روم به هواپرستی ناآگاهانه‌ی ستمکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. بَلِ ا تَّبَعَ الَّذِینَ ظَلَمُوا أهْوَاءَهُمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ فَمَنْ یَهْدِی مَنْ أضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِینَ بلکه کسانی که ستم کردند، بدون هیچ دانشی از هوس‌هایشان پیروی کردند؛ و کسی را که خدا گمراه کرده است، چه کسی هدایت می‌کند؟! و هیچ یاوری برایشان نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از مشرکان با عنوان «ستمکاران» یاد شده است؛ زیرا شرک بزرگ‌ترین ستم به خویشتن و جامعه‌ی انسانی است؛ انسان از طرفی سرمایه‌های وجودی خود را در راه خرافات مصرف می‌کند و و از طرفی دیگر موجب تفرقه، انحراف و فساد مردم می‌گردد و آنان را از راه توحید باز می‌دارد. ۲. در این آیه به صورت لطیفی اشاره شده که اگر خدا این افراد را گمراه ساخته به خاطر ستمکاری خود آنان بوده است، «۱» و گرنه اگر کسی راه صحیح در پیش گیرد خدا او را یاری و هدایت می‌کند. ۳. چنانچه خدا گروهی را در گمراهی رها سازد و آنان را یاری نکند، هیچ یاور دیگری نیز نخواهند داشت؛ چون همه‌ی یاری‌ها به دست خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان افرادی ستمکار، هواپرست، ناآگاه و گمراه‌اند. ۲. ستمکاری و هواپرستی عامل گمراهی و بی‌یاوری است. ۳. از هواپرستی و جهل دوری گزینید که زمینه‌ساز ستمکاری و گمراهی است. ***

فطرت چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی سی ام سوره‌ی روم به فطری بودن دین و ناآگاهی اکثریت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ پس روی (وجود) خود را به دین، حق‌گرایانه، راست دار؛ (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست؛ این دین استوار است، و لیکن بیش‌تر مردم نمی‌دانند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دین و توحید فطری اشاره شده است؛ یعنی خدا توحید خالص و دین حق‌گرا را در سرشت همه‌ی انسان‌ها قرار داده است؛ سرشتی که تغییر درآن رخ نخواهد داد. ۲. «فِطرت» در اصل به معنای شکافتن از طول و در این جا به معنای خلقت است، یعنی گویی در هنگام آفرینش پرده‌ی عدم شکافته می‌شود و موجودات آشکار می‌شوند و آفرینش و سرشت انسان همان فطرت اوست که بر اساس توحید سرشته شده است و نور الهی در وجود همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. ۳. «وَجْه» به معنای صورت و در این جا به معنای صورت باطنی و روی دل است؛ یعنی انسان باید با تمام وجود متوجه خدا شود. تعبیر به صورت به خاطر آن است که این عضو سنبل توجه انسان است. ۴. «حَنیف» به معنای تمایل از باطل به سوی حق است؛ یعنی دین اسلام «۱» همان دین حق گراست که از کژی و انحراف به دور است و در فطرت همه‌ی انسان‌ها قرار داده شده است. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که اولًا، دین درتمام ابعاد آن در وجود و سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است و خلقت و تکوین انسان با تشریع و دین ظاهری هماهنگ است. ثانیاً، دین به صورت خالص و به دور از کژی‌ها، در درون ذات انسان وجود دارد و آلودگی‌ها عارضی است که باید زدوده شود. ثالثاً، این دین فطری تغییرپذیر نیست و یک سنّت الهی است. ۶. دلایل و شواهد فطری بودن دین چند چیز است: الف)

اعتقادات مـذهبی در همه‌ی افراد در طول تاریخ کم و بیش وجود داشـته و اسـتمرار یافته است. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۱ ب) تمـام تلاش‌هـای رژیم‌هـای ضـد دین برای نـابودی دین بـا شـکست مواجه شـده و در نهایت، دین فطری به صورت مخفی سال‌ها باقی مانـده است. ج) براساس کاوش‌های روان کاوان، حسّ مذهبی و بعد دینی و قدسـی انسان در کنار حسّ نیکی‌خواهی و زیبادوستی او وجود دارد و یک حقیقت انکارناپذیر است. د) در هنگام سختی‌ها، وقتی پرده‌های غفلت کنار می‌رود، انسان به طرف مبدأ هستی و دین فطری می‌رود و خدا را خالصانه می‌خواند. بلبل از فیض گل آموخت سـخن، ور نه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقـارش (حافـظ) ه) عشق‌هـای سوزان الهی که دروجود عارفـان و شـهیدان است، جز از طریق اصـالت حسّ مـذهبی قابل توجیه نیست. نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار چه کنم حرف دگر یاد نداد اسـتادم (حافظ) ۷. در احادیث اهل بیت علیهم السلام «دین فطری» بـه توحیـد، اسـلام، معرفت (الهی) و ولاـیت تفسیر شـده است. «۱» البتّه این‌گـونه احـادیث مصـادیق و اجزای دیـن فطری را برمی‌شـمارد و دین الهی که در سرشت آدمی است شامـل ابعـاد مختلـف دین اسلام هم‌چـون توحیـد، رهـبری الهی و معرفت خـدا می‌شود. ۸. خطاب این آیه به پیامبر صـلی الله علیه و آله است اما در حقیقت مخاطب آیه همه‌ی مؤمنان هسـتند و همه بایـد روی دل به سوی دین فطری و توحیـد خالص بگرداننـد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۲ ۹. در این آیه به ناآگـاهی مردم از حقایق فطری خویش اشاره شـده است. از امام علی علیه السـلام نیز در نهج‌البلاغه حکایت شده که پیامبران را خدا فرسـتاد تا وفای به میثاق فطری را از انسان‌ها بخواهنـد و مسائل فراموش شده را به یاد آنان آورند. «۱» ۱۰. فطرت نورانی را آلوده نسازیم: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماینـد: فطرت همه بر نورانیت است. فطرت شـما فطرت نورانی است، فطرت توحیـد است، به دست خود ما این فطرت به جهالت‌هـا، به ظلمات کشیده می‌شود و ما بایـد خودمان را مواظبت کنیم ... «۲» آیینه‌ی دل را از شـرک و نفاق و دورویی پاک کن و مگـذار زنگار شـرک و کفر او را طوری بگیرد که به آتش‌های آن عالم پاک نگردد. نگذار نور فطرت، مبدّل به ظلمت کفر شود. نگـذار «فطرت اللّه التی فطر الناس علیها» «۳» ضـایع گردد. این‌قـدر خیانت مکن بر این امانت الهی. پاک کن آیینه‌ی قلب را، تـا نور جمـال حق در او جلوه کنـد و تو را از عـالم و هر چه در او است، بی‌نیاز کنـد و آتش محبت الهی در قلب افروخته شـده، تمـام محبت‌هـا را بسوزانـد که همه‌ی عـالم را به یـک لحظه‌ی آن نـدهی و چنـان لـذّتی ببری از یاد خـدا و ذکر آن که تمام لـذّات حیوانی را بـازیچه بـدانی. «۴» تفسیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۱۵۳ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. دل بـه دین حق‌گرا و فطری اسـلام بسپارید. ۲. فطرت توحیـدی انسان‌ها تغییر نمی‌کند. ۳. اکثر مردم نسبت به حقیقت فطرت خویش نا آگاه‌اند (شما این‌گونه نباشید). *** قرآن کریم در آیـات سی و یکم و سی و دوم سوره‌ی روم چهـار برنـامه‌ی کـاربردی به مسـلمانان می‌آموزد و نسبت به آثار شرک هشـدار می‌دهد و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. مُنِیبِینَ إِلَیْهِ وَا تَّقُوهُ وَأَقِیمُوا الصَّلاـةَ وَلاـ تَکُونُوا مِنَ الْمُشْـرِکِینَ* مِنَ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَکَانُوا شِیَعاً کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ در حالی که به سوی او بازگشت می‌کنید؛ و خود را از [عذاب او نگه دارید و نماز را برپا داریـد و از مشـرکان نباشـید؛* از (همـان) کسـانی کـه دینشـان را پراکنـده ساختنـد و گروه گروه گردیدنـد؛ هر حزبی بـه آنچه نزد آنهاست شادمان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه همه‌ی دستورات به صورت جمع آمده است، در حالی که آیه‌ی قبل خطاب به پیامبر صـلی الله علیه و آله بود و این نشان می‌دهد که در آیه‌ی قبل نیز مخاطب حقیقی همه‌ی مسـلمانان هستند. ۲. در این آیه چهار برنامه‌ی کاربردی و عملی برای مسلمانان بیان شـده است که عبارت‌انـداز: الف) بازگشت مکرر به سوی خـدا: یعنی هرزمان عاملی انسان را از توحید منحرف ساخت، باید به سوی خدا بازگردد و آن‌قدر این کار را تکرار کند که پایه‌های فطرت توحیدی در وجود او محکم و موانع برطرف گردد. «۱» ب) تقوای الهی و حفظ خود از عذاب الهی. ج) برپا داشـتن نماز که مهم‌ترین راه ارتباط انسان با خداست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۴ د) دوری از مشـرکان، چرا که شرک بزرگ‌ترین گناه است. ۳. در این آیات اشاره شـده که یکی از آثار شـرک، پراکندگی و تفرقه است. آری؛ معبودهای مختلف منشأ روش‌ها و آیین‌های متفاوت هسـتند که سرچشـمه‌ی جـدایی‌ها می‌گردنـد؛ چرا که شـرک همراه بـا هوا پرستی، تعصب و خود خواهی است در حالی که وحـدت در سایه‌ی

خدا پرستی، توحید و تواضع و ایثار پدید می‌آید. ۴. چرا هر گروه از مشرکان از راهی که انتخاب کرده‌اند خوشحال‌اند؟ پاسخ آن است که نفس سرکش و هوس‌آلود و نیز شیطان، حقایق را از انسان می‌پوشانند و کارهای زشت را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهند و این آراستگی منشأ دلبستگی و خوشحالی منحرفان و مشرکان می‌شود. این در حالی است که مؤمنان واقعی به حقیقت دل می‌بندند و به خاطر رحمت خدا و آنچه نزد خدا و موجب خشنودی اوست خوشحال می‌شوند، «۱» نه به خاطر منافع حزبی و گروهی. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توبه، تقوا، نماز و دوری از مشرکان را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهید. ۲. تفرقه‌ی مذهبی، گروه‌گرایی و حزب‌محوری از نشانه‌های مشرکان است. *** قرآن کریم در آیات سی و سوم و سی و چهارم سوره‌ی روم به واکنش‌های متضاد انسان در شرایط سختی و راحتی اشاره می‌کند و با هشدار به مشرکان می‌فرماید: ۳۳ و ۳۴. وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ* لِيَكْفُرُوا بِمَا آ تَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۵ و هنگامی که زیانی (و رنجی) به مردم برسد، پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که به سوی او بازمی‌گردند، سپس هنگامی که رحمتی از خود به آنان بچشاند، به ناگاه، دسته‌ای از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند؛* تا آنچه را به آنان داده‌ایم، ناسپاسی کنند؛ پس (چند روزی از دنیا) بهره گیرید، و [لی در آینده خواهید دانست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات این آیه اشاره به آن است «۱» که انسان بسیار کم ظرفیت است و هرگاه زیان مختصری به او برسد به سراغ خدا می‌رود و پرده‌های غفلت از فطرت او کنار می‌رود و نور توحید هویدا می‌شود و چنانچه مختصر رحمت و نعمتی به او برسد، ناسپاسی وسرکشی می‌کند و شرک می‌ورزد. ۲. در مورد بازگشت به فطرت توحیدی از همه‌ی مردم یاد می‌کند، اما در مورد مشرک شدن افراد به گروه خاصی اشاره می‌کند؛ یعنی همه‌ی مردم غافل، ناسپاس و مشرک نمی‌شوند. ۳. در این آیه رحمت را به خدا نسبت داده اما زیان و ضرر را به او نسبت نداده است؛ چرا که بسیاری از مشکلات نتیجه‌ی اعمال خود ماست. ۴. واژه‌ی «رَبُّهم» دراین آیه دوبار تکرار شده است. این تعبیر لطف‌آمیز است و اشاره به آن دارد که مردم ربوبیّت و تدبیر الهی را بر وجود خویش احساس، ولی باز هم ناسپاسی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌ها، کم ظرفیت هستند و در هنگام نعمت اندک و مشکلات تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۶ مختصر، ناگهان موضع خود را عوض می‌کنند (شما این‌گونه نباشید). ۲. اگر در اثر مشکلات پرده‌های غفلت کنار برود، انسان به سوی فطرت توحیدی خویش بازمی‌گردد. ۳. (ناسپاس مباشید که) فرجامی (بد) درانتظار مشرکان ناسپاس است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی روم به بی‌دلیل بودن شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَاناً فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ بلکه آیا دلیلی برآنان فرو فرستادیم و آن (دلیل)، از آنچه به وسیله‌ی آن شرک می‌ورزیدند، سخن می‌گوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که هر اعتقادی، حتی شرک، باید دلیل داشته باشد. این دلیل می‌تواند فطری، عقلی و یا نقلی باشد. اما در آیات قبل بیان شد که فطرت انسان توحیدگراست و دلایل عقلی نیز توحید را تأیید می‌کند و در این آیه بیان شده که راه نقل هم بسته است و خدا دلیلی برای اثبات شرک فرو نفرستاده است، پس شرک و بت‌پرستی هیچ دلیلی ندارد. ۲. «سُلطان» به معنای چیزی است که مایه‌ی سلطه و پیروزی می‌گردد؛ از این رو به دلیل محکم و قانع کننده نیز سلطان می‌گویند. ۳. اشاره به سخن گفتنِ دلیل، نوعی تعبیر مجازی است که درهنگام روشن بودن دلیل می‌گوییم: گویا این دلیل با انسان حرف می‌زند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۷ ۴. این آیه نوعی استفهام انکاری است که با سرزنش و توبیخ همراه است؛ «۱» یعنی به مشرکان می‌گوید: آیا به دنبال راهی می‌روید که خدا دلیلی بر آن نفرستاده است (و دلیل عقلی و فطری هم ندارد؟). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک دلیل نقلی و الهی ندارد. ۲. در اصول عقاید به دنبال دلیل باشید. ۳. دلایل اعتقادات، روشن و مطابق ادعا باشد، به طوری که گویا سخن می‌گوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی روم به انسان‌های کم ظرفیت و واکنش‌های آنان در برابر نعمت‌ها و مشکلات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، بدان شادمان می‌شوند و اگر به خاطر دستاورد

پیشینشان بدی به آنان برسد، ناگهان آنان ناامید می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌های کم ظرفیت در هنگام مشکلات و نعمت‌ها واکنش‌های متفاوتی دارند، در حالی که انسان‌های مؤمن و متعادل به هنگام نعمت مغرور نمی‌شوند و به هنگام مشکلات ناامید نمی‌گردند و با شکر و صبر رو به درگاه الهی می‌آورند. ۲. برخی از مشکلات و حوادث بدی که به انسان می‌رسد در اثر اعمال و گناهان اوست. خدا بدین وسیله به انسان هشدار می‌دهد تا بیدار شود و دست از اعمال زشت خود بردارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۸ ۳. شادمانی در هنگام نعمت اگر باشکر همراه باشد خوب است، اما اگر مغرورانه باشد و موجب غفلت و بی‌خبری گردد، ناپسند است. در آیه‌ی فوق مقصود قسم دوم است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم ظرفیت نباشید و در هنگام رحمت یا مشکلات تغییر حالت ندهید. ۲. (برخی) مشکلاتی که به انسان می‌رسد، در اثر اعمال اوست. ۳. نه شادی مغرورانه خوب است و نه نا امیدی. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در کم و زیاد شدن رزق افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. أوَ لَمْ یَرَوْا أنَّ اللَّهَ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ وَیَقْدِرُ إنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد (و شایسته بداند)، گسترده می‌سازد و تنگ می‌گرداند؟! قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عواملی که موجب غرور یا غفلت انسان‌ها می‌شود، مسأله‌ی رزق است؛ زیاد شدن روزی، انسان‌های کم ظرفیت را گرفتار شادی مغرورانه می‌سازد و کم شدن روزی آنان را ناامید می‌گرداند. اما اگر انسان بداند که همه‌ی این امور به دست خداست و او براساس مصلحت و حکمت اقدام می‌کند، دیگر جای نگرانی و نا امیدی یا غرور و غفلت باقی نمی‌ماند و چنین انسانی در هر حال سپاس‌گزار خداست. ۲. مقصود از این که گسترش و کمبود رزق به دست خداست، آن نیست که این امور بدون حساب است، بلکه خدا براساس مصلحت انسان‌ها و میزان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۵۹ تلاش آنها روزی‌شان را کم و زیاد می‌کند و کارهای خدا حکمت‌آمیز و عالمانه است. «۱» ۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: خدای سبحان را از آن جا شناختم که (گاه) تصمیم‌های محکم فسخ می‌شود و گره‌ها گشوده می‌شود و اراده‌های قوی شکسته می‌شود. «۲» یعنی گاهی خدا برای نشان دادن قدرت خویش و برای بیدار ساختن و امتحان مردم، صحنه‌هایی به وجود می‌آورد که گره از کارهای مشکل باز می‌شود و گاه صحنه‌ای به وجود می‌آورد که اراده و تصمیم محکم افراد به نتیجه نمی‌رسد، تا بدانند که همه‌ی کارها به دست آنان نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم و زیاد شدن رزق شما به دست خداست. ۲. در کم و زیاد شدن رزق نشانه‌های خدا را ببینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی روم در مورد حقوق خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان سفارش می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. فَآتِ ذَا الْقُرْبَی حَقَّهُ وَالمِسْکِینَ وَا بْنَ السَّبِیلِ ذَلِکَ خَیْرٌ لِلَّذِینَ یُرِیدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَاوْلَئِکَ هُمُ المُفْلِحُونَ پس حقِّ نزدیکان و بینوا و در راه مانده را به او بده؛ آن برای کسانی که (خشنودی) ذات خدا را می خواهند بهتراست؛ و تنها آنان رستگاران‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه در مورد حقوق مالی خویشاوندان و بینوایان و در راه ماندگان به پیامبر صلی الله علیه و آله سفارش شده است. روی سخن این آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است اما معنای آیه وسیع است و در حقیقت دستوری به همه‌ی مردم است. «۱» گرت زدست برآید، چو نخل باش کریم ورت زدست نیاید، چو سرو باش آزاد نداشت چشم بصیرت که گِرد کرد و نخورد ببرد گوی سعادت که صرف کرد و بداد (سعدی) ۲. تعبیر «حق» در این آیه اشاره به آن است که این سه گروه در اموال شما شریک‌اند و حق دارند؛ پس اگر چیزی به آنان دادید حق آنان را می‌پردازید و منّتی بر آنان ندارید. ۳. در این آیه به سه گروه خویشاوندان، بینوایان و در راه ماندگان اشاره شده است؛ زیرا حق آنان یا نیاز آنان شدیدتر است. و یا این که این افراد حتی اگر مشمول زکات هم نباشند، کمک به آنان لازم است زیرا هزینه‌ی برخی خویشاوندان بر انسان واجب است و اگر به بینوایان و در راه ماندگان کمک نشود ممکن است جانشان به خطر بیفتد. «۲» ۴. مقصود از «وَجه اللَّه» ذات پاک خداست نه صورت خدا؛ زیرا خدا جسم نیست تا صورت داشته باشد. در حقیقت این تعبیر اشاره به شرط کمال عمل است که همان نیت خالص و انفاق برای خداست. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۱ ۵. در حدیثی از

ابوسعید خِدری صحابه‌ی مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: هنگامی که این آیه فرود آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید و تسلیم او کرد. «۱» و همین مضمون از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز روایت شده است. «۲» و حضرت زهرا علیها السلام نیز در گفت‌وگو با ابوبکر در مورد فدک به همین مطلب اشاره کرده است. «۳» البتّه معنای آیه وسیع است و شامل همه‌ی خویشاوندان می‌شود، ولی داستان فدک و فاطمه علیها السلام مصداق کامل آن است. یعنی این آیه در مکه نازل شده و دستور آن شامل همه‌ی مؤمنان و خویشاوندان در هرمکان و زمان می‌شود، اما در مدینه، بعد از نزول مجدد آیه «۴» یا به خاطر اصل نزول آیه، «۵» فدک به فاطمه علیها السلام بخشیده شد. «۶» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خویشان، بینوایان و در راه ماندگان، در اموال شما حقوقی دارند که باید بپردازید. ۲. در انفاق قصد خالص کنید که برای (کمال) شما بهتراست. ۳. انفاق با قصد خالص عامل رستگاری است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۲

قوانین الهی

قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی روم با نکوهش ربا خواری، به افزایش بخشش‌های خالص اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَمَا آ تَيْتُمْ مِنْ رِباً لِيَرْبُوَا فِی أمْوَالِ النَّاسِ فَلا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آ تَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَاوْلَئِكَ هُمُ المُضْعِفُونَ و آنچه از ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی‌یابد؛ و آنچه از [مالیات زکات می‌پردازید، در حالی که (خشنودی) ذات خدا را می‌خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگان‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد این آیه دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود همان ربای حرام است که با بخشش‌های خالصانه مقایسه شده است. این آیه از نخستین آیاتی است که در مکه در مورد ربا نازل شده و فقط آن را نکوهش می‌کند. سپس در سوره‌های مدنی (هم‌چون بقره، آل عمران و نساء) تحریم شده است. ب) آیه اشاره به هدایایی دارد که افراد برای دیگران می‌فرستند و انتظار پاداش بیش‌تری دارند، که این هدایا فاقد ارزش اخلاقی و معنوی است ولی حرام نیست؛ چون شرط بازگشت بیش‌تر در آن نبوده است. «۱» طبق تفسیر دوم روایاتی از اهل‌بیت علیهم السلام رسیده است، «۲» ولی مانعی ندارد که هر دو تفسیر مورد نظر آیه باشد. ۲. مقصود از زکات در این آیه همان بخشش و یا زکات مستحبی است؛ آیه‌ی فوق مکی است و در محیط مکه هنوز حکم وجوب زکات نیامده بود. ۳. پاداش بخشش‌ها و زکات‌های مستحبی دو برابر یا چندین برابر است تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۳ که طبق آیات به ده برابر تا هفتصد برابر می‌رسد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رباخواری، برکت الهی ندارد. ۲. به بخشش و زکات مستحبی با نیت خالص روی آورید که عامل برکت است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی روم با اشاره به وابستگی آفرینش، زندگی و مرگ انسان به خدا، به نفی شرک می‌پردازد و می‌فرماید: ۴۰. اللَّهُ الَّذِی خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا يُشْرِكُونَ خدا کسی است که شما را آفرید، سپس شما را روزی داد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند؛ آیا از شریکان شما (که برای خدا همتا قرار داده‌اید) کسی هست که از این (کارها) چیزی را انجام دهد؟! او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه چهار کار اساسی خدا در رابطه با بشر بیان شده است: آفرینش، روزی رسانی، میراندن و زنده ساختن مجدد انسان، که همه‌ی این‌ها دلیلی برتوحید و نفی شرک است؛ زیرا غیر از خدا کسی این کارها را انجام نداده است و شریکی در این موارد برای او نیست. «۲» ۲. اگر این امور چهارگانه به دست خداست، پس پرستش نیز مخصوص اوست حال آن که برخی افراد مقام پروردگار را در حدّ بت‌ها پایین آورده‌اند و خدا از این امور منزّه است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را از کارهای او بشناسید. ۲. به ناتوانی معبودان غیر از خدا بنگرید و شرک نورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی روم به رابطه‌ی گناه با تباهی جهان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۱. ظَهَرَ الفَسَادُ فِی البَرِّ وَالبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أيْدِی النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ به خاطر دستاورد مردم،

تباهی در خشکی و دریا آشکارشد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشاند؛ باشد که آنان بازگردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک قانون است که به صورت قضیه‌ی حقیقیه بیان شده است و مخصوص زمان و مکان خاصی نیست. این قانون به ما می‌گوید که هرجا فسادی پیدا شود بازتاب اعمال مردم است. ۲. برخی مفسران برآنانـد کـه آیـه ناظر به قحطی و خشک‌سالی است که به خاطر نفرین مردم دامان مشرکان مکه را گرفت. ولی اگر این مطلب را از نظر تاریخی بپذیریم، بازهم معنای آیه محدود به آن عصر نمی‌شود، بلکه خشک‌سالی آن عصر یکی از مصادیق آیه است. «۱» ۳. مقصود از «فساد» در این آیه هرگونه مفاسد اجتماعی، بلاها و ممنوعیت نعمت‌ها و برکت‌هاست که در اثر خلافکاری و گناه افراد به وجود می‌آید. ۴. هر کار خلاف و قانون‌شکنی که توسط افراد جامعه صورت می‌گیرد در سازمان اجتماع تأثیر می‌گذارد و همچون غذای مسموم، پیکر اجتماع را بیمار می‌سازد و آثار سوء آن دامان انسان را می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۵ برای مثال: دورغ‌گویی عامل سلب اعتماد عمومی است؛ خیانت در امانت، روابط اجتماعی را سست می‌کند؛ سوء استفاده از آزادی به دیکتاتوری می‌انجامد و استبداد، ظلم، تبعیض و محرومیت جامعه را به انفجار می‌کشاند. ۵. در احادیث اسلامی برخی آثار پنهان گناهان نیز بیان شده است که این آثار برای ما ناشناخته است: برای مثال، بیان شده که «قطع رَحم» و ترک رفت و آمد با خویشاوندان، عمر انسان را کوتاه می‌کند و شیوع عمل زشت (زنا) عامل نابودی انسان می‌شود و روزی را کم می‌کند. «۱» و حتی در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که آنها که به وسیله‌ی گناه می‌میرند، بیش از کسانی هستند که با مرگ طبیعی از دنیا می‌روند. «۲» ۶. در این آیه به یکی از آثار تربیتی بلاها و آفت‌ها اشاره شده است که همان بیداری انسان از خواب غفلت و بازگشت به سوی خداست. ۷. مقصود از خشکی و دریا در این آیه هرگونه خشکی و دریایی است که بر اثر اعمال ناشایست انسان‌ها آلوده و تباه می‌شود؛ یعنی ممکن است تمام جهان در اثر خلافکاری انسان‌ها آلوده و فاسد شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه و خلافکاری انسان عامل تباهی جهان است. ۲. خلافکاری نکنید که آثار زیانبار گناه دامان خود شما را می‌گیرد. ۳. مشکلات جهان زمینه‌ساز بیداری و بازگشت انسان‌هاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی روم مردم را به جهانگردی هدف‌دار فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۲. قُلْ سِيرُوا فِي الأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ بگو: «در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام کسانی که پیش از [شما] بودند چگونه بوده است! بیش‌تر آنان مشرک بودند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را به گردشگری هدفمند فرا می‌خواند «۱» تا اسرار آفرینش و سرگذشت پیشینیان را مطالعه کنند و عبرت بیاموزند. ۲. گردشگری معمولاً گاهی بدون هدف است و گاهی با هدف گسترش دامنه‌ی استعمار و استثمار و انتقال فرهنگ‌های ناسالم صورت می‌گیرد. ولی جهان گردی در اسلام هدفی انسانی و صحیح دارد؛ یعنی مطالعه در اسرار جهان و سرگذشت ستمکاران و عبرت‌آموزی از آنها و گسترش فرهنگ سالم. ۳. اگر انسان به گردشگری در زمین بپردازد و قصرهای ویران شده و استخوان‌های پوسیده‌ی جباران را بنگرد و سرانجام کافران، ستمکاران و مشرکان را ببیند، می‌آموزد که راه سرکشان تاریخ را دوباره تجربه نکند و خود را به دامن عذاب و هلاکت نیفکند. ۴. اکثر پیشینیان مشرک بودند ولی با این حال هلاک شدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۷ این هشداری است به مشرکان در گذشته و حال که پایان کار خویش را بنگرند و دست از سرکشی بردارند و نیز نوعی دل‌داری به مسلمانان است که از انبوه مشرکان نهراسند که درگذشته نیز (همچون زمان ما) اکثریت مردم جهان مشرک بوده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهانگردی هدف‌دار کنید. ۲. در گردشگری خود به فرجام گذشتگان توجه کنید و عبرت بگیرید. ۳. اکثریت جامعه‌ی بشری مشرک‌اند. *** قرآن کریم در آیات چهل و سوم تا چهل و پنجم سوره‌ی روم با دعوت به دین استوار به واکنش کافران و مؤمنان در برابر آن و فرجام آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۳– ۴۵. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ* مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحاً فَلأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ* لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ پس روی (وجود) خود را به سوی دینِ

استوار راست دار؛ پیش از آن‌که روزی فرا رسد که از [جانب خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست؛ در آن روز (مردم) متفرّق می‌شوند.* هر کس کفر ورزد، کفرش بر [زیان اوست؛ و کسانی که [کار] شایسته انجام دهند، پس به [سود] خودشان (فرجام نیکی) آماده می‌سازند.* تا (خدا) کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از بخشش خود پاداش دهد؛ [چرا] که او کافران را دوست نمی‌دارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند خطاب این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت روی سخن آیه با همه‌ی مسلمانان است که باید رو به سوی دین استوار کنند. ۲. مقصود از «دین قَیِّم» همان دین استوار اسلام است که برپادارنده‌ی نظام زندگی مادی و معنوی انسان است؛ از این رو لازم است که روی وجود خود را به سوی این دین استوار کنیم و منحرف نشویم. ۳. در این آیات به پراکندگی انسان‌ها در رستاخیز اشاره شده که نمادی از پراکندگی آنان در دنیاست؛ یعنی همان گونه که انسان‌ها در این دنیا به دو گروه کافر و مؤمن و در نتیجه در آن جا به دو گروه بهشتی و دوزخی تقسیم می‌گردند. ۴. در این آیات بیان شده که هرکس کفر ورزد، زیانش به خودش می‌رسد و هر کس ایمان آورد و کار شایسته انجام دهد، خودش سود می‌کند؛ یعنی کفر و ایمان و اعمال زشت و زیبای شما بر خدا اثری ندارد بلکه به خودتان باز می‌گردد و در اثر آن شاد یا غمگین می‌شوید. ۵. در این آیات بیان شده که در رستاخیز هیچ بازگشتی نیست. آری؛ عالم هستی مراحلی دارد که پس از عبور از یک مرحله بازگشت به مرحله‌ی قبل ممکن نیست؛ برای مثال بازگشت انسان به مرحله‌ی طفولیت یا جنینی و یا از آخرت به دنیا ممکن نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دینی روی آورید که استوار باشد. ۲. قبل از رسیدن رستاخیز، تکلیف آیین خود را روشن سازید. ۳. «هر چه کنی به خودکنی.» ۴. هدف خدا، پاداش دادن به مؤمنان شایسته‌کردار است، نه کافران. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۶۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی روم به نشانه‌های خدا در وزش بادها و فواید آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۶. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و از نشانه‌های او این است که بادها را مژده‌رسان می‌فرستد، تا شما را از (باران) رحمتش بچشاند و تا کشتی‌ها به فرمانش روان شوند و تا از بخشش او (روزی) بجویید و باشد که شما سپاس‌گزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه فرستادن بادها مایه‌ی رحمت و بشارت معرفی شده است. بادها مژده‌رسان آمدن ابر و باران هستند و امید را در دل‌ها زنده و زمین‌های خشک را سیراب می‌کنند. بادها رحمت الهی هستند و گرما و سرما را تعدیل و هوا را تصفیه و تازه می‌کنند و از تأثیر حرارات شدید آفتاب می‌کاهند. بادها وسیله‌ی آمیزش گیاهان هستند و کشتی‌ها را به حرکت درمی آورند و مسافران و بارها را جابه‌جا می‌کنند. ۲. بادها وسیله‌ای برای روزی مردم هستند؛ زیرا با جابه‌جا کردن ابرها عامل رشد کشاورزی و با جابه‌جا کردن کشتی‌ها عامل رشد تجارت می‌شوند و در نتیجه، کار و تلاش زیادتر و روزی مردم بیش‌تر می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در گردش بادها و آثار آن، خداشناس شوید. ۲. به نعمت باد و فواید آن توجه و سپاس‌گزاری نمایید. ۳. بادها عامل حرکت و برکت هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۰ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی روم به قانون الهی در مورد یاری مؤمنان و مجازات خلافکاران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ و به یقین، پیش از تو فرستادگانی را به سوی قومشان فرستادیم و با دلیل‌های روشن به سراغ آنان آمدند و از کسانی که خلافکاری کردند انتقام گرفتیم؛ و یاری مؤمنان، حقّی بر عهده‌ی ماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از مبدأ آفرینش بود و در آیات بعد سخن از معاد و در این آیه سخن از نبوّت است و بدین صورت سه اصل اساسی عقاید اسلامی تکمیل می‌شود. البته در آیات قبل و بعد، از فرستادن بادهای رحمت، و در این آیه از فرستادن پیامبران رحمت سخن گفته شده است. این هشداری است به کسانی که نعمت‌های مادی و معنوی به سوی آنان فرستاده می‌شود ولی ناسپاسی می‌نمایند. ۲. «انتقام» درمورد انسان‌ها به معنای نوعی حالت نفسانی و لذت است که در اثر مجازات دیگران به وجود می‌آید، اما در مورد خدا این حالت‌های نفسانی وجود ندارد و مقصود همان مجازات اعمال خود انسان‌هاست. ۳. در این آیه

یک سنّت و قانون الهی در مورد یاری مؤمنان بیان شده است. این قانون با چند تأکید بیان می‌دارد «۱» که به طور مسلّم یاری کردن مؤمنان بر عهده‌ی خداست و او بدون نیاز به دیگران این وعده را عملی می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۱ ۴. یاری مؤمنان گاهی دیر یا زود انجام می گیرد، ولی صورت‌های آن متفاوت است. گرفتاری‌ها و آلودگی‌های کافران که موجب نابودی آنان می‌شود، یکی از عوامل یاری مؤمنان است؛ همان طور که پیروزی‌های مؤمنان در صحنه‌های فرهنگی، نظامی و سیاسی از مظاهر امداد الهی است. البته گاهی نیز مؤمنان در اثر غفلت یا امتحان گرفتار شکست‌های موضعی می‌شوند که این شکست‌ها نیز خود مقدمه‌ی پیروزی‌های بزرگ‌تر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرستادن پیامبران الهی، پیشینه‌ای تاریخی دارد. ۲. پیامبران الهی دلیل‌آور بودند. ۳. امدادرسانی به مؤمنان قانون حتمی الهی است (پس امیدوار باشید). ۴. خدا خلافکاران را مجازات می کند (پس مراقب باشید). ۵. اگر یاری الهی را می‌طلبید، مؤمن باشید، نه خلافکار. ***

نشانه های خدا در چرخه آب در طبیعت

قرآن کریم در آیات چهل و هشتم و چهل و نهم سوره‌ی روم به نشانه‌ی خدا در چرخه‌ی تولید ابر و باران اشاره می کند و می‌فرماید: ۴۸ و ۴۹. اللَّهُ الَّذِی یُرْسِلُ الرِّیَاحَ فَتُثِیرُ سَحَاباً فَیَبْسُطُهُ فِی السَّمَاءِ کَیْفَ یَشَاءُ وَیَجْعَلُهُ کِسَفاً فَتَرَی الوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ یَسْتَبْشِرُونَ.* وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِینَ خدا کسی است که بادها را می فرستد و (آن بادها) ابری را برمی‌انگیزند و (خدا) آن را در آسمان، هرگونه که بخواهد، می‌گستراند و آن را قطعه قطعه می گرداند، پس باران را می‌بینی در حالی که از لا به لای آن خارج می‌شود؛ و هنگامی که آن (باران) را به هرکس از بندگانش که بخواهد، برساند، ناگهان آنان شادی می کنند (و مژده می‌دهند)!* و مسلماً، پیش از آن‌که بر آنان فرو فرستاده شود، (دقیقاً تا) پیش از آن، مأیوس بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به چرخه‌ی تولید بادهای باران‌زا اشاره شده است؛ بادها قطعات ابر را از دریاها به سوی زمین‌های خشک و تشنه می‌رانند و آنها را بر صحنه‌ی آسمان می گسترانند، سپس آن را متراکم و باران زا می‌سازند. ۲. قطرات باران به صورت ذرات کوچکی از لابه‌لای ابرها (سپس از میان بادها) به طرف زمین می‌آیند؛ یعنی غلظت ابرها (و وزش بادها) مانع خروج باران و رسیدن آنها به زمین نمی‌شود. ۳. در این آیه تأکید شده که قبل از نزول باران، یعنی چند لحظه قبل، چهره‌های مردم عبوس و مأیوس بود، اما ناگهان باران رحمت بارید و لب‌خندان شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی چرخه‌ی باد و باران، خدا شناس شوید. ۲. باران عامل امیدواری و شادمانی جامعه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی روم رویش زمین را شاهد معاد معرفی می کند و می‌فرماید: ۵۰. فَانظُرْ إِلَی آ ثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ کَیْفَ یُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِکَ لَمُحْیِی المَوْتَی وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ قطعاً، آن (خدا) زنده کننده‌ی مردگان است و او برهر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعدد قرآن از باران با عنوان «رحمت» یاد شده است؛ «۲» زیرا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۳ باران مظهر مهر الهی و مایه‌ی برکت و رحمت است و انسان و زمین مرده را سیراب و سر سبز می‌سازد و هوا را لطیف و صاف می کند و همه جا را شست‌وشو می‌دهد و هوا را تعدیل کرده به صورت نهرها و رودخانه‌ها جاری می‌شود و انسان به وسیله‌ی آن برق و نور تولید می کند. ۲. در آیات پیشین فرستادن ابرها و نزول باران را نشانه‌ای از نشانه‌های خدا معرفی کرد و اینک دراین آیه از آثار نزول باران، یعنی زنده شدن زمین‌ها برای معاد شاهد می‌آورد یعنی قرآن از یک پدیده‌ی طبیعی برای مبدأ و معاد دلیل می‌آورد. این بهار نو ز بعد برگ‌ریز هست برهان وجود رستخیز در بهار آن سِرّها پیدا شود هر چه خورده است این زمین رسوا شود (مولوی) ۳. قانون حیات و مرگ در طبیعت و انسان‌ها شبیه یک‌دیگرند. کسی که طبیعت مرده را به وسیله‌ی چند قطره باران زنده می کند، می‌تواند انسان‌های مرده را نیز زنده سازد، چراکه مرگ و حیات در همه جا به دست اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در چگونگی زنده‌شدن طبیعت، به حقّانیّت

معاد پی‌ببرید. ۲. به پدیده‌های طبیعی بادقت بنگرید تا معادشناس شوید. ۳. احیاگر رستاخیز همان حیات‌بخش زمین است. ۴. باران مظهر مهر الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۴ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی روم به انسان‌های کم‌ظرفیت و ناسپاس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحاً فَرَأَوْهُ مُصْفَرّاً لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ و اگر بادی (سوزان) بفرستیم و آن را زرد شده ببینند، حتماً بعد از آن ناسپاس می‌گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به انسان‌های کم‌ظرفیتی اشاره شده که ایمان آنها به وزش یک باد بستگی دارد؛ یعنی اگر بادی مژده‌آور و باران‌زا بوزد، ایمان می‌آورند، ولی اگر (احیاناً) بادی سوزان و بدون باران بوزد و باعث نابودی مزرعه‌ی آنها شود، ناسپاسی می‌کنند و راه کفران در پیش می‌گیرند. بر خلاف مؤمنان واقعی که در همه حال سپاس‌گزار خدایند و این امور را امتحان الهی می‌دانند. ۳. «مُصْفراً» به معنای رنگ زرد یا ظرف خالی است و در این جا مقصود بادهای زرد و تیره‌ی همراه با گرد و غبار و یا ابرهای زرد و نازک است که باران ندارند و یا گیاهان و درختان زرد که در اثر وزش بادهای زیان‌آور پژمرده می‌شوند. «۱» ۴. در آیات پیشین بادهای باران زا و مفید را به صورت جمع (ریاح) آورد و در این آیه از بادهای زیان‌آور به صورت مفرد (ریح) یاد شد. این تعبیر اشاره به آن است که بادهای زیان آور استثنایی و نادر است و در همان یک بار که می‌وزد اثر زیانبار خود را می‌بخشد، برخلاف بادهای مفید که زیاد است و تأثیر آن در وزش دایمی آن است. ۵. انسان‌های کم‌ظرفیت که بادهای مفید زیادی دیده‌اند و شادمان شده‌اند یک بارکه باد زیان‌آور می‌بینند ناسپاسی می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کم ظرفیت نباشید و ایمان شما با یک باد زیانبار از بین نرود. ۲. اگر گاهی پدیده‌های طبیعی به شما زیان رساند، ناسپاسی نکنید (و به یاد نعمت‌های فراوان خدا باشید). ۳. ایمان باد آورده را باد می‌برد. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و دوم و پنجاه و سوم سوره‌ی روم مخاطبان پیامبر صلی الله علیه و آله را به چهار گروه تقسیم می‌کند و فقط مؤمنان را شنوندگان واقعی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۵۲ و ۵۳. فَإِنَّكَ لا تُسْمِعُ المَوْتَى وَلا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ.* وَمَا أَنْتَ بِهَادِ العُمْيِ عَنْ ضَلالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّامَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ پس، در حقیقت، تو ن (می‌توانی سخن را) به گوش مردگان برسانی، و ن (می‌توانی) صدا را به گوش ناشنوایان برسانی، هنگامی که پشت کرده روی برمی‌تابند.* و تو راه‌نمای کور (دل) ها از گمراهی‌شان نیستی، (تو سخنت را) به گوش کسی نمی‌رسانی مگر کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند؛ چرا که آنان تسلیم شده‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مرگ و حیات و چشم و گوش دوگونه است: الف) مرگ و حیات و چشم و گوش طبیعی و ظاهری و جسمانی انسان که در این جهان مادی به کار گرفته می‌شود. ب) مرگ و حیات و چشم و گوش باطنی و معنوی انسان که برتر از حیات طبیعی و ظاهری انسان است و به وسیله‌ی آنها حقایق درک می‌شود و ریشه‌ی سعادت انسان در به کارگیری آنهاست؛ یعنی ممکن است برخی افراد به ظاهر زنده، اما از نظر معنوی مرده باشند و یا افرادی به ظاهر بینا و شنوا، ولی چشم و گوش خود را نسبت به حقایق بسته باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۶ ۲. انسان‌هایی حقایق را درک می‌کنند که قلبی آماده و چشمی بینا و گوشی شنوا دارند، و گرنه هنگامی که انسان دل مرده باشد و چشم و گوش خود را به روی فهم حقایق بسته باشد، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله هم حاضر شود و آیات الهی را بر آنها بخواند، نتیجه نخواهد داشت. ۳. همه‌ی انسان‌ها دل و گوش و چشم دارند، ولی آنچه پرده بر آنها می‌اندازد و مانع درک حقیقت می‌شود، همان گناه، لجاجت، تقلید نا به جا و انحرافات است. ۴. دراین آیه به سه مرحله‌ی مختلف از انحرافات و موانع درک حقایق اشاره شده است الف) مرحله‌ی شدید انحرافات دل‌مردگی و عدم درک حقایق به وسیله‌ی وجدان باطنی است. ب) مرحله‌ی بعدی ناشنوایی است؛ به ویژه ناشنوایانی که از شنیدن حقایق گریزان‌اند و روی برمی‌تابند. ج) مرحله‌ی سوم نابینایی است؛ یعنی کسانی که چشم خود را بر روی حقایق می‌بندند که هدایت این‌افراد درگمراهی‌ها دشوار است. «۱» ۵. در این آیات از بینایی و شنوایی انسان نام برده شده، ولی از حواس دیگر انسان نامی به میان نیامده است؛ شاید به خاطر آن که اکثر معلومات انسان از طریق گوش و چشم به دست می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دل‌مردگان و ناشنوایان حقیقت گریز و کسانی که چشم خود را بر حقایق بسته‌اند

بهره‌ای از سخنان رهبران الهی نمی‌برند. ۲. ایمان و تسلیم، زمینه‌ساز بهره گیری از رهنمودهای رهبران الهی است. ۳. دل‌مردگی و چشم و گوش شنوا نداشتن، مانع هدایت انسان است پس رهبران الهی برای این‌گونه افراد سرمایه‌گذاری نکنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۷ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی روم ناتوانی و توانایی انسان را یکی از نشانه‌های خدا معرفی می کند و می‌فرماید: ۵۴. اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَشَیْبَةً یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَهُوَ العَلِیمُ القَدِیرُ خدا کسی است که شما را از کم‌توانی آفرید؛ سپس بعد از کم‌توانی، نیرویی قرارداد، آن‌گاه بعد از نیرو (مندی) کم‌توانی و پیری قرارداد؛ (خدا) آنچه را بخواهد، می‌آفریند؛ و او دانا [و] تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه سرگذشت انسان را درسه مرحله به تصویر کشیده است: الف) مرحله‌ی کودکی که در این مرحله انسان فردی ناتوان است. ب) مرحله‌ی جوانی است که فردی توانمند می گردد. ج) مرحله‌ی پیری که در این مرحله انسان دوباره ضعیف می‌شود. آری؛ این دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌ها دلیل این حقیقت است که نیرومندی و ناتوانی انسان در اختیار او نیست و شخص دیگر زندگی او را رهبری می کند. ۲. در این آیه درمورد ناتوانی مرحله‌ی سوم، کلمه‌ی «پیری» را اضافه می کند، درحالی که در مورد ضعف مرحله‌ی اول، کلمه‌ی «کودکی» را نیاورد. شاید به خاطر آن که ناتوانی پیری دردناک‌تر است؛ چراکه اولًا، رو به سوی مرگ می‌رود و ثانیاً، مردم از افراد پیر انتظارات زیادی دارند که از کودکان ندارند، در حالی که ناتوانی آنان یکسان است. «۱» ۳. اشاره به علم و قدرت خدا درپایان آیه، نوعی هشدار و بشارت است به این که خدا از اعمال و نیت‌های شما آگاه و برپاداش و کیفر شما تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه‌ی مراحل مختلف توانمندی و ناتوانی انسان، خداشناس شوید. ۲. فراز و نشیب‌های زندگی بشر دلیل بر علم و قدرت الهی است. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و پنجم و پنجاه و ششم سوره‌ی روم به گفت‌وگوی مؤمنان و خلافکاران در رستاخیز اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۵ و ۵۶. وَیَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یُقْسِمُ المُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَیْرَ سَاعَةٍ کَذَلِکَ کَانُوا یُؤْفَکُونَ.* وَقَالَ الَّذِینَ اوتُوا العِلْمَ وَالإیمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِی کِتَابِ اللَّهِ إِلَی یَوْمِ البَعْثِ فَهَذَا یَوْمُ البَعْثِ وَلَکِنَّکُمْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ و روزی که ساعت (: قیامت) برپا می‌شود، خلافکاران سوگند یاد می‌کنند که غیر از ساعتی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکردند! این‌چنین (از درک حقیقت) بازگردانده می‌شدند.* و [لی کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است، می گویند: «به یقین، (بر اساس آنچه) در کتاب (علم) خداست، تا روز رستاخیز درنگ کردید، و این، روز رستاخیز است و لیکن شما هرگز نمی‌دانستید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «ساعة» به معنای یک لحظه‌ی ناگهانی است و به رستاخیز هم ساعة می گویند؛ چون در یک لحظه برپا می‌شود و یا اعمال بندگان به سرعت رسیدگی می‌شود. در این آیه واژه‌ی ساعة به هر دو معنا به کار رفته است. ۲. در این آیه محل توقف مجرمان مشخص نشده است، اما مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود توقف مجرمان در دنیا باشد که هم‌چون لحظه‌ای زودگذر است. ب) مقصود توقف خلافکاران در برزخ باشد که تا رستاخیز ادامه دارد، ولی هنگامی که به رستاخیز می‌رسند آن را ساعتی می‌پندارند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۷۹ البته مانعی ندارد که مقصود آیه هردو معنا باشد. ۳. مجرمان سوگند یاد می کنند که در دنیا یا برزخ لحظه‌ای بیش درنگ نکرده‌اند، در حالی که این مطلب دروغ است. البتّه مجرمان به طور غیر عمد سوگند دروغ می‌خورند؛ چون واقعاً خیال می کنند که لحظه‌ای بیش درنگ نکرده‌اند. آری؛ چهره‌ی واقعی مطالب برای آنان دگرگون شده است. «۱» ۴. مقصود از «کتاب اللَّه» در این آیات کتاب علم الهی است؛ «۲» یعنی مدت درنگ مجرمان در دنیا یا برزخ در نزد خدا مشخص و در کتاب علم او ثبت شده است. ۵. در این آیات علم بر ایمان مقدم شده است. شاید این تعبیر اشاره به آن باشد که علم پایه‌ی ایمان است. ۶. مقصود از صاحبان علم و ایمان در این آیه، مؤمنان آگاه یا فرشتگان الهی هستند و در برخی احادیث آمده است که مقصود از صاحبان علم و ایمان، امامان معصوم علیهم السلام از نسل علی علیه السلام هستند. «۳» البتّه مانعی ندارد که همه‌ی این موارد مصداق آیه باشد؛ هر چند ائمه علیهم السلام مصداق کامل آیه هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خلافکاران برآورد صحیحی از زمان ندارند. ۲. دانشمندان با ایمان حقایق زمان و وقایع رستاخیز را درک می کنند (شما

هم این گونه باشید). ۳. به گفت‌وگوی خلافکاران و دانشمندان در رستاخیز توجه کنید و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۰ درس عبرت بگیرید. ٭٭٭ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی روم به فایده نداشتن عذرخواهی ستمکاران در رستاخیز اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۷. فَيَوْمَئِذٍ لا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ و در آن روز، کسانی که ستمکاری کردند عذرخواهی آنان سودی ندارد و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود (تا مورد رضایت قرار گیرند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی آیات قرآن بیان شده که اصلًا به مجرمان اجازه‌ی عذرخواهی داده نمی‌شود «۱» اما از ظاهر این آیه استفاده می‌شود که آنان عذرخواهی می کنند ولی عذر خواهی آنان سودی ندارد. این دو مطلب چگونه با هم سازگار است؟ پاسخ آن است که منافاتی بین این دو مطلب وجود ندارد. رستاخیز مراحل مختلفی دارد که در برخی مراحل به گناهکاران اجازه‌ی سخن گفتن داده نمی‌شود و در برخی مراحل اجازه داده می‌شود، ولی عذرخواهی آنان سودی ندارد. ۲. ستمکاران در رستاخیز عذرخواهی و عذرتراشی می کنند؛ یعنی گاهی گناه خود را به گردن سردمداران کفر «۲» و گاهی انحراف خود را به دوش شیطان می‌اندازند. «۳» ولی سردمداران کفر و شیطان به آنان پاسخ می‌دهند که خودتان را سرزنش کنید که هدایت به سراغتان آمد، ولی گمراهی را برگزیدید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناهکاران اگر می‌خواهند معذرت‌خواهی و توبه کنند در همین دنیا انجام دهند که در رستاخیز دیر است. ۲. ستمکاران از روزی بترسند که حتی عذرخواهی‌شان سودی ندارد. ٭٭٭ قرآن کریم در آیات پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم سوره‌ی روم به مثال‌های هدایت‌آمیز قرآن و واکنش منفی کافران ناآگاه اشاره می کند و می‌فرماید: ۵۸ و ۵۹. وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَ نْتُمْ إِلَّامُبْطِلُونَ.٭ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ و به یقین، برای مردم در این قرآن از هر (گونه) مثالی زدیم، و اگر آیه‌ای برای آنان بیاوری، قطعاً، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: «شما جز باطل گرا نیستید.»٭ این گونه خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند، مهر می‌نهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم مثال‌ها و مطالب متنوعی وجود دارد که برای همه‌ی مردم مفید و بیدار کننده است. آری؛ قرآن مجموعه‌ای از داستان‌های عبرت‌آموز پیشینان، مسائل اخلاقی و برنامه‌های عملی، هشدارها و بشارت‌ها ومثال‌هایی از طبیعت است که همگی یک هدف را دنبال می کنند و آن هدایت است. ۲. کافران خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، بلکه به همه‌ی طرف‌داران خدا می گویند که شما بر باطل هستید. این تهمت شامل همه‌ی تهمت‌ها هم‌چون نسبت دروغ، سحر، جنون و اساطیر می‌شود و کافران در طول تاریخ این تهمت‌ها را به پیامبران و مؤمنان می‌زدند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۲ ۳. «يَطبَعُ» در اصل به معنای مهر نهادن است؛ هنگامی که می‌خواهند چیزی دست نخورده بماند، آن را محکم می‌بندند و با وسیله‌ای برآن مهر می‌زنند. این تعبیر کنایه از دل‌های نفوذناپذیر است. آری؛ دل‌های افراد جاهل در اثر گناه، لجاجت و ناآگاهی حسّ تشخیص خود را از دست می‌دهند و چیزی را درک نمی کنند. گویا مهری برآن نهاده شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما در قرآن مطالب متنوعی می‌یابید (پس از آنها استفاده کنید). ۲. کافران در برابر آیات الهی واکنش منفی و تهمت‌آمیز نشان می‌دهند (شما این گونه نباشید). ۳. ریشه‌ی انحراف کافران، ناآگاهی و کوردلی آنان است. ٭٭٭ قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی روم خواستار شکیبایی و گران‌سنگی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود و با دلداری به ایشان می‌فرماید: ۶۰. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لا يُوقِنُونَ پس شکیبا باش که وعده‌ی خدا حق است؛ وهرگز کسانی که یقین ندارند تو را (بی‌ثبات و) سبکسار نسازند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا در آیات قرآن مکرر به مؤمنان وعده‌ی یاری داده است «۱» که آنها را بر کافران پیروز سازد و جانشین و خلیفه‌ی زمین گرداند. اینک در این آیه با یادآوری این وعده‌ها به پیامبر صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد. ۲. روی سخن این آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است اما در حقیقت وظایف رهبران تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۳ الهی و اسلامی را بیان می کند. ۳. در این آیه دو دستور اساسی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌دهد: الف) شکیبایی در برابر مشکلات؛ ب) گران‌سنگی و متانت که شایسته‌ی یک رهبر الهی است. ۴. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که صبر کن و

مراقب باش که تو را عصبانی و خشمگین نکنند، تا سبک شوی، بلکه گران‌سنگ و با متانت و استوار باش. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر دشمن شکیبا و گران‌سنگ باشید. ۲. وعده‌ی (پیروزی) الهی حتمی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۵

بخش سوم: سوره‌ی لقمان

اشاره

یادآوری مبدأ و معاد پندهای گرانمایه‌ی لقمان اشارات علمی به نیروی جاذبه و زوجیت گیاهان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۷

اول: سیمای سوره‌ی لقمان

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

شمارگان

شمارگان: سوره‌ی لقمان که در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد، دارای ۳۴ آیه، ۵۴۲ کلمه و ۲۱۱۰ حرف است.

نزول

این سوره پنجاه و ششمین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی صافات و قبل از سوره‌ی سبأ) و اندکی قبل از هجرت نازل گردیده است، اما در چینش کنونی قرآن سی و یکمین سوره به شمار می‌آید. نام: تنها نام این سوره «لقمان» است. این نام‌گذاری به مناسبت آیه‌ی ۱۲ به بعد این سوره است که در آن جا نامی از لقمان برده شده و پندهای گران‌مایه‌ی را به فرزندش مطرح گردیده است.

فضایل

در مورد فضیلت قرائت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: هر کس سوره‌ی لقمان را بخواند، لقمان در قیامت رفیق و دوست او خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۸ تذکر: روشن است که خواندن سوره‌ی لقمان و عمل به نصیحت‌های او می‌تواند انسان را از نظر اخلاق و عقاید شبیه لقمان سازد و همین شباهت روحی سبب رفاقت در قیامت خواهد شد. ویژگی‌ها: این سوره نیز با حروف مقطعه «الم» شروع می‌شود و یکی از سوره‌های اخلاقی قرآن به شمار می‌آید. در این سوره از داستان‌های پیامبران خبری نیست و کم کم مردم را با احکام (مثل نماز، زکات، امر به معروف ...) آشنا می‌کند.

اهداف

هدف‌های اساسی این سوره عبارت‌انداز: ۱. یادآوری توحید با ذکر نشانه‌های خدا؛ ۲. یادآوری قیامت؛ ۳. پندهای اخلاقی برای سازندگی روحی انسان.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که در سوره‌ی لقمان وجود دارد عبارت‌انداز: الف) عقاید ۱. دلایل توحید و نشانه‌های خدا در آفرینش جهان (در آیات ۲۹– ۳۱)؛ ۲. نهی از شرک که ظلم بزرگی به نفس انسان است (در آیه‌ی ۱۳)؛ ۳. یادآوری علم بی‌پایان الهی با ذکر مثال و موارد علم غیب (در آیات ۱۶، ۲۷ و ۳۴)؛ ۴. تذکری درباره‌ی توحید فطری در کوران حوادث (در آیه‌ی ۳۲)؛ ۵. تذکرات و هشدار درباره‌ی قیامت (در آیات ۴ و ۲۲). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۸۹ ب) اخلاق ۱. نکوهش سرگرمی‌های ناسالم که انسان را از راه خدا بازمی‌دارد (در آیه‌ی ۶)؛ ۲. پندهای گران‌مایه‌ی لقمان به فرزندش در مورد توحید، نیکی به پدر و مادر، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، خوش‌رویی با مردم، تواضع و نیز اعتدال در امور (در آیات ۱۲– ۱۹)؛ ۳. بیان صفات نیکوکاران (در آیات ۳– ۵)؛ ۴. بیان فریبندگی دنیا (در آیه‌ی ۳۳). ج) احکام ۱. تذکری درباره‌ی نماز (در آیات ۴ و ۱۷)؛ ۲. تذکری درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر (در آیه‌ی ۱۷)؛ ۳. تذکری درباره‌ی زکات (و انفاق مالی) (در آیه‌ی ۴). د) داستان لقمان و فرزندش و نصیحت‌های خیرخواهانه به او (در آیات ۱۲– ۱۹). ه) مطالب فرعی ۱. اشاره‌ای به عظمت قرآن و رحمت بودن آن برای مؤمنان (در آیات ۲– ۳)؛ ۲. اشاره‌ای به نیروی جاذبه و آسمان‌های بدون ستون (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۳. اشاره‌ای به زوجیت گیاهان (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۴. نکوهش تقلید از پدران در مورد بت‌پرستی (در آیه‌ی ۲۱). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۱

دوم: محتوای سوره‌ی لقمان

عظمت و حکمت قرآن

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی لقمان به عظمت قرآن و صفات و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱– ۳. الم* تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ* هُدىً وَرَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ الف، لام، میم.* آن آیات کتاب حکمت‌آمیز است؛* در حالی که رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حروف مقطعه همان حروف بریده‌ی الفباست که در آغاز ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن آمده است. این حروف از اسرار قرآن است که مفسران قرآن برای آنها تفسیرهای متعددی بیان کرده‌اند که ما در ذیل آیات آغازین سوره‌های بقره و روم در این مورد مطالبی بیان کردیم. ۲. ضمیر «تلک» در ادبیات عرب برای اشاره به دور به کار می‌رود و معادل کلمه‌ی اشاره‌ی «آن» در فارسی است؛ در حالی که قرآن نزدیک بود و می‌بایست واژه‌ی هذه (این) را به کار می‌برد. این نشان دهنده‌ی عظمت قرآن است که گویی در نقطه‌ای دور دست و در اوج آسمان‌ها قرار گرفته است. «۱» ۳. «کتاب» به معنای «نوشته شده» است و در این جا مقصود قرآن کریم است که در صفحه‌ی علم الهی (لوح محفوظ) نوشته شده یا بخشی از آن که فرود آمده و نوشته یا آماده‌ی نوشته شدن است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۲ ۴. «آیات» جمع آیه، به معنای نشانه است و در فرهنگ قرآن گاهی واژه‌ی آیه به معنای معجزه هم به کار می‌رود. آری؛ آیات قرآن نشانه‌های خدا و معجزات اوست که تبلور یافته است. ۵. «حکیم» در اصل از ماده‌ی «حکم» به معنای جلوگیری از چیزی برای اصلاح آن است و حکمت آن است که به وسیله‌ی علم و عقل حق را بشناسیم و هنگامی که به قرآن، کتاب حکیم گفته می‌شود، مقصود آن است که در آن حکمت وجود دارد «۱» و یا منظور استحکام محتوای قرآن است که باطل و خرافه درآن راه نمی‌یابد و یا آن که قرآن هم‌چون حکیمی فرزانه است که درعین خاموشی با هزاران زبان با ما سخن می‌گوید. البتّه مانعی ندارد که همه‌ی این معانی مقصود آیه باشد. ۶. «هدایت» و راه‌نمایی درجات و مراتبی دارد که برخی مراحل آن برای همه‌ی مردم قابل استفاده است و برخی مخصوص مؤمنان، نیکوکاران و پارسایان است؛ «۲» یعنی برای استفاده از برخی مراتب محتوای عالی قرآن نیاز به زمینه‌سازی درونی است و افراد هواپرست و متعصب یا لجوج نمی‌توانند از همه‌ی مراحل هدایت قرآن استفاده کنند؛ همانند زمین شوره‌زاری که نمی‌تواند از زلال باران استفاده

کند و لاله برویاند. ۷. قرآن هدایتگر است و نور هدایت آن می‌درخشد و اگر کسی زمینه و آمادگی دریافت این نور را نداشت، اشکال از گیرنده است و گرنه چراغ نورافشان قرآن مشکلی و بخلی در هدایت‌گری ندارد. ۸. «هدایت» در حقیقت مقدمه‌ای برای رحمت الهی است؛ یعنی هرگاه انسان در پرتو نور قرآن حقایق را دریافت و آنها را در عمل پیاده کرد، مشمول رحمت الهی و نعمت‌های او می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۳ ۹. این آیات «قرآن» را مایه‌ی هدایت «مُحسنین» یعنی «نیکوکاران» شمرده‌اند. مقصود از نیکوکاران افرادی هستند که ایمان را در زندگی خود پیاده کرده‌اند که به صورت پرستش (نماز) و پرداخت (مالیات زکات) نمودار شده است. در آیات بعد صفات این افراد بیان خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. این سوره را با همین حروف معمولی الفبا شروع کردیم (اگر می‌توانید مِثل آن را بیاورید). ۲. قرآن کتابی با عظمت، فرزانه صفت، هدایتگر و رحمتگر است (پس قدر آن را بدانید و از مطالب عالی آن استفاده کنید). ۳. نیکوکار باشید تا از مراتب عالی هدایت و رحمت قرآن بهره‌مند شوید. ***

ویژگی های نیکوکاران

قرآن کریم در آیات چهارم و پنجم سوره‌ی لقمان ویژگی‌های نیکوکاران را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۴ و ۵. الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ* اوْلَئِکَ عَلَی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَاوْلَئِکَ هُمْ المُفْلِحُونَ (همان) کسانی که نماز را برپا می‌دارند و [مالیات زکات را می‌پردازند و آنان خود به آخرت یقین دارند.* آنان از راه‌نمایی پروردگارشان برخوردارند، و تنها آنان رستگارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات «اقامه‌ی نماز» نه «خواندن و قرائت نماز» از ویژگی نیکوکاران مؤمن بیان شده است؛ چرا که آنان نه تنها نماز می‌خوانند، بلکه نماز را برپا می‌دارند و عامل ترویج فرهنگ نماز در جامعه می‌شوند. ۲. در این آیات پرداخت «زکات» یکی از ویژگی‌های نیکوکاران شمرده تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۴ شده است، در حالی که سوره‌ی لقمان در مکه نازل شده است که هنوز در مکه زکات واجب نشده بود. از این رو برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از «زکات» در این آیه زکات مستحبی است که شامل هرگونه انفاق و بخشش مالی می‌شود. «۱» پرداخت زکات مستحبی نشانه‌ی نیکوکاری است، و گرنه پرداخت زکات واجب وظیفه‌ی هر مسلمان است. ۳. نیکوکاران از طریق پرداخت زکات، اموال خود را پاک می‌کنند و رشد می‌دهند و به بینوایان جامعه نیز رسیدگی می‌کنند؛ یعنی ارتباط خود را با توده‌ی مردم حفظ می‌کنند. ۴. نیکوکاران به فرجام هستی و معاد یقین دارند و می‌دانند او جهان را بی‌هدف نیافریده‌است و جهان فرجامی حسابگرانه دارد. ۵. اعتقاد به معاد، انسان را در برابر مشکلات زندگی و مصیبت‌ها مقاوم می‌سازد و او را به انجام کارهای نیک برای به دست آوردن پاداش، تشویق می‌کند و از انجام گناهان بازمی‌دارد. ۶. واژه‌ی «هدی» دراین آیه نکره آمده است؛ یعنی هدایتی که از خدا به آنان می‌رسد بسیار عظیم و هم‌چون مرکب راهواری در اختیار آنهاست «۲» که با آن به سوی سعادت و رستگاری رهسپارند. ۷. واژه‌ی «مفلحون» از ریشه‌ی «فلاح» به معنای شکافتن است. به کشاورز هم فلّاح می‌گویند چون دل زمین را می‌شکافد و دانه می‌کارد و ثمر می‌گیرد و فلاح دنیوی همان پیروزی و سعادت و فلاح اخروی همان سعادت و عزت و بقای اخروی است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۵ ۸. تنها راه رستگاری و پیروزی، همان راه نیکوکاران است «۱»؛ کسانی که با خدا و خلق ارتباط دارند و معاد را باور کرده‌اند و اهل هدایت و رستگاری هستند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت نیکوکاران پیروز، نمازگزاران زکات دهنده و معاد باوران، تضمین شده است. ۲. نیکوکار واقعی کسی‌است که اعتقادات او صحیح و اهل عمل است. ۳. نیکوکاری و رستگاری بدون ارتباط با خالق و خلق ادعایی بیش نیست. ۴. به مبدأ، معاد و اقتصاد دنیوی توجه داشته باشید تا نیکوکار و هدایت یافته شوید. *** قرآن کریم در آیات ششم و هفتم سوره‌ی لقمان به اهداف بیهوده گرایان و واکنش منفی آنان در برابر آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶ و ۷. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَرِی لَهْوَ الحَدِیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَیَتَّخِذَهَا هُزُواً اولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِینٌ* وَإِذَا تُتْلَی عَلَیْهِ آیَاتُنَا وَلَّی

مُسْتَكْبِراً كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي اذُنَيْهِ وَقْراً فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ و از مردم کسی است که سخن سرگرم‌کننده (و بیهوده) را می‌خرد، تا بدون هیچ دانشی (مردم را) از راه خدا گمراه سازد و آن (آیات) را به ریشخند گیرد؛ آنان، عذابی خوارکننده برایشان (آماده) است.* و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد، گویا آن را نشنیده است؛ چنان که گویی در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۶ گوش‌هایش سنگینی است؛ پس او را به عذاب دردناکی مژده ده! شأن نزول: حکایت کرده‌اند که «نَضْر بن حارث» مردی تاجرپیشه بود و به ایران مسافرت می‌نمود و داستان‌های ایرانیان، همچون داستان رستم و اسفندیار و کسری را برای مردم عرب بازگو می‌کرد و می‌گفت: اگر محمد سرگذشت عاد و ثمود را برای شما بازگو می‌کند من این‌ها را می‌گویم و برخی مشرکان دور او حلقه زده، قرآن را ترک می‌کردند. این آیات بدین مناسبت فرود آمد و بیهوده‌گرایان را سرزنش کرد. البتّه برخی مفسران نیز حکایت کرده‌اند که این آیات درباره‌ی مردی فرود آمد که کنیزی آوازه‌خوان خرید که برای او خوانندگی می‌کرد و او را از یاد خدا غافل می‌ساخت. البته مانعی ندارد که آیات در مورد هر دو جریان نازل شده باشد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این‌جا مقصود از خریداری کردن سخنان بیهوده چیست؟ الف) ممکن است منظور هزینه کردن و خریداری کردن افسانه‌های خرافی و باطل باشد همان طور که در شأن نزول بیان شد. ب) شاید مقصود هزینه کردن برای برپایی مجالس لهو و لعب باشد؛ همان طور که در مورد خریداری کنیز آوازه‌خوان گذشت. ج) شاید مقصود از «خریدن» در این جا معنای کنایی آن باشد؛ یعنی هرگونه تلاش برای رسیدن به مطالب بیهوده و مجالس لهو. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۷ ۲. «لَهوَ الحدیث» به معنای «سخنان بیهوده» است، ولی در این‌جا مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل هرگونه سخنان و آهنگ‌های فسادانگیز می‌شود که بیهوده، بی‌هدف، غفلت زا و گمراه کننده است که غنا یکی از مصادیق آن است. ۳. این آیه به دو مطلب اشاره دارد: الف) محتوای بیهوده‌ی سخنان، همچون اشعار عاشقانه‌ی فسادانگیز و یا داستان‌های خرافی که موجب گمراهی مردم می‌شود و نیز سخنان ریشخندآمیز که با هدفِ مبارزه با حق گفته می‌شود. ب) آهنگ صدا و لحن شهوت‌انگیز و هوس‌آلود که افراد را به فساد می‌کشاند. ۴. در احادیث اسلامی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: مجلس غنا، مجلسی است که خدا به اهل آن نظر نمی‌کند (و آنان را مشمول لطف خود نمی‌سازد) و این همان چیزی است که خدا فرمود: «و از مردم کسی است که سخنان بیهوده را خریداری می‌کند تا مردم را از راه خدا گمراه سازد». «۱» و در احایث متعددی از اهل‌بیت علیهم السلام عمل غنا سرزنش شده و تعلیم و مزد افرادی که به غنا می‌پردازند، حرام شمرده شده است و این را کار فاسقان نامیده‌اند. «۲» ۵. اصل حرام و ممنوع بودن «غنا» از جمله مسائلی است که دانشمندان شیعه و بسیاری از اهل سنت برآن اتفاق دارند، ولی در مورد مفهوم و مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد و برخی موارد را استثنا کرده‌اند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۸ ۶. غنای حرام آن صوت و آهنگی است که مناسب مجالس اهل گناه و فساد باشد و قوای شهوانی انسان را تحریک کند که به دو صورت است: الف) گاهی محتوای صوت و آهنگ (یعنی اشعار آن) هر دو فسادانگیز و حرام است. ب) گاهی فقط آهنگ آن طرب‌انگیز و فسادآور و حرام است هرچند محتوای آن اشعار عالی، مناجات، قرآن یا دعا باشد؛ یعنی آنها را طوری می‌خوانند که مناسب مجالس عیاشان و فسادگران است. «۱» که در هر دو صورت، ممنوع و حرام است. «۲» ۷. برخی از موارد «غنا» استثنا حلال شمرده شده است؛ از جمله: الف) صدای خوش و زیبا که مناسب مجالس لهو وفساد نباشد. از این رو سفارش شده که قرآن را با صدای خوش بخوانید و با صدای نیکو اذان بگویید. ب) آهنگ‌های حماسی که مناسب میدان‌های نبرد و ورزش است. ج) اشعاری که برای تحریک شتران در قافله‌ها خوانده می‌شده است. «۳» ۸. در مواردی که شک شد، صدایی یا آهنگی غنا و حرام است یا نه، اصل برائت است؛ یعنی شنیدن آن جایز است تا هنگامی که حرام بودن آن ثابت شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۱۹۹ ۹. فلسفه‌ی ممنوعیت غنا و سخنان بیهوده چیست؟ در این مورد می‌توان به چند مطلب اشاره کرد: الف) هدفِ سخنان باطل و بیهوده، گمراه ساختن مردم از راه خداست و کسی که به دنبال مجالس بیهوده گرایان برود، کم کم از یاد خدا غافل

و درنهایت گمراه می‌شود و کارش به جایی می‌رسد که آیات الهی را مسخره می‌کند. ب) غنا و مجالس بیهوده گرایان انسان را به فساد اخلاقی می‌کشاند که در جهان امروز شواهد زیادی دارد. ج) آهنگ‌های تند و فسادانگیز بر اعصاب و روان انسان اثر منفی دارد. د) غنا، آهنگ‌های فسادانگیز و صداهای شهوت‌انگیز یکی از ابزارهای استعمارگران است که با ایجاد مراکز فحشا و سرگرمی‌های ناسالم می‌کوشند ملت‌ها را سرگرم و غافل سازند و منابع آنان را به غارت ببرند و آنها را از برنامه‌های سازنده بازدارند تا عقب‌افتاده و نیازمند آنان شوند. ۱۰. تعبیر «لَهوَ الحدیث» به معنای «بیهوده سخن» است، در حالی که می‌بایست بگوید: «الحدیث اللهوی» (سخن بیهوده). این تعبیر اشاره به آن است که هدف اصلی این افراد همان سرگرمی و بیهودگی است و سخن وسیله‌ای برای رسیدن به آن است. ۱۱. در این آیات بیان شده که هدف بیهوده گرایان، گمراه ساختن مردم است. این هدف شامل انحرافات اعتقادی و اخلاقی می‌شود؛ همان طور که در شأن نزول گذشت که به هردو نوع انحراف اشاره شده بود. ۱۲. تعبیر «بغَیرِ علم» وصف گمراه کنندگان است؛ یعنی بیهوده گرایان افرادی نادان هستند که براساس جهل و تقلید کورکورانه اقدام به این کارها می‌کنند و جاهلانه دیگران را در دام گمراهی و فساد گرفتار می‌سازند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۰ ۱۳. بیهوده‌گرایان در سرگرمی‌ها و مجالس لهو، آیات قرآن را به ریشخند می‌گیرند؛ از این رو در رستاخیز گرفتار عذاب خوارکننده می‌شوند؛ یعنی عذاب آنان باگناه آنان متناسب است و همان طور که به قرآن توهین کردند، در رستاخیز توهین و خوار می‌شوند. ۱۴. تعبیر «وَلّی مُستکبراً» اشاره به آن است که بیهوده‌گرایان گمراه کننده، نه فقط به خاطر منافع مادی و هوس‌هایشان از آیات الهی روی برمی‌تابند، بلکه انگیزه‌ی متکبرانه دارند که این تکبر در برابر خدا و آیات او از بزرگ‌ترین گناهان است. ۱۵. در این آیات به متکبران در برابر آیات الهی مژده‌ی آتش داده شده است. به کار بردن تعبیر «مژده» برای آتش و عذاب، نوعی ریشخند متکبرانی است که آیات الهی را ریشخند می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از بیهوده گرایان و متکبران در برابر آیات الهی برحذر باشید که هدف آنان گمراهی شما و ریشخند قرآن است. ۲. به دنبال سرگرمی‌های هدف‌دار باشید. ۳. سرگرمی‌های بی‌هدف و ناسالم، انسان را به گمراهی و موضع‌گیری در برابر آیات الهی می‌کشاند. ۴. نسبت به آیات قرآن بی‌اعتنا و متکبر نباشید. ۵. گوشی که آیات الهی را نشنود، گویا کم‌شنواست. ۶. انسان کوردل به جایی می‌رسد که مطالب باطل را خریداری می‌کند، اما آیات حق الهی را به طور رایگان نمی‌پذیرد. ۷. و بیهوده‌گرایان و مستکبران، در برابر قرآن، فرجامی عذاب‌آلود دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۱ قرآن کریم در آیات هشتم و نهم سوره‌ی لقمان به فرجام مؤمنان شایسته کردار و وعده‌ی حقّ الهی در این مورد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸ و ۹. إنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِیمِ* خَالِدِینَ فِیهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقّاً وَهُوَ العَزِیزُ الحَکِیمُ در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام‌داده‌اند، بوستان‌های پرنعمت (بهشت) برای آنهاست؛* در حالی که در آن‌جا ماندگارند؛ [این وعده‌ی حق خداست؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، «مقایسه» است؛ یعنی گروه‌های مختلف اجتماعی و صفات و کردار و نتیجه‌ی کارهای آنها را در کنار یک‌دیگر قرار می‌دهد تا خواننده با مطالعه و مقایسه‌ی آنها بتواند راه صحیح را انتخاب کند. در آیات نخستین سوره‌ی لقمان نیز افراد گمراهِ بیهوده‌گرا و فرجام عذاب‌آلود آنان با مؤمنان شایسته‌کردار و فرجام نیکوی آنان مقایسه شده است. ۲. افراد مؤمن آگاهانه و به حکم عقل ایمان آورده‌اند و در برابر آیات الهی فروتن هستند و آنها را در زندگی خویش عمل می‌کنند و به دنبال کارهای هدف‌دار شایسته می‌روند؛ در حالی که بیهوده‌گرایان نا آگاهانه به دنبال گمراهی می‌روند و کارهای آنان هدفمند و شایسته نیست. ۳. فرجام بیهوده‌گرایان گمراه، عذاب دردناک الهی است، ولی فرجام مؤمنان شایسته‌کردار بهشت پرنعمت الهی است این درحالی است که مؤمنان چیزی اضافه دارند که همان جاودانگی دربهشت براساس وعده‌ی حق الهی است؛ یعنی مؤمنان باید مطمئن باشند که فرجام نیک آنان تخلف ناپذیراست و آنان به سوی بهشتی دایمی می‌روند، نه موقت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۲ ۴. «نَعیْم» از مادەی «نعمت» و به معنای نعمت بسیار است، «۱» که معنای گسترده‌ای دارد و شامل همه‌ی نعمت‌های مادی و معنوی می‌شود؛

نعمت‌های بهشتی که ما حقیقت آنها را درک نمی‌کنیم و قرآن خواسته است که با زبان اشاره آنها را به ما بفهماند. ۵. در این آیه از صفت «عزیز» و «حکیم» خدا یاد شده است. معمولًا صفاتی که درپایان هر آیه ذکر می‌شود با محتوای آیه تناسب دارد. در این جا نیز از «وعده‌ی حق الهی» یاد شده، سپس اشاره شده که خدا قدرتمندی شکست‌ناپذیر است، پس اگر وعده‌ای می‌دهد می‌تواند بدان عمل کند. و همو حکیم و فرزانه است و کارهایش استوار و حکیمانه، پس وعده‌ی ناحق نمی‌دهد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان شایسته کردار فرجامی نیکو دارند (پس شما هم رهرو آنان باشید). ۲. وعده‌ی الهی حقیقتی تخلّف‌ناپذیر است؛ که او حکیمی شکست‌ناپذیر است. ۳. اگر بهشت پرنعمت می‌خواهید، مؤمنانی شایسته‌کردار شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۳ قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی لقمان با اشاره به نیروی جاذبه، فواید کوه‌ها، پراکندگی حیوانات و زوجیّت گیاهان، برای توحید در خالقیّت استدلال می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَ لْقَى فِي الأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَ نْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ* هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلْ الظَّالِمُونَ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ (خدا) آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید آفرید؛ و در زمین [کوه‌های استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند؛ و از هر جنبنده‌ای درآن پراکنده کرد؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و (انواع گیاهان) از هر جفت ارجمندی در آن (زمین) رویاندیم.* این آفرینش خداست؛ پس به من بنمایانید آن (معبود) ها که غیر اویند چه چیزی را آفریده‌اند؟! بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسّران عبارت «بِغَیرِ عمدٍ تَرَونها» را دوگونه تفسیر کرده‌اند: الف) «خدا آسمان‌ها را بدون ستون برپا داشت.» ب) «خدا آسمان‌ها را بدون ستون دیدنی بر پا داشت.» «۱» در حدیثی روایت شده که امام رضا علیه السلام در مورد این آیه فرمودند: «در آن جا ستون‌هایی است و لیکن شما آنها را نمی‌بینید.» «۲» این حدیث نیز تفسیر دوّم را تقویت می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۴ بنابر تفسیر دوم، ممکن است آسمان‌ها و ستارگان و سیارات دارای ستون‌هایی باشند که نامرئی‌اند. هم‌چون نیروی جاذبه که بین ستارگان و سیارات وجود دارد و آنها را درحالت تعادل جاذبه و دافعه در مسیرهای مشخصی قرار می‌دهد. از این رو برخی مفسران گفته‌اند این آیه به نیروی جاذبه اشاره دارد. «۱» البتّه این تفسیر درصورتی صحیح است که واژه‌ی «سَماوات» در این آیه به معنای کرات آسمانی باشد. به هر حال این آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن شمرده‌اند؛ «۲» چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی در قرن پنجم قمری «۳» و یا نیوتون «۴» در قرن هفدهم میلادی کشف شد و این در حالی است که قرآن و احادیث اهل‌بیت علیهم السلام قرن‌ها قبل ازآن به این مطلب اشاره کرده‌اند، ولی از آن جا که واژه‌ی «عَمَد» جمع عمود است ممکن است این آیه اشاره به نیروهای متعدد از جمله نیروی جاذبه باشد. ۲. در این آیه از کوه‌های استوار یاد شده که هم‌چون زره محکمی پوسته‌ی زمین را در بر گرفته است و از لرزش‌های شدیدی که بر اثر مواد مذاب و فشار گازهای درونی به وجود می‌آید جلوگیری می‌کند و نیز پوسته‌ی زمین را در برابر جزر و مد حاصل از نیروی جاذبه‌ی ماه و خورشید حفظ می‌کند و نیز همین کوه‌هاست که از طوفان‌های شدید در سطح زمین جلوگیری می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۵ ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا امامان را ارکان زمین قرار داد تا مردم زمین آرامش یابند. «۱» این‌گونه احادیث در حقیقت باطن آیه را بیان می‌کنند؛ یعنی مفهوم کوه‌ها را که رکن ثبات زمین هستند گسترش می‌دهند تا شامل ارکان معنوی و علمی، هم‌چون رهبران الهی شود و از این رو امامان را ارکان آرامش‌بخش زمین معرفی نموده‌اند؛ چرا که «امام» مایه‌ی ثبات جامعه و مانع درگیری‌ها و انحرافات عقیدتی و اجتماعی است. ۴. واژه‌ی «زوج» به معنای «نوع و صنف» و نیز به معنای «یک جفت نر و ماده» می‌آید. پس این آیه اشاره به انواع مختلف گیاهان است که به صورت زوج نر و ماده آفریده شده‌اند. مردم در عصر نزولِ این آیات اطلاعات اندکی نسبت به زوجیّت برخی درخت‌ها، مثل خرما داشتند که از راه گرده‌افشانی بارور می‌شدند، اما قانون عمومی زوجیت گیاهان در حدود قرن هیجده میلادی کشف شد؛ «۲» یعنی قرآن قرن‌ها قبل از کشف این مطلب، در این آیه بدان اشاره کرده است و این یکی از اشاره‌های علمی شگفت‌انگیز قرآن است. «۳»

«کریم» در اصل به معنای هرچیز پرارزش و ارجمند است و در این جا مقصود گیاهان پرفایده و زیبا هستند که تنوع، زیبایی، فواید و زوجیت آنها نشانه‌ای از قدرت آفریدگار است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۶ ۵. در این آیات بیان شده که خدا «از هر جنبنده‌ای در زمین منتشر ساخت.» این جمله به تنوع چهره‌های حیات در زمین اشاره دارد که از موجودات ذره‌بینی و تک‌سلولی تا حیوانات غول پیکر را شامل می‌شود؛ جنبندگانی که با رنگ‌های متنوع و در محیط دریا، خشکی و هوا زندگی می کنند و تعجّب انسان را برمی‌انگیزند و نشانه‌ای از قدرت پروردگار در آفرینش موجودات هستند. ۶. در این آیات به نزول باران از آسمان اشاره شده است که مایه‌ی رشد گیاهان و ماده‌ی حیاتی زندگی بشر و حیوانات است. آری؛ چرخش آب درطبیعت (یعنی بخار شدن آب دریاها و تشکیل ابرها و نزول باران از آنها) نشانه‌ای دیگر از خالق و مدبّر و ناظم هستی است. ۷. واژه‌ی «سماء» (آسمان) در قرآن کریم به معانی مختلفی به کار می‌رود: الف) گاهی به معنای جهت بالا می‌آید که معنای لغوی آن است. «۱» ب) گاهی به معنای کرات آسمانی است همان طور که در صدر این آیه به نیروی جاذبه‌ی بین ستارگان و سیارات آسمانی اشاره شده بود. ج) گاهی به معنای جوّ اطراف زمین است، همان طور که در ذیل آیه‌ی فوق آمده است که باران از آسمان (یعنی جوّ زمین) فرو می‌آید. د) گاهی نیز به معنای آسمان معنوی، یعنی مقام قُرب الهی و مراتب بالای وجود می‌آید که منشأ تدبیر هستی است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۷ ۸. در این آیات برتوحید خالقیّت استدلال شده است؛ یعنی می‌فرماید: خدا این آسمان‌ها و کوه‌ها و جنبندگان و باران و گیاهان زوج را آفرید و معبودان شما چیزی نیافریده‌اند، پس آفریدگار جهان یکی است. ۹. توحید در آفرینش دلیل توحید در پرورش (: رُبُوبیت) و یگانگی مدبّر جهان هستی، و توحید در رُبوبیّت هم دلیل برتوحید در پرستش (: عبودیت) است. «۱» از این رو، هرگاه ثابت شد که آفریدگار جهان خدای یگانه است، پس باید فقط او را بپرستیم و هرکس غیر او را بپرستد گمراه است و بر خود ستم کرده است. ۱۰. «ظُلم» معنای گسترده‌ای دارد که شامل ظلم به دیگران و ظلم به خود «۲» و قراردادن هرچیز در غیر محل مناسب می‌شود. مشرکان غیر خدا را می‌پرستیدند و این نوعی ستم به خویشتن است که انسان با مقام والا و استعدادهای فراوان در برابر بت‌ها و معبودهای دروغین کرنش کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از جهان‌شناسی به خداشناسی برسید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و گیاه‌شناسی، آفریدگار جهان را بهتر بشناسید. ۳. به نشانه‌های خدا در نیروی جاذبه‌ی بین کرات آسمانی، فواید کوه‌ها، تنوع جنبندگان، نزول باران و زوجیّت گیاهان توجه کنید و آفرینشگر هستی را بشناسید. ۴. از ناتوانی معبودان در آفریدن چیزها، به بطلان آنها پی ببرید. ۵. گمراهی زمینه‌ساز ستمکاری (و شرک «۳») است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۸

اعجازهای علمی قرآن

معجزه‌ی علمی قرآن: آیاتی از قرآن رازگویی علمی کرده‌اند؛ یعنی مطلبی را بیان کرده‌اند که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته و مدت‌ها بعد کشف شده‌اند و در صورتی اعجاز علمی به حساب می‌آید که آن مسئله با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده قابل اکتساب نبوده باشد. «۱» موارد اعجاز علمی قرآن: الف) موارد اثبات شده: ۱. نیروی جاذبه: «رَفَعَ رَفَعَ السَّماوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد، ۲) «خَلَقَ السَّماوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (لقمان ۱۰). نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (۴۴۰ ق) «۲» و طبق نظر مشهور توسط نیوتن در قرن هفدهم میلادی کشف شد؛ «۳» پس اشاره‌ی قرآن به ستون‌های نامرئی بین کرات آسمانی، نوعی رازگویی علمی قرآن است. «۴» ۲. حرکت‌های خورشید: «الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا» (یس، ۳۸ و ۴۰؛ انبیاء، ۳ و رعد، ۲) برخی مفسران از آیات قرآن حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری و نیز حرکت وضعی خورشید و حرکت انتقالی دورانی خورشید به همراه منظومه‌ی شمسی و نیز حرکت و حیات خورشید تا زمان معین و حرکات درونی خورشید در اثر انفجارات هسته‌ای را استفاده کرده‌اند که مورد اخیر را اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۰۹ ۳. زوجیت

عمومی: «مِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات، ۴۹)؛ رعد، ۲؛ شعراء، ۷؛ یس، ۳۶؛ حج، ۵؛ لقمان، ۱۰؛ ق، ۷؛ طه، ۵۳ و اعراف، ۸۹). قرآن در آیات متعددی به زوجیت میوه‌ها و گیاهان و انسان‌ها و زوجیت چیزهایی که انسان از آنها اطلاعی ندارد و در نهایت زوجیت همه‌ی موجودات سخن گفته است. زوج به دو چیز قرینه‌ی هم‌دیگر و نیز چیزهای مشابه و متضاد گفته می‌شود؛ «۱» از این رو برخی واژه‌ی زوج را در مورد ذرات درون اتم (الکترون و پروتون) و نیروهای مثبت و منفی به کار برده‌اند. نظریه‌ی زوجیت عمومی گیاهان توسط کارلینه (۱۷۰۷– ۱۷۸۷ م) گیاه‌شناس سوئدی در سال ۱۷۳۱ م ابراز شد و مردم عصر نزول قرآن از زوجیت عام گیاهان و زوجیت عمومی موجودات اطلاع نداشتند و این رازگویی علمی قرآن است. «۲» ۴. لقاح ابرها و گیاهان: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّماءِ مَاءً» (حجر، ۲۲). این آیه اشاره به رساندن گرده‌های گیاهان نر توسط باد به گیاهان ماده است و نیز اشاره به برخورد ابرها توسط باد و بارور شدن آنها و نزول باران است که مردم عصر نزول از مورد دوم اطلاع نداشتند؛ بنابر این بیان این مطلب اعجاز علمی قرآن است و مورد اول از شگفتی‌های علمی قرآن به شمار می‌آید. «۳» ۵. چینش مراحل آفرینش انسان در قرآن: در قرآن کریم در آیات متعددی به پانزده مرحله از خلقت انسان (خاک، آب، منی، نطفه، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۰ علقه، مضغه، تصویر و تنظیم، شکل گیری استخوان‌ها، پوشاندن گوشت بر استخوان، تعیین جنس جنین، آفرینش روح، تولد طفل، بلوغ، کهنسالی و مرگ) اشاره شده است. (از جمله: حج، ۵؛ مؤمنون، ۱۲ و غافر، ۶۷) که حیرت پزشکان و دانشمندان را برانگیخته و بیان کرده‌اند که این چینشِ مراحل تا قبل از قرون اخیر کشف نشده بود. «۱» ب) موارد اعجاز علمی قرآن که ادعا شده ولی اثبات نشده و به صورت اشارت شگفت‌آور علمی قرآن قابل طرح است: ۱. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن (انبیاء، ۳۰ و فصلت، ۱۱)؛ ۲. هفت آسمان (بقره، ۲۹؛ اسراء، ۴۴ و ...)؛ ۳. حرکت زمین (نمل، ۸۸؛ زخرف، ۱۰ و ...)؛ ۴. پیدایش حیات از آب (نور، ۴۵ و انبیاء، ۳۰)؛ ۵. ممنوعیت شراب‌خواری و زیان‌های آن (مائده، ۹۰؛ بقره، ۲۱۹ و ...)؛ ۶. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (بقره، ۲۲۲) «۲»؛ و ... تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۱

حکمت های لقمان

قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی لقمان به سرگذشت لقمان و الهام حکمت سپاس گزاری به او اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۲. وَلَقَدْ آ تَيْنَا لُقْمَانَ الحِكْمَةَ أنِ اشْكُرْ للَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ و به یقین، به لقمان فرزانگی دادیم؛ (به او گفتیم:) که سپاس خدا را به جای آور؛ و هر کس سپاس گزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاس گزاری می کند؛ و هر کس ناسپاسی کند، پس (زیانی به خدا نمی‌رساند؛ چرا) که خدا توانگری ستوده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نام «لقمان» دوبار در قرآن کریم آمده است که در آیات دوازدهم و سیزدهم همین سوره است. او فردی حکیم وغلامی سیاه‌پوست از اهالی سودان بود و چهره‌ای نازیبا و روحی با صفا داشت و راست گو و امانت‌دار بود. در قرآن سخنی از نبوّت او گفته نشده و در احادیث نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که او پیامبر نبود، بلکه بنده‌ای بود که زیاد فکر می کرد و یقین نیکویی داشت و خدا را دوست می‌داشت و خدا نیز به او حکمت داد. «۱» البتّه لقمان حکیمی والامقام بوده است، به طوری که خدا اندرزهای او را در کنار سخنان خود در قرآن حکایت کرده است. آری، چنانچه انسان قلب خود را با نور تفکّر و تقوا پاك سازد، سخنان حکمت‌آمیز بر زبانش جاری می‌شود و همان می گوید که خدا می‌پسندد.» ۲. «حِکمت» در لغت به معنای رسیدن به حق از طریق علم و عقل است. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۲ از این رو حکمت را به شناخت موجودات و انجام کارهای نیك و آگاهی از حقایق قرآن و رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل و شناخت خدا معنا کرده‌اند؛ بنابراین حکمتی که خدا به لقمان عطا کرد، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاك، تقوا و نور هدایت بود. «۱» ۳. در احادیث اهل‌بیت علیهم السلام از امام کاظم علیه السلام روایت شده که مقصود از حکمت، فهم و عقل است. «۲» و از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از حکمت لقمان شناخت امام زمانش

(یعنی رهبر الهی زمان لقمان) بوده است. «۳» البتّه این گونه احادیث برخی مصادیق و شاخه‌های وسیع حکمت رابیان می‌کنند و منافاتی با معانی دیگر ندارند. ۴. «شکر» خدا گاهی لفظی است، هم چون گفتن «شکراً للّه» و گاهی شکلی است هم چون «سجده‌ی شکر» و گاهی عملی است، یعنی انسان نعمت‌های الهی را در جای مناسب و به اندازه مصرف کند. ۵. سود شکرگزاری به فرد سپاس‌گزار باز می‌گردد، همان‌طور که زیان ناسپاسی به ناسپاس می‌رسد؛ چراکه هرکس سپاس‌گزاری کند خدا برنعمت او می‌افزاید «۴» و عامل رشد مادی و معنوی او می‌شود و هرکس ناسپاسی کند خود را از نعمت و کمال محروم می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۳ ۶. تعبیر «غَنی حَمید» یعنی خدا «توانگر و ستوده» است. این تعبیر اشاره به آن دارد که هر فرد عادی که نعمتی به کسی می‌دهد، سپاس او آن است که چیزی در عوض به او بدهند یا حداقل او را ستایش کنند، ولی خدا نه نیازمند عوض است و نه ستایش دیگران را می‌خواهد. آری: گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریاییش ننشیند گرد ۷. در این آیه «شکر» با صیغه‌ی مضارع آمده است تا نشان دهد که سپاس‌گزاری خدا اگر استمرار یابد انسان را به کمال می‌رساند، ولی «کفر» با صیغه‌ی ماضی آمده است تا نشان دهد که حتی یک مرتبه ناسپاسی هم عواقب دردناکی دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنان لقمان حکمت آمیز است (پس به سخنان او در آیات بعدی توجه کنید و آنها را سرمشق زندگی خویش سازید). ۲. سپاس‌گزاری کاری حکمت آمیز است (پس سپاس‌گزار باشید). ۳. سپاس‌گزاران درگاه الهی از سپاس خویش بهره‌مند می‌شوند و ناسپاسان زیان می‌بینند. ۴. سپاس‌گزاری و ناسپاسی شما در خدای بی‌نیاز تأثیری ندارد. ۵. از سرنوشت لقمان الهام گیرید (و سپاس‌گزار باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی لقمان به پندهای لقمان در مورد شرک‌ستیزی و معرفی حقیقت ظالمانه‌ی شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِإِبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ و (یادکن) هنگامی را که لقمان به پسرش- در حالی که وی پندش می‌داد- گفت: «ای پسرکم! به خدا شرک نورز؛ [چرا] که مسلماً شرک، ستمی بزرگ است.» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نام پسر لقمان در قرآن مشخص نشده است و برخی مورخان نوشته‌اند که او پسر بزرگ لقمان بود و روش بزرگان آن است که اندرزهای خود را به پسر خود می‌گویند تا مردم از آنها استفاده کنند و از این جهت بود که لقمان نصایح خود را به او گفت. «۱» ۲. لقمان اندرزهای متعددی نموده که در آیات دوازدهم تا نوزدهم این سوره آمده است. البتّه این اندرزها را از مسأله‌ی توحید و شرک آغاز کرد که اساسی‌ترین مسأله است. «۲» ۳. واژه‌ی «شرک» مفهوم وسیعی دارد که شامل شرک آشکار (: جَلّی) هم‌چون بت‌پرستی و ستاره‌پرستی و شرک پنهان (: خَفی) هم‌چون هواپرستی، مقام‌پرستی و دنیاپرستی نیز می‌شود. ۴. چرا شرک «ظلم» است؟ پاسخ آن است که انسان مشرک از طرفی به خود ستم می‌کند که با آن مقام والای انسانی در برابر بت‌های بی‌جان و معبودهای دروغین سر فرود می‌آورد. از طرف دیگر به خدا ستم می‌کند که موجودات بی‌ارزش را همتای او قرار می‌دهد. و از دیگر سو شرک ظلم به مردم است، زیرا انسان مشرک آنان را به گمراهی می‌کشاند. ۵. با توجه به اندرزهای لقمان به فرزندش می‌آموزیم که اولًا، فرزندان خود را با صمیمیت و دوستانه نصیحت کنیم. «۳» ثانیاً، توحید را به آنان بیاموزیم و خطرهای عقیدتی را به آنان گوش‌زد کنیم. ثالثاً، در مسائل عقیدتی برای آنان دلیل آورده، حقیقت عقاید را تحلیل کنیم. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک گناه ظالمانه‌ای است پس از آن دوری گزینید. ۲. از لقمان، تربیت فرزند و اندرزگویی را بیاموزید. ۳. مراقب انحرافات عقیدتی فرزندان خود باشید و از آن جلوگیری کنید. ۴. مسائل عقیدتی را برای جوانان با استدلال و تحلیل بیان کنید (تا بپذیرند). *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی لقمان سفارش‌هایی در مورد پدر و مادر می‌کند و با بیان یک مورد استثنا می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. وَوَصَّيْنَا الإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ امُّهُ وَهْناً عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ المَصِيرُ* وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلى أنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفاً وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ و به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش به او باردارشد، درحالی که سستی بر سستی (می‌افزود.) و از شیر بازگرفتنش در

دو سالگی بود- (و به او گفتیم:) که برای من و پدر و مادرت سپاس گوی! که فرجام (همه‌ی شما) فقط به سوی من است.* و اگر آن دو، تلاش کنند برای این که تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قراردهی، پس، از آن دو اطاعت نکن؛ و [لی در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم‌نشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این دو آیه به صورت جمله‌های معترضه‌ای است که خدای متعال در میان سخنان لقمان فرموده است، ولی با سخنان لقمان در آیه‌ی قبل کاملًا ارتباط دارد و به نوعی تکمیل و توضیح آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۶ ۲. در آیه‌ی قبل لقمان به فرزندش اندرز داد و او را از شرک ورزیدن بازداشت. ممکن است به دنبال آیه‌ی قبل، کسی فکر کند که هرچه پدر و مادر گفتند باید اطاعت کرد؛ از این رو در این آیات خدای متعال از طرفی سفارش می کند که نسبت به پدر و مادر سپاس گزار باشید و از طرف دیگر یادآور می‌شود که اگر آنان شما را به شرک دعوت کردند، از آنان پیروی نکنید. ۳. سپاس پدر و مادر آن‌قدر مهم است که خدای متعال خودش در مورد آن سفارش کرده است و در این آیات سپاس گزاری از پدر و مادر، در کنار شکرگزاری از خدا قرار گرفته است و این اهمیت ویژه‌ی مطلب را نشان می‌دهد؛ یعنی همان‌طور که شکر مرا به جا می‌آوری که نعمت‌های فراوان به تو دادم، سپاس گزار پدر و مادرت نیز باش. ۴. موضوع آیه «انسان» است نه مسلمان؛ پس نیکی به پدر و مادر یکی از وظایف انسانی ما و از موارد حقوق بشر است. ۵. سپاس گزاری از پدر و مادر گاهی لفظی است که همان اظهار تشکر است و گاهی عملی است یعنی انسان زحمات آنان را تا حدودی جبران کند و سخنان آنان را بشنود و اطاعت نماید. ۶. در احادیث اسلامی نسبت به پدر و مادر زیاد سفارش شده است تا آن جا که در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که پدر و مادرت را اطاعت کن و به آنان نیکی نما، چه زنده باشند و چه از دنیا رفته باشند! «۱» و در حدیث دیگری روایت شده که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله سه بار پرسید به چه کسی نیکی کنم، حضرت فرمود: «به مادرت و در بار چهارم فرمود به پدرت. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۷ و از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: هرکس از پدر و مادرش سپاس گزاری نکند، شکر خدا را به جا نیاورده است! «۱» و در حدیث دیگری از ایشان روایت شده که نیکی به پدر و مادر واجب است و گرچه مشرک باشند، ولی از آنها درمورد نافرمانی خدا اطاعت مکن! «۲» و نیز از آن حضرت روایت شده که اگر پدر و مادرت منحرف هستند برای آنان دعاکن و صدقه بده. «۳» ۷. در این آیات با این که موضوع سپاس گزاری از پدر و مادر است، اما زحمات مادر یادآوری و برآنان تأکید شده است. این مادر است که حدود نه ماه فرزند را حمل و از خون خویش او را تغذیه می کند و از این رو خود ضعیف وسست می‌شود که گاهی آثار آن تا آخر عمر هویداست. و مادر است که حدود دو سال فرزندش را شیر می‌دهد «۴» و او را در دامان محبت خود می‌پرورد و از گزند حوادث و بی‌غذایی حفظ می کند؛ از این روست که انسان باید نسبت به مادر محبت بیش‌تری بنماید و به یاد تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۸ ایثارگری‌های او باشد. ۸. در قرآن مکرراً نسبت به پدر و مادر سفارش شده است، اما نسبت به فرزندان سفارش نشده که پدر و مادر به آنان محبت کنند؛ «۱» چرا که محبت پدر و مادر نسبت به فرزندان یک امر طبیعی و فطری است و آنان با وظایف خود آشنا هستند و به آن عمل می کنند اما برخی از فرزندان ایثار پدر و مادر را فراموش و وظایف خود را ترک می کنند و این دردناک‌ترین حالت برای پدر و مادر و مصداق بارز ناسپاسی است. «۲» ۹. توحید مقدم بر رابطه‌ی فرزند با پدر و مادر اوست؛ یعنی اگر آنان انسان را به قطع رابطه با خدا و شرک فراخواندند، فرزند نباید سخن آنان را در این مورد اطاعت کند و باید استقلال فکری و عقیده به توحید را حفظ کند. «۳» ۱۰. در این آیات اشاره شده که «شرک» چیزی است که دلیل ندارد، چون اصلًا همتایی برای خدا نیست تاکسی بدان علم داشته باشد. یعنی شرک قابل اثبات نیست و دلیل ندارد و همین بزرگ‌ترین دلیل بر بطلان آن است. ۱۱. معیار اطاعت «علم» است پس انسان حق ندارد جاهلانه و ناآگاهانه از چیزی پیروی کند. ۱۲. تعبیر «جَاهَدَاكَ» اشاره به آن است که پدر و مادر ممکن است از راه دل‌سوزی بکوشند که عقاید شرک‌آمیز خود را به فرزندان بیاموزند تا به گمان خود سعادت آنان را تأمین

کنند؛ یعنی آنها حتی در این مورد نیز قصد دل‌سوزی دارند. ۱۳. با پدر و مادر مشرک نیز به طور شایسته و پسندیده رفتار کنید و با آنها مصاحبت و همراهی نمایید؛ یعنی هر چند عقاید آنان را قبول ندارید ولی آنها پدر و مادر شما هستند، پس در همان حال که توحید و استقلال فکری خود را حفظ می‌کنید حریم و احترام پدر و مادر را نیز نگه دارید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۱۹ ۱۴. راه توبه کاران مطلوب خداست و چون همه به سوی او باز می‌گردید، پس از همین حالا توبه و بازگشت را شروع کنید. ۱۵. خدا کارها را زیر نظر دارد و در نهایت انسان را از اعمالش آگاه می‌کند. آری؛ اعمال شما کاملًا ضبط می‌شود و هم چون فیلم و نوار به شما ارائه می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر زحمات پدر و مادر را بدانید و از آنان تشکر کنید، اگرچه کافر باشند. ۲. خدمت به پدر و مادر، از وظایف انسانی شماست. ۳. زحمات مادر را فراموش نکنید. ۴. تشکر از پدر و مادر هم‌ردیف سپاس‌گزاری از خداست. ۵. با مطالعه در مورد دوران طفولیت خود قدرشناس زحمات مادر شوید. ۶. فرمان خدا، مقدم بر فرمان پدر و مادر است. ۷. راه بازگشت به سوی خدا را برگزینید و به راه شرک بدون دلیل نروید. ۸. از روز بازگشت و افشاشدن اعمالتان بیمناک باشید و رفتار نیکویی با پدر و مادر داشته باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۰ پدر و مادر در قرآن و حدیث الف) حقوق پدر و مادر: ۱. به آنان نیکی کنید (اسراء، ۲۳). ۲. به آنان کوچک‌ترین سخن ناراحت کننده‌ای نگویید (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۴؛ عنکبوت، ۸ و احقاف، ۱۵). ۳. با آنان کریمانه و بزرگوارانه سخن بگویید (اسراء، ۲۴). ۴. در برابر آنان فروتن باشید (اسراء، ۲۵). ۵. به آنان دعا کنید (اسراء، ۲۵). ۶. سپاس‌گزار آنان باشید (لقمان، ۱۴). ۷. «نیکی کنید به پدر و مادر اگر چه مشرک یا فاجر باشند.» (امام صادق علیه السلام) «۱». ۸. «نیکی به پدر و مادر بعد از مرگ آنان نیز لازم است (مثل نماز، صدقه، حج، روزه و استغفار برای آنان).» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۲». ۹. «حق پدر آن است که کاملًا از او اطاعت کنید.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) «۳». ۱۰. «حق پدر آن است که او را با نام نخوانید، جلوتر از او راه نروید، قبل از او ننشینید، موجبات دشنام به او را فراهم نکنید.» (امام کاظم علیه السلام) «۴». ب) پدر مهم‌تر است یا مادر: ۱. زحمات مادر در دوران بارداری را فراموش نکنید (لقمان، ۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۱ ۲. «بهشت تحت گام‌های مادران است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» و در حدیث دیگری ایشان در پاسخ کسی که از نیکی به افراد پرسید سه بار به مادر اشاره کردند و در مرتبه‌ی چهارم از پدر یاد فرمودند. ج) در چه مواردی از پدر و مادر اطاعت نکنیم: ۱. اگر پدر و مادر تلاش کردند شما را به شرک بکشانند اطاعت نکنید (عنکبوت، ۸ و لقمان، ۱۵). ۲. «در همه چیز از آنان اطاعت کنید مگر در مورد نافرمانی خدا.» (امام علی علیه السلام). «۲» د) پیامدهای نیکی به پدر و مادر: ۱. «نیکی به پدر و مادر عمر را زیاد و رزق را فراوان می‌کند.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۳» ۲. «پدر و مادر بهشت و دوزخ تو هستند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۴» ۳. «به پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۵» ۴. «محبوب‌ترین کار نزد خدا بعد از نماز در وقت، نیکی به پدر و مادر است.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۶» ۵. «خشنودی خدا در خشنودی پدر است.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۷» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۲ ه) پیامدهای بدکاری نسبت به پدر و مادر (عاق والدین): ۱. عاق پدر و مادر چیست؟ از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام روایت شده که «نگاه تند به آنان کردن، با خشم به آنان نگریستن، آنان را ناراحت کردن، کشتن یکی از آنان و ... موجب عاق می‌شود.» «۱» ۲. «عاق پدر و مادر از بزرگ‌ترین گناهان نزد خدا در رستاخیز است.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۳. «دو چیز است که در دنیا کیفر آن با شتاب داده می‌شود: ستمکاری و عاق پدر و مادر.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله).» ۴. «عاق پدر و مادر موجب محرومیت از آمرزش می‌شود.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله). «۴» ۵. «عاق پدر و مادر، توفیق اطاعت از خدا را از انسان سلب می‌کند.» (امام رضا علیه السلام). «۵» ۶. «کسی که علیه پدرش دعا کند، موجب فقر او می‌شود.» (امام صادق علیه السلام). «۶» ۷. «کسی که عاق پدر و مادر شود نمازش مورد قبول واقع نمی‌شود.» (امام صادق علیه السلام). «۷» ۸. «عاق پدر و مادر موجب ذلت و قلت می‌شود.» (امام هادی

علیه السلام). «۸» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۳ قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی لقمان به علم بی‌کران الهی و حاضر کردن اعمال در رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (لقمان گفت:) ای پسرکم! در حقیقت، اگر آن (کردارتو) هم وزن دانه‌ای از سپندان باشد و در صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین قرار گیرد، خدا آن را (برای حساب) می آورد؛ [چرا] که خدا لطیفِ آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «خَردَل» به گیاهی گفته می‌شود که دانه‌های سیاه بسیار کوچکی دارد و در کوچکی ضرب المثل شده است. این تعبیر اشاره به آن است که اعمال شما هر اندازه کوچک باشد باز هم خدا آنها را جمع‌آوری و حساب می‌کند و چیزی در دستگاه الهی گم نمی‌شود. «۱» ۲. آگاهی انسان از این که همه‌ی اعمال نیک و بد او در صفحه‌ی علم الهی ضبط می‌شود و مورد محاسبه قرار می‌گیرد، عامل کنترل کننده‌ی انسان و زمینه‌ساز اصلاحات فردی و اجتماعی است، به طوری که هر کس به این مطلب توجه داشته باشد، به طرف کارهای نیک می‌رود و از کارهای بد دوری می‌گزینند. ۳. «صَخْره» برای نشان دادن مکان‌های سخت و محفوظ و «سموات» (آسمان‌ها) و «ارض» (زمین) برای نشان دادن مکان‌های دور است، که خدا از همه‌ی این مکان‌ها آگاه است و هیچ چیز مانع علم او نمی‌شود؛ چرا که علم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۴ او حضوری است و او در همه جا حاضر و ناظر است. ۴. «لطیف» از ماده‌ی لُطف است که در مورد اجسام به معنای سبکی است و گاهی به معنای دقیق، رسیدگی پنهانی به امور، خالق اشیای ظریف و ناپیدا، اهل مدارا و رفاقت، پاداش دهنده‌ی اهل وفا و بخشاینده‌ی اهل جفا و آن که عطای خود را کم می‌شمارد «۱» به کار می‌رود و در مورد حرکات به معنای حرکات کوچک و زود گذر است. گاهی نیز به معنای موجودات و کارهای بسیار دقیق و باریک به کار می‌رود که با حسّ قابل درک نیستند. و این که می‌گوییم خدا لطیف است، یا بدان معناست که ذات پاک او با احساس کسی درک نمی‌شود و یا آن که او آفریننده‌ی چیزهای ریز و ناپیدا و دارای افعالی است که از محیط قدرت ما بیرون است؛ همان گونه که در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بدین معنا اشاره شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی اعمال کوچک و بزرگ و ظاهر و پنهان شما ضبط و محاسبه می‌شود (پس مراقب اعمال خود باشید). ۲. به یاد رستاخیز و حساب‌رسی دقیق آن باشید. ۳. هم چون لقمان فرزندان خود را با علم بی‌کران الهی و حساب رستاخیز آشنا سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی لقمان به چهار پند لقمان در مورد احکام عبادی و اجتماعی و شکیبایی در مشکلات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلاةَ وَأْمُرْ بِالمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ المُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الامُورِ ای پسرکم! نماز را برپا دار و به [کار] پسندیده فرمان بده و از [کار] ناپسند منع کن و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکی از تصمیم استوار (شما در) کارهاست؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین پندهای لقمان در مورد امور اعتقادی و اصول دین، هم چون توحید و معاد بود و اینک در این آیه در مورد احکام و فروع دین اندرز می‌دهد و در مورد وظایف فردی و اجتماعی، یعنی نماز، امر به معروف و نهی از منکر سفارش می‌کند. ۲. نماز مهم‌ترین راه پیوند انسان با معبود خویش است و آن قدر اهمیت دارد که ستون دین شمرده شده است. نماز روح را پاک و زندگی را روشن می‌کند و نور ایمان را در قلب انسان می‌تاباند و انسان را از کارهای زشت باز می‌دارد. ۳. همان طور که در دین اسلام نماز وجود دارد، در ادیان پیشین در عصر لقمان نیز نماز وجود داشته است، هر چند ممکن است شکل و جزئیات آنها متفاوت بوده باشد. ۴. «معروف» در لغت به معنای «شناخته شده» و «منکر» به معنای «ناشناس» است؛ بنابراین از کارهای نیک به عنوان اموری شناخته شده و از کارهای زشت و ناپسند به عنوان اموری ناشناس یاد شده است چه این که فطرت پاک انسانی با دسته‌ی اول آشنا و با منکرات ناآشناست. آیات فراوان قرآن و روایات متعددی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر آمده است، اهمیت این دو وظیفه‌ی اجتماعی را نشان می‌دهد. برای مثال، از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند: امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی است که بقیه‌ی واجبات با آنها بر پا می‌شوند و به وسیله‌ی این دو، راه‌ها امن می‌گردند و کسب و کار مردم

حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه‌ی آنها زمین‌ها آباد و از دشـمنان انتقام گرفته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۶ می‌شود و در پرتو آنها همه‌ی کارها رو به راه می گردد. «۱» و در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید خدا ستمگران را بر شـما مسلط می کند و دعایتان مستجاب نمی‌شود و توبه‌ی شما قبول نخواهد شـد. و نیز از ایشان روایت شـده که «امر کننده‌ی به معروف و نهی کننده از منکر از بهترین مردم به شـمار می‌آید». «۲» ۵. از آن جا که کارهای ناپسـند افراد در اجتماع به صورت زیان‌های اجتماعی درمی‌آیـد، پس عقل اجازه می‌دهـد که افراد اجتماع در پاک نگه داشـتن محیط زیست خویش، بکوشـند؛ زیرا هر آتشـی که در اجتماع برافروخته گردد، به نقاط دیگر نیز سـرایت خواهد کرد. آری؛ گناهکـاران در اجتماع، هم چون مسافران کشتی هسـتند که می‌خواهنـد قسـمتی از کشتی را سوراخ کننـد و جامعه‌ی انسانی را نابود سازند. «۳» بنـابراین، امر به معروف و نهی از منکر یـک وظیفه‌ی عقلی و یک حقّ طبیعی انسان‌هاست که ناشـی از پیونـد سرنوشـت انسان‌هـا در اجتماع است. پس آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر ارشادی هسـتند. ۶. از مجموع آیات قرآن در مورد امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آیـد تفسیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۲۲۷ کـه امر بـه معروف و نهی از منکر دارای دو مرحله است: الف) مرحله‌ی فردی که یک وظیفه و واجب عمومی است و هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشـد و از آن جـا که توانایی افراد محـدود است، شـعاع این مرحله نیز محـدود است و از حـد تـذکّر، انـدرز دادن، اعتراض کردن و انتقاد نمودن به خلاف‌کاران و مفسـدان تجاوز نمی کند. ب) مرحله‌ی دوم امر به معروف و نهی از منکر مخصوص گروهی خاص از مردم مسـلمان است که به صورت جمعی عمل می کنند و یک واجب کفایی و دارای قدرت و شـعاع عمل وسیعی است. این مرحله که از شئون حکومت اسـلامی به شـمار می‌آیـد، شامل شـدت عمل و اجرای حـدود و تعزیرات نیز می‌شود. البتّه مرحله‌ی دوم باید زیر نظر حاکم شـرع و با اجازه‌ی حکومت اسـلامی انجام گیرد، تا از هرج و مرج در جامعه جلوگیری شود. این همان چیزی است که امروزه تحت عنوان بازرسـی و نظـارت و یـا حتی سازمان‌هـای امر به معروف و نهی از منکر در برخی کشورهـای اسـلامی اجرا می‌شود که لازم است تکمیل شود. «۱» ۷. امر به معروف و نهی از منکر مراتبی نیز دارد؛ یعنی ابتدا انسان باید قلباً از کار ناپسـند ناراحت شود و در مرتبه‌ی دوم آثار ناراحتی در چهره‌ی او نمایان شود و سپس با اشاره یا گفتار نرم و مؤدبانه و از روی دل سوزی انجام وظیفه کند و جز در مـوارد ضـروری از راه‌هـای مسـالمت‌آمیز وارد شـود، تـا امر به معروف و نهی از منکر او اثر معکوس به جـای نگـذارد. امر کننـده و نهی کننده باید معروف و منکر را به خوبی بشـناسد و در جایی اقدام کند که احتمال تأثیر داشـته باشد و مفسده‌ی مهمی به دنبال نداشته باشد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۸ ۸. امر به معروف و نهی از منکر با آزادی انسان منافاتی ندارد؛ چرا که از طرفی این یک قانون پذیرفته شده در اسلام است که در قرآن بیان شده و مسلمانان آن را پذیرفته‌اند؛ پس آزادی هر مسلمانی در چهار چوب قانون اسـلام، منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر ندارد. و از طرف دیگر، زندگی اجتماعی که برای بشر فواید و برکات فراوانی دارد، محدودیت‌هایی را نیز برای انسان به بار می‌آورد و افراد اجتماع در سرنوشت هم اثر دارند و یکی از این موارد همـان حقّ طـبیعی نظـارت عـمومی است که به عنـوان یـک وظیفه‌ی عقلی نیز مطرح است و مـا آن را امر به معروف و نهی از منکر می‌خوانیم. ۹. واژه‌ی «عَزْم» به معنای اراده‌ی محکم است و در این جا یا به معنای کارهایی است که از طرف خدا دسـتور محکم در مـورد آنهـا داده شـده است و یـا کارهـایی است که عزم آهنین و تصـمیم راسـخ انسـان را می‌طلبـد. یعنی صـبر و اسـتقامت در برابر مصـیبت‌ها نیاز به تصـمیم جدّی دارد که انسان در برابر مشـکلات تسـلیم نشود و مقاومت نماید. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. هم چون لقمان احکام و اسـتقامت را به فرزندان خود بیاموزید. ۲. به وظـایف عبادی و اجتماعی خویش، هم چون نماز، امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دهید. ۳. در برابر مشکلات عزم خود را جزم کنید و استقامت نمایید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۲۹ *** قرآن کریـم در آیـات هیجـدهم و نـوزدهم سـوره‌ی لقمـان به پنـدهای اخلاـقی لقمـان در مـورد روابـط اجتمـاعی اشـاره می کنـد و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. وَلا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنَّاسِ وَلا تَمْشِ فِی الأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ* وَاقْصِدْ فِی مَشْیِکَ

وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ إنَّ أنکَرَ الأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الحَمِیرِ و از مردم، رخت را (متکبّرانه) برنتاب؛ و در زمین با سرمستی و تکبّر راه نرو، [چرا] که خدا هیچ متکبّر خیال‌پردازِ فخرفروشی را دوست ندارد؛* و در راه رفتنت، مُعتدل باش و صدایت را فروکاه؛ [چرا] که مسلماً، ناپسندترین صداها، صدای الاغ‌هاست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات از دو صفت نهی شده است که عبارت‌انداز: خود برتربینی و خودپسندی و به دو صفت فرمان داده شده است که عبارت‌انداز: اعتدال در عمل و سخن. آری؛ اگر کسی این چهار صفت را رعایت کند زندگی موفقی خواهد داشت و در میان مردم محبوب خواهد شد. ۲. «تُصعّر» نوعی بیماری برای شتران است با این نشانه که گردن خود را کج می‌کنند. این واژه اشاره دارد که انسان‌های متکبّر به نوعی بیماری روانی و اخلاقی گرفتار شده‌اند. «۱» ۳. «مَرَح» به معنای غرور و مستی ناشی از نعمت است که انسان‌های متکبّر ثروتمند، در هنگام راه رفتن به صورتی مغرورانه و مستانه حرکت می‌کنند که قرآن این صفت زشت را سرزنش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۰ بگذر ز کبر و ناز، که دیدست روزگار چین قبای قیصر و طرفِ کلاه کی هشیار شو که مرغ چمن مست گشت هان بیدار شو که خواب عدم در پی است هی! (حافظ) ۴. انسان‌های مغرور و متکبّر، در اثر خیالات، گرفتار خود بزرگ بینی شده‌اند، «۱» چون از شخصیت واقعی خود تصویر درستی ندارند، بلکه گرفتار نوعی از خودبیگانگی هستند. ۵. «فَخُور» به معنای کسی است که نسبت به دیگران فخرفروشی می‌کند و این فخرفروشی در اعمال و کردار او ظاهر می‌شود. ۶. در احادیث روایت شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را مشاهده کردند که گرد دیوانه‌ای جمع شده‌اند، حضرت پرسیدند: «این‌ها برای چه چیز جمع شده‌اند؟» آنان جواب دادند که: برگرد دیوانه‌ای که گرفتار صرع است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این دیوانه نیست بیمار است، دیوانه‌ی واقعی کسی است که متکبرانه گام برمی‌دارد و همواره به پهلوهای خود نگاه می‌کند و پهلوهایش را به همراه شانه‌ها تکان می‌دهد. «۲» ۷. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس از روی غرور و تکبّر بر زمین راه رود، زمین و هرکس زیر آن و روی آن است به او لعنت می‌کنند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۱ ۸. در احادیث اسلامی در مورد معاشرت نیکو با مردم سفارش شده است و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به دیگران توصیه می‌کرد: برادر مسلمانت را با روی گشاده ملاقات کن. «۱» و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: نیکوکاری و حُسن خُلق، خانه‌ها را آباد و عُمرها را زیاد می‌کند. «۲» ۹. و در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که تواضع و فروتنی، اصل هر خیر و سعادت است و تواضع مقام بالایی است ... و هر کس برای خدا فروتنی کند، خدا او را بر بسیاری از بندگانش شرافت و برتری می‌بخشد ... و هیچ عبادتی نیست که مورد قبول خدا و مورد رضایت او قرار گیرد، مگر این که راه ورود آن فروتنی است. «۳» ۱۰. در این آیات لقمان حکیم به فرزندش پند می‌دهد که در راه رفتن و سخن گفتن حالت اعتدال را رعایت کن و از افراط و تفریط دوری نما. البتّه روشن است که تکیه‌ی لقمان بر راه رفتن و آهنگ صدا، به عنوان مثال و مصداق است، و گرنه هرکاری که نشانه‌ی تکبّر و خودپسندی و غرور باشد، ناپسند است. ۱۱. لقمان صدای نامناسب و بلند را به صدای الاغ تشبیه کرده است، هرچند در محیط زندگی صداهای دل خراش‌تر از آن (هم چون صدای تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۲ برخورد دو چیز فلزی) وجود دارد، اما این‌ها عمومیت ندارد و زشت بودن غیر از دل‌خراش بودن است. آری الاغ به خاطر این که بی‌موقع و گاه بی‌جهت صدای نکره‌ای از خود خارج می‌سازد صدای آن ضرب المثل شده است. به قول سعدی شیرین سخن: ز تیشه نخراشد ز روی خارا گِل چنان که بانگ درشت تو می‌خراشد دل ۱۲. مثال زدن به صدای الاغ و آن را زشت شمردن، به معنای توهین به مخلوقات خدا نیست، بلکه بیان یک واقعیت از مراتب وجود مخلوقات است؛ یعنی انسان با مقام والای خود ممکن است به مقام پایین‌تری تنزّل یابد و هم چون الاغ شود. ۱۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که این آیه را به صدای عطسه‌ی بلند و فریاد زدن در هنگام سخن گفتن تفسیر کرده‌اند. «۱» روشن است که این موارد از باب بیان مصداق است و شاید تأکید بر صدای الاغ نیز از باب مثال و مصداق صدای زشت باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مردم خوش‌رفتار باشید و در برابر آنان تکبّر نورزید. ۲. خودبرتربینی نوعی خیال‌پردازی است.

۳. در کارها و سخنانتان اعتدال را رعایت کنید. ۴. خودبرتربینی و خودپسندی مطلوب حق نیست (بلکه فروتنی و خوش‌رفتاری محبوب حق است). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۳

تسخیر موجودات برای انسان

قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی لقمان به تسخیر آسمان‌ها و زمین و نعمت‌های ظاهری و باطنی الهی برای انسان و مجادلات بی‌دلیل افراد ناسپاس اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. أ لَمْ تَرَوْا أنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمَوَاتِ وَمَا فِی الأرْضِ وَأسْبَغَ مَنْ یُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَلا ـ هُدیً وَلا ـ کِتَابٍ مُنِیرٍ آیا نظر نکرده‌اید که خدا (منافع) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخّر ساخت و نعمت‌هایش را آشکارا و پنهانی بر شما گسترد و تمام کرد؟! و [لی از میان مردم کسی‌است که بدون هیچ دانش و هیچ رهنمود و هیچ کتاب روشنی‌بخش، در باره‌ی خدا مجادله می‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تسخیر موجودات آسمان‌ها، هم چون ماه و خورشید و ستارگان، آن است که خدا آنها را آفریده و در خدمت بشر در آورده است و انسان‌ها از نور و گرما و فواید دیگر آنها استفاده می‌کنند؛ و مقصود از تسخیر موجودات زمینی آن است که خدا آنها را آفریده و رام انسان ساخته و در خدمت منافع بشر قرارداده است که انسان‌ها بتوانند بر زمین، منابع و حیوانات و گیاهان آن تسلّط یابند و از آنها استفاده کنند. ۲. مقصود از نعمت‌های ظاهری و باطنی خدا چیست؟ پاسخ آن است که مفسران قرآن نعمت‌های ظاهری را چند گونه تفسیر کرده و آن را به معنای نعمت‌هایی هم‌چون آفرینش، حیات، انواع روزی‌ها و اعضای ظاهری بدن و سلامت آنها دانسته‌اند و نعمت‌های باطنی را به معنای اموری که بدون مطالعه قابل درک نیست، هم‌چون قدرت‌های روحی و قلب و معرفت الهی. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۴ البتّه هر کدام از این موارد یکی از مصادیق نعمت‌های ظاهری و باطنی است و منافاتی با هم‌دیگر ندارد. «۱» ۳. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که نعمت ظاهری، «اسلام» و آفرینش منظم انسان و روزی‌های خداست و نعمت باطنی، پوشاندن زشتی‌های انسان و رسوا نکردن او در برابر مردم است. «۲» و در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که نعمت ظاهری وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفت الهی و توحید است، اما نعمت باطنی، ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیمان دوستی با آنهاست. «۳» البتّه این گونه احادیث مصادیق یا مصداق‌های کامل نعمت‌های ظاهری و باطنی را برمی‌شمارند و منافاتی با هم‌دیگر ندارند همان طور که مانع دلالت گسترده‌ی آیه برمصادیق دیگر نیست. ۴. مخالفان راه خدا، از علم و هدایت و کتاب استفاده نمی‌کنند. شاید واژه‌ی «علم» اشاره به ادراکات عقلی انسان و «هدایت» اشاره به معلمان و رهبران الهی و دانشمندان باشد که می‌توانند انسان را رهبری و راه‌نمایی کنند و واژه‌ی «کتاب» اشاره به علوم نقلی که از طریق وحی به بشر می‌رسد. یعنی مشرکان مخالف دین اسلام، نه خود دانشی دارند و نه به دنبال راه‌نمایان بشریت می‌روند و نه از علوم نقلی کمک می‌گیرند؛ و از این رو به مجادلات و مباحثات بیهوده می‌گرایند و گمراه می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به نعمت‌های الهی در پهنه‌ی آسمان و زمین و در درون و برون بنگرید (و سپاس‌گزار او باشید). ۲. همه‌ی نعمت‌های الهی آشکار نیست، برخی (هم‌چون ولایت اهل‌بیت علیهم السلام) پنهان است و نیاز به دقت دارد. ۳. در مباحث اعتقادی، از دانش (عقلی)، نقلی و راه‌نمایی (رهبران الهی) استفاده کنید. ۴. بدون علم و دلیل درباره‌ی خدا بحث نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی لقمان پیروی کورکورانه از نیاکان را سرزنش کرده و آن را کاری شیطانی و دوزخی می‌خواند و می‌فرماید: ۲۱. وَإذَا قِیلَ لَهُمُ ا تَّبِعُوا مَا أنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَیْهِ آبَاءَنَا أوَ لَوْ کَانَ الشَّیْطَانُ یَدْعُوهُمْ إلَی عَذَابِ السَّعِیرِ و هنگامی که به آنان گفته شود: «آنچه را خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید.»، می‌گویند: «بلکه آنچه پدرانمان را برآن یافته‌ایم پیروی می کنیم.» و آیا (آنان را پیروی می‌کنند) اگر چه شیطان آنان را به عذاب شعله‌ی فروزان (آتش) فرا می‌خوانَد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان نسبت به فرهنگ گذشته‌ی خویش می‌تواند به سه صورت عمل کند: الف) این که همه‌ی عناصر فرهنگ

گذشتگان را کنار گذارد. ب) این که همه‌ی عناصر فرهنگ گذشتگان را بپذیرد و از آنها تقلید کند. ج) آن که عناصر مثبت، سازنده و مستدل آنها را بپذیرد و عناصر خرافی، بدون دلیل و ضد عقل و علم و مخالف دین را کنار گذارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۶ به نظر می‌رسد که راه صحیح همین شیوه‌ی سوم است و قرآن شیوه‌ی دوم را سرزنش می‌کند. اصولًا اگر انسان عقل و فکر خود را در بست در اختیار پیشینیان بگذارد این کار نتیجه‌ای جز عقب‌گرد و ارتجاع نخواهد داشت؛ زیرا معمولًا نسل‌های بعد از نسل‌های پیشین با تجربه‌تر و آگاه‌ترند، اما مانعی ندارد که نسل‌های آینده آداب و سنّت‌های گذشتگان را تحلیل و بررسی کنند و آنچه با عقل و منطق و دین سازگار است را حفظ کرده، آنچه خرافه و موهوم و بی‌دلیل است دور بریزند. ۲. تقلید از افراد می‌تواند به چند صورت باشد: الف) تقلید عالِم از عالِم که صحیح نیست. ب) تقلید عالِم از جاهل که باز هم صحیح نیست. ج) تقلید جاهل از جاهل که این هم صحیح نیست. د) تقلید افراد نا آگاه از دانشمندان مثل پیروی از نظرهای پزشک متخصص در امور درمانی، که صحیح و مورد پذیرش همه‌ی عقلاست و در همین راستاست که ما تقلید در احکام فرعی دین از مراجع تقلید را می‌پذیریم. قرآن کریم در آیه‌ی فوق تقلید کورکورانه‌ی افراد از نیاکان جاهل را سرزنش می‌کند و در همین راستاست که ما تقلید در اصول دین را صحیح نمی‌دانیم. ۳. آیه‌ی ۱۷۰ سوره‌ی بقره مشابه این آیه است با این تفاوت که در پایان آن آیه اشاره می‌کند که: «آیا از پدران خودتان پیروی می‌کنید، اگرچه هیچ تعقّل نکرده و هدایت نشده باشند!» و در این جا بر شیطانی بودن و دوزخی بودن کار پدرانشان تأکید می‌کند. ۴. قرآن کریم در این آیه پرده را کنار می‌زند و حقیقت پیروی کورکورانه از نیاکان را نشان می‌دهد؛ یعنی پیروی از نیاکان ظاهری فریبنده دارد که چهره‌ی واقعی آن پیروی از شیطان و فرجام آن دوزخ است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۷ یعنی در پس پرده‌ی خرافه‌ها و بت‌پرستی و شرک پدرانتان، شیطان ایستاده است و فرمان می‌دهد؛ آیا بازهم از او اطاعت می‌کنید! ۵. «شیطان» در اصل به معنای هر موجود شرور و پلید است اعم از آن که انسان یا جن باشد و به «ابلیس» مشهور نیز به همین مناسبت شیطان می‌گویند. «۱» در این آیه ممکن است مقصود از شیطان همان ابلیس مشهور باشد که پدران مشرکان و نیز خود آنان را فریب می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نیاکان خود کورکورانه تقلید نکنید. ۲. پیروی کورکورانه از پدران، کاری شیطانی است که انسان را به دوزخ می‌کشاند. ۳. مخالفان اسلام، دلیل منطقی برای دفاع از عقاید خود ندارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی لقمان به سعادتمندی مؤمنان نیکوکار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. وَمَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالعُرْوَهِٔ الوُثْقَی وَإِلَی اللَّهِ عَاقِبَهُٔ الامُورِ و کسی که چهره‌اش (: وجودش) را تسلیم خدا کند، در حالی که او نیکوکار است، پس قطعاً، به دستاویزی استوار تمسّک جسته است؛ و فرجام همه‌ی کارها فقط به سوی خداست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «وَجْه» در اصل به معنای «صورت» است و از آن‌جا که صورت شریف‌ترین عضو ظاهری بدن است، به عنوان کنایه از ذات انسان به کار رفته تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۸ است و مقصود آن است که انسان با تمام وجود به ذات پروردگار توجه کند، ایمان آورد و تسلیم فرمان او باشد تا به دستگیره‌ی محکم الهی چنگ زند. من همان روز دل و صبر به یغما دادم که مقیّد شدم آن دلبر یغمایی را (سعدی) ۲. «العُروهِٔ الوُثقی» به معنای دستگیره‌ی محکم است و اشاره به آن دارد که هرکس بخواهد از دره‌ی عمیق مادیگری به بلندترین قله‌های معرفت و معنویت راه یابد، نیازمند دستگیره‌ای محکم است که این دستگیره همان ایمان و نیکوکاری است. ۳. در احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از «عُروهٔ الوثقی» امام علی علیه السلام و دوستی با آل محمد صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. «۱» البتّه این گونه احادیث مصداق‌های روشن و کامل آیه را بیان می‌کند و منافاتی با وجود مصادیق دیگر هم چون توحید و تقوا ندارند. ۴. سعادت انسان دو بخش اعتقادی و عملی دارد که بر هم دیگر تأثیر دارند و هر کس ایمان را با عمل همراه سازد، به دستگیره‌ی محکم الهی چنگ زده است و سعادتمند خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دستگیره‌ی محکم نجات، ایمان و نیکوکاری است. ۲. نجات و سعادت دو بخش اعتقادی و عملی دارد (و تکیه بر یک بخش کافی نیست). ۳. با تمام وجود تسلیم حق باشید که فرجام همه‌ی

کارها فقط به سوی اوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۳۹ قرآن کریم در آیات بیست و سوم و بیست و چهارم سوره‌ی لقمان با دل‌داری به پیامبر صلی الله علیه و آله، به کافران هشدار داده، می‌فرماید: ۲۳ و ۲۴. وَمَنْ كَفَرَ فَلا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّؤُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ* نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ و کسی که کفر ورزد، پس کفر او تو را اندوهگین نسازد؛ (زیرا) بازگشتشان تنها به سوی ماست و آنان را از آنچه انجام داده‌اند، خبر می‌دهیم؛ [چرا] که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست.* اندکی آن [کافر] ها را (از دنیا) برخوردار می‌کنیم، سپس آنان را به سوی عذابی سخت می‌کشانیم؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به مردم بسیار دل‌سوز بود و حتی از کفرکافران به شدّت اندوهگین می‌شد که چرا آنان لجاجت می‌کنند و راه دوزخ را برمی‌گزینند، از این رو خدای متعال پیامبرش را در این آیات دل‌داری می‌دهد که ناراحت مباش (آنان به خود ستم می‌کنند و تو وظیفه‌ی خود را انجام داده‌ای). ۲. «نبأ» به معنای خبر مهم، صریح، آشکار و خالی از دروغ است. این تعبیر اشاره به آن است که خدا در رستاخیز چنان افشاگری صریح و آشکاری از اعمال انسان‌ها می‌کند که جای انکار و اعتراض باقی نمی‌ماند. ۳. «ذات الصُدور» به معنای درون سینه‌هاست که کنایه از اسرار درونی انسان‌هاست. همان طور که درفارسی نیز می‌گوییم «اسرار این مطلب درون سینه‌ی من است.» پس مقصود قفسه‌ی سینه انسان نیست، بلکه اسرار درون ذهن و دل او مراد است. ۴. نعمت‌های دنیویِ کافران اندک است، چون دنیا با همه‌ی بزرگی‌اش در برابر نعمت‌های معنوی و اخروی ناچیز است. این نعمت‌های اندك دنیوی را نیز خداوند به آنها داده است (تا آنان را امتحان کند) و به آنان هشدار می‌دهد که فرجام آنان به سوی دوزخ است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی آن قدر دلسوزند که حتی به خاطر مخالفان خود نیز اندوهگین می‌شوند. ۲. رهبران الهی به خاطر کافران لجوج ناراحت نباشند که حسابشان با خداست. ۳. خدا از اعمال و نیز از باطن ذهن شما و افکارتان آگاه است (پس مراقب اعمال و عقاید خود باشید). ۴. کافران از رستاخیز و افشاگری‌های آن و عذاب شدیدش بهراسند (و دست از کفر بردارند). ۵. دنیا باهمه‌ی بزرگی‌اش، اندك و ناچیز است. ۶. کافران در رستاخیز از خود اختیاری ندارند و با اجبار آنان را به سوی دوزخ می‌برند (پس برای آن روز اندیشه کنید). ***

سه صفت خدا (مالک– توانگر – ستوده)

قرآن کریم در آیات بیست و پنجم و بیست و ششم سوره‌ی لقمان با بیان سه صفت خدا به اعتراف کافران نسبت به خالقیت خدا و نادانی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵ و ۲۶. وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ* لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الغَنِيُّ الحَمِيدُ و اگر از آن [کافر] ها بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟» حتماً می‌گویند: «خدا»، بگو؛ «ستایش مخصوص خداست.» بلکه بیش‌ترشان نمی‌دانند.* آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آنِ خداست؛ [چرا] که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این دو آیه به چهار صفت خدا اشاره شده است که عبارت‌انداز: خالقیت، مالکیت، توانگری و ستوده بودن او، که همه حق است. «۱» ۲. مشرکان براساس فطرت توحیدی خود منکر خالقیت خدا نبودند و شرک آنان در جهت شرك در عبادت و شفاعت بود که برای بت‌ها قایل بودند. ۳. آفرینشگری خدا دلیل بر ستایش (و پرستش) اوست، ولی مشرکان این را درک نمی‌کنند که نباید موجودات ناتوانی را که خود مخلوق هستند، به جای خالق جهان بپرستند. ۴. خدایی که جهان را آفریده است، به طور طبیعی مالك آن نیز هست؛ بنابراین توحید در مالکیت نیز اثبات می‌شود. ۵. تنها خدای توانگر و بی‌نیاز شایسته‌ی پرستش است؛ چرا که همه چیز جهان را آفریده و نیازمند چیزی نیست و هموحمید و ستوده است؛ چرا که همه‌ی خوبی‌ها و نعمت‌ها از اوست. آری؛ اگر زیبایی گل را می‌ستاییم یا جاذبه‌ی عشق ملکوتی را وصف می‌کنیم، در حقیقت او را ستایش می‌کنیم که این زیبایی‌ها از اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر کنید تا به صفات دیگر خدا پی‌ببرید. ۲. شرك و کفر، ریشه در ناآگاهی افراد نسبت به

صفات خدا دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۲ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی لقمان با یک مثال گویا به گستردگی موجودات و جهان و عظمت علم خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ و اگر (برفرض) هر درختی که در زمین است قلم شود، درحالی که دریا (مرکب شود و) بعد از آن، هفت دریا به کمکش آید، (آفریده‌ها و) کلمات خدا پایان نمی‌یابد؛ به راستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. شأن نزول: برخی مفسران حکایت کرده‌اند که یهودیان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشکال نمودند که تو از طرفی می‌گویی بهره‌ی من از علم اندک است «۱» و از طرف دیگر در قرآن آمده است که به هر کس حکمت داده شود به او خیر فراوان داده شده است «۲» و این در حالی است که به ما تورات و به تو قرآن داده شده و این سخنان با هم سازگار نیست. در این جا بود که آیه‌ی فوق فرود آمد و پاسخ آنان را داد و اشاره کرد که علم بشر هراندازه گسترده باشد، دربرابر علم خدا بسیار اندک است. «۳» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی ۱۰۹ سوره‌ی کهف مشابه این آیه است و در آن جا می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۳ « (ای پیامبر) بگو اگر دریاها برای (نوشتن آفریده‌ها و) کلمات پروردگارم مرکب شود، حتماً دریاها پایان می‌گیرد، پیش از آن که (آفریده‌ها و) کلمات پروردگارم پایان یابد، اگر چه همانند آن (دریاها) را به کمک آنها آوریم.» ۲. تعبیر «هفت» در لغت عرب برای بیان کثرت است؛ «۱» یعنی اگر تعداد زیادی دریا باشد بازهم نمی‌شود آفریده‌ها و کلمات الهی را ثبت کرد. ۳. «کلمات» در اصل به معنای الفاظی است که با آن سخن گفته می‌شود، و دلالت بر معنا دارد و از آن جا که موجودات این جهان دلیل بر علم و قدرت پروردگارند، به هر موجودی «کلمة اللَّه» می‌گویند. در این آیه نیز اشاره به موجودات جهان هستی است که هر کدام حکایت از صفات گوناگون پروردگار می‌کنند. ۴. جهان هستی و موجودات آن گسترده‌تر از آن است که شما می‌بینید و گمان می‌کنید؛ یعنی آن قدر جهان عظمت دارد که اگر دریاها مرکب شوند و بخواهند نام و صفات موجودات آن را بنویسند، دریاها تمام می‌شود پیش از آن که شمارش تمام شود؛ آری، نشانه‌های علم و قدرت الهی بی‌نهایت است. ثنای عزّت حضرت نمی‌توانم گفت که ره نمی‌برد آن جا قیاس و وهم و خیال بر آستان عبادت وقوف کن سعدی که وهم منقطع است از سرادقات «۲» جلال ۵. این آیه به علم بی‌کران الهی نیز اشاره دارد، چرا که اگر جهان هستی و موجودات او بی‌انتهاست و علم خدا نیز به آنها شهودی و حضوری است، او بر همه‌ی پهنه‌ی هستی احاطه‌ی علمی دارد و در همه جا حاضر است، پس علم خدا نیز بی‌انتها و نامحدود است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کلمات و موجودات الهی پایان‌ناپذیرند. ۲. انسان به گستردگی موجودات و علم بی‌کران الهی و دانش اندک خود توجه کند (تا بگوید: دانش من به جایی رسید که دانستم همی نادانم). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی لقمان به قدرت بی‌انتهای خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ. آفرینش شما و برانگیختن شما (در رستاخیز)، جز همانند (آفرینش و برانگیختن) یک شخص نیست؛ که خدا شنوای بیناست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که گروهی از مشرکان قریش مکه، از روی تعجب در مورد معاد می‌گفتند: خدا که ما را به گونه‌های مختلف آفریده است، چگونه همگان را در یک ساعت آفرینش جدیدی می‌دهد (و در قیامت بر می‌انگیزد)؟ آیه‌ی فوق نازل شد و به سخن آنان پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفاهیمی هم چون «سخت و آسان و کوچک و بزرگ»، در مورد موجودات محدود، مثل انسان‌ها، قابل تصور است، اما در برابر قدرت بی‌پایان الهی و علم بی‌کران او همه چیز یکسان است و آفرینش کل جهان با یک فرد برای او تفاوتی ندارد. او به همه چیز توانا و از همه چیز آگاه است. ۲. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این آیه اشاره به آن است که خدا روابطی در میان موجودات برقرار ساخته که هم چون یک واحد هستند و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۵ پیوستگی موجودات چنان است که هر کثرتی به وحدت بازمی‌گردد؛ پس آفرینش همه‌ی انسان‌ها از همان اصولی پیروی می‌کند که آفرینش یک انسان از آن تبعیت می‌کند. «۱» ۳. تعبیر «سمیع» و «بصیر» ممکن است اشاره به آن باشد که خدا شنوا و بیناست و از تمام ذرّات پراکنده‌ی وجود آنان و اعمال و سخنان انسان‌ها اطلاع

دارد؛ پس می‌تواند آنها را در رستاخیز مجدداً گردآوری و به حساب اعمال و سخنان آنان رسیدگی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش و رستاخیز همه چیز، در برابر قدرت و علم خدا یکسان است. ۲. در مورد آفرینش و رستاخیز خودتان مطالعه کنید تا به عظمت صفات الهی پی ببرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی لقمان به نشانه‌های علم و قدرت خدا در تغییرات شبانه روز و حرکت ماه و خورشید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. أ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی إِلَی أَجَلٍ مُسَمّیً وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ آیا نظر نکرده‌ای که خدا شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند و (منافع) خورشید و ماه را مسخّر ساخته، درحالی که هرکدام تا سرآمد معیّنی روان‌اند؟! و این‌که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است؟ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هرچند این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما مقصود آن همه‌ی مردم جهان هستند که می‌توانند با مطالعات کیهان شناسی و دقت در رفت تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۶ و آمد شبانه روز، قدرت خدا را بهتر بشناسند. ۲. «یُولِجُ» در اصل به معنای داخل کردن و در این جا به معنای داخل کردن شب در روز و بالعکس‌است که یا به افزایش و کاهش تدریجی شبانه روز اشاره دارد که در طی چهار فصل سال انجام می‌شود و یا به تبدیل تدریجی شب و روز به هم‌دیگر که به صورت ناگهانی صورت نمی‌گیرد تا انسان‌ها را گرفتار مشکلات سازد. البتّه مانعی ندارد که آیه به هر دو مطلب اشاره داشته باشد. آری، این‌ها از نشانه‌ها و مظاهر قدرت خدایند. ۳. مقصود از تسخیر ماه و خورشید آن است که آنها را در خدمت منافع بشر قرار داده است تا انسان از نور و حرارت و آثار دیگر آنها بهره ببرد. ۴. تعبیر «اجَل مُسمّی اشاره به آن است که نظام حرکتی منظومه‌ی شمسی، از جمله ماه و خورشید، جاودانی نیست و روزی با تمام شدن ذخایر خورشید این نظم و حرکت به پایان می‌رسد «۱» و خداست که این امور را تدبیر می‌کند و برای حرکت هر کدام زمان‌بندی خاصی مشخص ساخته است. «۲» ۵. خدا از اعمال همه آگاه است؛ زیرا او که نظام دقیق شبانه روز و حرکت خورشید و ماه را تنظیم می‌کند، می‌تواند از اعمال شما نیز اطلاع یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه درنظم شبانه روز و حرکت ماه و خورشید، خداشناس شوید. ۲. از جهان‌شناسی، به قدرت و علم خدا پی‌ببرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی لقمان به حقانیّت خدا و صفات برتر او و باطل بودن معبودان دیگر اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۰. ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الحَقُّ وَأَنَّ مَا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ البَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ العَلِیُّ الکَبِیرُ این [ها] به خاطر آن است که تنها خدا حقّ است و این‌که آنچه را جز او می‌خوانند (و پرستش می‌کنند)، باطل است و این‌که تنها خدا بلند مرتبه [و] بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات ۲۵ تا ۳۰ لقمان، مجموعاً به چهارده اسم و صفت خدا اشاره شده یا صریحاً از آنها نام برده شده است که عبارت‌انداز: خالقیت، مالکیت، علم، قدرت بی‌انتها، غنی، حمید، عزیز، حکیم، سمیع، بصیر، خبیر، حق، علیّ و کبیر. ۲. «حق» به معنای «ثابت» از جهت وجود (و ثبوت) است و «باطل» دربرابر آن به معنای چیز غیرثابتی است که (ثبوت و) وجود ندارد و از تعبیر آیه استفاده‌ی انحصار می‌شود، یعنی حق فقط خداست «۱» و معبودان غیر از او همه باطل‌اند. «۲» ۳. در این اشاره شده که نشانه‌ها و دلایلی که در آیات قبل بیان شد و قدرت و علم و صفات دیگر خدا را اثبات کرد، همگی دلیل بر آن است که خدا حق است و معبودان دیگر که مشرکان می‌پرستند، باطل و بیهوده و بدون دلیل‌اند. ۴. «حق» اشاره به وجود حقیقی و پایدار و غیرمشروط است که تنها خداست و بقیه‌ی موجودات غیر مستقل و نیازمند اویند و هر لحظه هستی خود را از خدا می‌گیرند و در ذات خود چیزی ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۸ پس هرچه ارتباط موجودات با خدا بیش‌تر گردد، حقانیّت بیش‌تری کسب می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حق یکی است و آن خداست. ۲. اگر حق طلب هستید، به دنبال خدا بروید که هر کس به دنبال (پرستش) غیر خدا برود باطل‌گراست. ۳. خدا از هر چیزی برتر و بر همه چیزی مسلط است. *** قرآن کریم در آیات سی و یکم و سی و دوّم سوره‌ی لقمان به نشانه‌های خدا در حرکت کشتی‌ها و آزمایش دریانوردان و توحید فطری آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱ و ۳۲. أ لَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی البَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِیُرِیَکُمْ مِنْ آیَاتِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ* وَإِذَا غَشِیَهُمْ مَوْجٌ کَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ

إِلَی الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا یَجْحَدُ بِآیَاتِنَا إِلَّاکُلُّ خَتَّارٍ کَفُورٍ آیا نظر نکرده‌ای که کشتی‌ها در دریا به (برکت) نعمت خدا روان است، تا برخی از نشانه‌هایش را به شما بنمایاند؟! حتماً، در این [ها] برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاس‌گزار، نشانه‌هایی (عبرت‌آموز) است.* و هنگامی که (در دریا) موجی همچون سایبان‌ها آنان را بپوشاند، خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به خشکی نجات دهد، پس برخی از آنان معتدل می‌شوند (و برخی به کفرشان بازمی‌گردند)؛ و [لی نشانه‌های ما را جز هر نیرنگ‌بازِ پیمان‌شکنِ بسیارناسپاس، انکار نمی‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به دو دلیل توحید، یعنی نظم و فطرت اشاره شده است. حرکت منظم کشتی‌ها اشاره به دلیل نظم است که خدای ناظم را اثبات می‌کند و خداخواهی کشتی‌سواران درهنگام بلاها و طوفان‌های دریایی، اشاره به توحید فطری است؛ یعنی درهنگام سختی‌ها پرده‌های غفلت و غرور کنار می‌رود و فطرت خداشناس انسان را به سوی خداپرستی خالصانه سوق می‌دهد. ۲. یکی از نشانه‌های خدا حرکت کشتی‌ها بر صفحه‌ی اقیانوس‌ها و دریاهاست، حرکت منظمی که براساس قوانین استواری همچون وزن مخصوص مواد و میزان غلظت آب و نیروی بادها بناگذاشته شده است. ۳. تعبیر «صبّار شَکُور» به معنای بسیار شکیبا و بسیار سپاس‌گزار است. این تعبیرات اشاره دارد که زندگی دریایی مجموعه‌ای از بلا و نعمت است که باید در برابر بلاهایش بسیار شکیبا بود و در برابر نعمت‌هایش بسیار سپاس‌گزار. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان دو نیمه دارد: نیمی از آن شکیبایی و نیم دیگر سپاس‌گزاری است. «۱» ۵. «ظُلَل» در اصل به معنای ابر سایه‌افکن یا سایبان و یا کوه است و معنای اول با این آیه سازگارتر است؛ چرا که سخن از پوشاندن امواج است. یعنی امواج غول‌پیکر، کشتی‌سواران را همچون ابری سایه‌گستر می‌پوشاند، به طوری که در وحشت فرو می‌روند و پرده‌های غفلت و غرور آنان کنار رفته دستشان از تمام وسایل مادی کوتاه می‌شود و خداشناسی فطری آنان آشکار می‌گردد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۰ ۶. برخی مفسران برآن‌اند که آیه‌ی فوق اشاره به اسلام آوردن «عکرمة بن ابی جهل» است که بعد از فتح مکه فرارکرد و در دریای احمر گرفتار تندباد شد و او با اهل کشتی به درگاه خدای یکتا رفتند و او تصمیم گرفت که بعد از نجات خدمت پیامبر بیاید و مسلمان شود و همین کار را کرد و در نهایت در یکی از جنگ‌ها شهید شد. «۱» اما از آن جا که این سوره مکی است و فتح مکه پس از هجرت صورت گرفته است، این دو مطلب باهم ناسازگار است، مگر آن که بگوییم آیه را بر داستان عکرمه تطبیق کرده‌اند. ۷. دریانوردی نوعی آزمون برای کشتی‌سواران است. پس از گرفتاری در بلا و پرستش خالصانه‌ی خدا، گروهی بر این عهد و نذر خود باقی می‌مانند ولی گروهی پس از نجات، خدا و پیمان خود را فراموش می‌کنند. آری؛ این گونه افراد بسیار ناسپاس و پیمان شکن هستند «۲» چون پیمان با خدا را شکسته و نسبت به او ناسپاسی کرده‌اند. ۸. در هنگام مشکلات و بلاها، که پرده‌های غفلت و غرور کنار می‌رود، فطرت توحیدی انسان نمایان می‌شود، یعنی درهنگام مشکلات انسان می‌تواند نشانه‌ها و امدادهای الهی را ببیند. البتّه این حالت منحصر به کشتی‌سواری و دریانوردی نیست، بلکه در هواپیماها و خطرهای دیگر نیز رخ می‌دهد و از این روست که برخی مشکلات برای انسان مایه‌ی خیراست؛ انسان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد و به یاد خدا می‌اندازد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات دریانوردی، خداشناس شوید. ۲. دریانوردانِ بسیار شکیبا و سپاس‌گزار می‌توانند نشانه‌های حق را در حرکت کشتی‌ها ببینند. ۳. توحید فطری را در دریانوردان طوفان‌زده ببینید. ۴. پس از نجات از مشکلات راه اعتدال در پیش گیرید (و سپاس‌گزار حق باشید). ۵. انسان باید بسیار ناسپاس و پیمان‌شکن باشد که پس از نجات از مهلکه، نشانه‌های خدا را انکار کند. ***

دنیا و شیطان عوامل فریب و غفلت

قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی لقمان با یادآوری خدا و رستاخیز، در مورد فریبندگی دنیا و شیطان هشدار می‌دهد و

می‌فرماید: ۳۳. یَا أَیُّهَا النَّاسُ ا تَّقُوا رَبَّکُمْ وَاخْشَوْا یَوْماً لا یَجْزِی وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَیْئاً إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلا تَغُرَّنَّکُمُ الحَیَاةُ الدُّ نْیا وَلا یَغُرَّنَّکُمْ بِاللَّهِ الغَرُورُ ای مردم! خودتان را از [عذاب پروردگارتان نگه‌داری کنید و از روزی بهراسید که هیچ پدری به جای فرزندش کیفر نمی‌شود و هیچ فرزندی نیست که او به جای پدرش چیزی (از عذاب) کیفر شود. به یقین، وعده‌ی خدا حقّ است؛ پس هرگز زندگی دنیا شما را نفریبد و هرگز (شیطان) فریبکار شما را نسبت به (آمرزش) خدا فریب ندهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه دو امر و دو نهی صادر شده است: امر اوّل توجه به مبدا؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۲ امر دوّم توجه به معاد؛ نهی اول در مورد فریبکاری دنیا؛ و نهی دوّم در مورد فریبکاری شیطان و شیطان‌صفتان. این چهار امر و نهی مجموعه‌ی کاملی از برنامه‌ی نجات و سعادت انسان است. ۲. اگر انسان از طرفی بداند که خدایی هست و در برابر او تقوا داشته باشد و از طرف دیگر بداند که روز رستاخیزی هست که دادگاه عدل الهی در آن تشکیل می‌شود و هیچ وکیل و پارتی حتی پدر و فرزند به فریاد کسی نمی‌رسد، «۱» در آن صورت انسان مراقب اعمال خویش خواهد بود و آلوده‌ی گناه و فساد نخواهد شد. ۳. در این آیه به دو فریب و خطر بزرگ اشاره شده است. نخست خطر فریبکاری دنیا، که انسان را با زرق و برق خود مشغول می‌سازد و گرفتار روزمرگی می‌کند تا مسئولیت‌های اساسی خویش را فراموش کند و از یاد خدا و قیامت بازماند. بر مهر چرخ و شیوه‌ی او اعتماد نیست ای وای بر کسی که شد ایمن زمکر وی (حافظ) و دوّم خطر فریبکاری شیطان و شیطان صفتان است «۲» که اگر انسان در تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۳ برابر دنیا مقاومت کرد و فریب نخورد، این‌ها به سراغ او می‌آیند و او را می‌فریبند، و وعده‌های حق الهی را باطل و واژگونه جلوه می‌دهند. ۴. در احادیث اسلامی «دنیا» را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: دنیای خوب و دنیای بد. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه دنیای خوب را این‌گونه معرفی می‌کند: دنیا جایگاه صدق و راستی است برای کسی که با آن به راستی رفتار کند؛ و خانه‌ی تن‌درستی است برای کسی که از آن چیزی بفهمد؛ و سرای بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه برگیرد؛ و محل اندرز است برای کسی که از آنان پند گیرد؛ دنیا مسجد دوستان خدا و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی و تجارت خانه‌ی دوستان خداست. «۱» و در برخی احادیث دنیا بد معرفی شده، به طوری که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: محبت دنیا رأس همه‌ی خطاهاست. «۲» و در مورد فریب خوردن از دنیا هشدارها داده شده است. این دو نوع برخورد با دنیا، به خاطر اختلاف برخورد انسان با دنیاست؛ چراکه اگر انسان از دنیا در راه کمال و سعادت خود در دنیا و آخرت استفاده کند، بسیار خوب است و اگر دنیا را هدف خود قرار دهد و از یاد کمال، سعادت و خدا و آخرت باز بماند، نکوهیده و بد است. ۵. محبت دنیا و راه علاج آن: امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌نویسند: ریشه‌ی حب دنیا و نفس- که به منزله‌ی ریشه‌ی اصلی است- و فروع آنها از حرص و طمع و حب زن و فرزند و مال و جاه و امثال تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۴ آن، تا در نفس، نورس و نونهال است، اگر انسان را بخواهد از آنها جدا کنند و ببرند، زحمتی ندارد، ... درخت هر چه بزرگ شود، چند متری بیش‌تر از زمین را فرا نگیرد و ریشه ندواند، ولی درخت حُب دنیا به تمام پهنا در عالم طبیعت- در ظاهر و باطن- ریشه افکند و لهذا از بُن کندن این درخت، به سلامت ممکن نیست. انسان با این محبت در خطری عظیم است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به یاد مبدأ و معاد باشید. ۲. در رستاخیز فریادرسی ندارید، پس از هم‌اکنون توشه‌ی تقوا برگیرید. ۳. مراقب باشید فریبکاران وعده‌های حق الهی را واژگونه جلوه ندهند. ۴. دنیا و شیطان (و شیطان‌صفتان) عوامل فریب شمایند (مراقب آنها باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۵ دنیا در قرآن و حدیث الف) دنیا چیست؟ ۱. «دنیا را دنیا نامیدند به خاطر این که پست‌ترین از هر چیز است.» (امام علی علیه السلام). «۱» ۲. «دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌کنند و گروهی در آن زیان می‌کنند.» (امام هادی علیه السلام). «۲» ۳. «دنیا بازی و سرگرمی است.» (انعام، ۳۲ و عنکبوت، ۶۴). ۴. «کالای دنیا نسبت به آخرت قلیل است.» (توبه، ۳۸). ۵. «طلب چیزها (ی دنیا) برای اصلاح امور از محبت دنیا شمرده نمی‌شود.» (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) «۳». ۶. «ازدواج، حج، هزینه‌ی خانواده و خویشان و صدقه دادن از دنیا شمرده نمی‌شود، بلکه این‌ها از آخرت است.» (امام

صادق علیه السلام). «۴» ۷. «دنیا پل است، از آن عبور کنید.» (حضرت مسیح علیه السلام). «۵» ب) دنیای ممدوح: ۱. «دنیا یاور خوبی برای آخرت است.» (امام باقر علیه السلام). «۶» ۲. «دنیا خانه‌ی ستمکاران است، مگر کسی که در آن نیکوکاری کند.» (امام باقر علیه السلام). «۷» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۶ ۳. «دنیا خانه‌ی راستی است برای کسی که با آن راستی کند و خانه‌ی عافیت است برای کسی که بفهمد و خانه‌ی توانگری است برای کسی که از آن توشه بردارد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۱» ج) دنیای مذموم: ۱. «دنیا بازیچه و سرگرمی و زیور و وسیله‌ی فخرفروشی بین شماست.» (حدید، ۲۰). ۲. «دنیا کالای فریبنده است.» (آل عمران، ۱۸۵). ۳. «دنیا بازار زیانکاری است.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۲». ۴. «دنیا سمی است که خورنده آن را نمی‌شناسد.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۳». ۵. «دنیا معدن شر و محل فریب است.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۴». د) چرا به دنیا دل نبندیم: ۱. «دنیا فریبنده است و انسان را به انحراف می‌کشاند.» (لقمان، ۳۳؛ فاطر، ۵ و جاثیه، ۳۵). ۲. «محبت دنیا رأس همه‌ی لغزش‌هاست.» (امام صادق علیه السلام). «۵» ۳. «محبت دنیا انسان را کور و کر می‌کند.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۶» ۴. «محبت دنیا عقل را فاسد می‌کند و دل را از شنیدن حکمت کر می‌کند و موجب عذاب دردناک می‌شود.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۷» ۵. «محبت دنیا موجب اندوه و حرص و آرزوهای دست نایافتنی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۷ می‌شود.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۱» ۶. «مثال دنیا مثل آب دریاست که هر چه فرد تشنه از آن بخورد تشنه‌تر می‌شود تا او را می‌کشد.» (امام موسی کاظم علیه السلام). «۲» ه) با دنیا چه کنیم؟ ۱. فقط دنیا را هدف خود قرار ندهید (نجم، ۲۹؛ آل‌عمران، ۱۴۵ و ...). ۲. دنیا را به آخرت نفروشید (بقره، ۸۴؛ نساء، ۷۴ و ...). ۳. دنیا و آخرت را با هم بخواهید (بقره، ۲۰۱). ۴. همه چیز را در دنیا خلاصه نکنید و ماورای آن را در نظر بگیرید (انعام، ۲۹). ۵. به زندگی دنیا راضی نشوید و بدان اطمینان نکنید (توبه، ۳۸ و یونس، ۷). ۶. دنیا را بر آخرت ترجیح ندهید (ابراهیم، ۳ و نحل، ۱۰۷). ۷. «به دنیا به چشم زاهدان نگاه کنید.» (امیرالمؤمنین علیه السلام). «۳» ۸. «دنیا را بزرگ‌ترین وجه همت خود قرار مده.» (امیرالمؤمنین علیه السلام) «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۸ قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی لقمان به علم انحصاری خدا درباره‌ی رستاخیز و بی‌خبری انسان از اعمال آینده و مکان مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَداً وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. در حقیقت، خدا، علم به ساعت (: قیامت) فقط نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد، و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ [چرا] که خدا دانای آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رستاخیز چه زمانی برپا خواهد شد؟! این همان چیزی است که بارها مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسیدند «۱» و در برخی احادیث نیز حکایت شده که این آیه در پاسخ پرسشی در این زمینه نازل شده «۲» و پاسخ داده است که آگاهی از زمان قیامت مخصوص خداست. ۲. چرا دانش مربوط به زمان برپایی رستاخیز، فقط نزد خداست و کسی از آن اطلاع ندارد؟ اگر مردم زمان رستاخیز را می‌دانستند، غفلت و غرور آنان را فرا می‌گرفت ولی حالا- که مخفی است و هر لحظه ممکن است رستاخیز برپا شود، انسان‌های مؤمن پیوسته به یاد قیامت هستند و از حساب‌رسی آن هراس دارند و از این رو کم‌تر آلوده‌ی فساد و گناه می‌شوند؛ پس مخفی بودن زمان برپایی رستاخیز فواید تربیتی دارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۵۹ ۳. نهان بودن مکان مرگ انسان‌ها و خصوصیات آن نیز فواید تربیتی دارد. اگر انسان‌ها دقیقاً بدانند که تا کجا وچه زمان زنده‌اند، معمولًا به گناه، شهوت‌رانی و ظلم ادامه می‌دهند و توبه را تا نزدیک مرگ عقب می‌اندازند و جامعه‌ی بشری را فساد فرا می‌گیرد، اما مخفی بودن مکان و زمان مرگ و انتظار لحظه به لحظه‌ی آن، مانع غفلت و غرور اکثر انسان‌ها می‌شود. «۱» ۴. مفسران قرآن درمورد علم خدا نسبت به بارش باران و جنین مادران، دو تفسیر ارائه کرده‌اند: الف) مقصود آن است که این علوم نیز مخصوص خداست؛ یعنی علم به جزئیات مکان، زمان و مقدار بارش باران و ویژگی‌های جسمی و روحی و استعدادهای کودکان مخصوص خداست و اگر انسان‌ها دراین زمینه پیش‌گویی می‌کنند به صورت کلی‌گویی است و اطلاعات

آنـان درجزئیـات نـاقص است. برخی احادیث نیز به این تفسیر اشاره دارد. «۲» ب) این دوجمله در آیه‌ی فـوق که مربـوط به بـارش باران و حالات جنین است، معترضه است؛ یعنی آیه درصـدد آن نیست که بگویـد علوم مربوط به باران و جنین مخصوص خداست، بلکـه تـذکری دربـاره‌ی نعمت بـاران و علم الهی به حالاـت جنین داده است. البتّه برخی مفسـران معتقدنـد که سیاق آیه و روایـات اهل‌بیت علیهم السلام تفسیر اول را تقویت می‌کند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از علوم مخصوص خـداست و بهتر است که انسان‌هـا از آن علوم اطلاـع نیابنـد (تـا تلاـش بیش‌تری کننـد). ۲. خـدا طبقه بنـدی اطلاعات را رعـایت می‌کنـد و آگـاهی دقیق از زمان رسـتاخیز، اعمال آینـده و مکان مرگ را در اختیار انسان‌ها قرار نمی‌دهـد. ۳. بـا مطالعه در مورد زمان رسـتاخیز، مکان مرگ افراد و حوادث آینـده، به کم آگاهی خودتان و علم بی‌کران الهی پی‌ببرید. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۱

بخش چهارم: سوره‌ی سجده

اشاره

نشانه‌های توحید یادآوری رستاخیز مراحل آفرینش انسان و جهان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۳

اول: سیمای سوره‌ی سجده

اشاره

سیمای سوره‌ی سجده بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

شمارگان

سوره‌ی مبارکه‌ی سـجده در مکه بر پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نازل گشت، این سوره دارای ۳۰ آیه، ۳۸۰ واژه و ۱۵۰۰ حرف است.

نزول

این سوره شصـتمین سوره در ترتیب نزول است (بعـد از سوره‌ی «مؤمن» (: غافر) و قبل از سوره‌ی «شوری») و انـدکی قبل از هجرت نازل شـده است اما در چینش کنونی قرآن، سـی و دومین سوره به شـمار می‌آیـد. نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: سَجده، الم سجـده، مَضاجِع، الم تنزیل، سَجده‌ی لقمان، جُرُز. سـبب نام‌گذاری این سوره به «سَجده»، آیه‌ی ۱۵ آن است که دسـتور سجده در برابر خدا را داده است و سبب نام گذاری آن به مَضاجع آیه‌ی ۱۶ آن است که در آن سخن از «بسترهای خواب» شده است و سبب نـام گـذاری آن به «سـجده‌ی لقمـان» آن است که از سوره‌ی حم سـجده (یعنی سوره‌ی فصـلت) بـاز شـناخته شود و از آن جا که با حروف مقطعه‌ی «الم» شـروع می‌شود، به نام «الم سـجده» نامیـده می‌شود. و در آیه‌ی ۲۷ آن سـخن از زمین جُرُز (: بایر) گفته شـده است و بدین مناسبت این سوره را «جُرز» هم گفته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۴

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امـام صـادق علیه السـلام روایت شـده که هر کس سوره‌ی سـجده را در هر شب جمعه بخوانـد، خـدا

نامه‌ی اعمال او را به دست راستش می‌دهد و گذشته‌ی او را می‌بخشد و از دوستان محمد صلی الله علیه و آله واهل بیت او علیهم السلام خواهد بود. «۱» تذکر: قبلًا هم بیان کرده‌ایم که این ثواب‌ها برای کسانی است که سوره‌ی سجده را بخوانند و بدان عمل کنند. ویژگی‌ها: سوره‌ی سجده نیز با حروف مقطعه «الم» شروع شده و در آیه‌ی ۱۵ آن یک سجده‌ی واجب دارد که هرکسی این آیه را بشنود یا بخواند، واجب است یک سجده به جا آورد.

اهداف

هدف‌های اساسی سوره‌ی سجده عبارت‌اند از: ۱. یادآوری توحید و نشانه‌های خدا؛ ۲. یادآوری قیامت.

مطالب

مهم‌ترین مطالبی که دراین سوره وجود دارد عبارت‌اند از: الف) عقاید ۱. بیان توحید و نشانه‌های عظمت خدا در زمین و آسمان و تدبیر جهان (در آیه‌ی ۴)؛ ۲. بیان پرسش و پاسخ‌های رستاخیز و تقاضای مجرمان برای بازگشت به دنیا (در آیات ۱۲– ۱۴)؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۵ ۳. بشارت مؤمنان به بهشت و هشدار فاسقان درمورد عذاب (در آیه‌ی ۲۰). ب) اخلاق ۱. تشویق مؤمنان به عبادت (در آیات ۱۵– ۱۶)؛ ۲. تشویق مؤمنان به انفاق (در آیه‌ی ۱۶)؛ ج) احکام دستور سجده در آیه‌ی ۱۵ این سوره که هنگام خواندن یا شنیدن آن واجب می‌شود. د) داستان ۱. اشاره‌ای به سرگذشت موسی و پیروزی امت او (در آیات ۲۳– ۲۴)؛ ۲. اشاره‌ای به سرگذشت ملت‌های نابود شده‌ی پیشین (در آیه‌ی ۲۶). ه) مطالب فرعی ۱. یادآوری عظمت قرآن و نزول آن از سوی خدا (در آیات ۲– ۳)؛ ۲. آفرینش انسان و بیان مراحل خلقت او (در آیات ۷– ۱۱)؛ ۳. آفرینش آسمان‌ها و زمین و موجودات در شش دوره (در آیه‌ی ۴). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۷

دوم: محتوای سوره‌ی سجده

قرآن حقیقی تردید ناپذیر

قرآن کریم در آیات اول تا سوم سوره‌ی سجده به حروف مقطعه، حقانیّت و هدف قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱– ۳. الم* تَنزِیلُ الکِتَابِ لا-رَیْبَ فِیهِ مِنْ رَبِّ العَالَمِینَ* أمْ یَقُولُونَ ا فْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الحَقُّ مِنْ رَبِّکَ لِتُنذِرَ قَوْماً مَا أتَاهُمْ مِنْ نَذِیرٍ مِنْ قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَهْتَدُونَ الف، لام، میم.* فرو فرستادن کتاب (: قرآن) که هیچ تردیدی درآن نیست، از [سوی پروردگار جهانیان است.* آیا (مشرکان) می‌گویند: « (پیامبر) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده‌است.»؟! بلکه آن (سخن) حقّ است، در حالی که از سوی پروردگار توست؛ تا گروهی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشدارگری برای آنان نیامده است، باشد که آنان ره‌نمون شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در سوره‌های متعددی از قرآن حروف مقطعه آمده است. ما در اول سوره‌های بقره، آل عمران، لقمان و ... درباره‌ی این حروف مطالبی بیان کردیم، از جمله این که این حروف اسراری بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است و یا اشاره به آن است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده و در عین حال معجزه است و دیگران نمی‌توانند مثل آن را بیاورند و شاید از همین روست که معمولًا بعد از این حروف سخن از عظمت قرآن گفته شده است. ۲. در این آیات اشاره شده که قرآن حق است، به طوری که هیچ تردیدی در آن نیست؛ چرا که از طرف پروردگار فرود آمده است و سخن خدا جای تردید ندارد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۸ ۳. بیان صفت «ربّ العالمین» از میان صفات خدا، شاید اشاره به آن باشد که قرآن عصاره‌ای از عالم وجود است و جنبه‌ی تربیت و پرورش برای جهانیان دارد. ۴. قرآن سخن حقی از طرف پروردگار است و حقانیّت

قرآن از محتوای بلند و اعجازآمیز آن روشن است. ۵. قرآن زمینه‌ساز هدایت است ولی تصمیم‌گیری نهایی با خود انسان است. «۱» ۶. کار پیامبران و قرآن مژده‌دهی و هشداردهی است، اما در این آیه فقط هشدارگری بیان شده است؛ زیرا در برابر اقوام سرکش، هشدار کارآمدتر از بشارت است. ۷. مفسران در مورد «قومی که قبل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن برای آنان هشدارگری نیامده است» چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود قبیله‌ی قریش است که پیش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیامبری برای آنان نیامده بود. ب) منظور همه‌ی مردم است که در دوران فِترت (یعنی فاصله‌ی قیام عیسی علیه السلام و ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) هیچ پیامبری برای آنان نیامده بود. ج) مقصود وجود پیامبری بزرگ با معجزات روشن و در محیطی وسیع است که چنین پیامبری قبل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در محیط عربستان و در میان قبایل مکه ظاهر نشده بود، هر چند پیامبرانی با مأموریت محدود مستقیم یا غیرمستقیم همیشه در میان ملت‌ها وجود داشته‌اند، چرا که «هیچ ملتی خالی از هشدارگر و حجت نمی‌ماند». «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۶۹ البته مانعی ندارد که هرسه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن، کتاب حق و بی‌تردیدی است، پس از راه‌نمایی آن استفاده کنید. ۲. هدف قرآن هشدارگری و هدایت‌گری است. ***

مراحل شش گانه آفرینش جهان

قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی سجده به دوران‌های شش گانه‌ی آفرینش جهان و کارهای مخصوص خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی العَرْشِ مَا لَکُمْ مِنْ دُونِهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا شَفِیعٍ أَفَلا تَتَذَکَّرُونَ خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن دو است در شش روز [و دوره آفرید، سپس بر تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ برای شما غیر از او هیچ سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در هفت آیه‌ی قرآن آمده است «۱» که «جهان را در شش روز و دوره آفرید.» «یَوم» در لغت به معنای روز معمولی، یعنی از طلوع آفتاب تا غروب آن و گاهی نیز به معنای «مدتی از زمان» می‌آید «۲» و در قرآن بارها واژه‌ی یوم به معنای دوره یا مدتی طولانی از زمان آمده است، مانند تعبیر «یوم القیامهٔ». در برخی احادیث نیز اشاره شده که مقصود از «یوم» در این آیه، مدتی از زمان است. «۳» پس مقصود از «یَوم» در این گونه آیات، همان دوره‌های خلق آسمان‌ها و زمین است و بلکه از تعبیر برخی آیات که کلمه‌ی «بَینهما» را اضافه دارد استفاده می‌شود که مقصود آفرینش کل جهان در شش دوره است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۰ ۲. در علم زمین‌شناسی و کیهان‌شناسی نیز به دوران‌های خلقت زمین و جهان اشاره می‌کنند و بر اساس مطالعات علمی، حدس‌هایی بیان می‌کنند، اما مسلم است که مجموعه‌ی آسمان و زمین، بلکه کل هستی، در چند دوره آفریده شده است که در آیات ۸– ۱۱ سوره‌ی فصلت به محتوای این دوره‌ها اشاره‌ای اجمالی شده است (ما نیز در همان‌جا بیان خواهیم کرد). ۳. با آن که خدا می‌توانست جهان را در یک لحظه بیافریند، اما آن را در چند دوره آفرید، چرا که این گونه، عظمت، قدرت و علم آفریدگار بیش‌تر روشن می‌شود و حجت بر مردم تمام می‌گردد و این مطلبی است که در برخی احادیث نیز بدان اشاره شده است. «۱» ۴. «عَرْش» در اصل به معنای چیزی است که دارای سقف باشد و گاهی به خود سقف، «۲» تخت‌های بلند «۳» هم چون تخت پادشاهان و داربست‌های درختان «۴» نیز عرش گفته می‌شود. اما واژه‌ی «عَرْش» هنگامی که در مورد خدا به کار می‌رود، به معنای مجموع جهان هستی است که در حقیقت هم چون تخت حکومت پروردگار است و تعبیر: «ثُم استَوی عَلی العَرش» کنایه از تسلط زمام‌دار بر امور کشور خویش است؛ همان‌طور که در فارسی نیز تعبیر «بر تخت نشستن» کنایه از در دست گرفتن قدرت و حاکمیت است. پس این آیه هیچ ربطی به «تجسّم خدا» ندارد، بلکه کنایه از احاطه‌ی کامل و تسلط و تدبیر او در جهان هستی است و در برخی احادیث نیز به این مطلب اشاره شده است. «۵» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۱ ۵. مقصود از این که شفاعت کننده‌ای جز خدا نیست چیست؟ به این پرسش سه گونه می‌توان پاسخ داد: الف) طبق آیات قرآن همه‌ی شفاعتگران رستاخیز باید

از خـدا رخصت بگیرنـد، پس هر شـفاعتی به ذات پـاک او بـازمی گردد. «۱» ب) در هنگـام شـفاعت‌خواهی ما از صـفات رحمت و بخشـش و آمرزش خـدا استمداد می‌جـوییم و گویی او را نزد خودش شـفیع قرار می‌دهیم و صـفات او نیز عین ذات اوست. «۲» ج) مقصود از شـفیع در این جا یاور باشـد که انسان را در تکمیل نفس یاری برساند. «۳» ۶. در این آیه به چهـار مرحله از مراحل توحید اشاره شـده است که هرکـدام دلیـل بردیگری به شـمار می‌آیـد. توحیـد درخـالقیت دلیل بر توحیـد در حاکمیت است و توحیـد در حـاکمیت دلیل بر توحیـد در ولایت و شـفاعت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به مراحل آفرینش توجه کنیـد تا خداشـناس شوید. ۲. خدا بر تدبیر هستی تسلّط دارد اما کارها را به تدریج و در طی مراحلی انجام می‌دهد. *** تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۲ قرآن کریم در آیات پنجم و ششم سوره‌ی سجده به تدبیر، آگاهی و برخی صفات دیگر خدا اشاره می کند و می‌فرماید: ۵ و ۶. یُدَبِّرُ الأمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إلَی الأرْضِ ثُمَّ یَعْرُجُ إلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ أ لْفَ سَنَهٍٔ مِمَّا تَعُدُّونَ* ذَلِکَ عَالِمُ الغَیْبِ وَالشَّهَادَهِٔ العَزِیزُ الرَّحِیمُ کارها را از آسـمان تا زمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید، به سوی او بالا می رود.* آن (خدا) دانای نهان و آشـکار است؛ [و] شکست‌ناپذیر مهرورز است؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد واژه‌ی آسمان در این آیه دو تفسیر کرده‌اند: الف) مقصود همین آسمان و زمین معمولی باشد؛ یعنی خدا جهان هستی را از آسمان گرفته تا زمین، زیر پوشش تـدبیر خود قرار داده است. «۱» ب) منظور از آسـمان مقـام عـالی قرب الهی است؛ یعنی خـدا امور این جهان را از مقام قرب خود به سوی زمین (و مراتب پایین تر) تـدبیر می کنـد. «۲» البتّه مانعی نـدارد که هردو معنا مقصود آیه باشـد. ۲. مفسـران قرآن در مورد کل آیه‌ی فوق سه احتمال داده‌اند: الف) مقصود قوس نزول و صعود تدبیر هستی در همین دنیا باشد. ب) منظور نزول و صعود فرشتگان برای تـدبیر جهان باشـد. ج) مقصود دوره‌های تدبیر الهی در این عالم باشد که هردوره هزار سال است. د) منظور این است که تدبیر امور جهـان از آسـمان آغاز و به زمین منتهی می‌شود و در رسـتاخیز به سوی خـدا باز می گردد. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۳ ۳. در برخی آیات قرآن اشاره شده که مقدار روز رسـتاخیز پنجاه هزار سال به حساب ماست و در این آیه هزار سال گفته شده است. در برخی احادیث از امام صادق علیه السـلام در این مورد روایت شده که فرمودند: روز رسـتاخیز پنجاه ایسـتگاه دارد که هر ایسـتگاهی هزار سال طول می کشـد (و آیه‌ی قرآن را تلاوت کردند). «۱» البتّه برخی مفسـران نیز احتمال داده‌اند که عدد هزار یا پنجـاه هزار سـال به عنوان تکثیر باشـد و مقصود آن است که روز رسـتاخیز بسیار طولانی است. «۲» ۴. در آیه‌ی اخیر به سه صـفت الهی، یعنی «عالم»، «عزیز» و «رحیم» اشاره شده است؛ یعنی خدایی که عهده‌دار تدبیر هستی است از نهان و آشکار جهان آگاه است و دارای عزّت همراه با مهربانی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تدبیر امور جهان از بالاست. ۲. طول روز قیامت با دنیا قابل مقایسه نیست (آنها را یکسان نپندارید). ۳. در رستاخیز همه چیز به سوی او بازمی گردد. ***

مراحل آفرینش انسان

قرآن کریم در آیات هفتم تا نهم سوره‌ی سـجده به مراحل آفرینش و سـپاس گزاری انـدک مردم اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۷– ۹. الَّذِی أحْسَنَ کُلَّ شَـیْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأ خَلْقَ الإنسَانِ مِنْ طِینٍ* ثُمَّ جَعَلَ نَسْـلَهُ مِنْ سُـلالَهٍٔ مِنْ مَاءٍ مَهِینٍ* ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَکُمُ تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۲۷۴ السَّمْعَ وَالأَـبْصَـارَ وَالأفْئِـدَهَٔ قَلِیلًا مَا تَشْـکُرُونَ (همان) کسـی که هرچیزی را که آن را آفرید، نیکوگردانید؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛* سـپس نسل اورا از چکیده‌ای از آبی پست قرارداد؛* سپس او را مرتّب نمود و از روح خود در او دمید و برای شما شنوائی و دیدگان و دلها (ی سوزان) قرارداد؛ چه اندک سپاس گزاری می کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک اصل اساسـی در نظام آفرینش اشاره شـده که همان خلقت نیکوی هر چیز است. خدا همه چیز را با نظامی استوار و زیبا و کامل می‌آفریند؛ همان طور که این امر در آفرینش اعضای بدن انسان مشهود است. آری؛ بر آن نقاش قدرت آفرین بـاد. جهـان چون خـط و خـال و چشم و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست (شـبستری) اما اگر برخی افراد ناقص

الخلقه به وجود می‌آیند، در اثر کارهای ناپسند خود انسان‌ها و یا برای امتحان آنهاست و اگر برخی موجودات رنگارنگ و حیوانات گوناگون را آفریده است همگی لازم و هر کدام در جای خود نیکو و زیبایند. مُحقق همان بیند اندر ابل «۱» که در خوب‌رویان چین و چِگِل (سعدی) ۲. در این آیات اشاره شده که «خدا انسان را از گِل آفرید.» در این مورد دو احتمال وجود دارد: الف) مقصود آفرینش آدم وحوا بدون واسطه از گِل باشد. ب) منظور آفرینش انسان اولیه از گِل با واسطه‌ها و طی میلیون‌ها سال باشد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۵ برخی مفسران ظاهر آیات قرآن را موافق نظریه‌ی تکامل و برخی مخالف آن دانسته‌اند «۱» ولی آیات قرآن در صدد اثبات یا نفی نظریه‌ی تکامل موجودات نیست. علاوه بر آن که نظریه‌ی تکامل در حدّ نظریه‌ای است که واقع‌نمایی آن به اثبات نرسیده است. ۳. «سُلالَة» به معنای عصاره و فشرده‌ی خالص هر چیز است و در این جا مقصود نطفه‌ی آدمی است که عصاره‌ی وجود او ومبدء حیات و منشأ تولد فرزند و ادامه‌ی نسل اوست. ۴. آب نطفه‌ی آدمی پَست، ضعیف، حقیر و ناچیز است (مهین)؛ البته این تعبیر اشاره به وضع ظاهری آن است، و گرنه محتوای آن بسیار ظریف، پیچیده و اسرارآمیز است. ۵. مقصود از «سَوّاه» در این جا همان تکمیل و موزون ساختن اندام‌های جنین انسان در رحم مادر است؛ یعنی از مرحله‌ای که انسان به صورت نطفه است تا مرحله‌ای که تمام اعضای بدن او آشکار می‌شود. «۲» ۶. مقصود از دمیدن روح در انسان همان حلول روح در بدن است که به دمیدن هوا تشبیه شده است و در آن مرحله است که حرکت جنین شروع می‌شود. «۳» آری؛ نطفه‌ی انسان در مرحله‌ی اول، حیات نباتی دارد و فقط تغذیه و رشد و نمو می‌کند، ولی حسّ و حرکت ندارد؛ در مراحل بعدی، حیات حیوانی و حس و حرکت می‌یابد و در مرحله‌ی آخر حیات انسانی می‌یابد و قوّه‌ی ادراک پیدا می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۶ ۷. مقصود از «روح خدا» (روحه) که در این آیه آمده است، اضافه‌ی تشریفی است؛ یعنی روحی پرشرافت و ارجمند که سزاوار است روح خدا نامیده شود، در انسان دمیده می‌شود. ۸. در این آیات به دو بعد وجودی انسان اشاره شده است: الف) بعد مادی که از خاک تیره و آبی حقیر پدید می‌آید. ب) بعد معنوی که از دمیده شدن روح الهی پدید می‌آید. و انسان می‌تواند به سوی هرکدام از این ابعاد حرکت کند و سیر صعودی یا نزولی را داشته باشد. ۹. مقصود از خلقت گوش و چشم و دل در این آیات همان حسّ شنوایی، بینایی و عقل و ادراک قلبی است چراکه اصل این اعضا قبل از دمیده شدن روح شکل می‌گیرد. ۱۰. در این آیات از میان حواس ظاهری و باطنی انسان سه حسّ شنوایی، بینایی و ادراک قلبی و عقلی یاد شده است. چرا که این سه مهم‌ترین ابزارهای شناخت هستند و اکثر معلومات تجربی و استدلالی بشر از این سه راه به دست می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا هرچه آفرید نیکوآفرید (پس شما هم کارها را به نیکوترین صورت انجام دهید). ۲. در مورد مراحل خلقت خودتان مطالعه کنید تا (خدا شناس شوید و) سپاس گزاری بیش‌تری بنمایید. ۳. انسان دو بعد مادی پست و معنوی الهی دارد (او را تک بعدی نپندارید). ۴. خدا به انسان کرامت بخشیده و روحی الهی در او دمیده است. ۵. خدا به شما ابزارهای شناخت داد (تا او را بشناسید و سپاس گزاری کنید) ولی کم‌تر شکرگزاری می‌کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۷

رستاخیز

قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی سجده اشکال کافران در مورد معاد را مطرح کرده، بدان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. وَقَالُوا أإذَا ضَلَلْنَا فِی الأرْضِ أإنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ کَافِرُونَ* قُلْ یَتَوَفَّاکُمْ مَلَکُ المَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إلَی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ و (کافران) گفتند: «آیا هنگامی که (ما مُردیم و) در زمین گم شدیم، آیا به راستی ما در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟!» بلکه آنان ملاقات پروردگارشان را (در رستاخیز) منکرند.* بگو: «فرشته‌ی مرگ که برشما گماشته شده، (جان) شما را به طور کامل می‌گیرد؛ سپس فقط به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «گم شدن در زمین» آن است که انسان پس از مردن به خاک تبدیل می‌شود و هر ذرّه‌ی بدنش به گوشه‌ای پرتاب می‌شود و دیگر اثری از آن باقی

نمی‌مانـد تا درقیامت زنده شود. «۱» ۲. این آیه به پرسـش کافران درمورد رسـتاخیز به دو صورت پاسـخ داده است: نخست پاسـخی روان شـناختی به آن می‌دهـد و انگیزه‌ی این پرسـش را فاش می‌کنـد که کافران در حقیقت ملاقات پروردگارشان را منکرنـد و اگر پرسشـی درمورد خلقت جدیـد مطرح می‌کننـد، بهـانه جویی و شـبهه‌پراکنی است. دوّم آن که از زبـان پیامبر صـلی الله علیه و آله به کافران پاسخ می‌دهد که اگر شما درمورد باقی ماندن جسم خودتان تردید دارید، در مورد روح شما شکّی نیست که فرشته‌ی مرگ آن را کاملًا دریافت می‌کند و در رسـتاخیز حاضـر می‌نماید. ۳. مسأله‌ی معاد جسـمانی و جمع‌آوری ذرات جسم انسان در رسـتاخیز مـورد تأکیـد قرآن است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۲۷۸ خـدایی کـه همه چیز را آفریـده و از همه چیز آگـاه است می‌تواند ذرات وجود انسان را دوباره جمع‌آوری کند و اگر در این جا از معاد روحانی سـخن می‌گوید به معنای نفی معاد جسـمانی نیست. پای کوبان، دست افشان، در ثنا نازنازان، ربّنا احییتنا «۱» حمله آرند از عدم سوی وجود در قیامت، هم شکور و هم کنود «۲» (مولوی) ۴. تعـبیر «تَوفّی» به معنـای بازسـتاندن به طور کامـل است. این تعبیر در مورد مرگ انسـان، اشـاره به آن است که فرشـته‌ی مرگ روح و جـان انسـان را به طور کامـل می‌گیرد؛ و مرگ به معنـای فنـا و نـابودی نیست بلکه روح در فضایی تازه ادامه‌ی حیات می‌دهد و سپس در رستاخیز حاضر می‌شود. ۵. چرا در این آیه بازسـتاندن روح انسان را به فرشته‌ی مرگ نسبت داده است در حالی که در آیات دیگر قرآن «خـدا» و یا فرشـتگان را بازسـتاننده معرفی می‌کنـد؟ پاسـخ آن است که فرشـتگانِ مرگ متعـدد هسـتند، اما ملك الموت رییس آنان است «۳» و هر کاری که فرشـتگان انجام می‌دهند به دستور خداست؛ بنابر این می‌توان آن را به خدا نسبت داد. «۴» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. کافران نسبت به معاد شـبهه‌پراکنی می‌کنند (پس آماده باشـید). ۲. شـبهات مخالفـان را ریشه یابی و انگیزه‌ی آنان را بررسـی کنید. ۳. مرگ به معنـای نـابودی نیست بلکه روح انسان گرفته می‌شود و باقی می‌مانـد و به سوی خـدا باز می‌گردد. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۷۹ ۴. خدا کارها را با واسـطه‌ی فرشتگان انجام می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی سـجده به سرافکندگی خلافکاران در رستاخیز و تقاضای بازگشت آنان به دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. وَلَوْ تَرَی إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ربَّنَا أ بْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً إِنَّا مُوقِنُونَ و ای کاش خلافکاران را می‌دیدی هنگـامی کـه آنـان در پیشـگاه پروردگارشـان سـرافکنده می‌شونـد، (و می‌گوینـد:) ای پروردگـار مـا! دیـدیم و شـنیدیم؛ پس مـا را بـازگردان تـا [کـار] شایسـته‌ای انجـام دهیم؛ [چرا] که مـا یقین پیـدا کردیم. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. خلافکاران (کافرکیش) صـحنه‌ی رسـتاخیز را می‌بینند و بازخواست فرشـتگان را می‌شـنوند و از این رو سخت شرمنده، پشیمان و سرافکنده می‌شوند. ۲. خلافکاران از خـدا می‌خواهنـد که آنـان را به دنیـا بازگردانـد، در حـالی که این کـار ممکن نیست؛ چرا که بازگشت از یک مرحله‌ی زنـدگی به مرحله‌ی قبـل از آن امکان عادی نـدارد، همان طور که انسان نمی‌توانـد به دوران کودکی و جنینی بازگردد. به وقت کار، بایـد کرد تـدبیر چه تـدبیری، چو وقتِ کار شـد دیر (پروین) علاوه بر آن، این کافران مجرم اگر به دنیا بازگردند بی‌فایده خواهد بود و باز هم خلافکـاری خواهنـد کرد، همـان طور که در دنیا بارها به آنان تـذکر داده شـد، ولی گوش نکردنـد. ۳. از سیاق آیات قبل و بعـد و مضـمون آیه استفاده می‌شود که مقصود از مجرمان در این آیه همان کافران خلافکار هستند که منکر قیامت بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز سرافکندگی و پشیمانی خلافکاران است (تلاش کنید این گونه نباشید). ۲. سـرمایه‌ی آخرت عمـل صالـح است (آن را به دست آوریـد). ۳. یقین در رسـتاخیز و تقاضـای بـازگشت به دنیا سودی نـدارد (تا فرصـت بـاقی اسـت کـاری کنیـد). *** قرآن کریـم در آیـه‌ی سیزدهم سـوره‌ی سـجده بـه قـانون الهی در مـورد پرکردن جهنّم از خلافکاران اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۳. وَلَوْ شِـئْنَا لَآتَيْنَا كُـلَّ نَفْسٍ هُـدَاهَا وَلَكِنْ حَـقَّ الْقَوْلُ مِنِّی لَأَمْلأَـنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً به هرشخص رهنمودش را (به اجبار) می‌دادیم، و لیکن گفتار (سنّت گونه ای) از طرف من تحقق یافته که قطعاً جهنّم را از همه‌ی جن‌ها و مردم پر خواهم کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر خدا می‌خواست می‌توانست همه‌ی انسان‌هـا را به اجبار هـدایت کنـد، ولی ایمان وهـدایت اجباری ارزشـی نخواهـد داشت و افتخار انسان در آن است که راه تکامل را

آزادانه و به اختیار خود بپیماید. ۲. چنانچه انسان در انتخاب راه هدایت و گمراهی آزاد باشد، گروهی راه ایمان می‌پویند و گروهی به راه کفر می‌روند و در این صورت سنت و قانون الهی آن است که جهنّم را از انسان‌ها و جنّیان کافر و خلافکار پرسازد. ۳. جنّیان نیز هم چون انسان‌ها دارای اختیار و تکلیف هستند و هرگاه به راه کفر و گناه بروند مجازات می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۱ ۴. مقصود از پرشدن جهنّم و تأکیدات این جمله آن است که حتماً وعده‌ی عذاب الهی تحقق می‌یابد و رحمت الهی مانع انجام این کار نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در انتخاب هدایت و گمراهی آزاد هستید (دقت کنید کدام یک را انتخاب می‌کنید). ۲. قطعاً خدا کافران خلافکار را مجازات می‌کند و دوزخ را از آنان پر می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی سجده فراموشی رستاخیز و اعمال انسان را از عوامل عذاب او می‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴. فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ پس، (به دوزخیان می‌گویيم: عذاب را) بچشید، به خاطر این‌که ملاقات این روزتان را فراموش کردید؛ در حقیقت، ما (نیز) شما را به فراموشی سپردیم؛ و به خاطر آنچه انجام می‌دادید، عذاب ماندگار را بچشید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فراموشی قیامت سرچشمه‌ی بدبختی انسان است. کسانی که دادگاه عدل الهی را در نظر ندارند دست به هرگونه قانون شکنی، ظلم و جنایت می‌زنند، اما کسانی که به معاد اعتقاد دارند مراقب اعمال خویش هستند. ۲. مقصود از فراموشی خدا، از بین رفتن صورت چیزی از ذهن او نیست؛ زیرا خدا در همه حال و هرزمان از همه چیز آگاه است و فراموشی برای او معنا ندارد. سپس منظور این آیه آن است که هرکس ملاقات خدا را فراموش کند (و عمداً از یاد قیامت غافل شود) خدا نیز او را به دست فراموشی می‌سپارد؛ تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۲ یعنی حمایت و کمک خود را نسبت به او قطع می‌کند تا در وادی حیرت و گمراهی و گناه غوطه ور و راهی دوزخ گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غفلت از رستاخیز و کردار ناشایست از عوامل عذاب هستند. ۲. رستاخیز را فراموش نکنید که خدا شما را به دست فراموشی می‌سپارد (و گرفتار عذاب می‌شوید). ***

نشانه های مومنان حقیقی

قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی سجده به صفات مؤمنان راستین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّداً وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ* تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَطَمَعاً وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که هرگاه بدان (آیات) یادآوری شدند، سجده‌کنان (برزمین) می‌افتند و با ستایش پرودگارشان تسبیح می‌گویند؛ در حالی که آنان تکبر نمی‌ورزند.* پهلوهایشان (برای نماز) از بسترها بلند می‌شود، درحالی که پروردگارشان را به خاطر ترس و امید می‌خوانند و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) هزینه می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نخستین سجده‌ی واجب قرآن در هنگام تلاوت آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی سجده است و هرگاه کسی این آیه را به طور کامل تلاوت کند، یا از دیگری بشنود، واجب است که یک سجده به جاآورد. البته وضو داشتن برای این سجده واجب نیست ولی پیشانی خود را باید بر چیزی بگذارد که سجده بر آن صحیح است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۳ ۲. در این آیات شش صفت و نشانه‌ی مؤمنان راستین بیان شده است و این مطلب به صورت انحصار آمده است؛ یعنی مؤمنان حقیقی این شش ویژگی را دارند. ۳. مؤمنان با شنیدن آیات الهی چنان شیفته می‌شوند که بی‌اختیار، سجده‌کنان بر زمین می‌افتند. این نشانه‌ی عشق و علاقه‌ی آنان به کلام معبود است. ۴. نشانه‌ی دوم مؤمنان حمد و تسبیح گویی است؛ یعنی از طرفی خدا را به خاطر صفات جمال ستایش می‌کنند و از طرف دیگر او را از نقایص پاک و منزّه می‌شمرند. ۵. نشانه‌ی سوم مؤمنان آن است که اهل فروتنی هستند و از تکبر دوری می‌کنند، چراکه تکبر نخستین پله‌ی نردبان کفراست. ۶. نشانه‌ی چهارم مؤمنان راستین آن است که راز و نیاز و نماز را بر خواب ترجیح می‌دهند و در دل شب پهلو از بستر بر می‌کنند تا سر بر آستان معبود گذارند و با او راز و نیاز کنند. بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود زین سیل دمادم که درین منزل خواب است (حافظ) ۷. مقصود از برخاستن از رختخواب در این آیه، یا

برای نماز عشا است، یعنی مؤمنان پس از نماز مغرب به خواب نمی‌رونـد تا مبادا نماز عشای آنان قضا شود ویا مقصود به جا آوردن نماز شب است؛ یعنی مؤمنان حقیقی در دل شب که همه در خواب‌انـد بیـدار می‌شوند و از رختخواب بیرون می‌آیند و یازده رکعت نمـاز شب را به جا می‌آورنـد. در مورد هر دو تفسیر احادیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السـلام رسـیده است و مانعی ندارد که این آیه معنای وسیعی داشته باشد که شامل نماز عشا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۴ و نماز شب بشود، «۱» هرچند آیه با نماز شب تناسب بیش‌تری دارد. ۸. امام باقر علیه السلام به یکی از یاران فرمودند: اگر بخواهی تمام درهای خیر را به تو معرفی می‌کنم (سپس در برابر اشتیاق آن یار فرمودند:) روزه سپراست و صدقه خطاها را پاک می‌کند و برخاستن در دل شب (انسان را) به یاد خدا می‌اندازد (سپس حضرت آیه‌ی فوق را قرائت کردند). «۲» ۹. نشانه‌ی پنجم مؤمنان حقیقی آن است که خدا را با بیم و امیـد می‌خواننـد؛ یعنی نه از خشم خدا خود را ایمن می‌دانند و نه از رحمتش مأیوس می‌گردند؛ که غلبه‌ی ترس، انسان را به یـأس و سـستی می‌کشانـد و هر دو دشـمنِ حرکتِ تکـاملی انسـان است. مرا در منزل جانـان چه امن عیش چـون هر دم جرس فریـاد می‌دارد که بر بندیـد محمل‌ها (حافظ) ۱۰. نشـانه‌ی ششم مؤمنان راستین آن است که از هرچه دارنـد (اموال، علوم، تجربه و ...) در راه خـدا مصـرف می‌کننـد و به دیگران می‌بخشـند. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. اگر مـؤمن حقیقی هستیـد، در برابر آیـات الهی بی‌تفـاوت نباشـید و واکنش مثبت نشان دهید. ۲. سـجده، حمـد، تسبیح و تکبرگریزی از نشانه‌های مؤمنان راستین است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۵ ۳. به راز و نیـاز در دل شب، تعـادل در دعا و انفاق توجه کنیـد که از نشانه‌های مؤمنان راستین است. ۴. مؤمنان راسـتین برای دیگران چشـمه‌ی سرشار خیر هسـتند و از همه چیز خود انفـاق می‌کننـد. ۵. مؤمنـان حقیقی نمـاز را بر خـواب ترجیح می‌دهند. ۶. مؤمنـان هم از (مخـالفت) خـدا هراس دارنـد و هم به رحمت او امیدوارنـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفـدهم سوره‌ی سجده به پاداش‌ها و چشم روشـنی‌های مؤمنان حقیقی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. فَلاـ تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا اخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أعْیُنٍ جَزَاءً بِمَـا کَـانُوا یَعْمَلُونَ پس هیـچ شخصـی نمی‌دانـد چه روشـنی چشـمانی برایشان نهفته شـده، به پاداش آنچه انجام می‌دادنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قُرّة» به معنای سـردی و خنکی است و در این جا کنایه از اشک شوق انسان است که از دیدگان جاری می‌شود و چشم را خنـک و روشـن می‌سـازد. ایـن کنـایه‌ی لطیفی است از نهـایت خوشـحالی مؤمنـان، درهنگـامی که پاداش‌هـای خـود را دریـافت می‌کنند. ۲. پاداش‌هـای مؤمنـان حقیقی، از همه‌ی افراد، اعم از انسان‌هـا و فرشـتگان مخفی نگـاه داشـته می‌شـود؛ چرا که: اولًا، این پاداش‌هـا آن قـدر مهم و بـا ارزش و والاست که با سـخن نمی‌توان به آسانی حقیقت آنها را بیان کرد، پس مخفی کردن آنها نشاط انگیزتراست. ثانیـاً، یکی از ویژگی‌هـای مؤمنـان حقیقی نماز شب بود که معمولًا در شب مخفی می‌شـد و پاداش آنان نیز متناسب با عمل آنان، مخفی است. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۶ ۳. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام آمده است که هیچ عمـل نیکی نیست، مگر آن که در قرآن ثواب آن روشن شـده است، الاـ نماز شب که خـدا به خاطر عظمت آن ثواب آن را روشـن نساخته است (سپس حضرت آیه‌ی فوق را قرائت کردند). «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش‌های مؤمنان حقیقی بزرگ و مخفی است. ۲. خدا چشم روشنی‌ها را به بهای عمل می‌دهد (نه به بهانه). ۳. اگر پاداش و چشم روشنی الهی می‌خواهید عمل‌گرا شوید. ***

مقایسه مومنان و نافرمانبرداران

قرآن کریم در آیات هیجدهم تا بیسـتم سوره‌ی سجده به مقایسه‌ی کارها و فرجام مؤمنان و فاسقان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۸– ۲۰. أفَمَنْ کَانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کَانَ فَاسِقاً لا یَسْتَوُونَ* أمَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ المَأوَی نُزُلًا بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ* وَأمَّا الَّذِینَ فَسَـقُوا فَمَأوَاهُمُ النَّارُ کُلَّمَا أرَادُوا أنْ یَخْرُجُوا مِنْهَا اعِیدُوا فِیهَا وَقِیلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِی کُنْتُمْ بِهِ تُکَذِّبُونَ و آیا کسـی که مومن باشد همانند کسی است که نافرمان است؟ مساوی نیستند. کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پس بوستان‌های (بهشتی) منزلگـاه برای آنـان است، درحـالی که (نخستین) پـذیرایی است به خـاطر آنچه انجـام می‌دادنـد.* و امّا کسانی که نافرمان

شدنـد، پس مقصـدشان آتش است؛ هرگاه بخواهند از آن خارج شوند، در آن بازگردانده می‌شوند و به آنان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۷ گفته می‌شود: «بچشید عـذاب آتشـی را که آن را دروغ می انگاشتید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، روش مقـایسه است؛ یعنی عمـل کرد و سـرنوشت دو گروه را در برابر هم به تصویر می‌کشـد تـا زشتی‌هـا و زیبایی‌ها و سعادت و شـقاوت روشن‌تر شود و مردم بهتر بتوانند تصـمیم بگیرند. در این جا نیز سـرنوشت و عمل‌کرد مؤمنان و فاسـقان به تصویر کشیده شده است. ۲. «فـاسق» در اصل به معنای خارج شـدن میوه از پوسـتش است از این رو به خارج شـدن افراد از اطاعت خـدا و عقـل فِسق گفته می‌شود. این کلمه در این جـا معنای گسترده‌ای دارد که شامل گناهکاران و کافران می‌شود؛ چراکه در برابر مؤمنان به کار رفته است. «۱» ۳. برخی مفسران حکایت کرده‌اند که این آیه در مورد گفت‌وگوی امام علی علیه السلام با ولید بن عقبه نازل شـده است که ولیـد گفت: «من زبـانی گسـترده‌تر و نیزه‌ای تیزتر از تـو دارم.» «۲» و امـام علی علیه السلام پاسخ داد که: «این چنین نیست که تو می‌گویی. ای فاسق!» البته ولیـد بن عقبه در آیات قرآن، «فاسق» خوانـده شده است. «۳» ولی سوره سجده مکی است و آیه‌ی فوق نمی‌توانـد در این جریان نازل شده باشد، مگر آن که بگوییم این آیه بر جریان امام علی علیه السلام و ولید تطبیق شده و یا این که در مدینه نازل شده است. «۴» ۴. «نُزُل» به معنای چیزی است که برای پذیرایی مهمان آماده می‌کنند و یا نخستین چیزی که بـا آن از مهمـان پـذیرایی می‌کننـد، هم‌چون شـربت. تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۲۸۸ یعنی بهشت بـا همه‌ی نعمت‌هـایش نخستین پذیرایی خدا از مؤمنان است. «۱» ۵. فاسقان در دوزخ زندانی می‌شوند و هرگاه بخواهند از آن جا خارج شوند، دوباره بدان بازگردانـده می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمن و فاجر را یکسان ننگریـد. ۲. بهشت نخستین پاداش مؤمنان شایسته‌کردار است. ۳. فاسـقان زندانی دوزخ هسـتند (پس شـما این گونه نباشید). ۴. بهشت و دوزخ در برابر عقایـد و اعمـال انسان‌هـا داده می‌شـود. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی سـجده به عـذاب‌های دنیوی و آثار تربیتی آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ العَـذَابِ الأَدْنَى دُونَ العَـذَابِ الأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ و قطعاً، غیر از عذاب بزرگ‌تر (اخروی)، از عذاب نزدیک‌تر (دنیوی) به آنان می‌چشـانیم، باشـد که آنان بازگردنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در ایـن آیه به یکی از لطف‌هـای مخفی الهی اشـاره شـده که ظـاهر آن عـذاب است؛ یعنی مجازات‌هـای دنیوی، هم‌چون دردهـا، بلاهـا، قحطی و خشک‌سـالی که بـاعث بیـداری انسان‌هـا و نجات آنان از عـذاب اخروی می‌شود، مجازات‌هـایی است که آثار تربیتی ثمربخش برای انسان دارد. ۲. تعبیر «لعلّ» برای بیان علت ناقصه و زمینه است؛ یعنی عـذاب‌های دنیوی زمینه‌ساز بازگشت، بیداری و نجات انسان است و این یکی از فلسـفه‌های مهم بلاها و رنج‌های دنیوی است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۸۹ البته گاهی رنـج‌های دنیوی در اثر سـتمکاری افراد یا بازتاب اعمال خود انسان است. ۳. چرا از عـذاب دنیوی با عنوان «نزدیک‌تر» و از عـذاب اخروی با عنوان «بزرگ‌تر» یاد شـده است در حالی که نزدیک‌تر در برابر دورتر است، نه بزرگ‌تر؟ پاسـخ آن است که عـذاب دنیـوی دو صـفت نزدیکی و کـوچکی را دارد و در مقـام تهدیـد مناسـب نیست که بر کوچک بودن آن تکیه شود و عذاب اخروی نیز دارای دو صفت بزرگی و دور بودن است که در هنگام تهدید مناسب نیست که بر دور بودن آن تکیه شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هرگاه گرفتار مجازات‌های دنیوی شدید، به سوی خدا باز گردید. ۲. خـدا به وسـیله‌ی بلاها و مشـکلات انسان‌ها را تربیت می‌کنـد. ۳. قبـل از آن که به عـذاب بزرگ الهی گرفتار شویـد، با عـذاب‌های دنیوی بیدار شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی سجده به فرجام سخت روی گردانان از آیات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ المُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ و چه کسـی سـتمکارتر است از کسی که نشانه‌های پروردگارش (به او) تذکّر داده شده، سپس از آن [ها] روی گرداند؟! مسلماً، ما از خلافکاران انتقام گیرنده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به کسانی اشاره کرده که وسایل بیدار کننده و هشدار دهنده در آنها تأثیری ندارد و هرچه از نشانه‌های الهی می‌بینند و هرچه آیات هشدار گر برآنان خوانده می‌شود نسبت به آنها بی‌اعتنایی می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۰ این گونه افراد سـتمکارترین مردم هسـتند؛ آنان به خود سـتم می‌کنند که از فرصت‌ها و نعمت‌ها و آیات الهی اسـتفاده نمی‌کنند و با

روی گردانی از آیـات الهی به رهبران و آیات الهی نیز توهین و سـتم روا می‌دارنـد. ۲. در این آیه از «انتقام الهی» سـخن گفته شده اسـت. البتـه انتقـام در لغـت عرب بـه معنـای «مجـازات کردن» اسـت و معنـای فارسـی آن که مجـازات برای فرونشانـدن سـوز درونِ انتقام‌گیرنـده است، مقصود نیست. ۳. واژه‌ی «ثُمّ» به معنـای انجـام کاری با فاصـله است؛ یعنی به سـتمکاران خلافکار، فرصت کافی داده می‌شود، تـا در آیـات الهی مطـالعه کننـد، ولی بـازهم روی می‌گرداننـد و در نهـایت گرفتـار انتقام الهی می‌گردنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افرادی که از نشانه‌هـا و آیـات الهی روی بر می‌تابنـد، سـتمکار و خلافکـار هسـتند. ۲. خلافکـاران از انتقـام الهی در امان نیستند. ۳. از نعمت آیات الهی که به سـراغ شـما آمـده، روی گردان نشویـد که بـدترین سـتم به خودتان است. *** قرآن کریم در آیات بیست و سوم تا بیست و پنجم سوره‌ی سـجده به سرگذشت موسی و تورات و پیشوایان هدایتگر و شرایط آنان اشاره می‌کند و با هشدار به اختلاف کنندگان بنی‌اسـرائیل می‌فرماید: ۲۳- ۲۵. وَلَقَـدْ آ تَیْنَا مُوسَـی الْکِتَابَ فَلا تَکُنْ فِی مِرْیَـةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدیً لِبَنِی إِسْـرَائِیلَ* وَجَعَلْنَـا مِنْهُمْ أَئِمَّةً یَهْـدُونَ بِأَمْرِنَـا لَمَّا صَبَرُوا وَکَانُوا بِآیَاتِنَا یُوقِنُونَ* إِنَّ رَبَّکَ هُوَ یَفْصِلُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَـةِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ و به یقین، به موسـی کتاب (تورات) دادیم؛ و از ملاقاتش در تردیـد مباش؛ و آن را رهنمودی برای بنی اسـرائیل (: فرزندان یعقوب) قراردادیم.* و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) راه‌نمایی می‌کردند؛ چون شـکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشـتند.* در حقیقت، پروردگار تو، خود، میان آنان در روز رسـتاخیز درباره آنچه در آن اختلاف می کردند (داوری کرده و) جدایی می‌اندازد. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بیان اجمالی سـرگذشت موسی علیه السلام در آیات پایانی سوره‌ی سـجده، از طرفی موجب تسلّی پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله بود که در برابر مشرکان بهانه‌جو و تفرقه‌افکن قرارداشت و از طرف دیگر موسـی صـلی الله علیه و آله پیـامبر بزرگی بـود که مـورد احـترام یهودیـان و مسـیحیان قرارداشت و بیـان سرگذشت او می‌توانست زمینه‌ساز جذب اهل کتاب به سوی اسـلام باشد. ۲. در مورد ضـمیر «لِقائِه» مفسران اختلاف دارند و آن را به کتـاب، قیـامت، قرآن، موسـی و خـدا بازگردانده‌انـد. ولی آنچه با ظاهر و سـیاق آیه سازگارتر است آن است که مقصود ملاقات موسی با کتاب تورات باشد؛ یعنی ای پیامبر! تردیدی نداشته باش که موسی کتاب تورات را دریافت کرده است. «۱» ۳. دراین آیات به دو شـرط اساسـی پیشوایان الهی اشاره شده است که شرط نخست شکیبایی و استقامت در برابر مشکلات، حوادث و مخالفت‌ها و شرط دوم ایمـان ویقین به آیـات و نشانه‌هـای الهی است که بایـد در طول زنـدگی آنان اسـتمرار داشـته باشـد. «۲» این شـرایط برای پیشوایـان بنی اسـرائیل بیـان شـده است اما در حقیقت شـرایط پیشوایان همه‌ی امت هاست. ۴. در این آیـات برنـامه‌ی پیشوایان الهی «هـدایت براساس امر الهی» بیان شده است که شامل تمام شـئون زندگی و ابعاد اعتقادی و عملی و اخلاقی بشـر می‌شود. ۵. مفسران در مورد واژه‌ی «امْر» دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود قوانین شـرعی و اوامر تشریعی باشد؛ یعنی پیشوایان الهی براساس قوانین الهی مردم را هدایت می‌کنند. ب) منظور اوامر تکوینی، یعنی نفوذ باطنی در دل‌ها و رساندن افراد به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۲ اهداف عالی تربیتی و معنوی باشد. «۱» البته مانعی ندارد که آیه‌ی فوق شامل هردو معنا باشد. «۲» ۶. مقصود از «ائمه» در ظاهر آیه همان پیشوایان و پیامبران بنی اسرائیل هستند؛ چراکه تعبیر به «جعل» یعنی قراردادن، در مورد مقام کسانی به کار می‌رود که خدا آنان را نصب می‌کنـد. ولی مانعی ندارد که این برنامه و شـرایط شامل همه‌ی پیامبران و امامان الهی و حتی در مراتب پایین تر شامل همه‌ی پیشوایان حق باشـد. ۷. در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام روایت شـده که امامان و پیشوایان بر دوگونه‌انـد: امامانی که به فرمان خـدا نه به فرمان مردم هـدایت را به عهـده می‌گیرنـد و امر خدا را بر امر خودشان مقدم می‌دارند؛ و امامانی که به سوی آتش دعوت می‌کننـد و فرمـان خود را بر فرمـان حق مقـدم می‌دارنـد و طبق هوای نفس خویش و برضـد کتـاب خـدا عمـل می‌کننـد. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. از سـرگذشت موسـی و پیشوایان بنی اسـرائیل و اختلافات آنان عبرت بگیریـد. ۲. کتـاب الهی و پیشوایان حق مایه‌ی هدایت مردم هستند. ۳. صبر و یقین دو شرط امامت است. ۴. برنامه‌ی پیشوایان حق، هدایت براساس فرمان خداست. ۵. (اگر اختلافات در دنیا حل نشود،) خدا در رسـتاخیز به حساب آنها می‌رسد و داوری قطعی می‌کند. *** تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم،

ص: ۲۹۳

نشانه های خدا

قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی سجده به نشانه‌های هدایتگر الهی در آثار باستانی و چرخه‌ی حیات طبیعت اشاره می کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. أوَ لَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ أهْلَکْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ القُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَسَاکِنِهِمْ إنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ أ فَلا یَسْمَعُونَ* أوَ لَمْ یَرَوْا أ نَّا نَسُوقُ المَاءَ إلَی الأرْضِ الجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً تَأکُلُ مِنْهُ أ نْعَامُهُمْ وَأنفُسُهُمْ أفَلا یُبْصِرُونَ و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم؟! در حالی که (این کافران) در خانه‌های آنان راه می‌روند؛ مسلماً، در این [ها] نشانه‌هایی (عبرت آموز) است؛ و آیا (به گوش دل) نمی‌شنوند؟!* و آیا نظر نکرده‌اند که ما، آب (باران) را به سوی زمین بی‌آب و علف می‌رانیم و به وسیله‌ی آن زراعتی را بیرون می‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند؟! و آیا نمی‌بینند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به سرنوشت اقوامی هم‌چون قوم عاد و ثمود اشاره شده است که مردمی قدرتمند بودند، اما به خاطر سرکشی و گناه، عذاب الهی نازل شد و آنان را درهم کوبید و اکنون گویی آثار باستانی و ویرانه‌های آنان با انسان‌ها سخن می گویند و نتیجه‌ی کفر و سرکشی را گوش‌زد و به ره‌گذران عبرت می‌آموزند و نشانه‌های قدرت الهی را بیان می‌نمایند. ۲. در این آیات به یکی از نعمت‌های الهی و نشانه‌های او در چرخه‌ی طبیعت اشاره شده است که خدا آب را به سوی زمین‌های خشک و بی گیاه می‌راند و آنها را زنده می گرداند و گیاهان در آنها می‌رویند سپس از این گیاهان حیوانات و انسان‌ها تغذیه می‌کنند. آری؛ اگر کسی با دقت به این مسائل بنگرد نشانه‌های قدرت و حکمت الهی را می‌بینند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۴ ۳. مقصود از راندن آب به سوی سرزمین خشک و بی‌آب و علف «۱»، یا آن است که آب‌ها به صورت بخار و ابر و توسط بادها به طرف بیابان‌های خشک رانده می‌شوند و یا جریان‌های آب‌های سطحی زمین است که درقالب رودخانه‌ها و نهرها جاری می‌شوند و یا جریان‌های آب‌های زیر زمینی است که به طرف سرزمین‌های دیگر می‌روند. البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۴. در این آیه حیوانات را قبل از انسان ذکر کرد. این تقدیم ممکن است به خاطر آن باشد که تمام تغذیه‌ی دام‌ها از گیاهان است، در حالی که بخشی از تغذیه‌ی انسان‌ها از گیاهان است و یا این که غالباً گیاهان از همان ابتدا مورد استفاده‌ی حیوانات هستند اما انسان‌ها از دانه و ثمره‌ی گیاهان استفاده می‌کنند. «۳» ۵. چرا آیه‌ی مربوط به آثار باستانی با جمله‌ی «آیا نمی‌شنوند» و آیه‌ی مربوط به چرخه‌ی طبیعت با جمله‌ی «آیا نمی‌بینند» پایان یافت؟ شاید به خاطر آن که انسان منظره‌ی رویش گیاهان و چرخه‌ی آب در طبیعت را می‌بیند، اما مسائل مربوط به اقوام پیشین را غالباً می‌شنود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات باستان‌شناسی و طبیعت‌شناسی، خداشناس شوید. ۲. از هلاکت اقوام پیشین عبرت بیاموزید و (به سوی خدا) ره‌نمون شوید. ۳. به چرخه‌ی آب در طبیعت و رشد گیاهان و تغذیه‌ی موجودات بادقت بنگرید تا (به سوی خدا) ره‌نمون شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۵ قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی‌ام سوره‌ی سجده به بهانه تراشی کافران پاسخ می‌دهد و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۲۸- ۳۰. وَیَقُولُونَ مَتَی هَـذَا الفَتْحُ إنْ کُنتُمْ صَـادِقِینَ* قُـلْ یَوْمَ الفَتْحِ لا یَنفَعُ الَّذِینَ کَفَرُوا إیمَانُهُمْ وَلَا هُمْ یُنْظَرُونَ* فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَا نْتَظِرْ إنَّهُمْ مُنتَظِرُونَ و (کافران) می گویند: «اگر راست گویید، این پیروزی (شما) چه وقت است؟!» (ای پیامبر!) بگو: «در روز پیروزی، کسانی که کفر ورزیدند، ایمانشان سودی نخواهد داشت؛ و آنان مهلت داده نمی‌شوند.»* پس، از آنان روی گردان و منتظر باش؛ که آنان (نیز) منتظرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان وعده‌ی پیروزی و یاری داده و کافران لجوج را به عذاب الهی تهدید کرده است. در این آیات بیان شده که کافران در این مورد بهانه‌تراشی و عجله می‌کردند و با غرور و ریشخند می گفتند: این پیروزی شما و عذاب ما چه زمانی فرا می‌رسد؟! ۲. مقصود از «روز فتح» روز فرود آمدن عذاب الهی در دنیاست؛ یعنی عذابی که کافران را ریشه کن می‌سازد و در آن هنگام دیگر

فرصت توبه به کسی داده نمی‌شود و کافران مهلت نمی‌یابند که ایمان بیاورند. «۱» ۳. اگر استدلال و منطق و اندرز در کافران اثر نکرد و باز به بهانه‌جویی و لجاجت پرداختند، مبلّغان و رهبران الهی می‌توانند از آنان روی برتابند و منتظر تقدیر الهی و رحمت او بر مؤمنان و عذاب او بر کافران باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به بهانه جویی‌های کافران پاسخ مناسب دهید. ۲. قبل از روز پیروزی (مؤمنان و نزول عذاب الهی) ایمان بیاورید که بعد از آن سودی ندارد. ۳. مبلغان و رهبران دینی از کافران لجوج و بهانه‌جو، روی برتابند و منتظر تقدیر الهی باشند. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۷

بخش پنجم: سوره‌ی احزاب

اشاره

سامانـدهی زندگی اجتماعی مسلمانان با بیان قوانین پاکسازی خرافات جاهلیت از میان مسلمانان آموزه‌های نظامی جنگ احزاب و بنی قریظه خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و الگو بودن ایشان پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام آداب معاشرت و حجاب زنان تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۲۹۹

اول: سیمای سوره‌ی احزاب

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز

شمارگان

سوره‌ی احزاب در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد و دارای ۷۳ آیه، ۱۲۸۰ واژه و ۵۷۹۶ حرف است.

نزول

سوره‌ی احزاب هشتاد و نهمین سوره در ترتیب نزول است (بعد از سوره‌ی آل عمران و قبل از سوره‌ی ممتحنه) و در بین سال دوم تا پنجم هجری نازل شده است. نام‌ها: تنها نام این سوره «احزاب» به معنای حزب‌ها و گروه‌هاست و سبب نام‌گذاری آن، آیات ۲۰ و ۲۲ این سوره است که در آن‌ها سخن از «احزاب» و گروه‌ها گفته شده است.

فضایل

در مورد فضیلت تلاوت این سوره از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس سوره‌ی احزاب را تلاوت کند و به خانواده‌ی خود بیاموزد از عذاب قبر در امان خواهد بود. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۰ تذکر: آموزش سوره‌ی احزاب اعم از قرائت و عمل به محتوای آن است و این است که انسان را از عذاب الهی مصون می‌دارد. ویژگی‌ها: آیه‌ی مهم تطهیر که در مورد اهل بیت علیهم السلام و پاکی آنان نازل شده آیه‌ی ۳۲ همین سوره است و در این سوره به داستان جنگ مهم احزاب اشاره شده است.

اهداف

اساسی‌ترین هدف‌های این سوره عبارت‌انداز: ۱. سازماندهی زندگی اجتماعی مسلمانان با بیان مقررات و قوانین زندگی برای آنان؛ ۲. هـدایت مسـلمانان در دوره‌ی سـخت هجوم مشـرکان و خیـانت یهودیان طی دو جنگ احزاب و بنی قریظه؛ ۳. مبارزه با رسوبات خرافات جاهلی در میان مسلمانان.

مطالب

مهم‌ترین مطـالبی که در این سـوره به چشم می‌خورد عبارت‌انـداز: الف) عقایـد ۱. دعوت پیـامبر به اطـاعت از خـدا و وحی و ترک پیروی از کـافران و منافقـان (در آیات ۱- ۲)؛ ۲. بیـان راه نجات در رسـتاخیز (در آیه‌ی ۶۷)؛ ۳. بیان آخرین پیامبر بودن، حضـرت محمد صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۴)؛ ۴. بیان پاکی و عصـمت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام (در آیه‌ی ۳۳). ب) اخلاق تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۱ ۱. دسـتورات اخلاقی و تربیتی در مورد همسـران پیامبر صلی الله علیه و آله که بایـد الگوی دیگران باشـند (در آیات ۲۸- ۳۴)؛ ۲. زنـان پیامبر مادران مؤمنان هسـتند (در آیه‌ی ۶)؛ ۳. پیامبر اسـلام الگو و اسوه‌ی نیکـو است (در آیه‌ی ۲۱)؛ ۴. آداب معاشـرت بـا پیامبر صـلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۵۳). ج) احکام ۱. ردّ خرافـات جاهلیت مثل ظِهار که آن را وسـیله‌ی جدایی زن و شوهر قرار می‌دادند (در آیات ۳، ۴ و ۳۷)؛ ۲. دستور حجاب به زنان مؤمن (در آیه‌ی ۵۹)؛ ۳. مطـالبی درباره‌ی قوانین طلاق زنان (در آیه‌ی ۴۹)؛ ۴. ممنوعیت ازدواج با زنان پیامبر بعـد از او (در آیه‌ی ۵۳)؛ ۵. دستور به صلوات و سـلام بر پیامبر صـلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۵۶). د) داستان ۱. داسـتان جنگ احزاب (خندق) و بیان نقش یهود به عنوان سـتون پنجم دشـمن و پیروزی اعجازآمیز مسـلمانان بر کفـار (در آیات ۹- ۲۲)؛ ۲. داسـتان زینب و زیـد و پاسـخ قرآن به بهانه‌جویان (در آیه‌ی ۳۷)؛ ۳. یادآوری میثاق پیامبرانی هم‌چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام (در آیه ۷). ه) مطـالب فرعی ۱. حمـایت خـدا از پیامبر صـلی الله علیه و آله در برابر کارشـکنی مخالفان؛ ۲. امانت‌داری انسان در تعهـدات و تکالیف و مسـئولیت‌ها (در آیه‌ی ۷۲)؛ ۳. افشـاگری منافقـان و رسوایی مردان و زنان قریش؛ ۴. هشـدار جدّی در مورد اذیت کردن پیامبر که موجب لعنت و عـذاب می‌شود (در آیات ۵۳ و ۵۸)؛ ۵. علم قیامت نزد خداست (در آیه‌ی ۶۳). *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۳

دوم: محتوای سوره‌ی احزاب

معیارهای پیرو اطاعت

قرآن کریم در آیـات اول تـا سوم سوره‌ی احزاب چهـار فرمـان به پیامبر صـلی الله علیه و آله داده و با هشـدار در مورد آگاهی خـدا می‌فرماید: ۱- ۳. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَالْمُنَافِقِینَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلِیماً حَکِیماً* وَاتَّبِعْ مَا یُوحَی إِلَیْکَ مِن رَّبِّکَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیراً* وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ وَکِیلًا ای پیـامبر! از (مخـالفت) خـدا خودنگهـدار بـاش و از کافران و منافقان اطـاعت نکن که خـدا دانـای فرزانه است.* و از آنچه از پروردگـارت به سوی تو وحی می‌شود پیروی کن؛ که خـدا به آنچه انجـام می‌دهید آگاه است.* و بر خدا توکّل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوسـفیان و برخی دیگر از سران مشـرکان (از پیـامبر صـلی الله علیه و آله امـان گرفتنـد و وارد مـدینه شدنـد و به همراه (منافق مشـهور) عبـداللَّه بن ابیّ و برخی دوسـتانش خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله رسـیدند و به او پیشنهاد کردند که از بت‌ها بدگویی نکند و آنها را شفاعتگر بخواند و در عوض مشـرکان دست از آزار پیامبر صـلی الله علیه و آله بردارند و او را آزاد بگذارند. پیامبر صـلی الله علیه و آله از این پیشـنهاد ناراحت شد و دستور داد مشرکان را از مدینه اخراج کردند. این آیات بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور

داد کـه به این پیشـنهادها اعتنـا نکنـد. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۳۰۴ نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. یکی از خطرهـای راه انقلاب‌ها و برنامه‌های رهبران بزرگ، پیشنهادهای سازشکارانه با مستکبران و کافران است که عامل رکود و عقب‌گرد می‌شود. خدا در این آیـات با این گونه پیشـنهادها برخورد کرد. ۲. این که به پیامبر صـلی الله علیه و آله دسـتور تقوا و اطاعت خـدا و عدم پیروی کافران را می‌دهـد، بـدین معنا نیست که او در تقوا و اطاعت الهی کوتاهی نموده یا از کافران و منافقان پیروی کرده است، بلکه این دسـتورات از طرفی تأکیدی بر وظایف پیامبر صـلی الله علیه و آله و از طرف دیگر درسی برای مسلمانان است. ۳. در ظاهر، مخاطب این آیات پیامبر صـلی الله علیه و آله است اما در حقیقت همه‌ی مسـلمانان هستند؛ از این رو گاهی ضمیر جمع آورده «۱» و نیز با «یا ایّهـا» شـروع کرده است تا توجه عموم را جلب کنـد. «۲» ۴. تقوا مراتبی دارد که از احسـاس مسـئولیت درونی تـا مراتب عالی ایمان وعمل ادامه می‌یابـد واگر تقوی نباشـد هیـچ برنامه‌ی سازنده‌ای عمل نمی‌شود. ۵. در این آیـات نخست به تقـوا، سپس به دوری از دشـمنان خـدا و بعـد از آن به پیروی از برنامه‌های توحیدی فرمان می‌دهد و در پایان توکّل و اعتماد بر خدا را مطرح می‌کند که این امـور زنجیره‌ای به همه پیوسـته‌اند. ۶. معنـای توکّـل بر خـدا آن نیست که انسـان حرکت و تلاـش نکنـد؛ زیرا تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۵ توکّل به معنای انجام کوشـش انسانی تا حد نهایی و تکیه بر خداست، یعنی انسان اسباب را به کار بندد ولی اثر را از خـدا بدانـد و بخواهـد. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. در زنـدگی اجتمـاعی، تقـوا، پیروی از وحی، توکّـل و عـدم پیروی از دشـمنان را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهیـد. ۲. خدا کارهای شـما را زیر نظر دارد (و می‌داند چه کسـی دسـتورات او را عمل و چه کسـی مخالفت می‌کند). ۳. حمایت و وکالت خدا برای انسان کافی است. ***

مبارزه قرآن با فرهنگ جاهلیت

قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی احزاب به مبارزه با فرهنگ جاهلی و خرافی عرب می‌پردازد و می‌فرمایـد: ۴. مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّآئِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذلِكُمْ قَوْلُكُم بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ خدا برای هیچ مردی دو دل در درونش قرار نداده است؛ و همسـرانتان را که نسبت به آنان «ظِهار» می‌کنید (و مادر خود می‌خوانید)، مادران شما قرار نداده؛ و پسرخوانده‌گانتان را پسران (حقیقی) شما قرار نداده است؛ این، سخن شماست در حالی که با دهانتان [می‌گوییـد]؛ و خـدا حقّ را می‌گویـد و او به راه (راست) راه‌نمایی می‌کنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران نوشـته‌اند که در جاهلیت شخصی به نام «جمیل» که دارای حافظه‌ای بسیار قوی بود، ادعا می‌کرد در درون من دو قلب وجود دارد و با هر کـدام از آن قلب‌ها (یا عقل‌ها) از محمـد بهتر می‌فهمم؛ از این رو مشـرکان او را «ذو القلبین» یعنی صاحب دو قلب نامیدنـد. او در جنگ بـدر شـرکت کرد و پس از شـکست مشـرکان در حالی که یک کفش خود را به دست داشت فرار کرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۶ برخی مفسران برآن‌اند که قسمت اول این آیه در مورد این جریان و برای نفی این گونه خرافات نازل شده است. «۱» ۲. این آیه می‌توانـد معنای عمیقی در برداشـته و اشاره به این باشـد که هر انسانی یک قلب بیش‌تر نـدارد و به یک معبود عشق می‌ورزد، انسان دارای دو قلب نیست که مشـرک شود و معبودها و معشوق‌های متعدد انتخاب کند. «۲» خلوت دل نیست جای صحبت اغیار دیو چو بیرون رود فرشـته در آید (حافظ) ۳. در حدیثی از امام علی علیه السـلام روایت شده که فرمودند: دوستی ما و دوستی دشـمن ما در یک قلب نمی‌گنجـد؛ چرا که خـدا برای یک انسان دو قلب قرار نـداده است. «۳» ۴. ممکن است جمله‌ی فوق معنـای دیگری نیز داشـته باشـد و آن این که هر انسـان سالم دارای قلب و روح و شخصـیت واحـد است، از این رو نفاق، دورویی و دوگـانگی شخصـیت چیزی تحمیلی و بر خلاف طبیعت انسان است؛ «۴» چون انسان دو قلب نـدارد که دو خط فکری داشـته باشد و نقش دو شخصـیت متفاوت را بازی کند و ظاهر و باطن او متفاوت باشد. هر کس چنین باشد دارای شخصـیتی ناهمگون، متشـتت و منافق است که این نوعی بیماری روحی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۷ ۵. در این آیه به مسأله‌ی «ظهار» اشاره کرده

است، ظِهار یک عادت خرافی بود که در عصر جاهلیت رواج داشت، و بر اساس آن هر مرد که به همسر خود می گفت: «تو نسبت به من هم‌چون پشت مـادر من هستی». «۱» بعـد از این جمله همسـرش را به منزله‌ی مادرش می‌پنداشت و این سـخن در حکم طلاق بود. آیه‌ی فوق بر این خرافه‌ی جاهلی خط بطلان کشـید و فرمود که: «همسران شما پس از ظهار هم‌چون مادران شما نیستند.» آری؛ قرآن نه تنها تسلیم فرهنگ جاهلی عرب نشد، بلکه با عناصر خرافی آن مبارزه کرد. ۶. اسلام «ظهار» را نفی کرد و گفت مردی که با همسـرش ظهار کند مجازات می‌شود؛ یعنی باید تاوان و کفاره بدهد تا بتواند دو باره به همسرش بازگردد و اگر کفاره ندهد و به سراغ همسرش نیاید، همسر او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا او را وادار به طلاق یا کفاره و بازگشت کند. «۲» ۷. در این آیه به یکی دیگر از قوانین خرافی جـاهلیت اشاره شـده و آن را نفی کرده است. برخی مردم کودکانی را به عنوان پسر خوانـده انتخاب می کردند و سپس تمام حقوق یک فرزند واقعی را برای او قایل می‌شدند. از این رو او ارث می‌برد و زن پدرش بر او حرام می‌شد و بر عکس. «۳» اسـلام این مقررات خرافی را نفی کرد و در این آیه بیان شده که پسر خوانده فرزند واقعی نیست. ۸. در این آیه اشاره شده که این خرافات سـخنانی است که از دهان شـما خارج می‌شود و با سـخن، رابطه‌ی مادری و فرزندی حاصل نمی‌شود و سخنان شما، واقعیت خارجی را عوض نمی‌کنـد و با حق منطبق نیست؛ در حالی که احکام الهی حق است. تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۰۸ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. عقایـد و مقررات خرافی را رهـا سازیـد کـه غیر از حرف چیز دیگری نیست. ۲. پسـر خوانده را پسر واقعی دانستن از خرافات جاهلیت است. ۳. روابط حقیقی خویشاوندی به وسیله‌ی سخن گفتن و خرافات ایجاد نمی‌شود. ۴. قرآن نه تنها تحت تأثیر فرهنگ زمانه قرار نگرفته بلکه با خرافات فرهنگی عرب مبارزه می کند. ۵. با خرافات فرهنگی عصر خویش مخالفت کنید. ۶. هر انسانی یک قلب (یک عقل و یک شخصیت) دارد (پس شرک و نفاق، مخالف طبیعت انسان است). ۷. برنامه‌های الهی را اجرا کنیـد که حق و هـدایت‌آور است. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۰۹ قرآن و فرهنـگ زمانه الف) فرهنگ زمانه عبـارت است از: مجموعه‌ی آداب، رسوم، عقایـد و ... مردم هر عصـر، که در این جا مقصود فرهنگ عرب جاهلی عصـر نزول قرآن است. «۱» ب) قرآن کریم در مـورد فرهنـگ زمـانه‌ی عصـر نزول دو گونه برخورد کرده است: ۱. عناصـر مثبت فرهنگ زمانه را در قرآن حکـایت و تقویت و پالایش کرده است. مثال: مراسم حـج را که یادگار ابراهیم علیه السـلام در میان اعراب جزیرهٔ العرب بود، قرآن نقل و تشویق کرد (حـج، ۲۷؛ بقره، ۱۹۶؛ توبه، ۳ و آل‌عمران، ۹۷) ولی از آن خرافه‌زدایی کرد و کسـانی را که در حال احرام از پشت خانه‌ها وارد می‌شدند سـرزنش کرد (بقره، ۱۸۹). مثال دیگر: داد و سـتد و تجارت را تأییـد کرد، اما عناصـر منفی آن را ردّ کرد؛ از این رو رباخواری و کم فروشی و ... را ممنوع ساخت (بقره؛ ۲۷۵). ۲. عناصر منفی فرهنگ زمانه‌ی عرب را ردّ کرد، بلکه با آن خرافـات مبـارزه نمود، برای مثال: - ظهار (نوعی طلاق دوران جاهلیت) را نفی کرد (احزاب، ۴ و مجادله، ۲). - بر خلاف عرف عرب جاهلی، پسرخوانده را پسر واقعی ندانست (احزاب، ۴). - عرب جاهلی اجازه نمی‌داد که کسـی با زن پسر خوانده ازدواج کند ولی این قانون خرافی را اسلام شکست و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده شد که با همسر زید ازدواج کند تا این سنت غلط شکسـته شود (احزاب، ۳۷). - قرآن از حقوق زنـان دفـاع کرد و بـا روش دخترکشـی عرب مبارزه نمود و آن را سـرزنش کرد. (تکویر، ۸ و ...) - قرآن در آیات زیادی با بت‌پرستی و شرک مخالفت کرد که این بزرگ‌ترین مبارزه‌ی قرآن با فرهنگ زمانه بود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۰ - قرآن با خرافات مشـرکان و نذرهای آنان و ... مخالفت کرد (مائده، ۳؛ انعام، ۱۳۶ و ...) - قرآن با مسألهٔی تثلیث و خداانگاری مسیح مبارزه کرد با این که در عصر نزول در میان مسیحیان وجود داشت و هنوز هم دارد. - قرآن بـا خرافـات یهودیـان و انحرافـات و تحریفـات آنـان به شـدت مبـارزه کرد با این که در میان یهودیان مـدینه رایـج بود (بقره و آل‌عمران). - قرآن با هیئت بطلیموسی حاکم بر فکر مردم در آن عصر مخالفت کرد و مکرر به حرکت زمین اشاره نمود (نمل، ۸۸) و از حرکت واقعی خورشید یـاد کرد (یس، ۳۸) و نیز در موردی که به حرکت کـاذب خورشـید اشاره شـد تعبیر «می‌بینیـد و گمان می کنید» آورد (کهف، ۱۷). یادآوری: پس اگر قرآن مطالبی مثل جن، فرشـته و مانند آنها را تأیید کرده است به خاطر آن است که

این‌ها حقیقت دارند، نه این که در فرهنگ زمانه وجود داشته‌اند. قرآن هر مطلب غلطی را نمی‌پذیرد و باطل در آن راه ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۱ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی احزاب مسلمانان را در مورد برخورد با فرزند خواندگانشان آموزش می‌دهد و می‌فرماید: ۵. ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيما أَخْطَأْتُم بِهِ وَلكِن مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً آن (پسر خوانده) ها را به [نام پدرانشان بخوانید که آن (کار) نزد خدا دادگرانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادشدگانتان هستند؛ و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست، ولیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به عمد (قصد) می‌کند (مسئولید)؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «عادلانه‌تر» در این آیه همان قسط و عدل است، نه آن که اگر کسی پسر خوانده را به نام غیرپدرش خواند کاری عادلانه کرده است. «۱» بلکه در هر صورت این کار موجب اشتباه و انحراف در مسائل خانوادگی و ارث می‌شود و خرافات جاهلیت را زنده می‌کند و از این رو ممنوع است. ۲. «مَوالی» جمع مولی به معنای سرپرست، دوست و غلام آزاد شده می‌آید و در این جا به معنای دوست یا غلام آزاد شده است؛ چرا که در آن عصر گاهی فرزندخواندگان از میان بردگان آزاد شده انتخاب می‌شدند. «۲» ۳. هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر صلی الله علیه و آله به «زید» که فرزند خوانده‌ی ایشان بود، فرمود: تو «زید بن حارثه» هستی ولی مردم او را «مولی رسول» می‌خواندند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۲ ۴. اگر گفتن نام پسرخواندگان به نام غیر پدرشان از روی عمد باشد اشکال دارد، «۱» ولی اگر از روی خطا باشد، گناهی ندارد. و در هر صورت خدا خطاها و گناهان را می‌آمرزد و مهربان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آداب و رسوم جاهلی را از فرهنگ گفتاری جامعه حذف کنید. ۲. با فرزند خواندگانتان به طور صحیح رفتار کنید و آنان را به نام پدرشان بخوانید، تا اشتباه و انحرافی پیش نیاید. ۳. نافرمانی عمدی مجازات دارد، نه خطایی. ۴. اگر نافرمانی کردید به آمرزش و مهر الهی امیدوار باشید. ***

قوانین خاص

قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی احزاب به رابطه‌ی پیامبر و همسرانش با امت اسلام و قانون اولویت در ارث اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُم مَّعْرُوفاً كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَبِ مَسْطُوراً پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ وهمسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان، در کتاب خدا، برخی از آنان نسبت به برخی از مومنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آن‌که (بخواهید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده‌ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۳ ۱. هنگامی که مسلمانان از مکه به مدینه مهاجرت کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله پیمان برادری بین مهاجران و انصار بستند و آنان همچون برادران حقیقی از همدیگر ارث می‌بردند. البته این مطلب نیاز آن روز جامعه‌ی اسلامی بود؛ چرا که مهاجران از شهر مکه رانده شده بودند و اموالی نداشتند و لازم بود که با قانون ارث برادری زندگی‌شان تأمین گردد. سپس این آیه فرود آمد و نظام ارث بردن را بر اساس خویشاوندی قرارداد و آنان را اولی معرفی کرد و به قانون ارث بردن برادران دینی از همدیگر پایان داد. «۱» ۲. البته مقصود از اولویت در این جا، اولویت الزامی است نه استحبابی، «۲» و نیز در این جا اولویت خویشاوندان را در برابر بیگانگان بیان می‌کند و ممکن است به اولویت برخی خویشان که نسبت به همدیگر طبقات ارث را تشکیل می‌دهند نیز اشاره کند. «۳» ۳. در این آیه به ارث بردن مهاجران و انصار از یک‌دیگر پایان داد اما راه نیکی کردن برادران مؤمن به یک‌دیگر را به کلی مسدود نکرد و به مؤمنان اجازه می‌دهد که اگر می‌خواهید به دوستان و برادران خود نیکی کنید و ارثی برای آنان قرار دهید، می‌توانید در هنگام وصیت یا از طریق بخشش اموالی را برای آنان قرار دهید، که این کاری پسندیده است. البته در قوانین ارث اسلامی به وصیت کننده اجازه داده شده که تا یک سوم اموال خود را برای هر

کس یا هر کاری می‌خواهد وصیت کند. ۴. در این آیه آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است. مقصود از این جمله آن است که در مورد کلیه‌ی اختیاراتی که انسان نسبت به خویش دارد پیامبر صلی الله علیه و آله از خود او سزاوارتر است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۴ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در تدبیر امور اجتماعی، داوری و قضاوت، حکومت، اموال و همه‌ی امور اجتماعی و فردی اولویت دارد و اراده‌ی او مقدم بر اراده‌ی مسلمانان است. ۵. از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است، اولویت و تصرفات او بر اساس مصالح و خیر افراد جامعه است و او تابع هوس خویش نیست و سود شخصی خود را محور قرار نمی‌دهد؛ از این رو خطری منافع جامعه و افراد را تهدید نمی‌کند. آری؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم نسبت به خودشان مهربان‌تر و خیرخواه‌تر است. راست می‌فرمود آن بحر کرم بر شما من، از شما مشفق‌ترم (مولوی) ۶. در این آیه از مقام «نبوت» سخن گفته شده نه از شخص محمد صلی الله علیه و آله و این اولویت برای مقام قرارداده شده است؛ بنابراین این اولویت شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و هر کسی که جانشین مقام او باشد می‌شود و در حقیقت این اولویت شاخه‌ای از اولویت اراده‌ی خداست زیرا ما هر چه داریم از اوست. ۷. در این آیه تصریح شده که همسران پیامبر در حکم مادران مسلمانان هستند، البته مادر معنوی و روحانی همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله پدر روحانی و معنوی امت بود. این پیوند معنوی مسلمانان با همسران پیامبر به خاطر احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر از زحمات او بود و تأثیرش در حفظ احترام همسران شایسته و ثابت قدم او و ممنوعیت ازدواج با آنها بود، و گرنه در مسأله‌ی ارث و محرمات سببی و نسبی دیگر تأثیری ندارد؛ از این رو هر مسلمانی می‌توانست با دختران همسران پیامبر ازدواج کند، در حالی که ازدواج با دختر مادر حقیقی جایز نیست. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۵ ۸. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که مقصود از اولویت خویشاوندان در این آیه، همان ارث حکومت و خلافت است که در فرزندان امام حسین علیه السلام قرار گرفته است. «۱» البته این گونه احادیث بطن آیه را بیان می‌کنند یعنی مسأله‌ی اولویت را تعمیم می‌دهد تا شامل ارث اموال و ارث خلافت گردد. البته ارث خلافت هم‌چون حکومت‌های پادشاهی بر اساس تولد افراد نیست بلکه بر اساس شایستگی‌ها و استعداد افراد است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی نسبت به امور مردم از خودشان سزاوارتر هستند (تا طبق مصالح جامعه در امور فردی و اجتماعی و اموال آنان تصرف کنند). ۲. همسران شایسته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله مادران امّت هستند. ۳. خویشاوندان (در ارث بردن) از بیگانگان سزاوارترند. ۴. برای برادران دینی بخشش و وصیت مالی نمایید که کاری پسندیده است. *** قرآن کریم در آیات هفتم و هشتم سوره‌ی احزاب به پیمان محکم خدا با پیامبران و هدف آزمایشگرانه‌ی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷ و ۸. وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقاً غَلِيظاً* لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً أَلِيماً و (یادکن) هنگامی را که از پیامبران پیمان محکمشان را گرفتیم و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، پسر مریم؛ و ما از آنان پیمان محکم شدیدی گرفتیم.* تا (خدا) راست‌گویان را از راستی ایشان بپرسد و برای کافران عذاب دردناکی آماده ساخته است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از پیمانی سخن گفته شده که بین خدا و همه‌ی پیامبران الهی بسته شده است. این پیمان در مورد پیامبران اولوالعزم شدیدتر است «۱» از این رو از پنج پیامبر، یعنی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به طور خاص نام برده شده است. ۲. در آیه‌ی نخست از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سپس از چهار پیامبر دیگر به ترتیب تاریخی نام برده شده است؛ زیرا مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر است. ۳. به مفاد این پیمان در آیات دیگر قرآن اشاره شده است «۲» که اصل کلی و خط اساسی آن همان دعوت به سوی توحید و وحدت کلمه و هدایت مردم بود. «۳» ۴. در این آیه از مکان و زمان این پیمان نام برده نشده است، ولی از برخی احادیث استفاده می‌شود که این پیمان در عالمی دیگر و قبل از این جهان بوده است. از این رو حکایت شده که شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «یا رسول اللّه چه زمانی از شما پیمان گرفته شد؟ حضرت فرمود: (زمانی که) آدم بین

روح و جسد بود.» «۴» ۵. مقصود از «صادقین» در این آیه پیامبران و یا مؤمنان راستین هستند. «۵» البته مانعی ندارد که هر دو گروه مقصود آیه باشند؛ چرا که پیامبران هم جزء مؤمنان راستین هستند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۷ آری؛ صادقین کسانی هستند که در ادعای ایمان خود صادق‌اند و آن را در عمل اثبات کرده و از آزمایش الهی سربلند بیرون آمده‌اند. ۶. پرسش از «صادقین» یا در رستاخیز است که از کردار و نیّت آنان پرسش می‌شود و یا پرسش عملی در دنیاست که به وسیله‌ی فرستادن پیامبران ادعای ایمان افراد به زیر سؤال می‌رود و کردار صادقین گویای راست‌گوییِ آنان است. ۷. اگر خدا از همه چیز آگاه است، چه نیازی به پرسش از صادقین دارد؟ پاسخ آن است که این پرسش برای فهم مطلب نیست بلکه برای امتحان مؤمنان صادق و کافران و روشن کردن وضعیت آنان و اتمام حجّت بر آنان و آماده ساختن آنها برای پاداش و کیفر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در برابر خدا متعهدند. ۲. هدف از پیمان‌های الهی، آزمایشگری و روشن شدن ادعاهای مؤمنان صادق و کافران است. ۳. به پیمان خویش وفادار باشید. ***

ماجرای جنگ احزاب

قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی احزاب به جنگ احزاب و امدادهای غیبی در آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَجُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید، هنگامی که لشکرهایی به سراغ شما آمدند؛ و باد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم؛ و خدا به آنچه می‌کنید بیناست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۸ شأن نزول: این آیه و شانزده آیه‌ی بعد از آن در مورد جریان جنگ احزاب فرود آمده است، که در سال پنجم هجری واقع شد. جرقه‌ی این جنگ توسط گروهی از یهودیان مدینه زده شده بود. آنان با مشرکان مکه تماس گرفتند و آنها را به جنگ‌افروزی تشویق کردند، سپس قبایل زیادی از عرب را علیه مسلمانان شوراندند. آنان به طرف مدینه آمدند و مسلمانان به مشورت پرداختند و به پیشنهاد سلمان فارسی، اطراف مدینه خندقی حفر کردند. شهر مدینه به محاصره‌ی ده هزار نفر دشمن درآمد و گروهی از مسلمانان متزلزل و ترسان شدند ولی به فرمان خدا طوفانی سخت وزید و خیمه‌گاه کفار را درهم فرو ریخت و فرشتگان الهی به یاری مسلمانان آمدند و مشرکان با رعب و وحشت عقب‌نشینی کردند. این جنگ نقطه‌ی عطفی در تاریخ اسلام شد و موازنه‌ی قدرت را در عربستان به نفع مسلمانان بر هم زد و زمینه‌ساز پیروزی‌های آینده‌ی اسلام شد. این آیه به طور خلاصه جنگ احزاب را به تصویر کشیده است. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جنگ احزاب در سال پنجم هجری واقع شد، ولی این آیات بعد از آن نازل شد و از این رو از تعبیر «یادکن» استفاده شده است؛ یعنی پس از مدتی که از جنگ احزاب گذشت این آیات مردم را به یاد جنگ احزاب و امدادهای الهی و تجزیه و تحلیل آن انداخت تا در این مورد تفکر بیش‌تری بنمایند. ۲. تعبیر به «جُنود» اشاره به احزاب و قبایل مختلفی است که به مدینه حمله کردند؛ از جمله: قریش، غطفان، بنی سلیم، بنی اسد، بنی فراره، بنی اشجع و بنی مَرۀ و طایفه‌ی یهود که داخل مدینه و همکار آنان بودند. ۳. مقصود از سپاهیانی که دیده نمی‌شدند، همان فرشتگان بودند که در جنگ احزاب به یاری مسلمانان آمدند و روحیه‌ی آنان را تقویت کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۱۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امداد رسانی خدا را در جنگ‌ها فراموش نکنید (و با وسایل مختلف صوتی و تصویری این نعمت‌ها را به یادآورید). ۲. خدا لشکرهای بزرگ را با باد ضعیف درهم می‌شکند (تا قدرت او را دریابید). ۳. خدا لشکرهایی (از فرشتگان) دارد که شما آنها را نمی‌بینید. ۴. اعمال شما تحت نظارت و کنترل خداست (پس مراقب اعمال خودتان باشید). *** قرآن کریم در آیات دهم و یازدهم سوره‌ی احزاب به محاصره‌ی مدینه و امتحان سخت جنگ احزاب و تزلزل شدید برخی مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰ و ۱۱. إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا* هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيداً (همان) هنگامی که (لشکر دشمن) از فراز

(شهر) شما و از فروتر (شهر) تان به سراغ شما آمدند و آن‌گاه که دیدگان به طرف (دشمن) مایل (و خیره) شد و دل‌ها (و جان‌ها) به گلوگاه‌ها رسید و در مورد خدا گمان‌هایی (گوناگون) گمان بردید؛* در آن‌جا مومنان آزمایش شدند و با لرزشی شدید متزلزل گشتند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات وضع بحرانی جنگ احزاب به تصویر کشیده شده است. حدود ده هزار نفر از مشرکان از بیرون و یهودیان از داخل مدینه، مسلمانان را محاصره کرده بودند و لشکر سه هزار نفری مسلمانان هر لحظه منتظر حمله‌ی آنان بود؛ جان‌ها به لب رسیده و چشم‌ها خیره مانده بود و حتی برخی مسلمانان گرفتار وسوسه‌های ناحق و تزلزل شدید شده بودند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۰ اما یاری الهی به وسیله‌ی فرشتگان و طوفان و نبرد پیروزمندانه‌ی امام علی علیه السلام با عمرو بن عبدود مسلمانان را از شکست نجات داد. ۲. در این آیه اشاره شده که لشکر مشرکان از بالا و پایین مدینه، یعنی شمال و جنوب آن شهر وارد شدند و شهر را به محاصره‌ی خود درآوردند؛ چرا که مدینه در شمال مکه واقع شده بود و مشرکان مکه از جنوب آمده بودند و برخی قبایل دیگر از طرف مقابل. «۱» ۳. در این آیه اشاره شده که «قلب‌ها به گلوگاه رسید». البته روشن است که قلب به گلوی انسان نمی‌رسد؛ پس این تعبیر کنایی است و مشابه تعبیر کنایی فارسی است که می‌گوید: «جان‌ها به لب رسید». یعنی وضعیت بسیار سخت و جان فرسا بود. ۴. مقصود از گمان‌هایی که مسلمانان نسبت به خدا بردند، وسوسه‌ها و پندارهای بدی است که در شرایط سخت گاهی به ذهن افراد سست ایمان می‌رسد؛ مثلًا شاید افرادی فکر کردند که با توجه به کثرت دشمن، اسلام شکست می‌خورد و وعده‌های خدا در مورد پیروزی تحقق نمی‌یابد. البته این گونه وسوسه‌ها تا حدودی طبیعی است و باعث خروج از قلمرو ایمان و اسلام نمی‌شود، همان طور که آیه‌ی فوق این پندارها را به مسلمانان نسبت داده است. ۵. برخی مؤمنان در جنگ احزاب متزلزل شدند؛ یعنی در حالت ناراحتی گرفتار اضطراب شدند همان طور که برخی افراد در حالت ناراحتی برخود می‌لرزند. البته ممکن است این تعبیر اشاره به تزلزل فکری و ایمانی همراه با لرزش بدن باشد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لحظات سخت جنگ و فشار روحی دشمنان را بر خودتان فراموش نکنید (تا قدر نعمت و عافیت را بدانید). ۲. جنگ‌های سخت صحنه‌ی امتحان شماست. ۳. در شرایط سخت جنگی برخی مؤمنان نیز گرفتار پندار و تزلزل می‌شوند (پس مراقب باشید). *** قرآن کریم در آیات دوازدهم و سیزدهم سوره‌ی احزاب به سخنان تهمت‌آمیز و بهانه‌جویانه‌ی منافقان در جنگ احزاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲ و ۱۳. وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُوراً* وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَاأَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَاراً و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده ندادهاند.»* و هنگامی که دسته‌ای از آنان گفتند: «ای مردم یثرب (: مدینه! در این‌جا) هیچ منزلگاهی برای شما نیست؛ پس (به شهر) بازگردید.» و دسته‌ای از آنان از پیامبر رخصت (بازگشت) می‌خواستند [و] می‌گفتند: «در واقع، خانه‌های ما بی‌حفاظ است.» و حال آن‌که آنها بی‌حفاظ نبود؛ [آنان جز گریز (از جنگ چیزی) نمی‌خواستند. شأن نزول: در هنگام حفر خندق در جنگ احزاب، مسلمانان به قطعه سنگ بزرگی برخورد کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله ضربه‌ی محکمی به آن زد و بخشی از آن متلاشی شد و برقی جهید و پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر گفت و بار دوم و سوم نیز این کار تکرار شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۲ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله توضیح داد که در برق اول قصرهای یمن را دیدم و در برق دوم قصرهای شام و مغرب را و در برق سوم قصرهای پادشاهان ایران را و جبرئیل خبر داد که امت من بر آنها پیروز می‌شوند. منافقان از این سخنان تعجّب کردند و با ریشخند گفتند: ما اکنون گرفتار چنگان دشمن هستیم ولی او از سرزمین کسری سخن می‌گوید. آیه‌ی فوق فرود آمد و افشا کرد که منافقان نسبت به وعده‌های خدا و پیامبرش ایمان ندارند و آنها را دروغ می‌دانند. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات واکنش گروه‌های مختلف در برابر امتحان جنگ احزاب بیان شده است. در آیات قبل بیان شد که جنگ احزاب آن‌قدر سخت بود که گروهی از مؤمنان متزلزل شدند و در این آیات بیان شده که منافقان سخنان تهمت‌آمیز گفتند و بهانه‌جویی و توطئه‌گری کردند. آری؛ این

روش منافقان است که در هنگام سختی‌ها، چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهند و توطئه می‌کنند. ۲. در این آیه از منافقان با تعبیر «کسانی که در قلبشان بیماری است» یاد شده است. نفاق بدترین بیماری است. انسان منافق دوچهره و دوشخصیتی است و در درون گرفتار تضاد و بیماردلی است. «۲» ۳. گروهی از منافقان مردم را برای بازگشت به مدینه تحریک می‌کردند و گروهی دیگر بهانه آورده، می‌گفتند: خانه‌های ما باز و بدون در و دیوار و بی پناه و آسیب‌پذیر است «۳» و می‌خواستند با این بهانه از صحنه‌ی جنگ احزاب خارج شوند. آری؛ منافقان در شرایط سخت مؤمنان را تنها گذاشته، صحنه را ترک می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۳ ۴. «یَثرب» نام قدیمی شهر مدینه و در لغت به معنای ملامت کردن است. بعد از ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یثرب، نام آن شهر به «مدینهٔ الرسول»، یعنی شهر پیامبر تغییر یافت، سپس نام‌های دیگری هم‌چون: «طیبه، طابه، سکینه، محبوبه، مرحومه و قاصمه» بر آن نهادند. شاید منافقان برای آن که می‌دانستند پیامبر صلی الله علیه و آله نام «یثرب» را برای این شهر نمی‌پسندد، از آن با نام «یثرب» یاد کردند تا مردم به یاد دوران جاهلیت بیفتند و در ضمن بگویند که هنوز اسلام در این سرزمین رسمیت ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در هنگام امتحان و سختی جنگ، چهره‌ی واقعی خود را نشان می‌دهند (پس آنها را در آن هنگام بشناسید). ۲. نشانه‌ی منافقان آن است که به وعده‌های الهی ایمان ندارند. ۳. منافقان در جنگ کارشکنی و تفرقه‌افکنی می‌کنند (پس مراقب توطئه‌های آنان باشید). ۴. از نشانه‌ی منافقان آن است که برای فرار از جنگ بهانه‌جویی می‌کنند. *** قرآن کریم در آیات چهاردهم و پانزدهم سوره‌ی احزاب به روحیه‌ی عهدشکنی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴ و ۱۵. وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِنْ اَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيراً* وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْؤُولًا و اگر (بر فرض، دشمنان) از اطراف آن (مدینه) بر آنان وارد می‌شدند، سپس از آن (منافق) ها آشوبگری (و بازگشت به شرک) می‌خواستند، حتماً آن را [به جا] می‌آوردند و جز اندکی در آن (کار) درنگ نمی‌کردند.* و به یقین، از پیش، با خدا پیمان بسته بودند که با عقب‌گرد (از دشمن) روی برنتابند؛ و پیمان خدا مورد پرسش قرار می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات به سست‌عنصر بودن منافقان اشاره کرده‌اند. آنان آن‌قدر سست‌ایمان هستند که اگر دشمن شهر مدینه را اشغال نظامی کند، نه تنها مقاومت نمی‌کنند و آماده‌ی شهادت نیستند، بلکه با او همکاری می‌کنند و به آیین شرک باز می‌گردند. ۲. مقصود از «فِتنه» در این جا آیین شرک و کفر و یا جنگ بر ضد مسلمانان و یا هر دو است؛ «۱» یعنی منافقان فتنه‌گری می‌کنند و به دنبال فتنه‌جویی مشرکان حرکت می‌کنند. ۳. مقصود از عهد و پیمانی که منافقان با خدا بسته بودند چیست؟ منظور یا اشاره به عهد اهل مدینه قبل از هجرت در عقبه با پیامبر صلی الله علیه و آله و یا عهدی است که در جنگ بدر یا احد با آن حضرت بستند و یا مقصود آن است که هر کس به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، در حقیقت با او عهد بسته است که از اسلام و قرآن دفاع کند. البته مانعی ندارد که آیه شامل همه‌ی این عهد و پیمان‌ها بشود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام شرایط سخت و حمله‌ی دشمن، نمی‌توان بر نیروهای منافق تکیه کرد. ۲. منافقان با فتنه‌گری به دشمنان اشغال‌گر کمک می‌کنند (پس مواظب توطئه‌های آنان باشید). ۳. منافقان عهدشکن هستند (پس مراقب باشید). ۴. منافقان جنگ‌گریزند و شما را تنها می‌گذارند (پس بر آنان تکیه نکنید). ۵. مراقب پیمان‌های الهی باشید که مورد بازخواست قرار می‌گیرید. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۵ قرآن کریم در آیات شانزدهم و هفدهم سوره‌ی احزاب به فرار بی فایده‌ی منافقان از مرگ و قدرت بی مانع الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶ و ۱۷. قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذاً لَاتُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا* قُلْ مَن ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءاً أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيّاً وَلَا نَصِيراً (ای پیامبر!) بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز برای شما سودی نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز اندکی (از دنیا) برخوردار نخواهید شد».* بگو: «چه کسی شما را از (اراده‌ی) خدا حفظ می‌کند، اگر بدی برای شما بخواهد یا رحمتی را برای شما بخواهد؟!» و (منافقان،) جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای (خود) شان نمی‌یابند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل بهانه‌جویی‌های منافقان برای فرار از جنگ بیان شد

و در این آیه به آنان پاسخ می‌دهد که فرار شما از جنگ دو حالت دارد: الف) ممکن است مرگ حتمی شما رسیده باشد که در این صورت فرار شما سودی ندارد و در هر کجا باشید حتی اگر در خانه باشید مرگ به سراغتان می‌آید. «۱» گر خود همه خلق زیر دستان تو اند دست ملک الموت زَبَر خواهد بود (سعدی) ب) ممکن است مرگ حتمی شما نرسیده باشد که چند روزی از زندگی دنیا بهره می‌برید و در نهایت با ذلّت اسیر دشمن یا گرفتار عذاب الهی می‌شوید؛ «۲» پس در هر صورت فرار ثمره ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۶ ۲. در این آیات پاسخ دیگری نیز به بهانه‌جویی‌ها و فرار منافقان از جنگ داده و فرموده است: سرنوشت شما به دست خداست و او هر کاری بخواهد (و مصلت بداند) با شما می‌کند و هیچ سرپرست و یاوری غیر از او ندارید؛ پس به کجا فرار می‌کنید؟ آیا بهتر نیست که بمانید و از ایمان و اسلام و پیامبر دفاع کنید و در نهایت پیروز شوید و یا شربت شهادت بنوشید و به سعادت ابدی برسید. ۳. معنای این آیه امضای جبر نیست؛ یعنی اراده‌ی خدا با اراده و اختیار انسان منافاتی ندارد؛ چون خدا اراده کرده که انسان آزاد باشد و اگر بدی یا خوبی به انسان می‌رساند بر اساس کردار انتخابی اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرار از مرگِ حتمی بی‌فایده است. ۲. زندگی کوتاه (و ذلیلانه) را بر مرگ (با عزّت) ترجیح ندهید. ۳. شما نمی‌توانید در مورد اراده‌ی الهی مقاومت کنید و کسی هم نمی‌تواند در این مورد به شما کمکی بنماید. *** قرآن کریم در آیات هجدهم و نوزدهم سوره‌ی احزاب به گروه ترسویان مشتاق غنایم و بازدارندگان از جنگ و کیفر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۸ و ۱۹. قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا* أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِى يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۷ خدا به یقین می‌شناسد، از میان شما، بازدارندگان (از جنگ) و کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: «به سوی ما بیایید.»، در حالی که (آن کارشکنان) جز اندکی به (جنگِ) سخت روی نمی‌آورند.* در حالی که بر شما (بی گذشت، و) آزمندند؛ و هنگامی که ترس فرا می‌رسد، آنان را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند، در حالی که چشمانشان می‌چرخد، همانند کسی که بر اثر (ترس از) مرگ بیهوش شده است؛ و هنگامی که ترس بر طرف شد، زبان‌های تیز را بر شما می‌گشایند، در حالی که بر (غنایم) خوب آزمندند. آنان (در حقیقت) ایمان نیاورده‌اند، پس خدا اعمالشان را تباه کرد؛ و آن (کار) برای خدا آسان است. شأن نزول: در حکایات تاریخی آمده است که در هنگام جنگ احزاب یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام کاری به شهر مدینه آمد و مشاهده کرد که برادرش سفره‌ی رنگینی فراهم کرده است. به او اعتراض کرد که در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ است چرا تو خوشگذرانی می‌کنی؟ او در پاسخ گفت: تو نیز بیا و با ما بنشین و خوش باش! و سوگند یاد کرد که پیامبر از میدان جنگ احزاب زنده باز نخواهد گشت. آن یار رسول گفت: تو دروغ می‌گویی و این مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد و آیه‌ی فوق فرود آمد و به این گونه منافقان که در کنار صحنه می‌نشینند و دیگران را به سوی خود می‌خوانند، هشدار داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات حالات و سخنان گروهی دیگر از منافقان را افشا کرده است. ترسویانی که در هنگام جنگ مدت کوتاهی همراهی می‌کنند اما در همان حال کارشکنی می‌نمایند و دیگران را به سوی خود دعوت می‌کنند و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۸ از جنگ بازمی‌دارند، ولی پس از پایان جنگ خود را شریک غنایم می‌دانند و طلبکارانه و حریصانه در پی اموال هستند. ۲. این آیه به دو گروه اشاره می‌کند: الف) گروهی که در لابه‌لای صفوف مسلمانان هستند و آنان را از جنگ باز می‌دارند. ب) کسانی که خارج از صحنه‌ی نبرد نشسته‌اند و مجاهدان را به سوی خود می‌کشانند. تفسیر دوم با شأن نزول آیه سازگارتر است، ولی ممکن است که این آیه دو حالت مختلف یک گروه را بیان کند. ۳. آیات به انگیزه‌ی منافقان برای کارشکنی در جنگ اشاره کرده‌اند که همان بخل و حرص است. آنان نمی‌خواهند از جان و مال خویش بگذرند و به مسلمانان کمک مالی، بدنی، جانی یا فکری بنمایند. «۱» ۴. در این آیات به حالات دوگانه‌ی منافقان در برخورد با جنگ اشاره شده است. از طرفی آنان به شدّت از جنگ می‌ترسند و جز مدت کمی در

نبرد شرکت نمی‌کنند و از طرف دیگر پس از پایان جنگ خود را در پیروزی‌ها شریک می‌دانند و سهم خود را با تیززبانی و خشونت می‌طلبند و در مورد آن بخیل و سخت‌گیرند. ۵. در این آیات به دو ویژگی «منافقان بازدارنده از جنگ» اشاره شده است که در حقیقت بیان فرجام و کیفر آنان است: اول آن که آنان ایمان حقیقی نیاورده‌اند و از همان نخست تظاهر به ایمان می‌کنند و از این رو در لحظات سخت جنگ این گونه رفتار می‌کنند. دوم آن که اعمال آنان نابود می‌شود؛ چرا که آنان با انگیزه‌ای غیر الهی به جنگ آمده‌اند و کارشان در نزد خدا ارزشی ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۲۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کارشکنی در جنگ و حضور اندک در نبرد از نشانه‌های منافقان است (پس آنان را بشناسید و مراقب توطئه‌هایشان باشید). ۲. منافقان در مورد (امداد رسانی در جنگ) بخیل هستند. ۳. از نشانه‌های منافقان ترس در جنگ و زبان خشن و آزمندی نسبت به غنایم است (پس آنان را بشناسید و مراقب باشید). ۴. فرجام نفاق، بی‌ایمانی و نابودی اعمال است. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی احزاب به ترس توهم‌آمیز و خیالات جنگی منافقان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۰. یَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ یَذْهَبُوا وَإِن یَأْتِ الْأَحْزَابُ یَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِی الْأَعْرَابِ یَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِکُمْ وَلَوْ کَانُوا فِیکُم مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِیلًا (منافقان) می‌پندارند که (لشکریان) حزب‌ها نرفته‌اند؛ و اگر (بار دیگر سپاه) حزب‌ها بیایند، آرزو می‌کنند که آنان در میان اعراب، بادیه نشین بودند، در حالی که از خبرهای بزرگ شما می‌پرسیدند؛ و اگر (بر فرض) در میان شما بودند، جز اندکی پیکار نمی‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به یک حالت روانی منافقان ترسو در جنگ اشاره شده است. آنان گرفتار کابوس می‌شوند و حتی باور نمی‌کنند که سپاه دشمن منطقه را ترک کرده است و گویا سربازان دشمن جلوی چشم آنان رژه می‌روند. ۲. در این آیه به خیالات جنگی منافقان نیز اشاره شده است که آنان اساساً آرزو دارند که به میان اعراب صحرانشین بروند تا از منطقه‌ی جنگ دور باشند، ولی در همان حال نگران آینده‌ی خود هستند و مرتب اخبار شما را از مسافران پی‌گیری می‌کنند تا طبق شرایط جدید تصمیم‌گیری کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۰ ۳. منافقان اندکی نبرد می‌کنند؛ آنان برای خدا به میدان نیامده‌اند که تا پای جان بایستند، بلکه از ترس ملامت مردم و برای ریاکاری آمده‌اند و به اندازه‌ی لازم می‌جنگند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در جنگ گرفتار پندارگرایی و خیالات می‌شوند. ۲. بر روی کمک جنگی منافقان حساب نکنید که زیاد کمک نمی‌کنند. ۳. نشانه‌ی منافقان آن است که راحت‌طلب و جنگ‌گریزند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی احزاب به الگو بودن پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. لَقَدْ کَانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن کَانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَالْیَوْمَ الْآخِرَ وَذَکَرَ اللَّهَ کَثِیراً به یقین، برای شما در (روش) فرستاده‌ی خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جنگ احزاب گروه‌ها و افراد مختلفی شرکت کردند؛ هم‌چون: پیامبر صلی الله علیه و آله، مؤمنان، مشرکان، منافقان، یهودیان و افراد سست ایمان که هر کدام برنامه و واکنش خاصی داشتند و در این میان رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله کاملًا ممتاز بود، به طوری که حتی الگویی برای همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ شد. ۲. «اسوَة» به معنای حالتی است که انسان در هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد؛ «۱» یعنی همان حالت پیروی کردن و اقتدا نمودن (به یک الگو و سرمشق). «۲» در این جا پیروی کردن از پیامبر صلی الله علیه و آله مقصود است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۱ ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در همه‌ی زندگی و همه‌ی زمینه‌ها الگوی خوبی بود. او در برابر مشکلات شکیبا و پر استقامت بود؛ هوشیار و با اخلاص بود؛ در برابر سختی‌ها زانو نمی‌زد، بلکه ناخدایی بود که کشتی جامعه را هدایت می‌کرد؛ هم‌چون مردم عادی کلنگ به دست می‌گرفت و خندق می‌کند و در جنگ شرکت می‌کرد؛ مردم را به یاد خدا می‌انداخت و با تشویق و مژده‌ها دیگران را شاد و دل‌گرم می‌ساخت؛ سرمشق عملی مسلمانان و پناه آنان در جنگ‌ها بود. از امام علی علیه السلام روایت شده که هرگاه آتش جنگ سخت شعله‌ور می‌شد، ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه می‌بردیم که هیچ یک از ما از او به دشمن نزدیک‌تر نبود. «۱» ۴. در این آیه الگوبودن پیامبر صلی الله علیه و آله به طور مطلق آمده است که همه‌ی زمینه‌های جنگی و غیر آن را شامل می‌شود؛ از این رو

عبادات و نظم و نظافت و تقوا و توکّل و اخلاص و شجاعتش برای ما الگوست و پیروی از او سازنده و سعادت‌آفرین است و می‌تواند زندگی ما را متحوّل سازد. آینه‌ی جان نیست الّا روی یار روی آن یاری که باشد ز آن دیار (مولوی) ۵. رفتارها و گفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله چند گونه بوده است: الف) سخنان و اعمال دینی پیامبر صلی الله علیه و آله که به عنوان قرآن و سنّت از آنها یاد می‌شود، و پیروی از آنها واجب یا مستحب است. ب) سخنان و اعمال زندگی عادی و روزمره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یک انسان در آن عصر، هم‌چون سوار شتر شدن و غذاهای مرسوم را طبخ کردن و خوردن. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۲ این گونه رفتارها تابع شرایط زمان و مکان است و در این موارد باید روح این امور را بگیریم و براساس شرایط زمان و مکان عمل کنیم. برای مثال، ایشان غذای ساده و نیکو می‌خورد و از مرکب در سفر استفاده می‌کرد، ما نیز چنین می‌کنیم ولی این بدان معنا نیست که ما هم سوار شتر شویم و یا غذای مرسوم عرب آن زمان را بخوریم. ۶. در این آیه بیان شده که الگوبودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسانی است که سه شرط را دارا باشند و این زمینه‌ها را در خود آماده سازند: الف) به خدا و رحمت او امیدوار باشند؛ ب) به رستاخیز امید داشته باشند؛ ج) بسیار به یاد خدا باشند. آری؛ امید به خدا و معاد عوامل انگیزه ساز و حرکت‌آفرین هستند و یاد خدا به این حرکت تداوم می‌بخشد. کسی که به خدا و رستاخیز ایمان نداشته یا آن‌قدر آلوده باشد که از رحمت خدا و نعمت‌های رستاخیز مأیوس باشد، نمی‌تواند در مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کند و کسی که به یاد خدا نباشد، شیاطینِ رهزن او را منحرف می‌سازند و از ادامه‌ی مسیر بازمی‌دارند. ۷. در احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که هر بنده‌ای در روز صد بار پروردگارش را یاد کند، این مصداق یاد فراوان است (که در این آیه به آن اشاره شده است). «۱» ۸. مقصود از یاد خدا، فقط گفتن الفاظ نیست، بلکه یاد قلبی و عملی را هم شامل می‌شود؛ یعنی وقتی انسان در برابر کار حرامی قرار می‌گیرد به یاد خدا بیفتد و آن را ترک کند؛ یعنی خدا در همه‌ی زندگی انسان حضور داشته باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما در زندگی نیازمند الگو هستید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۳ ۲. رهبر اسلام را الگوی زندگی خود قرار دهید. ۳. امید به خدا، رستاخیز و ذکر فراوان خدا، شرایط الگوپذیری از پیامبر صلی الله علیه و آله است. *** قرآن کریم در آیات بیست و دوم و بیست و سوم سوره‌ی احزاب به واکنش مؤمنان در جنگ احزاب و فرجام نیکوی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۲ و ۲۳. وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَاناً وَتَسْلِيماً* مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا و هنگامی که مؤمنان (لشکریان) حزب‌ها را دیدند، گفتند: «این چیزی است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده داده‌اند و خدا و فرستاده‌اش راست گفته‌اند.» و (این) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.* از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر (اساس) آن پیمان بسته‌اند، صادقانه (وفا) کرده‌اند؛ و از آنان کسی است که پیمانش را به پایان رسانده (و به شهادت رسیده)؛ و از آنان کسی است که منتظر است و هیچ تغییری (در پیمان خود) نداده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه واکنش مؤمنان در برابر جنگ سخت احزاب به تصویر کشیده شده است؛ مردانی که با دیدن سپاه بزرگ دشمن ایمانشان افزوده می‌گردد و در برابر خدا و پیامبر تسلیم‌اند و به فرمان آنان به میدان می‌روند و یکی پس از دیگری جان فدای دوست می‌کنند و برخی نیز منتظرند و زبان حالشان آن است که: رفیقان می‌روند نوبت به نوبت، خوش آن روزی که نوبت بر من آید. ۲. در این آیات مقصود از وعده‌ی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان چیست؟ مفسران در این مورد دو احتمال داده‌اند: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۴ الف) منظور سخن پیامبر باشد که به مؤمنان گفته بود به زودی قبایل عرب و دشمنان دست به دست هم می‌دهند و به سراغ شما می‌آیند، ولی پیروزی با شماست. ب) مقصود وعده‌ای است که در آیه‌ی ۲۱۴ سوره‌ی بقره به مسلمانان داده شد که: گمان می‌کنید به سادگی وارد بهشت می‌شوید بدون آن که حوادثی هم‌چون حوادث گذشتگان برای شما رخ دهد؟ کسانی که عرصه بر آنان چنان تنگ شد که پیامبر و مردم گفتند: یاری خدا کجاست؟ البته مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو مورد باشد. «۱» ۳. در این آیه از دو گروه مؤمنان سخن گفته شده است؛ یعنی شهیدان که به

وعـده‌ی خود وفا کردند و مؤمنان اسـتوار و منتظر که بر سـر عهد خود هسـتند. تا عهد تو در بستیم عهد همه بشـکستیم بعد از تو روا باشـد نقض همه پیمان‌ها هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشـیم از جمله‌ی قربان‌ها هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو بایـد که سپر باشـد پیش همه پیکان‌ها (سـعدی) در احادیث از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: این آیه در باره‌ی ما نازل شـده است، (و قبلًا مردانی هم‌چون حمزه از ما شـهید شدنـد) و به خدا سوگند من انتظار (شـهادت) می‌کشم. «۲» و از ابن عباس روایت شده که مقصود آیه، «حمزه سید الشهداء» و شهیدان احد و انَس بن نَضْر و یاران اوست «۳» (که انَس به جنگ بدر نرسـید و پیمان بست که در جنگ بعدی شـرکت کند و در جنگ احد فرار نکرد و مجروح و در نهایت شهید شد). تفسیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۳۵ و در حکایـات تاریـخ عـاشورا آمـده است که امـام حسـین علیه السلام در هنگـام خـداحافظی بـا یارانش می‌فرمود: مـا نیز پشت سر شـما می‌آییم و آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد و نیز بر سـر جنـازه‌ی برخی شـهیدان این آیه را قرائت کرد. روشن است که این آیه معنای وسـیعی دارد و تمام مؤمنان مجاهد و شـهیدان راه اسـلام را در برمی‌گیرد که افرادی هم‌چون حمزه و امام علی علیه السـلام در رأس آنان هسـتند. خیال تیغ تو با ما حدیث تشـنه و آب است اسیر خویش گرفتی بکُش چنان که تو دانی (حـافظ) آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. ایمـان و تسـلیم مؤمنـان در هنگـام جنـگ و سـختی افزایش می‌یابـد، چون صـدق وعـده‌های الهی را می‌بینند. ۲. مؤمنان راستین دو گروهانـد: گروهی در راه پیمان شـهید می‌شونـد و گروهی منتظر و اسـتوار می‌ماننـد (شـما نیز از آنان باشید). ۳. اگر از جنـگ سـالم برگشتیـد، همواره منتظر (فرصت دیگری برای نبرد و شـهادت) باشـید و عقیـده و پیمان خود را تغییر ندهید. ۴. از نشانه‌هـای مؤمنـان راستین، افزایش ایمان و تسـلیم در میـدان جنگ و ایسـتادگی تا شـهادت است. *** قرآن کریم در آیـات بیست و چهارم و بیست و پنجم سوره‌ی احزاب به اهـداف جنگ احزاب و شـکست کافران اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲۴ و ۲۵. لِّیَجْزِیَ اللَّهُ الصَّادِقِینَ بِصِدْقِهِمْ وَیُعَذِّبَ الْمُنَافِقِینَ إِن شَاءَ أَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ إِنَّ اللَّه کَانَ غَفُوراً رَّحِیماً* وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنَالُوا خَیْراً وَکَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتَالَ وَکَانَ اللَّهُ قَوِیّاً عَزِیزاً تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۶ تا خـدا راست‌گویان را به خاطر راستی‌شان پاداش دهـد و اگر بخواهـد، منافقان را عـذاب می‌کنـد یا توبه‌ی آنان را می‌پذیرد؛ [چرا] که خدا بسـیار آمرزنده‌ی مهرورز است.* و خـدا کسـانی را که کفر ورزیدنـد، بـا خشـمشان بازگردانـد، در حالی که به هیـچ (مال) نیکی نرسـیده‌اند؛ و خـدا مومنان را از جنگ بسندگی کرد، و خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات چند هدف جنگ احزاب را بیان کرده است که عبارت‌انـد از: الف) پاداش دادن به مؤمنان راستین (به خاطر آن که از این امتحان سـربلند بیرون آمدنـد)؛ ب) تـوبه کردن منافقـان و یـا مجـازات آنـان در صـورتی که به روش توطئه‌آمیز خود ادامه دهنـد؛ ج) شـکست کـافران بـدون جنـگ و بـازگشت بی‌ثمر آنان. ۲. نکته‌ی جـالب در این آیه آن است که بـا آن که منافقـان در جنـگ احزاب توطئه و بهـانه‌جویی کردنـد و سخنـان زشتی بر زبـان آوردنـد، ولی بـاز هم خـدا راه لطف را بر آنـان نبست تـا انگیزه‌ی بازگشت به سوی ایمان و راستی و توبه را داشته باشند. ۳. واژه‌ی «غیظ» به معنای خشم است و گاهی به معنای اندوه می‌آید که در این جا شکست و بازگشت کافران همراه با خشم و اندوه بود. ۴. مقصود از واژه‌ی «خیر» در این آیه هر گونه نیکی، پیروزی و غنیمت جنگی است که کـافران در جنگ احزاب از این‌ها محروم شدند. «۱» ۵. جنگ احزاب درس‌ها و نکات آموزنده‌ای برای مسلمانان داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۷ الف) کافران تمام تلاش خود را برای مبارزه با اسـلام کردند و با بیش از ده هزار نفر حدود یک ماه مـدینه را محاصـره کردند، ولی با عنایت الهی شـکست خوردند و بعد از جنگ احزاب صـحنه‌ی عربسـتان به نفع مسـلمانان تغییر کرد و در همه‌ی میـدان‌ها مسـلمانان پیش‌روی کردنـد و مشـرکان مکه عقب‌نشـینی نمودنـد. ب) مسأله‌ی حفر خنـدق به عنوان یک تاکتیک جدیـد جنگی وارد حوزه‌ی جنگ‌های دفاعی مسـلمانان شد. خندقی به طول حدود شـش کیلومتر که در اطراف مدینه حفر شد و مانع پیشـروی سـپاه دشـمن گشت. ج) جنگ احزاب میدان آزمایش گروه‌های مختلف مردم شد؛ مؤمنان، مشرکان، یهودیان و منافقان هر کـدام اسـرار درون خود را آشـکار ساختنـد. د) امام علی علیه السـلام در این جنگ مبارزه‌ای تاریخی با عمرو بن عبـدود

کرد و قهرمان عرب را شکست داد و ضربه‌ای زد که از تمام اعمال امت اسلام تا روز قیامت با ارزش‌تر بود؛ «۱» چرا که اسلام را نجات داد. ه) پیامبر صلی الله علیه و آله با برنامه‌ی نظامی حساب شده با دشمنان داخلی (یهود) و خارجی (مشرکان) برخورد کرد و از تمام نیروهای انسانی و طبیعی موجود بهره گرفت. حتی از پیشنهاد نعیم بن مسعود برای تفرقه‌افکنی بین یهودیان و مشرکان استقبال کرد، که این کار زمینه‌ی پراکندگی و شکست مشرکان را فراهم کرد. نعیم به یهودیان گفت که مشرکان بعد از جنگ شما را در برابر مسلمانان تنها می‌گذارند، برخی شخصیت‌های آنان را به گرو بگیرید؛ و به مشرکان گفت که یهودیان قصد خیانت و تحویل دادن سران شما به مسلمانان را دارند. این مطلب موجب بدبینی و تفرقه و انصراف از جنگ و فرار مشرکان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ وسیله‌ی آزمایش مؤمنان، منافقان و کافران است و هر گروه را به سزای اعمالشان می‌رساند. ۲. جنگ باطن منافقان را آشکار و زمینه‌ی مجازات آنان را فراهم می‌سازد. ۳. در هر حال، راه توبه و آمرزش الهی (حتی برای منافقان توطئه‌گر) باز است. ۴. کافران از جنگ افروزی نتیجه‌ای نمی‌گیرند و در نهایت شکست‌خورده، خشم آلود و اندوهگین می‌شوند (پس نگران نباشید). ۵. اگر خدا آن‌قدر قوی و شکست‌ناپذیر است که می‌تواند بدون جنگ شما را بر کافران پیروز گرداند (پس امیدوار باشید). *** قرآن کریم در آیات بیست و ششم و بیست و هفتم سوره‌ی احزاب به جنگ بنی قُریظه و پیروزی مسلمانان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶ و ۲۷. وَأَنزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِنْ أَهْلِ الْكِتَبِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقاً* وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضاً لَّمْ تَطَؤُوها وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً و (خدا) کسانی از اهل کتاب (: یهود) را که از آن (مشرک) ها پشتیبانی کردند از قلعه‌هایشان فرو آورد و در دل‌هایشان وحشت افکند؛ در حالی که دسته‌ای را می‌کشتید و دسته‌ای را اسیر می‌کردید.* و زمین‌های آنان و خانه‌هایشان و اموالشان و زمینی را که بر آن گام ننهاده بودید، به شما ارث داد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از جنگ احزاب به منزل آمد و فرشته‌ی وحی فرود آمدند و فرمان جنگ با یهودیان بنی قریظه را صادر کرد (چرا که آنان در جریان جنگ احزاب عهد شکنی کرده، با سپاه مشرکان هم پیمانی نمودند). منادی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله ندا داد که قبل از نماز عصر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۳۹ به سوی قلعه‌های بنی قریظه حرکت کنید و مسلمانان به مدت بیست و پنج روز آنان را محاصره کردند و در نهایت یهودیان شکست خوردند و غنایم زیادی به دست مسلمانان افتاد و مدینه از لوث وجود دشمنان لجوج و عهدشکن پاک شد. آیات فوق پس از این ماجرا که در سال پنجم هجری اتفاق افتاد، فرود آمد و پیروزی مسلمانان را به عنوان یک نعمت الهی معرفی کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان مدینه سه طایفه بودند که همگی در اثر عهدشکنی مجبور شدند مدینه را ترک کنند: طایفه‌ی اول بنی قینقاع بودند که در سال دوم هجری و طایفه‌ی دوم بنی نضیر بودند که در سال چهارم هجری و طایفه‌ی سوم بنی قُریظه بودند که در سال پنجم هجری در اثر عهدشکنی با مسلمانان درگیر و از مدینه اخراج شدند. «۲» ۲. طایفه‌ی بنی قُریظه با پیامبر و مسلمانان عهد بسته بودند که با دشمنان پیامبر همکاری نکنند و جاسوسی نیز ننمایند اما بنی قریظه در جنگ احزاب با سپاه مشرکان همکاری کردند و نقش ستون پنجم را بازی نمودند و از زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان سرباز زدند؛ بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان برخورد کرد و قلعه‌های آنان را محاصره کرد و در نهایت آنان بدون قید و شرط تسلیم شدند و پیامبر و یهودیان، داوری سعد بن معاذ را که از بزرگان مدینه بود، پذیرفتند؛ سعد حکم کرد که همه‌ی کسانی که عهدشکنی کرده و آماده‌ی جنگ با مسلمانان بودند کشته شوند و خانواده‌هایشان اسیر و اموالشان تقسیم گردد و گروهی که اسلام را پذیرفتند نجات یابند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۰ ۳. واژه‌ی «صَیاصی» به معنای قلعه‌های محکم است و از تعبیرات آیه استفاده می‌شود که یهودیان قلعه‌های خود را بر بلندی‌ها ساخته بودند و از آن بالا از خود دفاع می‌کردند، ولی شکست خوردند و به زیر کشیده شدند. ۴. تعبیر به «ارث» در مورد خانه‌ها و زمین‌های یهودیان به خاطر آن است که مسلمانان در این جنگ، بدون زحمت غنایم فراوانی به دست آورند. همان اموالی که یهودیان سال‌ها به وسیله‌ی استثمار مردم مدینه جمع‌آوری کرده

بودند. ۵. مقصود از سرزمینی که مسلمانان بدان جا گام ننهاده بودند، باغات اختصاصی و محافظت شده‌ی یهودیان و یا سرزمین خیبر است که بعدها به دست مسلمانان افتاد. «۱» ۶. جنگ بنی قریظه برای مسلمانان نتایج مهمی در برداشت که عبارت‌اند از: الف) پاک شدن جبهه‌ی داخلی از دشمن در مدینه؛ ب) تقویت بنیه‌ی مالی مسلمانان به وسیله‌ی غنایم؛ ج) تثبیت موقعیت حکومت اسلامی و هموار شدن راه پیروزی‌های آینده. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کسی عهدشکنی کند و به حمایت دشمن مسلمانان برخیزد، سزای او اسارت و مرگ است. ۲. خدا به وسیله‌ی وحشت اندازی در دل دشمنان، مسلمانان را یاری می‌کند و قلعه‌های محکم را به تصرف آنان درمی‌آورد. ۳. مؤمنان وارثان اموال دشمنان اسلام می‌شوند. ۴. به امدادهای خدا در صحنه‌های نبرد و پیروزی خود بنگرید و به تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۱ قدرت خدا پی ببرید. ***

خانواده پیامبر (ص)

قرآن کریم در آیات بیست و هشتم و بیست و نهم سوره‌ی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را بین انتخاب زرق و برق دنیا و سعادت اخروی آزاد می‌گذارد و می‌فرماید: ۲۸ و ۲۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلًا* وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهید، پس بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها سازم؛* و اگر خدا و فرستاده‌اش و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکارانِ از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است.» شأن نزول: داستان نزول آیات فوق را این گونه حکایت کرده‌اند که پس از جنگ بنی قریظه و مانند آن که غنایم زیادی به دست مسلمانان افتاد، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضاهای گوناگونی از ایشان می‌کردند و کنیز، پارچه، لباس مخصوص و مانند آن می‌خواستند. پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌دانست این درخواست‌ها پایانی ندارد و رفاه‌زدگی با شأن رهبر اسلام سازگار نیست، یک ماه از همسران خود کناره‌گیری کرد، تا این که آیات فوق فرودآمد و همسران ایشان را بین زرق و برق دنیا و سعادت اخروی مخیّر ساخت و پاسخ قاطعی به آنان داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در اوایل سوره‌ی احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به افتخار بزرگی نایل شدند و مادران مؤمنان نامیده شدند، ولی بعد از آن که آنان تقاضای زرق و برق دنیا را کردند، خدای متعال به طور قاطع با آنان برخورد کرد و آنها را بین تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۲ انتخاب دنیا و جدا شدن از پیامبر و بین ماندن در کنار او و قانع بودن به زندگی ساده مخیّر کرد. ۲. در طول تاریخ بشریت همسران پادشاهان و رهبران حکومت‌ها بهترین زیورها و کنیزها را برای خود انتخاب می‌کردند و در حالی که در جامعه افرادی فقیر و گرسنه زندگی می‌کردند آنان رفاه‌زدگی را پیشه می‌ساختند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با این روش مخالف بود؛ چون این تبعیض ناروایی بود که با عدالت و روح تعالیم اسلامی ناسازگار بود. ۳. در این آیات به زنان پیامبر پیشنهاد شده است که اگر می‌خواهید پیامبر هدیه‌ای علاوه بر مهریه به شما بدهد و شما را آزاد سازد، یعنی شما را طلاق دهد، یا این که به طور مخصوصی از شما جدا شود. «۱» یعنی اگر دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید، باید از رهبر اسلام جدا شوید، ولی در همان حال زندگی شما با هدیه‌ای مناسب تأمین می‌شود. ۴. در این آیات به زنان پیامبر پیشنهاد شده که با دو شرط می‌توانید در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بمانید: الف) خواهان خدا، پیامبر و سرای آخرت باشید (و به دنبال زرق و برق دنیا نباشید بلکه پارسایی و زهد پیشه سازید). ب) ایمان و عشق کافی نیست بلکه باید در عمل نیز از نیکوکاران باشید. ۵. در این آیات وظیفه‌ی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مشخص شده، اما در حقیقت راه همه‌ی رهبران الهی و همسران آنان روشن شده است. آری؛ کسی که می‌خواهد پیشوای اسلام باشد باید خود و خانواده‌اش الگوی ایمان، آخرت‌طلبی، زهد و پارسایی باشند و از موقعیت خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و جمع‌آوری ثروت و زیور دنیا سوء استفاده نکنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی با خانواده‌ی خویش صریح و شفاف

صحبت کنند. ۲. اگر خانواده‌ی رهبران الهی دنیا طلبانـد، از آنها به طرز شایسته‌ای جدا شوند. ۳. خانواده‌ی رهبران اسلامی، دنیاطلب نباشند، بلکه آخرت‌طلب و نیکوکار باشند. *** قرآن کریم در آیات سی‌ام و سی و یکم سوره‌ی احزاب به دو برابر بودن پاداش و مجازات همسران پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰ و ۳۱. یَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً* وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً ای زنان پیامبر! هر کس از شما [کار] زشت آشکاری [به جا] آورد، برای او عذاب دو چندان افزوده می‌شود؛ و آن (کار) بر خدا آسان است.* و هر کس از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمان‌برداری کند و [کار] شایسته‌ای انجام دهد، پاداشش را دو بار به او خواهیم داد؛ و روزیِ ارجمندی برای او آماده کرده‌ایم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات اشاره دارد که کار خوب و بد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌چون دیگران نیست و گناهان آنان چند برابر مجازات دارد و کارهای نیک آنها چند برابر پاداش؛ زیرا از طرفی این زنان در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و منسوب به او هستند و هر کار بدی که انجام دهند به آبروی پیامبر صلی الله علیه و آله ضربه می‌زنـد و او را ناراحت می‌سازد و از طرف دیگر این زنان الگوی زنان دیگر هستند و هر کار آنان الگو قرار می‌گیرد و در جامعه شایع می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۴ ۲. معیار افزایش پاداش و گناه، موقعیت اجتماعی و مقام و شخصیت افراد است؛ بنابر این این حکم شامل زنان پیامبر و همسران رهبران الهی و هر کس که دارای موقعیت و مقام اجتماعی است می‌شود. در احادیث اسلامی آمده است که در مورد گناهان افراد دانشمند سخت‌گیری بیش‌تری می‌شود «۱» و ثواب افراد به اندازه‌ی عقل آنان داده می‌شود «۲» و در مورد اهل‌بیت علیهم السلام (و سادات) پاداش و کیفر افراد دو چندان می‌شود. «۳» ۳. مقصود از «فاحِشة» در این جا گناهان آشکار است که در جامعه افشا می‌شوند و مردم از آنها اطلاع می‌یابند و فساد بیش‌تری دارد. ۴. تعبیر مضاعف و دو برابر، ممکن است برای تکثیر باشد؛ یعنی مجازات و پاداش زنان پیامبر چندین برابر خواهد بود. ۵. مجازات چند برابر زنان پیامبر برای خدا آسان است؛ یعنی ارتباط آنان با پیامبر مانع عذاب آنان نخواهد بود و خدا با قاطعیت با آنان برخورد می‌کند. ۶. در این آیات دو شرط برای دو برابر شدن پاداش زنان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده شده است: الف) آنان در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله فروتن و مطیع باشند. ب) اهل عمل باشند و کارهای شایسته انجام دهند و تنها ادعای ایمان و اطاعت نکنند. ۷. مقصود از «رزق کریم» تمام مواهب معنوی و مادی و علمی است که یکی از موارد آن بهشت است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۵ آری؛ کسی که در خانه‌ی شخصیت‌های الهی زندگی می‌کند یا از نزدیکان آنهاست، اگر فروتن و مطیع باشد، می‌تواند استفاده‌های علمی و معنوی زیادی از آنان ببرد که این‌ها رزق ارجمندی است، ولی اگر متکبر و سرکش باشد، خود را محروم می‌سازد هر چند در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس به رهبران الهی منتسب است و موقعیت اجتماعی دارد، بیش‌تر مراقب اعمال خود باشد که کیفر و پاداش او دو برابر است. ۲. کارهای زشتِ آشکار وابستگان شخصیت‌ها (الگوی مردم می‌شود و) مجازاتی دو چندان دارد. ۳. اطاعت و کارهای شایسته‌ی نزدیکان شخصیت‌ها (سرمشق دیگران می‌شود و) پاداشی دو چندان دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی احزاب به جایگاه همسران پیامبر و شیوه‌ی شایسته‌ی گفت‌وگوی زنان با مردان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً ای زنان پیامبر! (شما) هم‌چون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خودنگه‌داری می‌کنید، پس به نرمی (و ناز) سخن نگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه جایگاه و مسئولیت بزرگِ زنانِ پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است. آنان از طرفی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و از طرف دیگر الگوی زنان مسلمان می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۶ آنها می‌توانند دستورات خدا و پیامبر را در زندگی خود پیاده کنند و با تقوا باشند و سرمشق دیگران قرار گیرند. این مقام ممتازی است که برای زنان عادی نبود. ۲. در این آیه به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آموزش می‌دهد که چگونه با مردان بیگانه سخن

بگوینـد. بـانوان بایـد با مردان بیگانه جـدّی، خشک و معمولی سـخن بگوینـد و از شوخی و تعبیرات هوس‌انگیز پرهیز کننـد تا افراد بیماردل و شـهوت‌ران در مورد آنان طمع نورزند. ۳. در این آیه از افراد هوس‌ران بـا عنوان «کسـانی که در دلشان بیماری است» یاد شده است. این جمله اشاره به آن است که اگر شهوت انسان به صورت متعادل باشد آن انسان سالم است اما اگر کسی شهوت‌ران و هوس‌ران باشـد از حـالت تعـادل و سـلامت خـارج شـده و گرفتـار نوعی بیمـاری درونی و روانی شـده است که در برخی مراحل به سرحدّ جنون جنسی می‌رسد. «۱» ۴. مقصود از گفتار شایسـته آن است که گفتار بیهوده و باطل و گناه‌آلود و مخالف حق نگویند و شایسـته و نیکو و پسـندیده و طبق عرف صـحیح با مردان سخن بگویند. ۵. هر چنـد مخاطب این آیه زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله هسـتند امـا مقصود همه‌ی زنـان مسـلمان است و این آیه نوعی آموزش همگـانی برای گفت‌وگوی زن و مرد بیگـانه است. ۶. سخن گفتن زن و مرد بیگانه، اگر بدون هوس‌رانی و به طور شایسته باشد جایز است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان مسلمان می‌توانند با مردان بیگانه به طور شایسته و طبق عرف صحیح گفت‌وگو کنند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۷ ۲. هرگاه زنی هوس‌انگیز سخن بگویـد، خود را در معرض طمع بیماردلان قرار داده است. ۳. زنان وابسـته به شخصیت‌ها و کسانی که جایگاه اجتماعی دارند مراقب طرز سخن گفتن خود باشند. ***

آیه تطهیر

قرآن کریم در آیات سـی و سوم و سـی و چهارم سوره‌ی احزاب شش دستور و برنامه‌ی سازنده برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مشـخص می‌سازد و با تأکیـد بر پاکی اهل بیت علیهم السـلام می‌فرمایـد: ۳۳ و ۳۴. وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَـا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَـاهِلِیَّةِ الْأُولَی وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِینَ الزَّکَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا یُرِیـدُ اللَّهُ لِیُـذْهِبَ عَنکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً* وَاذْکُرْنَ مَا یُتْلَی فِی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیَاتِ اللَّهِ وَالْحِکْمَـةِ إِنَّ اللَّهَ کَانَ لَطِیفاً خَبِیراً و در خانه‌هایتان قرار گیریـد و هماننـد خودآرایی (دوران) جاهلیت نخستین، (با زیورها) خودنمایی نکنیـد و نماز را برپا داریـد و [مالیات زکات را بپردازیـد و خـدا و فرسـتاده‌اش را اطاعت کنید؛ خدا فقـط می‌خواهـد پلیـدی را از شـما خانـدان (پیـامبر) ببرد و کاملًا شـما را پـاک سازد.* و آنچه را در خانه‌های شـما از آیات خـدا و حکمت خوانده می‌شود یاد کنید؛ که خدا لطیفِ آگاه است. شأن نزول: داسـتان نزول این آیه را در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت این گونه حکایت کرده‌اند که پیامبر ۹، علی، فاطمه، حسن و حسین: را فراخواند و عبایی بر آنان افکند و گفت: خدایا این‌ها خاندان من هسـتند؛ آلودگی را از آنها دور کن و آنها را پاک گردان. پیامبر سه بار این جمله را تکرار کردنـد و در این هنگام این آیه فرود آمـد و تطهیر و پـاکی اهل‌بیت: را اعلام کرد. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات پنج برنـامه‌ی سازنـده برای همسـران پیـامبر مشـخص شـده است؛ برنامه‌ها و دسـتوراتی که ابعاد مختلف زنـدگی آنان را در برمی‌گیرد و جایگاه بلنـد آنان را به عنوان مادران امّت حفظ می‌کنـد و کمال می‌بخشـد. ۲. در این پنـج برنـامه، دو برنامه‌ی اجتماعی برای حفظ جایگـاه و شخصـیت آنان است و یک برنامه‌ی عبادی برای ارتباط با خـدا و یک برنامه‌ی اقتصادی برای کمک به مردم و یک خط اساسی در پیروی از دستورات الهی. ۳. «قَرْنَ» به معنای وقار و سنگینی و متانت و کنایه از قرار گرفتن در خانه است؛ یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نبایـد هر روز در کوچه و بازار روان شونـد و در همه‌ی مسائل دخالت کننـد تا مبادا بیماردلان از آنان در مسائل سیاسـی و اجتماعی سوء استفاده کنند. «۱» ۴. «تَبَرُّج» به معنای آشـکار شـدن در برابر مردم است و مقصود از جاهلیت همان جاهلیت قبل از ظهور اسـلام است. زنان در آن هنگام زینت‌ها و زیورهای خود را آشکار می‌کردند و حجاب درستی نداشتند. «۲» یعنی زنان پیامبر نباید آن گونه که در جاهلیت مرسوم بود عمل کنند، بلکه لازم است حجاب خود را کاملًا رعایت کرده، زیورآلات خود را از نامحرمان بپوشاننـد. ۵. غیر از جـاهلیت اول کـه قبـل از اسـلام بـود، جـاهلیت دومی نیز در راه اسـت کـه در ایـن عصـر بـه ویژه در کشورهای غربی نمایان شده است. عصـری که زنان وسـیله‌ی تبلیغات کالاهای سرمایه داران شده‌اند و فرهنگ برهنگی در بشـریت

ترویج می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۴۹ ۶. در این آیات در میان عبادات بر نماز و زکات تأکید شده است؛ چرا که نماز مهم‌ترین وسیله‌ی پیوند با خداست و زکات پیوندی با مردم است. ۷. واژه‌ی «آیات» اشاره به وحی قرآن است که در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تلاوت می‌شد و جنبه‌ی اعجاز داشت «۱» و می‌توانست سرمشق و راه‌نمای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ۸. «حکمت» در این جا یا اشاره به دانشی است که در قرآن نهفته و یا اشاره به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اندرزهای حکیمانه‌ی ایشان است که می‌توانست روشنگر راه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ۹. «لطیف» یا به معنای صاحب لطف است و یا به معنای کسی که از دقایق امور آگاه است. اشاره به این که خدا نسبت به شما همسران پیامبر صلی الله علیه و آله لطف دارد و از دقیق‌ترین کارهای شما آگاه است. «۲» ۱۰. این دستورات و برنامه‌ها خطاب به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت برنامه‌ای برای همه‌ی زنان است؛ همان طور که نماز و زکات مخصوص همسران پیامبر نیست اما در مورد آنان تأکید بیش‌تری شده است. ۱۱. در میان جملات این دو آیه، آیه‌ی تطهیر وجود دارد که به پاکی و عصمت اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده است. آیه‌ی تطهیر مربوط به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ چرا که: اولًا، تمام ضمیرهای قبل و بعد آیه، مؤنث هستند، ولی ضمیرهای آیه‌ی تطهیر مذکرند. ثانیاً، روایات زیادی در منابع تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است که بیان می‌کند آیه‌ی تطهیر مخصوص پنج نفر، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۰ بسیاری از این روایات را زنان پیامبر نیز حکایت کرده‌اند «۱» و «حدیث کساء» در این مورد مشهور است. بنابراین چنان که گفته شد، واژه‌ی «اهل بیت» در این جا افراد مخصوصی از اهل خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. ۱۲. «رِجْس» در اصل به معنای چیز ناپاك است، خواه ناپاکی از نظر طبع آدمی باشد یا بر اساس حکم شرع یا عقل و خواه پلیدی و آلودگی درونی باشد یا ظاهری و در این جا به معنای هر گونه پلیدی و گناه است و تطهیر به معنای پاك ساختن است که در این جا تأکیدی بر نفی آلودگی و پلیدی است. «۲» ۱۳. واژه‌ی «یُرید» شامل اراده‌ی تکوینی و تشریعی خدا می‌شود. اراده‌ی تشریعی همان قانون‌گذاری و خواستن از مردم است. و اراده‌ی تکوینی، یعنی اراده‌ی وجودی و ایجاد چیزی به صورتی خاص. اما در این جا اراده‌ی تکوینی مقصود است؛ چرا که اراده‌ی تشریعی مخصوص اهل بیت علیهم السلام نیست. پس مقصود آیه آن است که خدا علاوه بر هدایت و ارشادات تشریعی، مقدمات و اسباب پاکی را برای فرهیختگان امت (: اهل بیت علیهم السلام) فراهم ساخته است، و می‌خواهد که آنان پاك گردند. ۱۴. این آیه بر عصمت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد؛ زیرا اراده‌ی خدا تخلّف‌ناپذیر است و واژه‌ی «انّما» نیز برای حصر است و روشن می‌شود که اراده‌ی حتمی خدا فقط آن است که اهل بیت پاك شوند و از هر گونه پلیدی دور باشند. ۱۵. معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام به معنای جَبر نیست، چون آنان علاوه بر لیاقت ذاتی و موهبتی از طرف خدا، دارای شایستگی‌های اکتسابی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۱ هستند و با اراده‌ی خویش گناه نمی‌کنند و با این عصمت ارادی می‌توانند الگوی دیگران قرار گیرند. ۱۶. چرا آیه‌ی تطهیر در لابه‌لای آیات مربوط به زنان پیامبر قرار گرفته است و به وسیله‌ی ضمایر و روایات از جملات قبل و بعد متمایز شده است؟ مفسران در پاسخ به این پرسش چند مطلب بیان کرده‌اند: الف) این نخستین بار نیست که قرآن یک جمله‌ی معترضه در لابه‌لای آیات می‌آورد، برای مثال در آیه‌ی سوم سوره‌ی مائده نیز آیه‌ی «اکمال» به صورت معترضه بین آیات مربوط به غذاهای حرام آمده است و این روش ادیبان عرب است که در اشعار آنان نیز نمونه دارد؛ همان طور که در ادبیات فارسی و غیر آن نیز از این شیوه استفاده می‌شود تا مطلبی برجسته شود یا تذکری در لابه‌لای مطلب آورده شود. ب) قرآن با بیان «آیه‌ی تطهیر» می‌خواهد به زنان پیامبر گوش‌زد کند که شما در کنار افرادی معصوم قرار دارید؛ پس مراقب اعمال خود باشید؛ به عبارت دیگر عصمت اهل بیت پیامبر را به رخ همسران پیامبر می‌کشد، تا آنان را برای پذیرش دستورات قبل و بعد این آیه بیش‌تر آماده کند، و لازمه‌ی این مطلب آن بوده که آیه‌ی تطهیر در کنار آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خانواده‌های رهبران الهی باید به برنامه‌ها و دستورات الهی توجه

بیش‌تری داشته باشند. ۲. زنان متانت خود را حفظ کنند. ۳. زنان پیرو خرافات جاهلیت نشوند. ۴. زنان به نماز، زکات .. و استفاده از آیات و حکمت‌ها توجه بیش‌تری بنمایند. ۵. اهل بیت علیهم السلام الگوی کامل پاکی هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۲

صفات ارزشمند و همگون زن و مرد

قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی احزاب به صفات ارزشمند و همگون زن و مرد و پاداش آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۵. إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً در حقیقت، مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان فرمانبردار [فروتن و زنـان فرمانبردار [فروتن ، و مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان صـدقه دهنـده و زنان صـدقه دهنـده، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، و مردانی که دامانشان را (در امور جنسـی) حفظ می‌کننـد و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می‌کننـد، و مردانی که خـدا را فراوان یاد می‌کننـد و زنانی که (خـدا را فراوان) یاد می‌کنند، خدا برای آنـان آمرزش و پـاداش بزرگی آمـاده کرده است. شأن نزول: حکایت کرده‌انـد که وقتی أسـماء و همسـرش جعفر از حبشه به مـدینه آمدند، اسـماء از همسـران پیامبر صـلی الله علیه و آله پرسـید که: آیا چیزی در مورد زنان نازل شده است؟ و آنان پاسخ منفی دادند. اسـماء نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله آمد و به این مطلب اعتراض کرد. سپس این آیه فرودآمد و صفات همگون زن و مرد و پاداش آنان را برشـمرد و ارزش و فضـیلت زنان را تأیید کرد. «۱» تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در عصـر جـاهلیت قبل از اسـلام، زنان از جایگاه و ارزش چنـدانی برخوردار نبودنـد، ولی با ظهور اسـلام حقوق زنان بازگردانـده شـد. آیـه‌ی فـوق یکی از آیـاتی است که بر این حقیقت مهر تأییـد می‌زنـد. ۲. در ایـن آیـه از ده صـفت و ویژگی مردان و زنـان به طـور همگون یاد شـده و روشن ساخته است که مرد و زن از نظر انسانی و مقامات معنوی با هم‌دیگر همسان هسـتند و اگر تفاوت‌هایی در زمینه‌های حقوقی وجود دارد، بر اساس تفاوت‌های طبیعی زن و مرد است که هر کـدام فلسـفه‌ی خاص خود را دارد. ولی شخصـیت واقعی و ارزش روحی و معنوی زن و مرد، به ارزش‌هـای والای دیگری است که زن و مرد در آنها مساوی هسـتند. ۳. آیا مسلمان و مؤمن تفاوتی دارنـد؟ پاسخ آن است که در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السـلام ایمان را امری قلبی معرفی کرده‌اند که در کردار انسـان ظـاهر می‌شود، اما اسـلام مرتبه‌ای پایین‌تر است که همان اقرار و گواهی به خـدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله است. «۱» یعنی هر مؤمنی مسلمان نیز هست اما هر مسلمانی مؤمن نیست. ۴. در این آیه به اطاعت همراه با فروتنی، راست‌گویی، صبر، خشوع، روزه، پاک‌دامنی و یاد فراوان خدا اشاره شده است که همه‌ی این‌ها از آثار عملی ایمان است. ۵. مقصود از «ذکر کثیر» و یاد فراوان خدا چیست؟ در احادیث اسـلامی آمده است که نماز در دل شب و تسبیح حضـرت زهرا علیها السـلام (یعنی سـی و چهار مرتبه اللَّه اکـبر، سـی و سه مرتبه الحمـد للَّهو سـی و سه مرتبه سـبحان اللَّه) ذکر کثیر است. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۵۴ البته روشن است که این گونه احادیث مصـداق‌های ذکر کثیر را برمی‌شـمارند، وگرنه یاد فراوان خدا مراتب و مصادیق متعددی دارد. ۶. در این آیه پاداش مردان و زنانی که چنین صـفاتی دارنـد را آمرزش و پاداش بزرگ معرفی کرده است و وقتی خدای بزرگ چیزی را بزرگ بخواند، دلیل بر دامنه‌ی وسیع و عظمت آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زن و مرد در مسابقه‌ی معنوی و ارزش‌های انسانی و کسب پاداش و آمرزش الهی همگون هستند. ۲. اسلام، ایمان، اطاعت، راست‌گویی، شکیبایی، فروتنی، بخشش، روزه، پاک‌دامنی و یـاد فراوان خـدا، از صـفات نیکو و ارزش‌هـای مشترک زنـان و مردان است. ۳. اگر خواهـان آمرزش و پاداش بزرگ هستیـد این صفـات دهگانه را در وجود خود پیاده کنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و شـشم سوره‌ی احزاب به تسـلیم محض مردان و زنان

مؤمن در برابر دستورات خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۶. وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْراً أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِيناً و هیچ (حقّی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۵ گمراه شده است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پسرخوانده‌ای به نام «زید» داشت. او غلامی بود که خدیجه علیها السلام به آن حضرت بخشیده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله وی را آزاد و سپس دختر عمه‌ی خویش، زینب را برای زید خواستگاری کردند. اما زینب که از خانواده‌ی بزرگ قریش بود، زیر بار ازدواج با غلامی هم‌چون زید نمی‌رفت. و از آن جا که مصلحتی در این ازدواج بود، آیه‌ی فوق فرودآمد و هشدار داد که در برابر فرمان خدا و پیامبر تسلیم باشید و زینب تسلیم شد و این ازدواج سر گرفت. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر اساس شأن نزولی که گذشت این آیه در مورد فرمان ازدواج زید و زینب نازل شده است تا مقدمه‌ی شکستن یک سنت جاهلی و خرافی باشد که در ذیل آیه‌ی بعد توضیح می‌دهیم. اما این شأن نزول معنای آیه را منحصر در این مورد نمی‌کند، بلکه یک قانون کلی را در مورد همه‌ی مؤمنان بیان می‌دارد. ۲. روح اسلام تسلیم مطلق بودن در برابر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چرا که اولًا، ما هر چه داریم از خداست از این رو باید از این رو باید تسلیم او باشیم. ثانیاً، خدا آگاه و مهربان است و جز به مصلحت بشر فرمان نمی‌دهد. پس اطاعت ما از او هم‌چون اطاعت بیمار از پزشک و فرزند از پدری مهربان و حکیم است و گرنه او نیازی به فرمان‌بری ما ندارد. فاش می گویم و از گفته‌ی خود دلشادم بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم (حافظ) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تسلیم محض خدا و پیامبرش باشید. ۲. انسان در برابر فرمان خدا و پیامبر حقّ انتخاب دیگری ندارد. ۳. نتیجه‌ی مخالفت با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله گمراهی است. ***

پیامبر (ص) و رسالت ها و قوانین

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی احزاب به سنت‌شکنی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان ازدواج با همسر پسر خوانده‌اش اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۷. وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِی فِی نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَراً زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِی أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَراً وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا و (یادکن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (: زید) می گفتی: «همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن!» و چیزی را در دلت پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده‌ی آن است؛ و از مردم می‌هراسیدی، در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسی؛ و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را طلاق داد)، او را به ازدواج تو درآوردیم، تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسرخوانده‌هایشان نباشد، هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آنها را طلاق دادند)؛ و فرمان خدا تحقق یافته است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه ادامه‌ی ماجرای ازدواج زینب (دختر عمه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله) با زید (پسر خوانده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله) است که در ذیل آیه‌ی قبل بیان شد. این ازدواج به فرمان و خواست پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت و پس از مدتی در اثر تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۷ ناسازگاری به طلاق منتهی شد، سپس به دستور خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب، همسر پسر خوانده‌اش ازدواج کرد تا روشن شود که ازدواج با همسر پسرخوانده ممنوع نیست. ۲. میان زید و زینب اختلاف به وجود آمده بود و در نهایت از هم‌دیگر جدا شدند و خدا به خاطر درهم شکستن یک سنت جاهلی (یعنی ممنوعیت ازدواج با همسران پسران) به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که با زینب ازدواج کند. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم می‌ترسید که مسأله‌ی ازدواج با زینب را به طور علنی اعلام کند، البته این یک ترس

طبیعی از شایعات اجتماعی بود. ۴. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها به زید سفارش کرده بود که همسرش زینب را نگاه دارد و طلاق ندهد، ولی این سخنان مؤثر واقع نشده بود. ۵. برخی از دشمنان اسلام مدعی شده‌اند که ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بر اساس میل جنسی و زیبایی زینب بوده است، «۱» ولی این سخن گزاف و تهمت بر پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چرا که: اولًا، پیامبر خود به خواستگاری زینب برای زید رفت و با توجه به این که زید غلام آزاد شده بود و زینب از خانواده‌ای بزرگ، زیر بار این ازدواج نمی‌رفت. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست، می‌توانست از اول زینب را برای خود خواستگاری کند و زینب هم مایل به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ثانیاً، زینب در میان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرده بود و آن حضرت از جمال و کمال او اطلاع داشت و چیزی نبود که بعد از ازدواج با زید روشن شود بلکه برخی همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله از زینب بهتر بودند. ثالثاً، پیامبر با طلاق زینب و جدایی زید از او مخالف بود که در آیه بیان شده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۸ رابعاً، همان طور که در این آیه بیان شده است این یک ازدواج الهی بود و خدا زینب را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله درآورده بود و زینب به این عقد آسمانی افتخار می‌کرد. «۱» خامساً، در این آیه هدف این ازدواج بیان شده است که همان مبارزه با سنت خرافی جاهلی در مورد ممنوعیت ازدواج با همسر پسرخوانده است؛ پس هدف اساسی ازدواج عشق شهوانی و جنسی نبوده است. ۶. در این آیه از نعمت خدا بر زید یاد شده است، که همان نعمت ایمان و هدایت بود. زید مؤمنی مخلص و پیش‌تاز بود و سرانجام از فرمان‌دهان سپاه اسلام در جنگ موته شد و در همان جنگ به فیض شهادت رسید. ۷. در این آیه از نعمت پیامبر صلی الله علیه و آله بر زید یاد شده است که همان آزادی او بود؛ او برده‌ای بود که خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده و آن حضرت او را آزاد کرده بود. ۸. ازدواج زینب و زید آغاز و انجامش سنت شکنی بود؛ زیرا ازدواج یک زن از بزرگان عرب با غلامی آزاد شده سابقه نداشت و با مخالفت برادر زینب نیز روبه‌رو شده بود، ولی آنان این سنت غلط را شکستند و در پایان نیز پیامبر صلی الله علیه و آله سنت شکنی کرد و با همسر پسرخوانده‌اش ازدواج کرد. ۹. تعبیر «وَطراً» به معنای نیاز و حاجت مهم است. استفاده از تعبیر «بی‌نیازی» به جای طلاق به خاطر رعایت احترام زید و زینب بود. گویی آنان تا مدتی در زندگی نیازمند هم بودند، سپس این نیاز برطرف شد و جدا شدند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام با فرهنگ‌های غلط مبارزه می‌کند. ۲. رهبران الهی شخصاً سنت‌های غلط و خرافی جامعه را درهم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۵۹ بشکنند (تا الگوی دیگران شوند). ۳. تا حد امکان جلوی فروپاشی زندگی زناشویی را بگیرید. ۴. در مورد دستورات الهی از مردم نهراسید بلکه از مخالفت خدا بپرهیزید. ۵. برخی ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به دستور خدا و هدف‌دار بوده است. ۶. مشکلات راه ازدواج‌های حلال را برطرف کنید. ۷. فرمان خدا حتماً انجام می‌شود (پس در برابر آن مقاومت نکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی احزاب با دل‌داری به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، روش پیامبران الهی در سنت شکنی را تأیید می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيما فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَراً مَّقْدُوراً هیچ گونه تنگی‌ای بر پیامبر، در آنچه خدا بر او واجب کرده، نیست؛ (این قانون و) روش خدا در مورد کسانی است که پیش از (این) درگذشتند؛ و فرمان خدا به اندازه‌ای معیّن است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران و رهبران الهی در مورد اجرای قوانین الهی نباید از جوسازی‌های سیاسی و اجتماعی بهراسند، بلکه باید فرمان خدا را با قاطعیت اجرا کنند و بدانند که هیچ مشکلی برای آنان پیش نخواهد آمد و از دست مخالفان هیچ کاری ساخته نیست. ۲. روش پیامبران و امت‌های گذشته نیز چنین بوده است؛ یعنی آنان نیز با سنت‌های غلط و خرافات اجتماعی مبارزه می‌کرده‌اند و با مخالفت برخی مردم، جوسازی‌ها، شایعه پراکنی‌ها و عیب‌جویی دشمنان روبه‌رو می‌شدند ولی با مقاومت قانون الهی را اجرا می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۰ ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مصداق کامل این قاطعیت در اجرای فرمان الهی بود؛ از این رو در هنگام ازدواج با زینب، مردم را برای غذای عروسی فراخواند و آن‌چنان مهمانی داد که در مورد هیچ یک از همسرانش نداده بود «۱» تا همه‌ی مردم از این ازدواج و اجرای فرمان خدا

اطلاع یابند و سنت غلط اجتماعی در مورد ممنوعیت ازدواج با همسر پسرخوانده در هم شکسته شود. ۴. تعبیر «قَدَراً مَقْدُوراً» اشاره به حتمی بودن فرمان خدا و یا اشاره به رعایت حکمت و مصلحت (و برنامه‌ریزی دقیق) در کارهای خداست. البته بهتر است که بگوییم آیه به هر دو مطلب اشاره دارد و فرمان خدا بر اساس حساب و برنامه‌ریزی و حتمی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دستورات واجب الهی را اجرا کنید و از مشکلات آن نهراسید. ۲. اجرای فرمان خدا و برخورد با فرهنگ زمانه‌ی جاهلی و سنت‌های غلط و خرافات، روش مستمر پیامبران الهی بوده است. ۳. دستورات خدا، دقیق و قطعی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی احزاب به شجاعت پیام‌آوران دین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. الَّذِینَ یُبَلِّغُونَ رِسَالاتِ اللَّهِ وَیَخْشَوْنَهُ وَلَا یَخْشَوْنَ أَحَداً إِلَّا اللَّهَ وَکَفَی بِاللَّهِ حَسِیباً (همان) کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌هراسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسند؛ و حسابگری خدا کافی است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و همه‌ی مبلغان دینی اشاره می‌کند که از غیر خدا نترسند و از غوغاسالاری و جوّسازی مخالفان هراسی به دل راه ندهند و با شجاعت، پیام الهی را به مردم برسانند که این شرط پیروزی در تبلیغات دینی است. «۱» موحّد چه زر ریزی اندر برش و یا تیغ هندی نهی بر سرش امید و هراسش نباشد زکس بر این است مبنای توحید و بس (سعدی) ۲. مقصود از تبلیغ رسالت‌های الهی همان رساندن پیام خدا به مردم است که به صورت وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و در قالب آیات و هشدار و بشارت و اندرز برای مردم بیان می‌شود. ۳. «خشیّت» به معنای ترس همراه با تعظیم و احترام است؛ آن حالتی که در هنگام درک عظمت خدا و ترس از دوری او حاصل می‌شود؛ «۲» یعنی پیامبران از خدا می‌هراسند که مبادا مسئولیت خویش را به خوبی انجام ندهند و از او دورشوند. ۴. ترس نداشتن پیامبر و مبلغان دینی در مورد رساندن پیام الهی است، و گرنه ترس طبیعی انسان‌ها از صحنه‌های وحشت‌آور در زندگی «۳» و یا ترس پیامبران از این که ایمان مردم متزلزل شود، مذموم نیست. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیام‌آوران الهی فقط از خدا می‌ترسند، نه دیگران. ۲. ترس از مردم مسیر تبلیغات و رسالت شما را تغییر ندهد. ۳. از حسابگری خدا بهراسید نه از حسابگری مردم. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی احزاب به خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بی‌پسر بودن او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰. مَا کَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِن رِّجَالِکُمْ وَلکِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَکَانَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیماً محمد پدرِ هیچ یک از مردان شما نیست؛ و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چهار پسر به نام‌های «قاسم، طیب، طاهر و ابراهیم» داشته است که همگی قبل از بلوغ و در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند؛ «۱» از این رو نام «رجال» (: مردان) بر آنان صادق نبود و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله پسرخوانده‌ای به نام «زید» داشت که فرزند حقیقی حضرت نبود. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرزند پسری نداشت تا جانشین ایشان شود و نبوّت را به ارث ببرد و نبوت سلطنتی گردد و فقط فرستاده‌ی خدا و پایانگر نبوّت بود و شاید اشاره به علم بی‌کران الهی در پایان آیه برای همین است که خدا مصالح بشر را می‌دانست و از این رو به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرزند پسری نداد تا شبهه‌ای در مورد خاتمیت او پیدا نشود. ۳. در این آیه رابطه‌ی نسبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مردم قطع شده است ولی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۳ رابطه‌ی معنوی و روحانی ایشان از طریق رسالت وصل شده است؛ یعنی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پدر جسمانی مردم نبود اما پدر روحانی آنان بود؛ از این رو در حدیث حکایت شده که فرمودند: «من و علی پدران این امت هستیم». «۱» ۴. «خاتم» به معنای چیزی است که به وسیله‌ی آن پایان داده می‌شود؛ از این رو به انگشتری یا مهری که در پایان نامه‌ها یا روی قفل‌ها و مانند آن می‌زنند تا کسی آن را باز نکند، خاتم گفته می‌شود. «۲» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پایانگر پیامبران و رسولان الهی بودند و مهر پایانی به خط نبوت زدند. ۵. از این آیه و برخی آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود «۳» که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه‌ی مردم جهان آمده است و بعد از او پیامبری نیست؛ زیرا کلاس‌های تربیتی و دینی بشریت در طول تاریخ به وسیله‌ی پیامبران کامل شد و آخرین کلاس توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برگزار

شد. ۶. در احادیث اسلامی نیز مسألهی خاتمیت پیامبر اسلام بیان شده و روشن گشته است که احکام ثابت دین اسلام تا روز رستاخیز پابرجاست. «۴» ۷. خاتمیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر کامل شدن دین توسط ایشان و بلوغ فکری بشر است؛ یعنی اسلام برنامهای جامع است که میتواند سعادت بشر را در دنیا و آخرت تا ابد تأمین کند و مردم نیز به آن حد از بلوغ فکری و فرهنگی رسیدهاند که دین اسلام و قرآن را حفظ کنند و به اصول و برنامههای آن عمل کنند و مسیر تکاملی خویش را بدون نیاز به وحی جدید و شریعت تازه ادامه دهند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۴ به عبارت دیگر، پیامبران پیشین هر کدام قسمتی از نقشهی سعادت بشر را به اندازهی ظرفیت فکری مردم عصر خویش آوردند ولی پیامبر اسلام نقشهی کامل سعادت بشر را آورد. ۸. نقش امامت و رهبری دینی بعد از خاتمه یافتن نبوّت چیست؟ پاسخ آن است که نیاز به امام در چند مورد است: اول، نظارت بر اجرای دین؛ دوم، بیان جزئیات دین؛ و سوم، راهنمایی مردم و دستگیری در راه ماندگان. بنابر این، نیاز به امامت ضروری است و ادامه مییابد. «۱» ۹. چگونه دین ثابت اسلام با نیازهای متغیّر بشر تا رستاخیز سازگار میشود؟ اولًا، اسلام یک سلسله اصول کلی بیان کرده که میتواند بر نیازهای متغیّر بشر منطبق شود و پاسخ گوی آنها باشد؛ برای مثال، اصل وفای به عقد و پیمان که شامل معاملات قدیمی و مسائلی همچون بیمه و مصادیق جدید دیگر میشود. ثانیاً، اختیارات حکومت اسلامی، از طریق اصل مترقی ولایت فقیه، بسیاری از مشکلات جامعه را در چهار چوب کلی اسلام حل میکند. ثالثاً، باز بودن راه اجتهاد و استنباط احکام از منابع اسلامی، میتواند پاسخگوی پرسشهای جدید بشر باشد. رابعاً، قرآن کریم دارای بطنها و لایهها و مصادیق مختلف است که در هر زمان مطالب جدید از آن کشف میشود و بر رخدادهای آن عصر تطبیق میگردد و پاسخگوی نیازهای زمان است. ۱۰. هر چند نبوّت در عصر ما خاتمه یافته است و فرشتهی وحی بر کسی نازل نمیشود تا وحی تشریعی و شریعت تازه بیاورد، ولی ارتباط انسانها با عالم تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۵ غیب قطع نشده است و گاهی سروش الهامات و اشراقات الهی بر قلبهای مستعد فرود میآید و ارتباط معنوی بشر با ماوراء الطبیعهٔ برقرار میشود. آموزهها و پیامها: ۱. پیامبر اسلام فرزند پسری نداشت (تا نبوّت سلطنتی گردد). ۲. پیامبر اسلام را پایانگر نبوّت بدانید (ولی اسلام را متوقف و جامد ندانید). *** قرآن کریم در آیات چهل و یکم و چهل و دوم سورهی احزاب مؤمنان را به یاد فراوان خدا و تسبیح او فرا میخواند و میفرماید: ۴۱ و ۴۲. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً* وَسَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَأَصِیلًا ای کسانی که ایمان آوردهاید! خدا را با یادمانی فراوان یاد کنید؛* و صبحگاهان و عصرگاهان [و شب هنگام او را تسبیح گویید. نکتهها و اشارهها: ۱. «ذِکر کَثیر» به معنای یاد فراوان خداست. این تعبیر مصادیق فراوانی دارد؛ از جمله: نماز خواندن، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و یاد لفظی، قلبی و عملی خدا در همهی صحنههای زندگی. ۲. روایت شده که یکی از صحابیان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: با فضیلتترین مردم در روز رستاخیز نزد خدا کیست؟ حضرت پاسخ داد: «کسانی که خدا را فراوان یاد میکنند.» «۱» ۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر چیزی حدّی دارد مگر یاد خدا که انتها ندارد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۶ و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که خدا به هر کس زبانی ذاکر عطا کند، خیر دنیا و آخرت را به او عطا کرده است. «۱» ۴. مقصود از تسبیح و تنزیه خدا در صبح و عصر، همان استمرار تسبیح اوست که یکی از مصادیق آن نماز صبح و عصر و مانند آن است. «۲» البته ممکن است که زمان صبح و عصر تأثیری خاص داشته باشد و این ظرف زمانی برای تسبیح حق مطلوبتر باشد. ۵. یاد خدا در همه حال همچون آبی روح انسان را سیراب میکند و جان او را آرامش میبخشد. یاد موجودی بدون نقص و با کمالات عالی، این اوصاف را در انسان زنده میکند و رشد میدهد. یاد خدا انسان را از گناه و آلودگی دور میدارد. ۶. ذکر محبوب، حجابها را بر میدارد و درهای ملکوت را باز میکند: امام خمینی رحمه الله در این مورد مینویسند: پس ای عزیز! ... اگر طالب کمالات صوریّه ومعنویّه هستی و سالک طریقآخرت ومسافر و مهاجر الی اللّه هستی، قلب را عادت بده به تذکر محبوب و دل را عجین کن با یاد حق تبارک و تعالی. ... «۳» آری؛ با ذکر حقیقی، حجابهای بین عبد و حق خَرق [: پاره شود و موانع حضور مرتفع گردد و قسوت [: سختی و غفلت تفسیر

قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۷ قلب برداشته شود و درهای ملکوت اعلی به روی سالك باز شود و ابواب لطف و رحمت حق به روی او گشوده گردد. ولی عمـده آن است که قلب در آن ذکر زنـده باشـد و مرده نباشد و با مردگان انس نگیرد و آنچه غیر حق و وجه مقـدس اوست، از مردگان است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از یاد خدا غافل نشوید. ۲. مـداومت بر ذکر و تسبیح خدا نیکوست. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۶۸ ذکر در قرآن و حدیث الف) ذکر عبارت است از یاد خدا که گاهی به صورت لفظی و گـاهی قلبی و گاهی در عمل است. ب) اهمیت ذکر: ۱. یاد خدا بالاترین ذکر است (عنکبوت، ۴۵). ۲. ای مؤمنان! فراوان خدا را یاد کنید (احزاب، ۴۱). ۳. ثروت و فرزند شما را از یاد خدا باز ندارد (منافقون، ۹). ۴. تجارت و معامله شما را مشغول نکند و از یاد خدا باز ندارد (نور، ۳۷). ۵. یاد خدا در حال ایستاده و نشسته و خوابیده نیکوست (نساء، ۱۰۳ و آل‌عمران، ۱۹۱). ۶. نماز را برای یاد خـدا به پا دارید (طه، ۱۴). ۷. در برابر دشـمن (در میـدان جنگ) زیاد یاد خدا کنید (انفال، ۴۵). ۸. خـدا را مخفیانه در دل بخوانید (اعراف، ۲۰۵). ۹. «ذکر لذت دوسـتداران (خدا) است.» (علی علیه السـلام). «۱» ج) ذکر کـثیر چیست؟ ۱. «اگر بنـده‌ای در هر روز صـد مرتبه پروردگـارش را یـاد کنـد، این ذکر کثیر است.» (امـام صادق علیه السـلام). «۲» ۲. «تسبیح حضـرت زهرا علیها السلام از مصـادیق ذکر کثیر است.» (امـام صـادق علیه السـلام). «۳» تـذکر: تسبیح حضـرت زهرا علیها السـلام ۳۴ مرتبـه اللَّه اکـبر و ۳۳ مرتبه الحمـدللَّه و ۳۳ مرتبه سـبحان اللَّه است. تفسـیر قرآن مهر جلـد شـانزدهم، ص: ۳۶۹ د) پیامـدهای ذکر: ۱. بـا یاد خـدا دل‌ها آرامش می‌گیرد (و بهـداشت روانی انسـان تأمین می‌شود.) (رعـد، ۲۸). ۲. هر کس خـدا را یاد کنـد خـدا او را یاد می‌کنـد (بقره، ۱۵۳). ۳. «ذکر موجب آبادی و حیات و نور قلب، نیکوشدن کارها در آشکار و پنهان، اصـلاح قلب، قوّت روح و شرح صدر می‌شود و کلید صلاح است.» (امیرالمؤمنین علی علیه السلام). «۱» ۴. «هر کس زیاد یاد خدا کند محبتش زیاد می‌شود.» (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ه) موانع یاد خدا: ۱. شیطان می‌خواهد به وسیله‌ی شراب و قمار دشمنی بین شما ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد (مائده، ۹۱). ۲. «پیروی از شـهوت انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد.» (امام علی علیه السلام). «۳» و) آثار روی برتافتن از ذکر: ۱. هر کس از یاد خـدا بازماند زیانکار است (منافقون، ۹). ۲. یکی از نشانه‌های منافقان آن است که کم‌تر خـدا را یاد می‌کننـد (نساء، ۱۴۲). ۳. هر کس از یاد خدا روی گرداند، زندگی سختی خواهد داشت و در رستاخیز کور محشور می‌شود (طه، ۱۲۴). ۴. هر کس از یاد خدای مهرگستر روی برتابد، شیطانی به سراغ او می‌آید و هم‌نشین او می‌گردد (زخرف، ۳۶). تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۰ قرآن کریم در آیـات چهـل و سوم و چهـل و چهارم سوره‌ی احزاب به درود خـدا و فرشـتگان بر مؤمنان و لطف و پاداش الهی برای آنـان اشـاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۴۳ و ۴۴. هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَمَلَائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَکَانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً* تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْراً کَرِیماً او کسـی است که (خود) و فرشـتگانش برای شـما دعا می‌کنند (و رحمت می‌فرستند،) تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج کند؛ و نسبت به مومنان مهرورز است.* زنده بادِ آنان در روزی که او را ملاقات می‌کنند سلام است؛ و برای آنان پاداش ارجمندی آماده کرده است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات بشارت بزرگی برای مؤمنان است و به آنان نویـد می‌دهد که از طرف معشوق کشـش نیرومندی وجود دارد، تا کوشـش عاشق به جایی برسد. ۲. مقصود از صلوات و درود خـدا بر مؤمنـان همان توجه و عنایت خاص الهی است که به صورت رحمت مستمر بر آنان فرو می‌فرستد «۱» و درود فرشـتگان نیز اسـتغفار و تقاضـای رحمت الهی است. ۳. عنـایت و رحمت خاص خـدا و فرشـتگان نسـبت به مؤمنان آنان را از تاریکی‌های شـرک، کفر، نفاق، شهوات و وسوسه‌های شیطانی بیرون می‌آورد و آنان را به نور یقین، علم، ایمان، اطمینان و تسلط بر نفس ره‌نمون می‌گردد. ۴. «تحیّت» به معنای دعا برای سـلامت و زنـدگی دیگران است و این سـلام و تحیّت نشانه‌ی سـلامتی از هر گونه عـذاب، درد و ناراحتی است. ۵. مقصود از تحیّت و سـلام در این آیه، همان زنده‌باد و سـلام مؤمنان به یک‌دیگر و یا سـلام و زنده‌باد فرشتگان است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۱ ولی بعید نیست که هر دو مقصود آیه باشد؛ یعنی جوّ حاکم بر مؤمنان و فرشـتگان در آخرت سلام و سلامتی است. ۶. مقصود از روز ملاقات، همان روز رسـتاخیز است که حجاب‌ها کنار می‌رود

و افراد با چشم دل خدا را ملاقات می‌کنند و محضر او را با علم شهودی درک می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا و فرشتگان به مؤمنان عنایت و رحمت خاص دارند. ۲. خدا و فرشتگان زمینه‌ی برطرف شدن تیرگی‌ها و نورانی شدن شما را فراهم می‌کنند. ۳. مؤمن شوید تا زنده‌باد و سلام و پاداش ارجمند شامل حال شما شود. *** قرآن کریم در آیات چهل و پنجم و چهل و ششم سوره‌ی احزاب به شش صفت نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف رسالت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۵ و ۴۶. یَاأَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاکَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِیراً* وَدَاعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُّنِیراً ای پیامبر! در حقیقت، ما تو را گواه و مژده‌آور و هشدارگر فرستادیم؛* و (تو را) فراخواننده به سوی خدا، با رخصت او، و چراغی روشنی‌بخش (فرستادیم). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق آیات قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شاهد اعمال امت خویش و گواه اعمال پیامبران پیشین است؛ «۲» یعنی اعمال مسلمانان بر پیامبر صلی الله علیه و آله (و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۲ امامان علیهم السلام) عرضه می‌شود «۱» و از طرف دیگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با اوصاف و برنامه‌هایش گواه حقانیّت مکتب اسلام است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم بشارتگر و هم هشدارگر است. در برنامه‌های تربیتی لازم است که با بیان نعمت‌ها و مژده‌رسانی افراد را به سوی آنها تشویق کنیم و نیز با بیان عذاب الهی بدکاران را بترسانیم تا دست از خلافکاری بردارند. بشارت و هشدار باید همراه هم باشد؛ زیرا نیمی از وجود انسان طالب منفعت و نیم دیگر دفع کننده‌ی ضرر است. ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کننده به سوی خداست و این مرحله‌ای بعد از هشدار و بشارت است؛ چرا که این‌ها وسایلی برای آماده کردن افراد برای پذیرش حق است و هنگامی که فرد آماده شد، به سوی حق دعوت می‌شود. ۴. در این آیه بر رخصت و فرمان الهی تأکید شده است؛ یعنی دعوت پیامبران به فرمان خداست و آنها چیزی از خود ندارند و بدون رخصت الهی گامی برنمی‌دارند. ۵. «سراج» به معنای چراغ و «مُنیر» به معنای نورافشان است. این تعبیر شاید اشاره به معجزات و دلایل حقانیّت پیامبران باشد. ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چراغ روشنی‌بخش است که دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و تاریکی‌های شرک و کفر را از آسمان روح انسان می‌زداید و شب‌پرستان را دور می‌سازد. ای ماه که در گردش، هرگز نشوی لاغر انوار جلال تو بدریده ضلالت را (کلیات شمس) ۷. نور مایه‌ی رشد گل‌ها و عامل جمع شدن افراد در گرد آن و مایه‌ی آرامش افراد درستکار و فرار افراد خلافکار است. آری؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عامل رشد و حرکت مردم و محور وحدت و مایه‌ی آرامش مؤمنان است و نور وجود او دزدان ایمان و دین را فراری می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. صفات برجسته و نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله را بشناسید (تا از وجود ایشان بیش‌تر بهره‌مند شوید). ۲. در برنامه‌ی تربیتی اسلام هشدار و بشارت با هم است. ۳. رهبران الهی گواه (و الگوی) مردم باشند. ۴. رهبران الهی ستاره‌های نورافشان آسمان هدایت هستند. ۵. دعوت به خدا هم، با اجازه‌ی خدا باشد. ۶. مردان الهی (مردم را) به سوی خدا بخوانند (نه به سوی خود). *** قرآن کریم در آیات چهل و هفتم و چهل و هشتم سوره‌ی احزاب، چهار دستور سازنده به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد و می‌فرماید: ۴۷ و ۴۸. وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا کَبِیراً* وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَالْمُنَافِقِینَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ وَکِیلًا و مؤمنان را مژده ده به این‌که از طرف خدا بخششی بزرگ برای آنان (فراهم) است.* و از کافران و منافقان اطاعت نکن و آزار (های) آنان را رهاکن (و از آنها درگذر،) و بر خدا توکّل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا علاوه بر پاداشی که به اعمال مؤمنان می‌دهد، بخشش‌های اضافی نیز برای آنان خواهد داشت؛ همان طور که در آیات دیگر آمده که گاهی یک عمل نیک را تا ده برابر پاداش می‌دهد. ۲. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از کافران و منافقان اطاعت نمی‌کند و بر خدا توکّل می‌کند پس چرا در این آیات این دستورات به آن حضرت داده شده است؟ پاسخ آن است که اولًا، این دستورها برای تأکید و هشدار است که پیامبر مراقب خطر وسوسه‌ها و توطئه‌های منافقان و کافران باشد. ثانیاً، این دستورها نوعی سرمشق برای مؤمنان است و در حقیقت روی تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۴ سخن با همه‌ی مؤمنان است. ۳. خطر کافران و منافقان در تاریخ اسلام بر کسی پوشیده نیست. آنان از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام و به انحراف کشیدن

مسلمانان بهره می‌برند و بارها به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امتیازات مالی و مقام‌های حسّاس و زنان زیبا پیشنهاد کردند. ۴. در این آیات به آزارهای کافران و منافقان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است. اذیت‌هایی هم‌چون زخم زبان‌ها، جسارت‌ها، آزارهای بدنی، محاصره‌ی اقتصادی و جنگ که به وسیله‌ی آنها پیامبر صلی الله علیه و آله را تحت فشار قرار دادند که به برخی موارد آنها در قرآن نیز اشاره شده است. «۱» ولی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر همه‌ی آنها مقاومت کرد و بر خدا توکّل نمود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا علاوه بر پاداش، بخشش‌های بزرگی به مؤمنان می‌دهد. ۲. رهبران الهی با مژده‌رسانی، مؤمنان را دل‌گرم و تشویق کنند. ۳. در برابر آزارهای مخالفان مقاومت کنید و پیرو آنان نشوید. ۴. کارسازی بهتر از خدا وجود ندارد، پس بر او توکّل کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی احزاب به زنانی که عدّه‌ی طلاق ندارند اشاره می‌کند و با سفارش در مورد آنها می‌فرماید: ۴۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلًا ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عدّه‌ای که آن را بشمارید، بر عهده‌ی آنان نیست؛ پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند کنید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عدّه نگاه داشتن زنان بدان معناست که زن پس از طلاق مدتی صبر می‌کند، سپس ازدواج مجدد می‌کند. از این آیه استفاده می‌شود که این مطلب حقّی برای شوهر است «۱»؛ زیرا ممکن است زنی که همسر کسی بوده سپس طلاق داده شده، آبستن باشد و اگر بلا فاصله پس از طلاق ازدواج کند سرنوشت فرزند او نامعلوم می‌شود؛ علاوه بر آن که مدتِ عدّه به زن و مرد فرصت می‌دهد که به دور از هیجانات در مورد جدا شدن از هم‌دیگر بیش‌تر فکر کنند و چه بسا که در این مدت پشیمان شوند. «۲» ۲. مسأله‌ی عدّه نگاه داشتن زنان قبلًا برای مسلمانان بیان شده بود، و در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۲۸ این مطلب تصریح شده که زنان مطلّقه باید پس از طلاق به مدت سه مرتبه عادت ماهیانه (و پاک شدن) انتظار بکشند و عدّه نگاه دارند، سپس اگر خواستند، ازدواج مجدد کنند. و اینک در این آیه یک دسته از زنان مطلقه را استثنا کرده و بیان نموده است که اگر زنان مطلقه قبل از طلاق آمیزش نکرده باشند لازم نیست که عدّه نگاه دارند. ۳. در این آیه به مردان دستور می‌دهد که در هنگام طلاق دادن این گونه زنان هدیه‌ی مناسبی به آنان بدهند. برخی مفسران احتمال داده‌اند که این حکم مخصوص مواردی است که مهریه‌ای برای زن مشخص نشده باشد، وگرنه هنگام طلاق پرداخت نصف مهریه واجب می‌شود.» ولی برخی فقها و مفسران فرموده‌اند که دادن هدیه در صورت تعیین مهریه، مستحب و در صورت عدم تعیین، واجب است. «۴» ۴. مقدار هدیه‌ای که به زن مطلّقه داده می‌شود، به اندازه‌ی متعارف و بر اساس توانایی شوهر است که شامل مواردی هم‌چون لباس، خانه و پول می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۶ ۵. سفارش شده که همسر مطلّقه را با آزادی نیکویی رها کنید؛ یعنی همراه با محبت و احترام و بدون خشونت و ظلم از او جدا شوید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام حامی حقوق زنان است. ۲. مردان حقوق زنان را رعایت کنند. ۲. حتی پس از طلاق، رعایت حال همسر قبلی خود را بکنید و به او هدیه بدهید و با او خوش‌رفتاری کنید. ۳. عدّه حق شوهر است، ولی برخی زنان بعد از طلاق عدّه ندارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی احزاب به زنانی که همسری آنان برای مؤمنان جایز است و نیز مورد خاص پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۰. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً ای پیامبر! در واقع، ما برای تو حلال کردیم همسرانت را که مَهرشان را پرداخته‌ای، و آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌ای از آنچه (از غنایم و انفال) که خدا به تو بازگردانده است و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت و دختران دایی‌ات و دختران خاله‌هایت، که با تو مهاجرت کردند؛ و (نیز حلال کردیم) زنِ با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر

پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست، نه سایر مومنان؛ به یقین، می‌دانیم آنچه را واجب کردیم برای آنان در مورد همسرانشان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند. (این اجازه‌ی ازدواج) بدین خاطر است که هیچ تنگی (و محدویتی) بر تو نباشد؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از زنـانی که مهریه‌ی آنان را پرداخته‌ایـد، زنان غیر خویشاونـد هسـتند. البته پرداخت اصل مهریه واجب است اما پرداخت فوری آن واجب نیست و زن و شوهر می‌تواننـد بـا توافق هم‌دیگر پرداخت آن را به تأخیر اندازنـد. ۲. مقصود از «مـا أفاءَ اللَّه» اموالی است که بدون زحمت به دست می‌آید؛ از این رو به غنایم جنگی، انفال (یعنی ثروت‌های طبیعی و عمومی مسلمانان) گفته می‌شود. گفته شده که برخی از زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله هم‌چون صـفیه و جویریه از انفال بودند «۱» که پیامبر آنان را از بردگی آزاد کرد و به ازدواج خود پـذیرفت که این عمل در راسـتای مبارزه‌ی اسـلام با برده‌داری و شخصـیت دادن به بردگان آزاد شده بود. ۳. مقصود از دختران خاله‌هـایی که همراه پیامبر صـلی الله علیه و آله مهاجرت کردنـد، دختران با ایمان آنها هسـتند؛ چرا که هجرت در آن زمـان یکی از نشانه‌های ایمان افراد و نیز امتیاز و نشانه‌ی زنان با شخصیت بود که لایق همسـری پیامبر را داشـتند. از جمله‌ی این دختر خاله‌هـا همـان زینب همسـر زیـد بود که در اوایـل سوره‌ی احزاب ماجرای ازدواج او با پیامبر صـلی الله علیه و آله بیان شـد. ۴. برخی از زنان با ایمان خود را به پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌بخشیدند و مهریه‌ای از حضرت نمی‌خواستند، هدف این زنان آن بود که شـرافت همسـری با پیامبر صـلی الله علیه و آله را پیدا کنند. گفته شده که میمونه، زینب دختر خزیمه و ام شـریک و خوله از این زنان بوده‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۸ ۵. از نظر فقه اسلامی زنی حق ندارد خود را به دیگری ببخشد یا بدون مهریه به ازدواج مردی درآیـد و ازدواج اگر بدون مهریه صورت گیرد، مهر المثل واجب می‌شود. «۱» از آیه استفاده می‌شود این حکم که زنی خود را با لفظ «هِبه» و بخشـش و بدون مهریه به ازدواج مردی درآورد مخصوص پیامبر صـلی الله علیه و آله است. ۶. در برخی روایات تاریخی آمده است که هنگامی که «خوله» خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید و همسر او شد، عایشه اعتراض کرد و گفت: چرا برخی زنان بـدون مهر خود را در اختیار ازدواج قرار می‌دهند. و آیه‌ی فوق بدین مناسـبت فرود آمد و عایشه رو به سوی پیامبر صـلی الله علیه و آله کرد و گفت: «می‌بینم که خـدا به سـرعت مقصود تو را انجام می‌دهـد.» و پیامبر فرمود: «تو نیز اگر از خدا اطاعت کنی مقصودت را به سرعت انجام می‌دهد». «۲» ۷. از این آیه فلسفه‌ی تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می‌شود که همان رفع برخی مشـکلات و محدودیت‌ها از دوش پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است؛ یعنی ازدواج‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با برخی زنان، مشـکلات سیاسـی و اجتماعی ایشان را برطرف و راه پیشـرفت اسلام را هموار می‌کرد؛ قبایل عرب نسبت به پیوند خویشاونـدی حساس بودند و از این رو برخی ازدواج‌های پیامبر صـلی الله علیه و آله سیاسـی و برای جلب دوستی قبایل بود و برخی دیگر برای سنت‌شـکنی در مـورد ازدواج بـا همسـر پسر خوانـده و زنـان کنیز بود. و در برخی موارد به صـرف خواسـتگاری بسـنده می‌کردنـد، تـا رابطه‌ی اجتماعی ایشان با قبایل دیگر محکم‌تر شود. آری؛ پیامبر صـلی الله علیه و آله مردی شـهوت‌ران نبود؛ چرا که در اوج جوانی تا حـدود پنجاه سالگی یک همسـر داشت و اکثر زنانی که در ده سال آخر عمر گرفت زنان بیوه بودنـد. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۷۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان حلال را بشناسـید و با آنان ازدواج کنید (تا به حرام و خطا نیفتید). ۲. برخی ازدواج‌هـا مخصوص پیـامبر صـلی الله علیه و آله است تـا مشـکلات ایشان حل شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی احزاب به تنظیم روابط پیامبر صـلی الله علیه و آله با همسـرانش توجه می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. تُرْجِی مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِی مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَیْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَـا جُنَـاحَ عَلَیْـکَ ذلِـکَ أَدْنَی أَن تَقَرَّ أَعْیُنُهُنَّ وَلَـا یَحْزَنَّ وَیَرْضَـیْنَ بِمَـا آتَیْتَهُنَّ کُلُّهُنَّ وَاللَّهُ یَعْلَمُ مَـا فِی قُلُوبِکُمْ وَکَـانَ اللَّهُ عَلِیمـاً حَلِیمـاً (نوبت) هر کـدام از آن (همسـر) ان را که می‌خواهی به تأخیر می‌انـدازی و هر کـدام را که می‌خواهی پیش خـود جـای می‌دهی؛ و هیـچ گنـاهی بر تـو نیست که هر کـدام از کسـانی را که (از او) کنـاره‌گیری کرده‌ای، طلب کنی؛ این [کـار] نزدیک‌تر است به این‌که چشـمان آنان روشن گردد و انـدوهگین نشونـد و همگی آنان به آنچه به ایشان می‌دهی خشـنود گردند؛ و

خدا آنچه را در دل‌های شماست می‌داند؛ و خدا دانای بردبار است. شأن نزول: حکایت کرده‌اند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اوقات زندگی با او رقابت داشتند و از این جهت پیامبر صلی الله علیه و آله که گرفتار مسائل مهم اجتماعی بود در مضیقه‌ی زمان قرار می‌گرفت. آیه‌ی فوق فرودآمد و پیامبر را در تقسیم اوقاتش آزاد گذاشت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از مشکلات رهبران و مدیران جامعه آن است که در بیرون خانه درگیر مشکلات اجتماعی می‌شوند و از رسیدگی کامل به خانواده‌ی خویش باز می‌مانند و گاهی برخی افراد خانواده از آنان توقع صرف وقت بیش‌تر برای آنان دارند. اگر این توقع به اصرار زیاد برسد، رهبران جامعه را گرفتار مشکلات جدّی می‌کند و از مسئولیت‌های خویش بازمی‌دارد. در حالی که افراد خانواده باید محیطی آرام بخش برای آنان آماده کنند تا بتوانند به امور مهم اجتماعی بهتر رسیدگی کنند. آیه‌ی فوق در صدد آن است که چنین محیط آرامی در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد کند و در مدیریت زمان در خانه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را باز بگذارد. ۲. کسانی که همسران متعدد دارند باید طبق دستورات اسلامی عدالت را در بین آنان رعایت کنند و در هر زمان نزد یکی از آنان بروند و شب‌ها را بین آنان تقسیم کنند. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که مشکلات اجتماعی، سیاسی و نظامی فراوان داشت و در مدینه به طور متوسط در هر ماه یک جنگ بر ایشان تحمیل می‌شد. این تقسیم شب‌ها و اوقات بین زنان از عهده‌ی او ساقط بود اما در همان حال تا حد امکان رعایت مساوات و عدالت را می‌کرد. ۴. زنان پیامبر رقابت‌هایی در مورد تقسیم اوقات پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند و گاهی کشمکش‌های زنانه‌ی آنان طوفانی درون خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله به پا می‌کرد و فکر رهبر اسلام را به خود مشغول می‌داشت. این آیه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را در تقسیم اوقات باز گذاشت و این حکم الهی را به طور دایمی قرار داد تا کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد تقسیم اوقات یا تغییر اوقات اعتراض نکند. ۵. این حکم الهی برای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر بود؛ چرا که اولًا، یک حکم عمومی در مورد همه‌ی آنها بود و تفاوتی بین آنان نمی‌گذاشت. ثانیاً، خدا مصلحت پیامبر صلی الله علیه و آله و جامعه‌ی اسلامی و آنان را در نظر گرفته بود؛ بنابراین باید با رضایت به آن حکم تن می‌دادند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۱ ثالثاً، همسری پیامبر صلی الله علیه و آله مایه‌ی افتخار و چشم روشنی آنان است؛ از این رو باید از کمبود وقت او اندوهگین نشوند و بدان راضی باشند. ۶. همه‌ی مردانی که چند همسر دارند باید مساوات را در تقسیم وقت رعایت کنند و مشهور آن است که حکم اختیار داشتن پیامبر صلی الله علیه و آله در تقسیم اوقات بین زنان، استثنا است، ولی بعید نیست که این حکم شامل جانشینان پیامبر و رهبران الهی نیز بشود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی در مدیریت زمان و زنان، در خانواده‌ی خویش آزادند. ۲. همسران رهبران الهی از کمبود وقت آنان در زندگی خصوصی ناراحت نباشند و بدان راضی شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی احزاب ازدواج مجدد و تغییر همسر را برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ممنوع می‌سازد و می‌فرماید: ۵۲. لَایَحِلُّ لَکَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَکَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَکَتْ یَمِینُکَ وَکَانَ اللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ رَقِیباً بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و این‌که همسران (دیگری) جای‌گزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد، مگر آنچه (از کنیزان) مالک شده‌ای؛ و خدا نگهبان هر چیزی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق شواهد تاریخی، پس از آن که در آیات پیشین به پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه داده شد که زنانِ بخششی را به ازدواج خود درآورد، و این ازدواج‌ها موجب ام المؤمنین شدنِ زنان و مایه‌ی افتخار آنان می‌شد، هر یک از قبایل افتخار می‌کردند که زنی را به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله در آورند و این کار تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۲ برای پیامبر صلی الله علیه و آله مشکل‌آفرین شد و از این رو آیه‌ی فوق با یک حکم قاطع جلوی این ازدواج‌ها را گرفت. «۱» ۲. ازدواج با کنیزان در این آیه استثنا شد؛ چرا که آنان خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله تحمیل نمی‌کردند و مشکلات زنان آزاد را نداشتند. البته طبق گواهی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از این استثنا استفاده نکرد. ۳. «مِنْ بَعْدِ» به معنای بعد از این است. و مقصود از این تعبیر در این آیه، یا آن است که بعد از این زمان که زیادی تعداد همسران

برای تو مشکل‌آفرین شده، دیگر همسری برنگزین و یا آن که بعد از آن که همسران بین ماندن ورفتن مخیّر شدند و زندگی با تو را انتخاب کردند، تو نیز این وفاداری آنان را ارج بگذار و همسر دیگری انتخاب نکن. «۲» ۴. از این آیه استفاده می‌شود که برخی از زنانی که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد می‌شدند زیبا بوده‌اند، «۳» و مفسران از این تعبیر آیه استفاده کرده‌اند که هر کس می‌خواهد با زنی ازدواج کند، حق دارد او را نگاه کند. این مطلب در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که به یکی از یاران خویش که قصد ازدواج داشت فرمودند: به آن زن نگاه کن که این سبب می‌شود که (محبت و دوام زندگی) بین شما پایدارتر شود. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۳ البته در برخی احادیث آمده که این نگاه نباید به قصد شهوت‌رانی و لذّت بردن باشد (بلکه به قصد ازدواج و برای تحقیق باشد). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اختیار ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به دست خداست. ۲. زیبایی زنان موجب نشود که احکام الهی را نقض کنید. ۳. خدا همه چیز را تحت نظر دارد (پس مراقب کردار خود باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی احزاب، آداب و احکام معاشرت مؤمنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۵۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيماً ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید، مگر این‌که به شما برای [صرف غذا رخصت داده شود، در حالی که منتظر رسیدن آن (غذا) نیستید؛ و لیکن هنگامی که فراخوانده شدید، پس داخل شوید و هنگامی که غذا خوردید پس پراکنده شوید؛ و با سخن گفتن مأنوس نشوید [چرا] که این (کار)، پیامبر را می‌آزارد و (او) از شما شرم می‌کند، و [لی خدا از (بیان) حق شرم نمی‌کند؛ و هنگامی که وسیله‌ای از آنان (: همسران پیامبر) خواستید، از پشتِ مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر است؛ و برای شما (جایز) نیست که فرستاده‌ی خدا را آزار دهید و نه هرگز همسرانش را بعد تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۴ از او به همسری (خود) درآورید که این (کار) نزد خدا بزرگ است! شأن نزول: داستان‌های متعددی در مورد نزول بخش‌های مختلف این آیه بیان شده است؛ از جمله این که در هنگام ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب دختر جَحش، مردم به میهمانی در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت شدند و گروه گروه آمدند و پس از غذا خوردن خارج شدند و سفره را نیز برچیدند ولی سه نفر در اطاق آن حضرت باقی ماندند و به گفت‌وگو پرداختند. بخش اول آیه‌ی فوق فرود آمد و آنان را از این کار منع کرد، زیرا این کارها موجب اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شد. «۱» در مورد بخش دوم آیه حکایت شده که برخی از همسایگان و مردم عادت داشتند برای گرفتن وسایل عاریه‌ای به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه کنند که این کار با حیثیت همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سازگار نبود. این آیه نازل شد و به آنان دستور داد که از پشت پرده مراجعه کنند و از زنان پیامبر چیزی بگیرند. «۲» و در مورد بخش سوم آیه حکایت شده که برخی از مخالفان و منافقان تصمیم گرفتند که پس از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران او ازدواج کنند و حرمت او را بکشند. این آیه فرود آمد و ازدواج با زنان پیامبر را به کلی ممنوع ساخت. «۳» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه آداب معاشرت اجتماعی بیان شده است؛ از جمله این که بدون اجازه داخل خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نشوید. البته این حکم برای همه‌ی خانه‌هاست و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواست داخل خانه‌ی دخترش فاطمه علیها السلام شود، بیرون می‌ایستاد و به نوعی اجازه می‌گرفت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۵ ۲. در این آیه به آداب مهمانی رفتن نیز اشاره شده است؛ بدین ترتیب که اولًا، زودتر از وقت مقرر مهمان کسی نشوید که هم خودتان معطل غذا شوید و هم مزاحم او شوید. ثانیاً، بعد از صرف غذا مدت طولانی درنگ نکنید و مجلس انس تشکیل ندهید که مزاحم میزبان شوید. البته؛ اگر از آغاز افرادی برای جلسه‌ی گفت‌وگو و انس دعوت شده باشند می‌توانند به اندازه‌ی لازم بمانند. ۳. پیامبر

اسلام صلی الله علیه و آله اهمیت ویژه‌ای برای مهمان قایل بودند، به طوری که در مسائل عمومی حق را آشکارا بیان می‌کردند ولی در مورد مهمـان حیـا کرده، اصول اخلاقی را رعـایت می‌کردنـد و از حقّ شخصـی خود می‌گذشـتند، ولی به زیـاد مانـدن مهمانـان اعتراض نمی‌کردند. ۴. در اسـلام بر مهمان نوازی تأکیـد شـده است و از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده که مهمان راه‌نمای بهشت و هـدیه‌ای الهی است که همراه رزق خود می‌آیـد و گناهـان اهل خانه را می‌برد (یعنی به برکت او گناهان بخشوده می‌شود) «۱» و سـفارش شـده که در مورد مهمان به زحمت نیفتیـد و چیزهایی را که نداریـد تهیه نکنیـد بلکه هر چه (از غـذا) داریـد برای او آماده کنید؛ «۲» و همراه مهمان برویـد تا از خانه شـما به خوبی بیرون رود «۳» و نیز سـفارش شده که مهمان در هر کجا که صاحب خانه دستور داد بنشیند. «۴» ۵. در این آیه در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است که هرگاه مؤمنان خواستند از آنان وسیله‌ای بگیرند، از پشت پرده بگیرند، که این برای پاکی دل‌های طرفین بهتر است و شخصیت آنان را بهتر حفظ می‌کند. البته این حکم در مورد غیر زنـان پیامبر صـلی الله علیه و آله وارد نشـده است، ولی با توجه به دلیل آن، تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۸۶ که شامـل بقیه‌ی زن‌هـا نیز می‌شود، «۱» می‌توانـد این کـار برای تماس با زنان دیگر نیز مطلوب باشـد. «۲» ۶. چرا ازدواج زنان پیـامبر صـلی الله علیه و آله، بعـد از وفات ایشان ممنوع شـده است؟ اولًا، در شأن نزول بیان شـد که برخی مخالفان و منافقان تصـمیم گرفته بودنـد با ازدواج با همسـران پیامبر صـلی الله علیه و آله به حیثیت ایشان ضـربه بزننـد و این ممنوعیت جلوی این انتقام‌جویی را می‌گرفت. ثانیـاً، ممکن بود برخی افراد بـا ازدواج بـا همسـران پیامبر ادعاهای بی‌مورد کننـد و از این کار سوء اسـتفاده نماینـد که با ممنوعیت ازدواج جلوی توطئه‌ی آنـان گرفته شـد و شایـد از این روست که فرمود این کار نزد خـدا (گناه) بزرگی دارد. ثالثاً، حفظ احترام هر کس در احترام به خـانواده‌ی او متجلّی می‌شود. از این رو قرآن همسـران پیـامبر را ام المومنین نامیـد و ازدواج بـا آنـان را حرام کرد تا حریم و شخصیت این خانواده محفوظ شود و در جامعه محترم بمانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حریم رهبران الهی را محترم بشمارید. ۲. مهمان نبایـد برای میزبان خود مزاحمت ایجاد کند. ۳. در گفتن حق صـریح باشید. ۴. مردان در ارتبـاط با زنان نامحرم، طوری رفتار کننـد که پاک بماننـد. ۵. حرمت پیـامبر صـلی الله علیه و آله را بعـد از وفـات او نیز نگاه داریـد و با همسـرانش ازدواج نکنید. ۶. همسـران رهبران الهی، حرمت مقـام آنـان را حفظ کننـد. *** تفسـیر قرآن مهر جلـد شانزدهم، ص: ۳۸۷ قرآن کریـم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی احزاب با بیان آگاهی کامل خدا از امور می‌فرماید: ۵۴. إِن تُبْدُوا شَيْئاً أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْ‌ءٍ عَلِيماً اگر چیزی را آشـکار کنیـد یـا پنهـانش سازیـد، پس، در حقیقت خـدا به هر چیزی دانـاست. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. علم خـدا شهـودی و حضوری است؛ از این رو از همه‌ی امور پیـدا و پنهـان اطلاـع دارد و چیزی بر او پوشـیده نیست و حـتی از نیت‌هـای افراد آگاه است. ۲. این آیه هشداری است به کسانی که مخفیانه با دستورات الهی مخالفت می‌کردند و به پیامبر صلی الله علیه و آله آزار می‌رساندنـد، یا حریم ایشان را رعایت نمی‌کردنـد و یا قصـد اذیت خانواده‌ی آن حضـرت را بعـد از فوت ایشان داشـتند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علم خـدا بر همه چیز احـاطه دارد. ۲. مخفی کردن چیزها از خـدا بی‌فایـده است. ۳. همه چیز را تحت نظر خـدا بدانیـد (و مراقب کردار خود باشـید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی احزاب به موارد استثنا در روابط زن و مرد اشاره می‌کند و با سـفارش به تقوا می‌فرمایـد: ۵۵. لَاجُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْ‌ءٍ شَهِيداً بر آنان [: همسران پیامبر] هیچ گناهی نیست در مورد پـدرانشان و پسـرانشان و برادرانشـان و پسـران برادرانشان و پسـران خواهرانشان و زنان (هم‌کیش) آنان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند (که بدون مانع از آنان وسـیله‌ای بخواهند)؛ و خودتان را از (عذاب) خدا حفظ کنید، که خدا بر هر چیزی گواه است. تفسـیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۸ شـأن نزول: حکایت شـده که پس از اعمال محـدودیت در مورد روابط مردان با همسـران پیـامبر صـلی الله علیه و آله، بسـتگان آنـان از پیـامبر صـلی الله علیه و آله پرسـیدند که ما نیز بایـد از پشت پرده با همسـران تو سـخن بگوییم؟ آیه‌ی فوق فرود آمـد و موارد اسـتثنا را بیان کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از افرادی یـاد شـده است که با زنان

پیامبر صلی الله علیه و آله محرم بودند ومی توانستند بدون حجاب با آنان سخن بگویند و ارتباط داشته باشند. ۲. در این آیه از عموها و دایی‌های همسران پیامبر یاد نشده است؛ زیرا از فرزندان برادر و فرزندان خواهر آنان یاد شد و از آن جا که نسبت محرمیّت دو طرفی است، بنابر این عکس آن نیز برای دایی و عمو اثبات می‌شود. ۳. در این آیه از پدر شوهر و پسر شوهر همسران پیامبر به عنوان محرم یاد نشد؛ چرا که در آن زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پدر و فرزند پسر نداشت تا مستثنا شوند. ۴. در این آیه به تقوا و گواه بودن خدا اشاره شده است تا نشان دهد که این قوانین و پرده و حجاب وسایلی برای حفظ از گناه است، ولی ریشه‌ی اصلی همان تقوا و ناظر دانستن خداست. ۵. برخی مفسران برآن‌اند که مقصود از زنان و بردگان در این آیه، زنان مسلمان و کنیزان هستند که در مورد تماس بدون حجاب آنان با زنان پیامبر مستثنا شدند؛ چرا که بر اساس روایات، غلامان از این حکم خارج می‌شوند. «۲» ۶. هر چند این آیه در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله فرودآمده است اما محارمی که در آیه شمرده شده‌اند مخصوص آنان نیستند و زنان دیگر نیز می‌توانند با این محارم بدون حجاب ارتباط داشته باشند. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۸۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در اسلام، روابط زن و مرد، براساس دستورات الهی شکل می‌گیرد. ۲. زنان محارم خود را بشناسند. ۳. زنان خدا را گواه کارهای خود بدانند و تقوا پیشه سازند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی احزاب به سلام و درود خدا و فرشتگان و مردم بر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً در حقیقت، خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (: صلوات) می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او دعا (: صلوات) بفرستید و به طور کامل سلام کنید (و کاملًا تسلیم او باشید). نکات و اشارت: ۱. «صلوات» در اصل به معنای دعاست و هرگاه به خدا نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت است و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان نسبت داده شود، به معنای طلب رحمت است. «۱» ۲. در این آیه نخست با فعل مضارع از صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است تا نشان دهد که آنان به طور مستمر بر ایشان صلوات می‌فرستند و مؤمنان از این کار خدا و فرشتگان الگو بگیرند و از آنان پیروی کنند و بر پیامبر صلوات بفرستند. ۳. مقصود از «تسلیم» در این آیه سلام فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و تقاضای سلامتی برای ایشان است و یا تسلیم مسلمانان در برابر دستورات ایشان است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۰ البته معنای اول با لغت سازگارتر است و معنای دوم در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است. «۱» که جمع آن در تسلیم قولی و عملی در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۴. این آیه مقام والای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نزد خدا و فرشتگان نشان می‌دهد که همگی بر او درود و رحمت می‌فرستند. ۵. صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در تشهد نماز بر مسلمانان واجب و در غیر آن مستحب است «۲» و حتی در حدیثی از عایشه حکایت شده که پیامبر فرمود: «نماز بدون طهارت و صلوات بر من قبول نمی‌شود». «۳» ۶. در روایات متعددی از شیعه و سنی آمده است که مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: روش سلام کردن بر شما را می‌دانیم اما چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگو: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید، اللهم بارک علی محمد وعلی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید». «۴» ۷. در برخی احادیث از صلوات ناقص (یعنی: اللهم صل علی محمد) منع شده و دستور داده‌اند که بگویید: اللهم صل علی محمد وآل محمد. «۵» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از صدر تا ذیل هستی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله احترام می‌گذارند و به او تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۱ درود می‌فرستند (شما هم این گونه باشید). ۲. سلام و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله شیوه‌ای الهی است. ۳. از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله غفلت نکنید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی احزاب به پیامدهای عذاب‌آلود آزاررسانی به خدا، پیامبر و مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً* وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَاناً وَإِثْماً مُّبِيناً در حقیقت، کسانی که خدا و فرستاده‌اش را آزار می‌دهند، خدا آنان را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور ساخته و

برای آنان عـذاب خوار کننـده‌ای آماده کرده است.* و کسانی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون آن‌که چیز (بد) ی کسب کرده باشند، آزار می‌دهند، به یقین، [بارِ] تهمت و گناه آشکاری بردوش گرفته‌اند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آزار خدا، همان کفر ورزیـدن و مخـالفت بـا دسـتورات او و یـا آزار پیـامبر صـلی الله علیه و آله و مؤمنان است که در حقیقت آزار خـداست. «۱» ۲. مقصود از آزار پیامبر صـلی الله علیه و آله هر گونه کـاری است که موجب اذیت ایشـان شود، که شامـل کفر ورزیـدن، مخـالفت با دستورات، تهمت زدن، مزاحمت بر ایشان و حتی آزار بستگان ایشان، هم‌چون فاطمه علیها السلام می‌شود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۲ ۳. «لعنت» به معنای دوری از رحمت خـداست، که از بـدترین عـذاب‌های الهی است؛ زیرا خـدایی که رحمتش گسترده و شامل همگان می‌شود، انسانی را از رحمتش محروم گردانده است. ۴. آزار مؤمنان از گناهان آشکار و بزرگ است و در ردیف آزار خدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله مطرح شده است و در احادیث اسـلامی از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدا می‌فرمایـد: «هر کس بنـده‌ی مؤمن مرا بیازارد اعلان جنگ با من می‌دهـد». «۱» ۵. آزار مؤمنان بـدون آن که کاری کرده باشـند که مستحق مجازات باشـند ممنوع است، اما اگر مؤمنی کار خلافی انجام دهد و مسـتحق حدّ یا تعزیر شود و یا در مقام امر به معروف و نهی از منکر بـه مـؤمنی چیزی بگوینـد و آزرده خـاطر شـود، مانعی‌نـدارد. ۶. «بهتـان» از بزرگ‌تریـن گناهـان است که دل انسـان را می‌آزارد و از زخم شمشیر بدتر است؛ زیرا ماندگار است. در حدیثی از امام رضا علیه السـلام روایت شده که هر کس به مرد یا زن با ایمانی بهتان بزنـد و یا در باره‌ی او چیزی بگوید که در او نیست، خدا او را در رسـتاخیز بر تلّی از آتش قرار می‌دهد تا از عهده‌ی آنچه گفته برآیـد. «۲» ۷. برخی مفسـران نوشـته‌اند که گروهی در مـدینه که علیه مؤمنـان شـایعه‌پراکنی می‌کردنـد و به آنان تهمت می‌زدند. قرآن کار این افراد را بهتان و گناه آشـکار معرفی کرده است. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آزار خـدا و پیـامبر صـلی الله علیه و آله، عامل عـذاب و لعنت است. ۲. با آزار مؤمنان بی‌گناه، بارگناه خود را سـنگین نکنیـد. ۳. دگرآزار نباشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی احزاب با دستور حجاب جلوی سوء استفاده و آزار زنان را می‌گیرد و می‌فرماید: ۵۹. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً ای پیامبر! به همسـرانت و دخترانت و زنان مومنان بگو: «از پوشـش‌های بلنـد (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کننـد، این [کار] برای این‌که شـناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرنـد نزدیک‌تر است؛ و خـدا بسـیار آمرزنـده‌ی مهرورز است. شأن نزول: حکـایت شـده که در عصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله زنانی که برای نماز عشا به مسـجد می‌رفتنـد، توسط جوانان هرزه مورد آزار و مزاحمت قرار می‌گرفتند؛ این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به زنان دستور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا مورد آزار قرار نگیرنـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مزاحمت‌هـای خیابـانی علیه زنان مؤمن اشاره شـده و حفظ حجاب را یکی از راه حل‌های آن معرفی کرده است. ۲. مفسـران حکایت کرده‌اند که در آن زمان، کنیزان بدون پوشش تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۴ منـاسب سـروگردن از خانه‌هـا بیرون می‌آمدنـد و برخی از آنـان از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشـتند؛ از این رو برخی از جوانـان مزاحم آنان می‌شدنـد اما زنان آزاد مسـلمان که شـناخته می‌شدنـد، از تعرّض در امان بودنـد؛ از این رو در این آیه دسـتور داده شـد که زنان حجاب کامل خود را رعایت کننـد تا از کنیزان و آلودگان بازشـناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرنـد. ۳. مفهـوم این آیه آن نیست که جوانـان حقّ مزاحمت برای زنـان غیرمـؤمن و کنیزان را دارنـد، بلکه مقصود آیه آن است که بهـانه از دست افراد فاسـد گرفته شود. در اجتماع امروز نیز چنانچه زنان حجاب و شخصـیت اجتماعی خویش را حفظ کننـد، جوانان هرزه به آنان طمع نمی‌ورزنـد؛ چون زمینه‌ی انحراف را در آنان نمی‌بینند. ۴. «جِلباب» یا به معنای پارچه‌ی بزرگ (چادر مانند) است که سر و گردن و سـینه‌ها را می‌پوشاند، یا به معنای روسری و مقنعه و یا پیراهن گشاد. «۱» قدر مشترک همه‌ی این معانی آن است که بدن زن به وسـیله‌ی این پارچه‌هـا پوشـیده می‌شود؛ ومعنای اول مورد تأکیـد برخی لغت‌شـناسان است. «۲» ۵. مقصود از نزدیـک ساختن روسـری و چادر آن است که زنان آن را به بـدن خویش نزدیک کننـد تا به درستی محفوظ بمانند و آن را رها نسازند تا مبادا کنار

برود و بدن آنها آشکار شود. «۳» ۶. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که اصلاح جامعه را نخست از خانه‌ی خویش شروع کن و اول به همسرانت دستور حفظ حجاب بده، دوم به دخترانت «۴» و سوم به زنان مؤمن. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حجاب (شخصیت) زنان مؤمن را معرفی می‌کند. ۲. حجاب، شما را از شرّ دگرآزاران حفظ می‌کند. ۳. با حفظ کامل حجاب، بهانه را از دست دگر آزاران بگیرید. ۴. اصلاح جامعه را از خانواده‌ی خویش شروع کنید. ۵. خانواده‌ی رهبران الهی، در انجام دستورهای الهی پیش گام باشند. ۶. خدا خطاهای گذشته‌ی شما را به لطف خویش می‌آمرزد. *** قرآن کریم در آیات شصتم و شصت و یکم سوره‌ی احزاب به منافقان، بیمار دلان و شایعه پراکنان شدیداً هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۰ و ۶۱. لَئِن لَمْ یَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِی الْمَدِینَهِٔ لَنُغْرِیَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لَا یُجَاوِرُونَکَ فِیهَا إِلَّا قَلِیلًا* مَّلْعُونِینَ أَیْنَما ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِیلًا اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان (نوعی) بیماری است و شایعه‌پراکنان اضطراب‌انگیز در مدینه، به آن (کارها) پایان ندهند، قطعاً تو را بر آنان مسلّط می‌گردانیم، سپس جز اندکی در این (شهر) همسایه‌ی تو نخواهند بود؛* در حالی که طرد شده‌اند، هر کجا یافته شوند دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از منافقان در مدینه، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به جهاد می‌رفتند، شایعاتی درباره‌ی کشته شدن و اسارت آن حضرت می‌ساختند، برخی از مسلمانان شکایت آنان را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند و آیه‌ی فوق فرود آمد و به منافقان و شایعه‌پراکنان شدیداً هشدار داد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به فعالیت‌های ایذایی سه گروه در مدینه اشاره کرده است: الف) منافقان؛ ب) اراذل و اوباش؛ ج) شایعه پراکنان. اینان با اعمال موذیانه و توطئه‌آمیز و با پراکنده ساختن شایعات و خبرهای دروغ تلاش می‌کردند در روحیه‌ی مردم مدینه تزلزل ایجاد کنند. ۲. واژه‌ی «مُرجفُون» یا به معنای اشاعه‌ی مطالب باطل به منظور غمگین کردن دیگران است و یا به معنای اضطراب و تزلزل؛ و از آن جا که شایعات موجب اضطراب عمومی می‌شود در مورد این گروه این تعبیر به کار رفته است. ۳. در این آیه سه گروه منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان شدیداً مورد تهدید قرار گرفته‌اند که اگر به کارهای خود ادامه دهند، چتر حمایتی اسلام از آنان برداشته می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان بر آنان یورش می‌برند و در هیچ جا در امان نخواهند بود. «۱» ۴. در این آیات برای پیش‌گیری از آزار مردان و زنان مؤمن در مدینه دو راه پیش‌بینی شد: الف) حفظ حجاب کامل زنان و گرفتن بهانه از دست مزاحمان که در آیه‌ی قبل بیان شد. ب) هشدار شدید به دگرآزاران که در این آیات بیان شد. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۷ ۵. در این آیات اشاره شده که رهبری اسلام در صورتی که از ناحیه‌ی منافقان و شایعه‌پراکنان احساس خطر کند، می‌تواند بر فسادگران یورش برد و ریشه‌ی آنان را بکند. البته این حکم اختصاص به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد و رهبر حکومت اسلامی هم در شرایط مشابه می‌تواند از این روش استفاده کند. سر گرگ باید هم اول برید نه چون گوسفندانِ مردم درید (سعدی) ۶. پس از جنگ احزاب موقعیت حکومت اسلامی در مدینه تثبیت گشت و برخورد با منافقان شدیدتر شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان جامعه به شدّت ایستادگی کنید. ۲. در صورت لزوم، حکومت اسلامی می‌تواند با پایگاه‌های تبلیغاتی دشمن در جامعه با شدّت برخورد کند. ۳. هدف شایعه‌پراکنان، ایجاد اضطراب عمومی و ناراحت کردن مردم است. ۴. عوامل نفوذی دشمن را طرد کنید و از لانه‌هایشان بیرون بکشید و به هلاکت برسانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی احزاب به قوانین تغییرناپذیر خدا در جامعه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. سُنَّهَٔ اللَّهِ فِی الَّذِینَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّهِٔ اللَّهِ تَبْدِیلًا (این) روش خداست در مورد کسانی که پیش از (این) گذشتند؛ و هیچ تغییری برای روش (و قانون) خدا نخواهی یافت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعددی از قرآن مشابه تعبیر فوق تکرار شده است که قانون تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۸ و روش خدا در طول تاریخ یکسان است و تغییر نمی‌کند. «۱» این مطلب وحدت قوانین حاکم بر جهان را نشان می‌دهد و مؤمنان را دل گرم می‌سازد. ۲. برخی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی عبارت‌اند از: الف) یاری پیامبران توسط خدا؛ ب) شکست نهایی کافران؛ ج) لزوم عمل به

دستورات الهی؛ د) بی‌فایده بودن توبه‌ی گناهکاران در هنگام نزول عذاب؛ ه) مجازات منافقان، بیماردلان و شایعه‌پراکنان لجوج. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. روش‌ها و سنت‌های الهی (از اراده‌ی ثابتی برخاسته و) در طول تاریخ همسان است. ۲. جامعه و تاریخ قانونمند است. ۳. قوانین اجتماعی خدا (را بشناسید و مراقب باشید که مجازات‌های آنها در مورد شما اجرا نشود که) قطعی است. ***

رستاخیز

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی احزاب به نامعلوم بودن زمان رستاخیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳. يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۳۹۹ مردم از تو درباره‌ی ساعت (: رستاخیز) می‌پرسند، بگو: «علم آن فقط نزد خداست.» و چه می‌دانی شاید ساعت (: رستاخیز) نزدیک باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد پرسشگری که از رستاخیز پرسیده است، دو احتمال وجود دارد: الف) منافقان یا کافران با ریشخند می‌پرسیدند که قیامتی که محمد صلی الله علیه و آله می‌گوید چه زمانی برپا می‌شود؟ ب) برخی مؤمنان از روی حسّ کنج‌کاوی در مورد زمان رستاخیز می‌پرسیدند. البته تفسیر اول با آیات بعد که در مورد عذاب کافران است سازگارتر است. ۲. یکی از چیزهایی که علم آن منحصر به خداست و هیچ کس جز او از آن اطلاع ندارد، زمان رستاخیز است. ۳. فلسفه‌ی مخفی بودن زمان برپایی رستاخیز نکته‌ای تربیتی است که هیچ کس قیامت را دور نپندارد و خود را از عذاب‌های آن در امان نبیند و کم‌تر گناه و ستم کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ممکن است زمان رستاخیز نزدیک باشد (پس غفلت نورزید و خود را برای حضور در دادگاه عدل الهی آماده کنید). ۲. مردم مشکلات عقیدتی خود را از رهبران الهی بپرسند. ۳. آگاهی از زمان برپایی قیامت، مخصوص خداست (و کس دیگری از آن خبر ندارد). *** قرآن کریم در آیات شصت و چهارم و شصت و پنجم سوره‌ی احزاب به فرجام عذاب‌آلود کافران و تنهایی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۴ و ۶۵. إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيراً* خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً لا يَجِدُونَ وَلِيّاً وَلَا نَصِيراً در واقع، خدا کافران را از رحمت (خود) دور ساخته و برای آنان شعله‌ی فروزان (آتش) آماده ساخته است.* در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ [و] هیچ سرپرست و یاوری نخواهند یافت. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیات با بیان گوشه‌ای از عذاب دردناک کافران به آنها هشدار می‌دهد تا دست از عقاید کفرآمیز و ستمکاری بردارند و به سوی توحید بازگردند. ۲. در این جا واژه‌ی «ولّی» به معنای سرپرست است که انجام همه‌ی کارها را بر عهده می‌گیرد، ولی واژه‌ی «نصیر» به معنای امدادرسان است که فقط به انسان کمک می‌کند ولی کافران در رستاخیز تنها هستند؛ نه سرپرست و نه یاور دارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران از عذاب و تنهایی رستاخیز بهراسند (و دست از انحراف کفر بردارند). ۲. کفر زمینه‌ساز لعنت و عذاب الهی و باعث تنهایی انسان در رستاخیز است. *** قرآن کریم در آیات شصت و ششم تا شصت و هشتم سوره‌ی احزاب به پشیمانی کافران و شکایت آنان از رهبران کفر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۶- ۶۸. يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَالَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا* وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا* رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْناً كَبِيراً روزی که صورت‌های آنان در آتش (دوزخ) چرخانده خواهد شد، در حالی که می‌گویند: «ای کاش ما از خدا اطاعت کرده بودیم و از فرستاده (اش نیز) اطاعت کرده بودیم.»* و گویند: « [ای پروردگار ما! در واقع ما از سرورانمان و بزرگانمان اطاعت کردیم و ما را از راه گمراه کردند.* [ای پروردگار ما! آنان را از عذاب، دو چندان ده وآنان را با لعنتی بزرگ لعنت نما!» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «سادات» در این آیه مالک بزرگی است که تدبیر شهرهای مهم یا کشور را بر عهده دارد و منظور از «بزرگان» افرادی هستند که از نظر سن یا علم یا موقعیت اجتماعی و ثروت و قدرت بزرگ هستند. آری؛ اطاعت از این افراد به جای اطاعت از خدا و پیامبر، عامل انحراف و گمراهی کافران شد و اکنون در رستاخیز پشیمانی و شرمساری به بار آورده است. فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد (حافظ) ۲. کافران در دوزخ با بیان این سخنان و بهانه‌جویی‌ها می‌خواهند گناهان و

گمراهی خویش را به گردن رهبرانشـان بیندازنـد و برای رهبران خود تقاضـای عـذاب دو برابر می‌نماینـد. ولی قرآن کریم در آیات دیگر به آنان پاسخ منفی می‌دهد و کافران را مستحقّ عذابی دوچندان می‌داند، «۱» زیرا از رهبران کفر اطاعت کردند و گمراه شدند و ستمکاران را نیز تقویت نمودنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کـافران قبل از آن که به آتش دوزخ بازگردنـد از خـدا و پیامبرش اطاعت کنند. ۲. اطاعت از رهبران کفر، عامل گمراهی بشر و عذاب اخروی است. ۳. در رستاخیز، کافران فرانکنی می‌کنند و گناهان خود را به گردن هم‌دیگر می‌اندازند. *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی احزاب با اشاره به آزارهای مردم نسبت به موسی علیه السلام، به مسلمانان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَي فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهاً ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادنـد؛ و خـدا او را از آنچه (در باره‌ی او) گفتنـد مبرّا ساخت؛ و (وی) نزد خـدا آبرومند بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلداری می‌دهد که اگر کسی تو را آزار داد نگران مباش، مردم موسی علیه السلام را نیز آزار دادند ولی ما او را مبرا و آبرومنـد ساختیم. ۲. این آیه هشداری است به مسلمانان که مراقب رفتار و سخنان خود باشنـد که موجب آزار پیامبر صلی الله علیه و آله نشـود، هر چنـد خـدا حـامی پیـامبرش است. ۳. مقصود از آزارهـای مردم نسبت به موسـی علیه السلام چیست؟ مفسـران قرآن در این مورد چنـد پاسـخ داده‌انـد که عبارت‌انـد از: الف) منظور شـایعه‌ی مرگ موسـی بود که پس از رفتن موسـی و هـارون به کوه طور پخش شـد. ب) منظور اتهام سـحر و جنون به موسـی بود. ج) مقصود متهم کردن موسـی به بیماری‌های جسـمی (هم‌چون بَرَص) یـا روابط نامشـروع بود. د) منظور بهانه‌جویی‌های بنی اسـرائیل از موسـی بود «۱» که همه‌ی این مـوارد موجب آزار موسـی شـد پیـامبر اسـلام صـلی الله علیـه و آلـه و موسـی علیـه السـلام مـورد آزارهـای مشـابهی قرار می‌گرفتنـد مثـل: بهـانه‌جویی و شایعه‌پراکنی. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۳ ۴. هرگاه کسی در راه خدا گام بردارد و در نزد او آبرومند و صاحب منزلت شود، خـدا از او دفاع می‌کنـد و نسبت‌های ناروا و آزارهای مردم را از او دفع می‌کنـد و پاکی او را آشـکار می‌سازد. ۵. آزار پیامبر اسلام صـلی الله علیه و آله تنها در صـدر اسـلام نبود، بلکه ممکن است در عصـرهای بعـدی نیز کارهایی صورت گیرد که زحمات ایشان را بر باد دهد و موجب آزار روح پیامبر صلی الله علیه و آله شود. از این رو در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که هر کس علی علیه السلام و فرزندان او را آزار دهد، مشمول این آیه می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی را اذیت نکنید. ۲. رهبران الهی نزد خـدا آبرومندنـد و او از ایشـان دفاع می‌کنـد. ۳. از سـرنوشت دگرآزاران بنی اسـرائیل عبرت بیاموزیـد و رهبران اسـلام را آزار ندهیـد. *** قرآن کریم در آیـات هفتادم و هفتاد و یکم سوره‌ی احزاب با بیان پیامـدهای شـیرین پارسایی و اسـتواری در گفتار و اطاعت خدا و پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۷۰ و ۷۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيـداً* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَـدْ فَـازَ فَوْزاً عَظِيمـاً ای کسـانی که ایمـان آورده‌ایـد! خودتـان را از [عذاب خدا حفظ کنید و سخن استوار بگویید.* تا (خدا) کارهای شما را برایتان اصلاح کند و پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد؛ و هر کس از خـدا و فرسـتاده‌اش اطاعت کند، پس حتماً به کام‌یابی بزرگی نایل شود. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «قول سدید» به معنای سخن استوار است؛ گفتاری که خلل‌ناپذیر و موافق حق و عدل باشد و هم‌چون سدّ استواری جلوی امواج فساد و باطل را بگیرد. «۱» دلایـل قوی بایـد و معنوی نه رگ‌هـای گردن به حجّت قوی (سـعدی) ۲. در این آیات به چنـد مطلب اشاره شـده که هر کدام عامل و زمینه‌ساز دیگری است؛ یعنی: – تقوا عامل اصـلاح زبان و سـخن اسـتوارگفتن است؛ – سـخن اسـتوار و حق گفتن عامل اصلاح اعمال انسان است؛ – و اصلاح کارها عامل آمرزش گناهان است؛ چرا که کارهای نیک، گناهان را از بین می‌برنـد. «۲» ۳. در روایتی تاریخی آمده است که پیامبر صـلی الله علیه و آله هرگاه بر منبر می‌نشـست آیه‌ی فوق را تلاوت می‌کرد (تا به مردم یادآوری کند که تقوا داشته باشند و سخن استوار بگویند). ۴. زبان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اعضای بدن است که می‌تواند بیش از سی گناه کبیره انجام دهد؛ «۳» همان طور که می‌تواند عامل خیر و برکت و اصلاح باشد. در

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که ایمان هیچ بنده‌ای به راستی نمی‌گراید مگر این که قلبش مستقیم گردد و قلبش مستقیم نمی‌شود مگر آن که زبانش راست گردد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۵ ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام روایت شده که مقصود از پیروی خدا و پیامبر که موجب پیروزی و سعادت بزرگ می‌شود، اطاعت از آنها در ولایت علی علیه السلام است. «۱» البته روشن است که این حدیث یکی از مصادیق اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند و گرنه مفهوم آیه وسیع است و شامل هر گونه اطاعت می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تقوا و سخن استوار، عامل اصلاح کارها و آمرزش گناهان است. ۲. هر کس رستگاری و پیروزی می‌خواهد از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت کند. ۳. سخن درست و استوار بگویید تا کارهایتان اصلاح شود. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و دوم و هفتاد و سوم سوره‌ی احزاب به قبول امانت الهی توسط بشر و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲ و ۷۳. إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً* لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً در حقیقت، ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، و [لی از برداشتن آن سر باز زدند و از آن بیمناک بودند و انسان آن را بر دوش کشید؛ در واقع، او بسی ستمگر و بسیار نادان است.* تا خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند، و خدا (با رحمت خویش) تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۶ بر مردان باایمان و زنان باایمان بازگردد (و توبه‌ی آنان را بپذیرد)؛ و خدا بسیار آمرزنده‌ی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از امانت الهی در این آیه چیست؟ مفسران احتمال داده‌اند که منظور آزادی اراده و اختیار یا عقل و ولایت الهی یا معرفت خدا و واجبات و تکالیف الهی باشد. «۱» ولی می‌توان در یک جمع بندی گفت که امانت الهی همان قابلیت تکامل نامحدود بشر، آمیخته با اراده و اختیار و رسیدن به مقام انسان کامل و بنده‌ی خاص خدا شدن و پذیرش ولایت الهی است. به عبارت دیگر، اراده و عقل و معرفت انسان که زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری و قبول ولایت الهی است، همان امانت بزرگ خداست که به بشر داده شده است. ۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از این امانت، قبول ولایت امام علی علیه السلام و فرزندانش است. «۲» البته این گونه احادیث یکی از شعاع‌های ولایت الهی را بیان می‌کند که از امانت الهی بود. ۳. هر چند که همه‌ی نعمت‌های الهی و حتی وجود انسان امانت خداست ولی به خاطر اهمیت این امتیازِ بزرگ انسان از آن به امانت تعبیر شده است. ۴. مقصود از عرضه کردن امانت بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و ابا کردن آنها از پذیرش آن چیست؟ در این جا یا مقصود عرضه‌ی مستقیم است که لازمه‌ی آن اعطای عقل و شعور و اراده به آنها و سخن گفتن آنهاست و یا به معنای مقایسه؛ یعنی استعدادهای این موجودات با این امانت مقایسه شد و آنها با زبان حال گفتند که ما شایسته و پذیرای این امانت نیستیم. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۷ اما انسان که استعداد و قابلیت این امانت را داشت آن را پذیرفت. آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه‌ی کار به نام من دیوانه زدند (حافظ) ۵. مقصود از «ظَلوم وجهول» بودن انسان، یا آن است که برخی انسان‌ها این امانت الهی و امتیاز بزرگ را فراموش کردند و به بیراهه رفتند و بر خود ستم کردند و قدر خود را نشناختند «۱» و یا آن که انسان‌ها شأن ظلم و جهل را دارند؛ یعنی زمینه‌ی جهل و ستم در انسان‌ها هست. «۲» پس آیه در مقام سرزنش انسان نیست و پذیرش امانت الهی ناپسند نبوده است، بلکه فراموش کردن آن ناپسند بوده که زمینه‌ساز ظلم و جهل انسان‌ها شده است. ۶. هدف از امانت دادن به انسان‌ها آزمایش آنها بود که در اثر این آزمایش انسان‌ها به سه گروه منافق، مشرک و مؤمن تقسیم شدند. آری؛ در نهایت انسان‌ها به سه دسته شدند و هر کدام به سوی سرنوشت خود رهسپار گردند. «۳» مرا تحمّل باری چگونه دست دهد که آسمان و زمین برنتافتند و جبال (سعدی) ۷. مقدم شدن منافقان و کافران بر مؤمنان، شاید به خاطر آن است که در آخر آیه‌ی قبل از ظلوم و جهول یاد شد و این‌ها با منافق و مشرک تناسب دارند. ۸. مقصود از توبه‌ی خدا بر مؤمنان، همان فرستادن رحمت اوست و یا آن که مؤمنان از لغزش‌های خود نهراسند که خدا آنها را می‌بخشد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان شجاع‌ترین و بزرگ‌ترین امانت‌دار نظام

آفرینش است. ۲. شما امانت و مسئولیتی دارید که زمین و آسمان ندارند (قدر آن را بدانید). ۳. ظلم و جهل، انسان را از امانت الهی دور می‌سازد. ۴. همه‌ی انسان‌ها امانت‌دار خوبی نبودند (شما این گونه نباشید). ۵. هدف از امانت‌دار کردن انسان، لطف به مؤمنان و مجازات منافقان و کافران است. ۶. امانت‌دار خوبی برای امانت الهی باشید. «۱» *** تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۰۹

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۰ ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۱ ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر والمفسّرون، دکتر محمد حسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴.

الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبیة (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللّه، دار المعرفة، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفة السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۲ ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللّه، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبة الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسة الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیة اللّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۳ مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م

تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۴ ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللَّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللَّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللَّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۵ ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللَّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۶ معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر

سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می‌باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۷ احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۸ ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه

لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیـاب، دکتر عبد الحمیـد و دکتر احمـد قرقوز، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۱۹ مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنـوان طـب در قرآن، ترجمـه علی چراغی، انتشـارات حفظی بی تـا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شـمس الـدین محمـد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشـارات امیرکـبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعـانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثـانی، سـید محمـود الآلوسـی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسـعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسـی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، یـد اللَّه، شرکت سـهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعـهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهـج‌البلاغه، عبدالحمیـد بن هبـهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدیـد، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسـکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضـی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۰ ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخـاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلـدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صـحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سـره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثـار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقـان و القرآن، عبـدالرحمن العک، شیخ خالـد، الفرقان و القرآن، الحکمـهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عـدهٔ الـداعی، ابن فهـد حلی، جمال الـدین ابوالعباس، احمـد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسـلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صـدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبـهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالـدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشـگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السـلام شیـخ صـدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بـابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکـم و درر الکلم، تمیمی آمـدی، عبدالواحـد بن محمـد، دفتر تبلیغـات اسـلامی حـوزه قم، چـاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشـارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راونـدی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسـین) سـعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشـی نجفی، قم، چـاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیـک نوین، دکتر اریـک اوبلاـکر، ترجمه‌ی بهروز بیضـائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سـید علی اکبر قرشـی، دارالکتب الاسـلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقـدس، جمیز هـاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شـیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۱ چاپ دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسـناد، حمیری عبداللَّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسـلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصـص الانبیاء علیهم السـلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشـهای اسـلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقـدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقـدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمـهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السـلام، اربلی علی بن عیسـی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشـمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایـهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسـهٔ النشر الاسـلامی، ۱۴۱۴ ق.

۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت:، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۲ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های تفسیر قرآن مهر جلد شانزدهم، ص: ۴۲۳ علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد

بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم.

فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».